



معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی

عنوان گزارش:

نظام آموزش عالی و پژوهش

در برنامه های توسعه در ایران و ارائه سیاست های راهبردی برای برنامه ششم

مؤلف: وهاب کریمی کردآبادی

معاونت برنامه ریزی

امور برنامه ریزی اقتصاد کلان و ارزیابی برنامه

آبان ماه ۱۳۹۳

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۷.....	آموزش عالی، در ایران (گذشته، حال و آینده).....
۷.....	پیش گفتار.....
۱۳.....	آموزش عالی و تحقیقات پیش از انقلاب اسلامی.....
۱۳.....	آموزش عالی در برنامه‌های عمرانی چهارم و پنجم.....
۲۳.....	وضعیت آموزش عالی کشور پس از پیروزی انقلاب اسلامی.....
۲۷.....	برنامه اول توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و نظام انقلاب اسلامی.....
۳۰.....	آموزش عالی در برنامه دوم توسعه.....
۳۲.....	تدابیر و برنامه دوم توسعه برای گسترش آموزش و پژوهش.....
(۱۳۶۸-۱۳۷۸).....	ارزیابی نتایج و عملکردهای بخش آموزش عالی و تحقیقات در دو برنامه اول و دوم توسعه (۱۳۶۸-۱۳۷۸).....
۳۶.....
۳۶.....	ارزیابی عملکرد آموزش عالی و تحقیقات در برنامه اول توسعه.....
۴۲.....	تصویب از وضعیت آموزش عالی و تحقیقات در آستانه تدوین برنامه دوم توسعه.....
۴۸.....	ارزیابی عملکرد آموزش عالی و تحقیقات در برنامه دوم توسعه.....
۵۳.....	تصویب از وضعیت آموزش عالی و تحقیقات در آنها تدوین برنامه سوم توسعه.....
۵۵.....	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری.....
۵۷.....	آموزش عالی و تحقیقات در برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور.....
۵۸.....	محتوی و مضامین برنامه سوم توسعه در بخش‌های آموزش عالی و تحقیقات.....
۶۰.....	مضامین و جهت‌گیری‌های جدی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.....
۶۱.....	سیاست‌های آموزش عالی در بخش آموزش در برنامه سوم توسعه.....
۶۲.....	سیاست‌های تحقیقاتی در برنامه سوم توسعه.....
.....	ارزیابی نتایج و عملکرد برنامه سوم توسعه در حوزه‌های آموزش و تحقیقات در نظام
.....	آموزش عالی.....
۶۴.....	آموزش عالی.....
۷۳.....	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری.....

- آموزش عالی و تحقیقات در برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۸-۱۳۸۴) ۷۴
- توصیف و تحلیل شرایط آموزش عالی و پژوهش در آستانه تدوین برنامه چهارم توسعه ۷۵

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۸۰	محتوا و مضامین برنامه چهارم توسعه در بخش پژوهش و فناوری
۸۴	محتوا و مضامین برنامه چهارم توسعه در حوزه آموزش عالی
۸۵	ارزیابی عملکرد و نتایج بخش آموزش عالی و تحقیقات در برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۸-۱۳۸۴)
۹۳	وضعیت شاخص‌های آموزش عالی در دو بخش دولتی و غیردولتی
۹۶	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۹۹	آموزش عالی و تحقیقات در برنامه پنجم توسعه
۱۰۱	توصیف و تبیین وضع موجود حوزه‌های آموزش عالی و تحقیقات در آستانه تهیه برنامه پنجم توسعه
.....	محتوا و مضامین بخش آموزش عالی (در حوزه‌های آموزش، پژوهش و فناوری) در برنامه پنجم توسعه
۱۰۵
۱۱۶	عملکرد دو ساله برنامه پنجم توسعه در بخش آموزش عالی
۱۱۸	عملکرد شاخص‌های کلیدی و متغیرهای عمده در حوزه‌های آموزش عالی در برنامه پنجم توسعه
۱۲۲	عملکرد شاخص‌های کلیدی و متغیرهای عمده در حوزه پژوهش و فناوری در برنامه پنجم توسعه
۱۲۴	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۱۳۶	سیاست‌های راهبردی برای برنامه ششم توسعه
۱۴۳	منابع و ماخذ:

فهرست جداول

صفحه	عنوان
۳۷.....	جدول (۱) وضع آموزش عالی بر حسب شاخص‌ها و متغیرهای کلیدی در سال ۱۳۶۸.....
۴۱.....	جدول (۲) درصد اعتبارات مالی بر حسب گروه‌های عمده آموزش.....
.....	جدول (۳) پروژه‌های تحقیقاتی در گروه‌های عمده آموزش بر حسب تعداد و مراکز تحقیقاتی در سال اول برنامه اول توسعه.....
۴۱.....
۴۲.....	جدول (۴) تعداد کل دانشجویان به تفکیک بخش‌ها در سال ۱۳۷۲.....
۴۲.....	جدول (۵) تعداد دانشجویان بخش دولتی بر حسب گروه‌های آموزشی.....
۴۳.....	جدول (۶) نسبت اعتبارات تحقیقاتی دولتی نسبت به برخی از شاخص‌ها در سال ۱۳۷۱ و ۱۳۷۲.....
.....	جدول (۷) تصویب از نیروی انسانی بخش تحقیقات کشور با برخی از شاخص‌های عمده در سال ۱۳۷۳.....
۴۵.....
.....	جدول (۸) تعداد پژوهشگران، کارشناسان و تکنسین‌ها به تفکیک گروه‌های تخصصی بر حسب بخش‌های دولتی و غیردولتی در سال ۱۳۷۳.....
۴۶.....
۴۶.....	جدول (۹) تعداد پروژه‌های در دست اجرا بر حسب گروه‌های تخصصی در بخش‌های دولتی و غیردولتی.....
۴۷.....	جدول (۱۰) نوع پروژه‌های انجام شده در سال ۱۳۷۳.....
.....	جدول (۱۱) تعداد فارغ‌التحصیلان دانشگاهی بر حسب بخش‌های دولتی و غیردولتی در طول برنامه دوم توسعه.....
۵۰.....
۵۴.....	جدول (۱۲) تصویب از تحول شاخص‌های عمده و متغیرهای کلیدی در دو برنامه اول و دوم توسعه.....
۶۶.....	جدول (۱۳) عملکرد شاخص‌های کلیدی آموزش عالی در بخش دولتی در برنامه سوم توسعه.....
.....	جدول (۱۴) برخی از شاخص‌های عمده و کلیدی آموزش عالی در بخش‌های دولتی و غیردولتی در برنامه سوم توسعه.....
۶۹.....
۶۹.....	جدول (۱۵) توزیع اعتبارات آموزش عالی در برنامه سوم توسعه.....
۷۱.....	جدول (۱۶) عملکرد شاخص‌های کلیدی بخش پژوهش و فناوری.....
۷۲.....	جدول (۱۷) شاخص تعداد محقق در یک می‌یون نفر جمعیت در برنامه سوم توسعه.....

جدول ۱۸) شاخص‌های عمده تحقیقات در سال ۱۳۸۱ و برآورد آنها برای سال‌های ۱۳۸۵، ۱۳۹۰، ۱۳۹۴ (وضعیت مطلوب)..... ۷۸

فهرست جداول

صفحه	عنوان
۸۰.....	جدول ۱۹) شاخص‌های دانایی در ایران و چند کشور منتخب.....
۸۷.....	جدول ۲۰) دانشجویان کل کشور در سال‌های برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۸-۱۳۸۴) در مقاطع تحصیلی در دو بخش دولتی و غیردولتی.....
۸۷.....	جدول ۲۱) تعداد کل دانشجویان کشور در هر یک از سال‌های برنامه چهارم توسعه.....
۸۸.....	جدول ۲۲) تعداد دانشجویان روزانه و شبانه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری برحسب سال‌های برنامه چهارم.....
۸۹.....	جدول ۲۳) تعداد دانشجویان دانشگاه‌های پیام نور و علمی - کاربردی در سال‌های برنامه چهارم برحسب مقاطع تحصیلی.....
۹۰.....	جدول ۲۴) تعداد دانشجویان زیرمجموعه وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در دوره‌های روزانه و شبانه برحسب سال‌های برنامه چهارم.....
۹۱.....	جدول ۲۵) تعداد دانشجویان دانشگاه‌های وابسته به دستگاه‌های اجرایی برحسب مقاطع تحصیلی در سال‌های برنامه چهارم.....
۹۲.....	جدول ۲۶) کل دانشجویان سراسر کشور در بخش‌های دولتی و غیردولتی برحسب سال‌های برنامه چهارم.....
۹۴.....	جدول ۲۷) برخی از شاخص‌های عمده در بخش آموزش عالی در سال‌های برنامه چهارم توسعه.....
۹۵.....	جدول ۲۸) عملکرد اعتبارات هزینه‌ای و تملک دارایی‌ها در بخش آموزش عالی در دو وزارتخانه.....
۹۷.....	جدول ۲۹) تصویب از عملکرد شاخص‌های کلیدی و اعتبارات پژوهشی در برنامه چهارم توسعه.....
۱۰۳.....	جدول ۳۰) منابع و اسناد برنامه آموزش عالی، تحقیقات و فناوری در برنامه پنجم توسعه.....
۱۰۶.....	جدول ۳۱) اقدامات و سازوکارهای نیل به تحول بنیادین در آموزش عالی در برنامه پنجم توسعه.....
۱۰۷.....	جدول ۳۲) اقدامات و سازوکارهای اجرایی برای دستیابی به جایگاه دوم علمی و فناوری در منطقه برحسب برنامه پنجم توسعه.....

جدول ۳۳) اقدامات و سازوکارهای اجرایی برای دستیابی به جایگاه دوم علمی و فناوری در منطقه برحسب برنامه پنجم توسعه ۱۰۹

فهرست جداول

صفحه	عنوان
جدول ۳۴) اقدامات و سازوکارهای دستیابی به گسترش حمایت‌های هدفمندسازی و معنوی از نخبگان و نوآوران علمی و فناوری در برنامه پنجم توسعه ۱۱۰	
جدول ۳۵) عملکرد شاخص‌های کمی کلیدی حوزه آموزش عالی در سال‌های اول و دوم برنامه پنجم توسعه ۱۱۹	
جدول ۳۶) عملکرد شاخص‌های کلیدی و حوزه آموزش عالی در دو سال اول اجرای برنامه پنجم توسعه (۱۳۹۰-۱۳۹۴) ۱۲۰	
جدول ۳۷) عملکرد حوزه پژوهش و فناوری برحسب شاخص‌ها و متغیرهای کلیدی در برنامه پنجم توسعه .. ۱۲۲	

آموزش عالی در ایران: گذشته، حال و آینده

پیشگفتار (مبانی نظری)

یکی از مهمترین مباحث در اندیشه مدرن ایده آموزش عالی و کارکردهای آن است. هر چند آموزش و نهادهای تولید دانش و آموزش بطور اعم در طول تاریخ بشر وجود داشته ولی با مشخصات و ویژگی‌هایی که در چند دهه اخیر در اقصی نقاط جهان و در جوامع مختلف شاهد بوده‌ایم، ماهیت، کارکرد و بعضاً وظایف نهاد دانشگاه دستخوش تغییرات جدی شده است.

دانشگاه به مثابه نهاد علم و مرکز آموزش و پژوهش و ... در قرن‌های گذشته جایگاه ویژه‌ای داشته است ولی در گذر زمان و در بستر حوادث و رویدادهای مختلف تغییرات جدی کرده و تحول و تکامل یافته است. دامنه این تحولات تا حدی بوده که تأثیر بر ساختار فیزیکی و غیرفیزیکی دانشگاه گذاشته است.

صرفنظر از اینکه فرآیند نظام آموزش عالی و در واقع دانشگاه چگونه و با چه خصوصیتی و بر مبنای چه الگوهایی شکل گرفته به این نکته باید توجه داشت که در گذشته و در حال حاضر ایده آموزش عالی یا دانشگاه چگونه تعریف شده و می‌شود و همچنین، چگونه به موازات تحولات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی تحول یافته است؟ زیرا بر مبنای همین ایده است که ورودی‌ها و خروجی‌های دانشگاه تعریف و تعیین می‌شوند. به سخن دیگر ایده دانشگاه در هر جامعه‌ای می‌تواند معیار سنجش عملکرد آن دانشگاه باشد. به عبارت دیگر، تا این ایده تعریف و مورد توجه و تجزیه و تحلیل قرار نگیرد نمی‌توان نسبت به عملکرد یا وظایف دستوری یا غیردستوری آن حکم صادر نمود.

نکته دیگر اینکه باید رابطه دانشگاه با جامعه (جامعه مدنی)، با دولت و بازار از یکسو، و نظام سیاستگذار آموزش عالی در جامعه تعریف شود. یعنی اینکه نهاد دانشگاه و نظام آموزش عالی تا چه حدی و در چه سطحی باید از استقلال برخوردار باشند.

آیا نظام آموزش عالی باید پاسخگوی سیاست‌های کلی تعیین شده باشد یا دانشگاه و مرکز آموزش عالی؟ این نظام و این مؤسسات آموزش عالی باید پاسخگوی چه نیازهایی باشند؟ این نیازها را چه کسی یا نهادی تعیین می‌کند؟ و در چه سطحی و با چه ضوابط و معیارهایی به این نهادها و مراکز مأموریت داده می‌شود؟

برای پاسخ به این سوالات گریزی تاریخی به نحوه شکل‌گیری دانشگاه و سیر تحولات آن و نیز الگوهای دانشگاهی در غرب می‌شود. این اشارات تا حدود زیادی کمک خواهند کرد تا نهاد علم و دانش را از سرچشمه آن بشناسیم.

بر طبق نظر پژوهشگران مختلف نقطه عزیمت دانشگاه، هویت و ایده دانشگاه از نظر تاریخی به قرن نوزدهم برمی‌گردد (هر چند تحولات تاریخی این نهاد سابقه دیرینه‌تری دارد). در میان تحولات مدرن قرن نوزدهم بود که رفته رفته مدل‌های مختلفی از نهاد دانشگاه مطرح شدند و به تدریج در دانشگاه‌های کشورهای مختلف دیگر تبلور و تجسم عینی پیدا کردند. پایه اصلی مباحث و اختلاف در الگوها به تفاوت در برداشت‌ها و ارزیابی‌ها از گذشته این نهاد در جوامع مختلف مربوط می‌شد.

پیشتر در عصر میانه دانشگاه‌های اروپا و غرب عمدتاً با مسیحیت‌گرایی عجین بودند زیرا در آن دوره انسان قبل از هر چیز خود را به مثابه موجودی دینی می‌دید. ملیت، رنگ و نژاد اگر برای او مهم بود ولی فرع بر دین‌داری وی محسوب می‌شد. در آن هنگام کلیسای مسیحی بود که تمدن غربی را نمایندگی می‌کرد. حکومت، قانون، معماری، هنر و فلسفه زندگی و اخلاقیات همگی در پیوند با ایمان مسیحی تعریف می‌شدند.

یک نمونه از این موارد، دانشگاه پاریس بود که توسط کلیسا در دهه ۱۱۵۰ میلادی تاسیس شد. هر چند نخستین نهاد علمی که برای معرفی خود اصطلاح دانشگاه را انتخاب کرد دانشگاه بولونی در ایتالیا بود که در سال ۱۰۸۸ میلادی تاسیس گردید. اما نه تنها این دانشگاه بلکه سایر دانشگاه‌های معتبر مثل اکسفورد، کمبریج و هاروارد که پس از دانشگاه پاریس تأسیس شدند نتوانستند اهمیت و اعتبار این دانشگاه را از نظر وابستگی به آیین مسیحی پیدا نمایند. در آن زمان دانشگاه به معنی یک صنف منطبق و سازگار با الگوهای زمان خود تعریف و مطرح می‌شد که به دنبال تولید و حاکمیت ذهن در ابعاد مختلف زندگی بود. (بیمینی دوزی سرخابی محمد - دانشگاه مجازی، ص ۱۶، ۱۳۸۸)

ذکر نام دانشگاه پاریس از این جهت حائز اهمیت است که این دانشگاه از هر جهت مهم‌ترین دانشگاه قرون وسطی و غیرقابل مقایسه با دانشگاه‌های جهان بود و تا حدود هزار سال، هیچ یک از دانشگاه‌های جهان نتوانستند به موقعیتی برسند که این دانشگاه به سبب تأسیس و پایه‌ریزی دوره دکترای الهیات و آرایه مدلی ویژه از آموزش به آن رسیده بود. در واقع این دانشگاه الگوی اصلی آموزش بود که الهیات مسیحی قرون میانه در آن توسط کسانی چون توماس اکونیا که در آن هم تحصیل کردند و هم بعداً تدریس می‌نمودند ساخته شد.

مع الوصف، در قرن پانزدهم با آن که دانشگاه پاریس در اوج خود بود اما رفته‌رفته به دو دلیل داخلی و خارجی رو به انحطاط گذاشت، یکی به خاطر خودبینی اساتید که انحصار تدوین متون را بعهده داشتند و در تلاش بودند تا برای حفظ موقعیت خود به هر بهایی، به تکرار خود و دروس تکراری ادامه دهند یعنی «جلوه فروشی» و «بی‌توجهی به معنا و روح دانشگاه» به عنوان عوامل داخلی، و دیگری در اثر تحول تاریخ غرب و انتقال آن به

دوره دیگر که بعدها توسط متخصصان دوره «دولت - ملت»، عصر روشنگری، نامیده شد، بود. در این دوره دین مرکزیت خود را از دست داد و دولت - ملت و منافع ملی در مرکز توجه قرار گرفت.

در دوره جدید، بر خلاف دانشگاه دوره میانی و روشنگری، دانشگاه‌هایی ظهور پیدا کردند که به جای دفاع از اصول و عقاید مسیحی، به دفاع از آرمان دولت - ملت پرداختند. در این دوره ایده دانشگاهی جدید زبان آلمانی را جانشین زبان لاتین نمود، و دروس علمی جای آموزش متون مقدس، و جلسات بحث و گفتگو و تحقیق جای منازعات و مجادلات را گرفتند. در همین دوره بود که رشته‌های جغرافیا، ریاضیات، سیاست، علوم طبیعی و طب جایگاه شایان توجهی پیدا کردند و سایر رشته‌ها به حاشیه رانده شدند. در حقیقت این گسستگی بود که به تدریج دانشگاه به مثابه نهادی سکولار جایگزین ایده دانشگاهی قبلی گردید.

دانشگاه برلین حدود یک قرن پس از دوره روشنگری تاسیس شد. دوره‌ای که مدرنیته نام گرفت. در این مقطع دانشگاه بر سه اصل استوار شد یکی سیادت انسانی بر سرنوشت خویش، دوم شکل‌گیری نهادهای بوروکراتیک و اندیشه ترقی و بالاخره فلسفه با ذهن خود بنیان. این دانشگاه در سال (۱۸۱۰-۱۸۰۹ میلادی) توسط ویلهلم فون همبولت تاسیس شد. او در صدد برآمد تا از دانشگاه تعریفی بدست دهد که نه در خدمت کلیسا و نه سر سپرده دولت باشد (فراستخواه مقصود، دانشگاه مجازی، فصل ۶ ص ۴)

این دانشگاه اصول و رویه‌هایی را تصویب کرد که به موجب آنها اولاً، نه تنها برجسته‌ترین اساتید و دانشمندان هر حوزه اجازه داشتند تدریس کنند که می‌توانستند امیدوار به ادامه حضور خود در دانشگاه باشند به شرطی که هیچگاه از تحقیق باز نایستند، ثانیاً، آزادی در امر تحقیق و تدریس به وسیع‌ترین معنای کلمه وجود داشته باشد و ثالثاً، علم و هنر یا دانش و تخصص در مرکز تحقیق قرار می‌گرفت. چنین نهادی می‌بایستی با دو خطر همواره مقابله کند یکی با دانش به ارث رسیده از گذشته و دیگری تأمین سود انحصاری برای افراد خاص. از نظر همبولت ایده دانشگاه، جستجوی حقیقت و زمینه‌ساز ظهور نهادی جدید از دانشگاه می‌باشد.

اما پس از گذشت چند دهه از ایده همبولتی دانشگاه، ایده جدیدی شکل گرفت که هدف آن نه خدمت به دین، نه یاری‌رساندن به ملت و نه جستجوی حقیقت بلکه همراه شدن با نظام جهانی و جهانی شدن و همراهی با سیاست‌های بازار داخلی بود.

به این ترتیب، می‌توان دریافت که چگونه هویت و ایده دانشگاه در چند سده گذشته، از شرایط و نیازهای جامعه و ذینفعان تاثیر پذیرفته است. چنین دانشگاهی مأموریت‌هایی را پذیرفت به گونه‌ای که یک نهادی سودمند برای تعلیم و آموزش مهارت‌ها باشد. دوم نهادی آموزشی که بتواند قدرت و استعداد های ذهنی و فکری افراد را پرورش دهد تا هم نیروهای متخصص جامعه را تربیت کند و هم زمینه ورود زنان و مردان را برای

دسترسی عادلانه به آموزش و تحقیق مهیا سازد. و همچنین تعادل و تناسب بین پژوهش و آموزش را فراهم سازد و نهایتاً، از انتقال فرهنگ و میراث علمی و آموزشی گذشته به آینده بازنماید و در عین حال به فرهنگ عمومی و استانداردهای مشترک آموزش شهروندی همت گمارد. (همان ص ۴)

اما تحولات پرشتابی که طی چند دهه اخیر در سطح جهان روی داده کم کم انحصار تولید دانش و علم را از دانشگاه خارج ساخته زیرا مراکز و مؤسسات مشابهی بیرون دانشگاه شکل گرفته‌اند که نه تنها کارکردهای مشابهی دارند بلکه در برخی از زمینه‌ها مثل فناوری‌های نو دانش‌های جدید تولید می‌کنند (جرارد دلانتی، دانش در چالش، علی بختیاری‌نژاد، مقدمه، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۳).

علاوه بر تحول مزبور، جهانی‌شدن یکی دیگر از تحولاتی بود که تأثیر جدی بر جریان تولید انحصاری دانش گذاشت و مزید بر آن با گسترش آموزش توده‌ها، جنبش‌های اجتماعی جدیدی برآمدند که انواعی از فناوری‌های اطلاعاتی نو را ابداع نموده که به تبع آنها دانش پیش از پیش در جامعه گسترش یافته است. به این ترتیب می‌توان دریافت که دانشگاه دیگر نه تنها از نظر تولید و بازتولید دانش نهاد انحصاری نیست بلکه دیگر نقش منحصربفرد تعیین و هدایت فرهنگ ملی را بعهده ندارد.

البته، بیان تحولات یاد شده و دگرگون شدن کارکردهای دانشگاه به این معنا نیست که عمر دانشگاه به پایان آمده بلکه به این معناست که تغییر شکل و تحول ساختاری آن باید مورد توجه باشد تا بتواند در برقراری ارتباط انواع مختلف دانش، بویژه میان دانش به مثابه علم و دانش به مثابه فرهنگ پلی ایجاد نماید. به سخن بهتر، در شرایط کنونی که بیش و کم دولت‌ها در اکثر کشورها، از مسئولیت‌های اجتماعی به معنای واقعی آن خود را کنار می‌کشند و یا دانشگاه‌ها را به منزله دستگاه رسمی ایدئولوژیک خود تلقی می‌نمایند، این نهاد می‌تواند نقش بیشتری در تعیین و تعریف ارزش‌های شهروندی، تحقیقات بنیادی و حتی کاربردی و توسعه‌ای و فناوری و فرهنگ ایفا نماید.

در هر صورت باید توجه داشت که امروزه آموزش عالی با همه فراز و نشیب‌هایی که در ازمئه تاریخ داشته و جوامع بشری نیز تحولات جدیدی به خود دیده دارای سه کارکرد عمده است یکی تولید دانش یا همان پژوهش، دوم انتقال دانش یا آموزش و سوم توزیع دانش یا ارایه خدمات (یونسکو).

بنابراین وقتی همین سه کارکرد مورد توجه قرار می‌گیرد باید توجه جدی داشت که چگونه در جامعه می‌توان این سه کارکرد را در حد استاندارد ارتقاء داد. یکی از راه‌حل‌های مهم در این خصوص برنامه‌ریزی دقیق، سنجیده با ارزیابی‌های دوره‌ای بر این عملکردها می‌باشد.

مع الوصف، تحقق ایده دانشگاه یا کارکردهایی که از آن انتظار می‌رود بایستی شرایط اقتصادی و اجتماعی وقوع آن مهیا باشد. جامعه ایران بویژه در دوران جمهوری اسلامی، در یک دوره حداقل سی‌ساله، بیش و کم تلاش‌های متعددی صورت گرفت تا دانشگاه به معنای واقعی کلمه در جایگاه اصلی خود قرار گیرد. به همین منظور بدلیل تنوع واحدهای دانشگاهی و مؤسسات مختلف آموزش عالی سازمانی برای برنامه‌ریزی، نظارت، هدایت و هماهنگی آنها تحت عناوین، مختلف «وزارت فرهنگ و آموزش عالی»، «وزارت علوم و آموزش عالی» و اکنون «وزارت علوم، تحقیقات و فناوری» تعریف گردید. با نگاهی به این نام‌ها ملاحظه می‌شود که در سیر تحول آموزش عالی در ایران چه هدف‌هایی دنبال شده و انتظار می‌رفته که در این بخش چه وظایفی صورت پذیرد هر چند با توجه به عناوین وزارتخانه ذی‌ربط در زمان‌های مختلف می‌توان فهمید که انتظار این بوده که در مرحله اول بایستی نقش فرهنگی برجسته‌ای داشته باشد، در دوره دوم، بار علمی آن برجسته شده و در دوره سوم، علاوه بر علوم تحقیقات و فناوری به آن اضافه شده است. حال وقتی در پرتو همین نام‌ها سیر تحول سه دهه گذشته این بخش مرور می‌شود کم و بیش این سوال بیش از همه به چشم می‌خورد که آیا تحولی از لحاظ کارکردی متناسب با این عناوین رخ داده است؟ برای پاسخ به همین سؤال و مشابه آن منطقی‌ترین روش این است که برنامه‌های بخش آموزش عالی را که در هر دوره تدوین شده مورد توجه قرار داده و عملکرد و نتایج آنها را مورد سنجش و ارزیابی قرار دهیم. با همین هدف تلاش شده برنامه‌های تدوین شده در حوزه‌های آموزش عالی و پژوهش از لحاظ مضامین و محتوا (براساس هدف‌ها، سیاست‌های کلی، اجرایی و فعالیت‌ها) مورد توجه و تجزیه و تحلیل قرار گیرند و متعاقباً به تناسب نتایج و عملکرد آنها توصیف و تحلیل گردند.

در این مطالعه، به اجمال دو برنامه پیش از انقلاب نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد تا ماهیت و جهت‌گیری آنها در نظام آموزش عالی روشن گردد. به علاوه تلاش شده تا این توجه جلب گردد که نظام آموزش عالی از بدو تأسیس و سپس توسعه آن، به منظور هدف‌های مشخصی و برای انجام وظایف معینی مورد توجه و برنامه‌ریزی قرار گرفته است. متعاقباً با همه فراز و نشیب‌های مختلف در پس از پیروزی انقلاب اسلامی، اگرچه پارادایم‌های سیاسی و فرهنگی تغییر کردند ولی بخش اعظم وظایف علمی، تحقیقاتی و آموزشی این بخش همچون گذشته مورد توجه قرار گرفت. ولی در رویکردها، معیارهای پذیرش دانشجو و استاد و مدیریت دانشگاه‌ها و برنامه‌های درسی و نظام آموزش عالی تغییراتی ایجاد گردید. این تغییرات علیرغم رسالت و ماهیت دانشگاه، مأموریت‌های جدیدی نیز برای دانشگاه‌ها تعریف نمود که تا حدی، مأموریت‌های جدید، در برخی از موارد در تعارض، با ماهیت و ایده دانشگاه بوده است به همین خاطر در برخی از دوره‌های مختلف این چالش‌ها و تعارضات بروز و ظهور داشته‌اند.

آنچه در این مطالعه مورد تأکید و بررسی قرار می‌گیرد دایر بر محتوا و عملکرد برنامه‌های توسعه طی چندین برنامه در حوزه‌های آموزش عالی و تحقیقات در کشور می‌باشد. در این بررسی نشان خواهیم داد که مضمون هر برنامه چه بوده و چه مأموریت‌های جدیدی در بخش‌های آموزش عالی و تحقیقات برای هر دوره در نظر گرفته شده، عملکرد و نتایج این مأموریت‌ها چه بوده است. آیا می‌توان در فرآیند سه دهه گذشته یا به عبارت بهتر در نیم‌قرن گذشته یک فرایند تکاملی را در نظام آموزش عالی در جهت توسعه کشور دید یا اتفاقات دیگری روی داده است؟ آیا سیر تحول نظام آموزش عالی در دو حوزه آموزش و تحقیقات نوید چه تحولاتی را در آینده می‌دهد؟ آیا عدم تحقق مأموریت‌های تعیین شده در برنامه‌ها به علت محتوای برنامه‌ها بوده یا عوامل دیگری در آن دخیل بوده اند؟

به این ترتیب، در این مطالعه بررسی می‌شود که چه تفاوتی‌هایی از لحاظ محتوایی و عملکردی در برنامه‌های توسعه در بخش آموزش و تحقیقات وجود داشته است. و بیشتر بر روی چه مسائلی تأکید شده است و نهایتاً چه دورنمایی را برای آینده این بخش می‌توان متصور گردید؟

آموزش عالی و تحقیقات پیش از انقلاب اسلامی

بررسی روند تحول کمی و کیفی آموزش عالی در ایران صرفاً با تکیه بر چند نکته اساسی صورت می‌گیرد که هم گذشته آموزش عالی از حیث برنامه‌های توسعه بدست داده شود و هم ماهیت و عملکردهای این بخش را با وضوح بیشتر دریابیم و در نتیجه ملاحظات راهبردی خود را درباره اصلاح روندها، سیاست‌ها و سازورکارهای اجرایی بیان کنیم. به نظر می‌رسد تا چنین شناختی از وضعیت آموزش عالی در ایران بدست داده نشود نمی‌توان آینده آن را آنطور که بایسته است مشخص و برآورد نمود.

نخست این سؤال مطرح است که آیا روند طی شده در نظام آموزش عالی در ایران مطابق برنامه‌های تعیین شده بوده است یا عوامل دیگری از جمله عوامل داخلی، خارجی و ... در آن دخیل بوده‌اند؟

آموزش عالی در برنامه‌های عمرانی چهارم و پنجم

نقطه عزیمت تحول در تاریخ آموزش عالی مدرن در ایران به سال‌های دهه ۱۳۴۰ و در چارچوب دو برنامه عمرانی سوم و چهارم برمی‌گردد. در این دو برنامه علاوه بر اینکه عده زیادی از دانشگاه‌های بزرگ استانی تاسیس شدند مراکز و مؤسسات متعدد آموزشی و پژوهشی نیز به منصفه ظهور رسیدند. با وجود آن به دلیل توسعه آموزش متوسطه، ظرفیت‌های دانشگاهی هنوز تکافوی تقاضای اجتماعی را نمی‌کرد بنابراین رفته رفته فارغ‌التحصیلان آموزش متوسطه تحت عنوان «دیپلمه‌ها» به معضل جدی در کشور و در نظام آموزش عالی کشور تبدیل شدند.

در اولین سال دهه ۵۰ بود که دولت وقت اقدام به تغییر نظام آموزش عمومی تحت عنوان انقلاب آموزشی نمود و نظام آموزش عمومی را در سه سطح مختلف متحول ساخت که تا حدی و تغییرات اساسی در آن ایجاد گردید. به دنبال این امر ظرفیت‌های جدیدی برای جذب داوطلبان آموزش عالی ایجاد گردید. مراکز مختلف خصوصی و غیرانتفاعی به این حوزه اضافه گردید و در نتیجه در همان دهه تعداد دانشجویان کشور بالغ بر ۱۳۰ هزار نفر شدند (قابل مقایسه است با تعداد دانشجویان اواخر سال ۱۳۴۰).

در برنامه چهارم عمرانی (۵۰-۱۳۴۶) هدف‌های مورد نظر در آموزش عالی این بود که اولاً با «بهبود کیفیت آموزش» تعداد دانشجویان دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی مستقل دولتی از ۳۷ هزار و پانصد نفر در پایان برنامه سوم به ۶۰ هزار نفر در پایان برنامه چهارم افزایش یابد. در این دوره مدارس عالی اختصاصی - وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های دولتی و مؤسسات آموزش عالی خصوصی در برنامه چهارم مورد توجه قرار نگرفت. ثانیاً، توزیع دانشجویان در این سطح آموزش به نحوی تعیین شود که ۵۵ درصد دانشجویان در رشته‌های علمی و فنی و

صنعتی و ۴۵ درصد دیگر در سایر رشته‌ها تحت تعلیم و تربیت قرار گیرند (ارزیابی از برنامه چهارم و دورنمای بیست ساله بخش آموزش و پرورش: ۱۳۵۳).

بر پایه این هدف‌ها سیاست‌های اجرایی مورد نظر در این بخش به شرح زیر عنوان گردید:

- ایجاد نظام جدید آموزشی در مقاطع تحصیلی پنج‌ساله ابتدایی و سه ساله راهنمایی و چهار ساله متوسطه براساس تجدید نظر اساسی در برنامه‌های درسی و ایجاد دروس مقدماتی برای آشنایی با مقدمات فن و حرفه در مدارس راهنمایی و ایجاد تنوع با تأکید بیشتر بر دروس فنی و حرفه‌ای در برنامه‌های درسی مدارس متوسطه.

- تقویت شورای تجهیز و هماهنگی نیروی انسانی به منظور تعیین سیاست پرورش نیروی انسانی در کشور و ایجاد هماهنگی بین مؤسسات آموزش حرفه‌ای و فنی و اتخاذ تصمیم در مورد تأسیس رشته‌های جدید فنی و حرفه‌ای با توجه به نوع احتیاجات هر نقطه و تعیین وظیفه تعلیمات اختصاصی هر وزارتخانه و دستگاه دولتی و هماهنگ کردن امر عرضه و تقاضای نیروی انسانی فنی و حرفه‌ای و صنعتی و کشاورزی.

- ایجاد وسایل و امکانات و شرایط مناسب کار برای امور علمی و تحقیقاتی

در این برنامه از مجموع ۳/۵ میلیارد تومان هزینه آموزش در ایران ۶۰۰ میلیون تومان (۱۷/۷ درصد) به آموزش دانشگاهی و ۳۰ میلیون تومان برای تحقیقات علمی در نظر گرفته شد.

نکته جالب توجه در این برنامه این بود که تعداد دانش‌آموزان دوره متوسطه از حد متعادل بسیار فراتر رفت بطوری که در سال ۴۹-۱۳۴۸ تعداد دانش‌آموزان مزبور از ۶۷۴ هزار نفر در پایان برنامه سوم به ۸۹۷ هزار نفر (با ۳۳/۵ درصد) افزایش یافت. یکی از دلایل عمده این افزایش سرمایه‌گذاری‌هایی بود که در بخش آموزش عمومی ایجاد گردید و این افزایش چشمگیر در تعداد دانش‌آموزان دوره متوسطه تبدیل به یکی از معضلات بخش آموزش در کشور شد. تحلیل‌گران در همان اوان بر این عقیده بودند که برنامه‌های درسی در مدارس متوسطه نظری دانش‌آموزان را تنها برای ادامه تحصیل و کسب تخصص در دانشگاه‌ها آماده می‌سازند و فارغ‌التحصیلان این دوره بجز برای راه یافتن به مدارس عالی صلاحیت و مهارت لازم جهت جذب در بازار کار بدست نمی‌آورند (همان).

این در حالی بود که ظرفیت کل دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور اعم از دولتی و خصوصی و دوره‌های لیسانس و فوق‌دیپلم برای پذیرش دانشجو در سال اول بیش از ۲۰ هزار نفر نبود. در همان اوان پیش‌بینی شد در سه سال آخر برنامه چهارم حدود ۱۷۸ هزار نفر از مدارس متوسطه نظری فارغ‌التحصیل شوند که از این تعداد حدود ۶۰ هزار نفر در دانشگاه‌ها امکان جذب دادند و بقیه افرادی خواهند بود که اگر هم در بازار کار جذب شوند نخواهند توانست کارآیی مؤثری از خود نشان دهند.

بنابراین راه حل ممکن را در توسعه آموزش عالی دانستند زیرا (طبق نظر برنامه‌ریزان وقت) نیازمندی‌های نیروی انسانی کشور به کادر سطح عالی به میزانی نیست که بتوان تا این حد آموزش عالی را توسعه داد ولی اگر بتوان (باز به گفته برنامه‌ریزان وقت) در برنامه درسی آموزش متوسطه آنچنان تجدید نظری بعمل آورد که در سطوح مختلف آن تخصص‌های مختلف برای جذب در بازار کار ایجاد شود و برنامه‌ریزی صحیحی برای عرضه و تقاضای این نوع تخصص‌ها مورد توجه قرار گیرد نتیجه مؤثرتری برای رفع این مشکل حاصل خواهد شد. لذا توصیه کردند تا اقداماتی صورت بگیرد تا کارشناسان ورزیده‌ای برای تجدید نظر در برنامه‌های درسی در اختیار دستگاه‌های آموزشی قرار گیرد. تا نسبت به رفع این محظور مطالعات و پیشنهادات قاطعی تهیه و برای اجراء ارایه گردد.

مع الوصف، در سال تحصیلی ۴۹-۱۳۴۸ جمعاً تعداد ۶۷ هزار و ۲۶۸ نفر دانشجو در کلیه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی اشتغال داشتند که از این میان ۴۸ هزار و ۷۴۰ نفر به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی مستقل دولتی و ۸ هزار و ۲۳۳ نفر به واحدهای آموزش عالی تابع وزارتخانه‌ها و ۱۰ هزار و ۲۹۵ نفر به مؤسسات آموزش عالی غیردولتی اختصاص داشته‌اند.

این در حالی بود که در پایان برنامه سوم (۱۳۴۵) جمعاً تعداد ۴۶ هزار و ۹۸۷ نفر در کلیه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی مشغول تحصیل بودند در نتیجه در دو سال اول برنامه چهارم افزایش دانشجو در مؤسسات منظور شده ۳۰ درصد و در کلیه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور ۴۳ درصد بوده است. به این ترتیب، حدود ۵۰ درصد از هدف کمی برنامه چهارم تحقق یافت.

در سال ۴۹-۱۳۴۸، در حدود ۵۳ درصد دانشجویان در رشته‌های علمی و فنی و صنعتی و در حدود ۴۷ درصد در سایر رشته‌های مختلف اشتغال به تحصیل داشتند. از تعداد دانشجویان مزبور ۴۱ درصد در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی مستقل دولتی و ۵۹ درصد در سایر مؤسسات آموزش عالی شاغل به تحصیل بودند.

نکته قابل ذکر در این برنامه این بود که در سال تحصیلی ۴۹-۴۸ جمعاً تعداد ۶ هزار و ۱۰۳ نفر کادر آموزشی تمام وقت و غیرتمام وقت در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی سراسر کشور تدریس می‌کردند که اگر هر سه نفر کادر غیرتمام وقت معادل یک نفر تمام وقت در نظر گرفته شود به ازاء هر ۱۷ نفر دانشجو یک نفر معلم یا استاد به تدریس اشتغال داشت. (همان، بخش آموزش، ص ۲۷)

نسبت کادر آموزشی به دانشجو در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی مستقل دولتی به تفکیک رشته‌های علمی و فنی و صنعتی از یک طرف و سایر رشته‌های علوم نظری از طرف دیگر براساس محاسبه فوق به ترتیب ۱ به ۱۲ و ۱ به ۱۷ تخمین زده شد و این ارقام در کل متعادل تلقی می‌گردید.

در مجموع طبق نظر همین کارشناسان، تحلیل‌گران و برنامه‌ریزان، «یک مشکل اساسی در راه گسترش آموزش عالی کشور وجود داشت و آن عبارت بود از «عدم وجود یک برنامه جامع براساس سیاستی معین در مقیاس کشوری برای توسعه فعالیت‌های کمی و کیفی این سطح آموزش».

آنان بر این باور بودند که اگر چه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی با استفاده از مکانیزم هیئت امناء و کسب استقلال کافی اقداماتی در راه بهبود وضع و توسعه فعالیت‌های آموزشی خود انجام می‌دهند ولی این اقدامات در سطح کل کشور هماهنگ نمی‌گردد. عدم وجود یک برنامه قابل قبول از طرف دانشگاه‌ها و مقامات ذی‌ربط خود معضلی شده بود که دستگاه‌های دولتی اجازه اعمال یک هماهنگی لازم را نیابند.

با توجه به اینکه وظیفه برنامه‌ریزی و هماهنگ کردن فعالیت‌های دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی از جمله وظایف وزارت علوم و آموزش عالی بوده است لازم می‌نمود تا این وزارت بیش از پیش حمایت شود تا بتواند با همکاری نزدیک دانشگاه‌های بزرگ کشور به وظایف قانونی خود عمل نماید.

در همان اوان، برنامه‌ریزان با توجه به شرایط رشد صنعتی کشور تأکید بر توسعه رشته‌های فنی و علمی داشتند براین اساس، پیشنهاد آنها مبنی بر این بود که فعالیت‌های دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی دولتی در زمینه رشته‌های نظری محدود به سطح فعلی (همان زمان) باشد و حتی‌الامکان بخش خصوصی سهم بیشتری را از این جهت برعهده بگیرد و در نتیجه کلیه مساعی دولت در توسعه آموزش عالی متوجه رشته‌های فنی و صنعتی باشد.

- بر پایه نظر برنامه‌ریزان وقت یکی از عوامل بسیار مهم در بالا بردن کیفیت آموزش عالی ایجاد کتابخانه‌های جدید و تکمیل کتابخانه‌های موجود بود. البته بر این عقیده نیز بودند که تا کار پژوهش زیاد توسعه نیابد حوزه فعالیت کتابخانه‌ها در دانشگاه‌ها گسترش نخواهد یافت. هم آموزش و هم پژوهش باید دانشجوی را به نظرگاه‌های بسیار آشنا سازد و او را به بسط معلومات از طریق مطالعه و مقایسه منابع وا دارد.

- معضل دیگر مورد توجه سیاستگذاران و برنامه‌ریزان در آن اوان تمرکز نظام آموزش عالی در تهران بود به این تعبیر که از مجموع دانشجویان سراسر کشور ۷۲ درصد در تهران و ۲۸ درصد در سایر نقاط کشور به دانشگاه می‌رفتند. تمرکز دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی در تهران نه تنها از نظر آموزشی بلکه از نظر تمرکز سایر فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی مشکلات بسیار بدنبال می‌آورد. از این نظر ضروری به نظر می‌رسید که توسعه کمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی موجود (آن وقت) در تهران متوقف شود و به این مراکز فرصت داده شود تا به بهبود کیفیت آموزش خود پردازند. در سال تحصیلی ۴۹-۴۸ از مجموع دانشجویان دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور حدود ۷ هزار و ۵۰۰ نفر یعنی ۱۱ درصد به دوره‌های فوق‌دیپلم اختصاص داشتند که ۶۵ درصد آنها در رشته‌های علمی و فنی و صنعتی تحصیل می‌کردند.

- در سال تحصیلی ۴۹-۴۸ از تعداد ۴۴۸ نفر کادر آموزشی انستیتوهای تکنولوژی تعداد ۳۵۹ نفر افراد غیر تمام وقت بودند که کار تدریس در انستیتوهای مذکور را به عنوان جزئی از فعالیت‌های روزانه خود به عهده داشتند (همان، ص ۳۰).

در یک ارزیابی کلی در آن زمان، از سیاست‌های اجرایی برنامه چهارم عمرانی در حوزه آموزش و تحقیقات چنین عنوان شده که «به منظور توسعه و تشویق تحقیقات علمی کشور و هماهنگ کردن فعالیت‌هایی که در این زمینه صورت می‌گیرد مؤسسه تحقیقات و برنامه‌ریزی علمی و آموزشی وابسته به وزارت ایجاد شد که علاوه بر هماهنگ کردن فعالیت‌های تحقیقاتی وظیفه برنامه‌ریزی آموزشی کشور را بر عهده داشت. موفق شده بود تا قدم‌هایی در راه هماهنگ کردن امور تحقیقاتی و انجام سایر وظایف خود بردارد. لذا، برای توسعه و تکمیل وظایف محوله این مؤسسه باید از هر جهت بیش از پیش تقویت شود» (همان، صص ۳۶-۳۵).

قابل ذکر است تا پایان برنامه عمرانی چهارم پیش‌بینی شد که تعداد کل دانشجویان به رقم ۹۲ هزار نفر برسد.

به این ترتیب، برنامه‌ریزان با ارزیابی نتایج و عملکرد آن برنامه‌ها در حوزه‌های مختلف و خاصه در اینجا بخش آموزش عالی، با نگاهی به بیست سال گذشته کشور، تغییرات و تحولات احتمالی در ۲۰ سال آینده را مورد توجه و پیش‌بینی قرار دادند. آنان با این نکته به این موضوع پرداختند که اگر طی ۲۰ سال گذشته جریان تهیه برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی ایران بیشتر متوجه موانع و کمبودهای زیربنایی و از بین بردن نهادهای کهنه اجتماعی بوده و در حقیقت در درون خود بیشتر متوجه تامین پیشرفت اقتصادی و اجتماعی نسبت به گذشته بود، در جریان ۲۰ سال آینده ایران الزاماً خود را در صحنه یک رقابت شدید جهانی در زمینه دستیابی به تکنولوژی پیشرفته و بهره‌برداری از بازارهای جهانی خواهد دید. آنان چنین تأکید نمودند که اکنون و طی سال‌های آینده موقعیت ایران در خاورمیانه و در آسیا و مآلاً در نیم کره شرقی مطرح است، و در طی ده تا ۱۵ سال بعد کشورهای عضو بازار مشترک تقریباً به صورت کشوری واحد درخواهند آمد و ایران از طریق ترکیه در همسایگی آنان قرار خواهد گرفت. قدرت اقتصادی ژاپن در آسیا و اروپای بزرگ در شمال غربی ایران میدان بسیار کوچکی برای رشد ورود ایران به بازارهای جهانی فراهم خواهد ساخت. مگر اینکه ایران قدرت اقتصادی خود را افزایش دهد و با یک برداشت عمیق‌تر و وسیع‌تر از مسائل روزمره خود را آماده کند تا همپای این قدرت‌ها پیش رود.

در واقع برای آنکه در ۲۰ سال آینده تحولات مورد نظر در ایران اتفاق بیافتد لازم است، موارد به شرح زیر وقوع یابد:

- دولت و مقامات دولتی باید به نحوی عمل کنند که الگویی در مقابل مردم باشند بنابراین باید از دست زدن به هزینه‌های تجملی پرهیز کنند و نمونه صرفه‌جویی قرار گیرند. باید در مجموع شرایطی فراهم کرد که شیوه زندگی تجملی طبقه ثروتمند سرمشقی برای طبقه متوسط و کم درآمد نباشد و اصولاً تمام طبقات و گروه‌ها به طرف یک زندگی متوسط که معرف متوسط زندگی جامعه ایرانی در هر مرحله از پیشرفت است تمایل پیدا کنند. اگر این روش جداً توسط دولت و مقامات دولتی به صورت یک وظیفه ملی دنبال شود در عین حال که موجب از بین بردن ریشه‌های فساد می‌گردد شرایط مناسبی برای بالابردن پس‌انداز ملی فراهم می‌گردد.

- نظام مالیاتی، ارزی و پولی کشور باید به نحوی تغییر یابد که به جای تمایل به مصرف کالاهای لوکس تمایل به پس‌انداز در مردم تقویت گردد و کلیه دارندگان پس‌انداز و سرمایه تشویق شوند منابع مالی خود را در داخل کشور سرمایه‌گذاری کنند و یا از طریق بازار سرمایه در اختیار سرمایه‌گذاران قرار دهند. همچنین باید شرایطی فراهم شود که از صدور سرمایه‌ها و درآمدها به مراکز مالی خارجی جلوگیری شود.

نکته حائز اهمیت در همین پیشنهاد این بود (آنان تأکید داشتند) که رقم درآمد سرانه معیار کافی برای مقایسه وضع کشورها نیست بلکه توزیع مناسب درآمد بین جمعیت یکی از نشانه‌های مهم پیشرفت جوامع می‌باشد. وجود یک قشر اکثریت طبقه متوسط و دو اقلیت بسیار کوچک ثروتمند و نسبتاً فقیر از خصوصیات جوامع پیشرفته است. بنابراین مسئله مهم در ۲۰ سال آینده این است که ساختمان اقتصادی و اجتماعی کشور باید به نحوی تغییر یابد که طبقه عظیم فقیر کشور تدریجاً وارد طبقه متوسط گردد.

- اگر دولت همه امکانات خود را صرف ایجاد تسهیلات و تامین خدمات مزبور و تشویق بخش خصوصی نماید در عین حال که هدف‌های اجتماعی با سرعت بیشتر تامین می‌شود و شکاف موجود بین گروه‌های اجتماعی و مناطق زودتر پر می‌شود منابع بخش خصوصی بیش از پیش تجهیز شده و با کارایی بیشتری به مصرف امور تولیدی می‌رسد. با رونق گرفتن فعالیت‌های سرمایه‌گذاران بخش خصوصی منابع مالی دولت نیز از طریق مالیات افزایش بیشتری حاصل می‌کند. اعمال این سیاست در عین حال که منطبق با هدف‌های توسعه اقتصادی است با هدف‌های عدالت اجتماعی نیز سازگار می‌باشد.

- طی ۲۰ سال آینده ایران نمی‌تواند به درآمد ارزی حاصل از نفت متکی باشد. در نتیجه تأکید بر صنایع صادراتی در مقابل صنایعی که کالاهای جایگزین واردات تولید می‌کنند باید یکی از مهمترین استراتژی‌های توسعه ظرف ۲۰ سال آینده باشد. بنابراین باید چند اقدام استراتژیک و اساسی در پیش گرفته شود از جمله:

- افزایش کارآیی نه تنها در صنایع بلکه در مجموع اقتصاد کشور باید یکی از هدف‌های اساسی ۲۰ سال آینده باشد. برای این کار باید پیش شرط‌های وقوع چنین حرکتی فراهم شود مثل تقویت مبانی وحدت ملی و ایجاد آرمان مشترک برای کلیه طبقات و گروه‌های اجتماعی.

- آموزش فنی و حرفه‌ای یکی از پایه‌های اساسی توسعه اقتصادی و اجتماعی ایران طی سال‌های آینده خواهد بود.

- میزان رشد جمعیت تاکنون حدود ۳ درصد بوده است. طی ۲۰ سال، از سال ۵۱ تا ۷۱ میزان رشد جمعیت ایران بر اثر افزایش درآمد سرانه و بالا رفتن سواد و شهرنشینی که موجب دگرگونی در سن ازدواج و تمایلات خانواده‌ها در خصوص ایجاد خانواده می‌شود به تدریج کاهش خواهد یافت. این عوامل خود بخود توسعه و همراه با سیاست تنظیم خانواده ممکن است موجب شود که تا سال ۱۳۷۱ میزان رشد جمعیت به ۱ درصد در سال برسد.

جمعیت کشور به نحوی استثنایی جوان است و متجاوز از ۴۵ درصد آنرا افراد کمتر از ۱۵ سال تشکیل می‌دهند: بر اثر دگرگونی در ساختمان آن نسبت جمعیت جوان کاهش یافته و به حدود کشورهای پیشرفته (حدود ۳۰ درصد) خواهد رسید.

- باید انتظار داشت که نسبت جمعیت در سنین کار از حدود ۵۲ درصد در سال ۱۳۵۱ به ۶۶ درصد در سال ۱۳۷۱ برسد.

با ملاحظه به موارد پیش گفته و برآورد جمعیت (در کادر فوق) درباره اهداف سیاست‌ها و برنامه‌های پیش‌بینی شده و ارزیابی نتایج آنها در برنامه چهارم عمرانی کشور خطوط کلی برنامه پنجم عمرانی کشور (۵۶-۱۳۵۱) در حوزه آموزش و آموزش عالی به شرح زیر عنوان گردید.

- هدف کلی برنامه «دگرگون ساختن شکل جامعه ایرانی و تبدیل آن به یک جامعه مرفه، متفکر، قوی و یکپارچه»

- یکی از شروط تحقق هدف مزبور و سایر هدف‌های این برنامه، ظهور یک قشر نسبتاً بزرگ طبقه متوسط در ایران است که از نظر تعداد هم قشر نسبتاً فقیر جامعه و هم قشر ثروتمند را تحت‌الشعاع قرار دهد. این قشر در واقع اهرم توسعه و پیشرفت جامعه نوین ایران را تشکیل خواهد داد. برای نضج و شکوفان شدن این طبقه باید همزمان با کمک‌ها و تشویق‌های مادی و سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی دولت یک سلسله نهادهای سنتی اداری و

اجتماعی که مانع رشد این قشر است را از بین ببرد و در مقابل نهادهای دموکراتیک که بر پایه آزادی و احترام به افراد و پشتیبانی از ابتکارات فردی و رعایت و اجرای دقیق و صحیح قوانین متکی باشد بوجود آید.

در این برنامه برای رشد سالانه تولید ناخالص ملی به قیمت‌های جاری ۱۰ درصد و به قیمت‌های ثابت ۸ درصد در نظر گرفته شد. نکته شایان توجه در این برنامه این بود که در بخش مشاغل وضع موجود تعداد مشاغل بر حسب رشته‌های علمی و تخصصی در یک ستون ذکر گردید در ستون بعدی تعداد مورد نیاز در پایان برنامه به تفکیک رشته‌های علمی و تخصصی ذکر شد. مثلاً در پایان برنامه چهارم عمرانی تعداد استادان دانشگاه‌ها و مدارس عالی ۳ هزار و ۳۴ نفر بود که برآورد گردید در پایان برنامه پنجم عمرانی این رقم به ۷ هزار و ۳۰۰ نفر برسد.

سیاست‌های کلی در برنامه عمرانی پنجم نیز به شرح زیر عنوان گردید:

- تأکید بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، و منابع دولتی صرف ایجاد تسهیلات زیربنایی و کمک به بخش خصوصی و همچنین کمک به رشته‌ها و فعالیت‌هایی گردد که موجب تجهیز پس‌انداز خصوصی و برانگیختن بخش مزبور بر سرمایه‌گذاری و فعالیت شود. به عنوان مثال، در زمینه فعالیت‌های آموزشی، دولت از هرگونه سرمایه‌گذاری مستقیم به منظور ایجاد دانشگاه‌ها و مؤسسات عالی آموزش جدید خودداری خواهد کرد و کمک خواهد نمود که سرمایه‌ها و منابع بخش خصوصی در شهرهای مرفه کشور در نظر گرفته شوند. (همان منبع بخش سیاست‌ها و اهداف برنامه پنجم عمرانی).

- یکی دیگر از خطوط کلی این برنامه عبارت بود از ایجاد عدم تمرکز در امر برنامه‌ریزی و تفویض اختیارات اجرایی به مقامات محلی.

- در دورنمای بیست ساله کشور ۷۱-۱۳۵۱ چنین عنوان گردید که «خواست فرماندهی کشور این است که ایران با اجرای دو برنامه پنجساله عملاً به آستانه تمدن بزرگ صنعتی و اقتصادی خود برسد و در کمتر از ربع قرن آینده به آنچنان مرحله‌ای از تکامل مدنیت و قدرت دست یابد که در زمره چند کشور بزرگ صنعتی جهان آینده بحساب آید. (دورنمای اقتصادی و اجتماعی ایران، مقدماتی: ۷۱-۱۳۵۱). بنابراین، جامعه‌ای با خصایص کاملاً بلوغ یافته اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی و سیاسی و با تمدنی پیشرو که در آن روش‌ها و نظریات جدید در سراسر قلمروها گسترش یابد و سرانجام هدف‌های والای استقرار اقتصادی متنوع، گسترده‌گی صنایع و نوسازی کشاورزی کشور تحقق‌پذیر شود (همان: ص پ).

در برنامه عمرانی پنجم چنین گفته شد که: «ضرورت دارد از هم‌اکنون نظام آموزشی در جهت تأمین نیازهای آینده توسعه ملی گرایش‌های لازم را پیدا کند و در زمینه پزشکی که امکان آموزش افراد لازم در این فاصله زمانی میسر نیست تدابیر خاص که بتواند زمان و دوره آموزشی را کوتاه سازد اندیشیده شود. در محتوای

مفاد آموزشی نیز باید مرتباً تجدیدنظر و نوآوری لازم بکارگرفته شود تا به موازات افزایش کمی دانش‌آموزان کیفیت آموزش نیز ترقی یابد».

در این برنامه تعداد نیروی متخصص و کاردان مورد نیاز برای پنج سال برآورد گردید. در این مدل برآوردی از مدل «تین برگر» درباره رشد آموزش عالی استفاده شد که نشان می‌داد وقتی درآمد ملی ۹ درصد رشد داشته باشد رشد آموزش عالی ۸/۹ درصد خواهد بود و وقتی رشد درآمد ملی ۱۲/۹ درصد باشد رشد آموزش عالی سالانه ۱۲/۶ درصد می‌گردد.

در این برنامه برنامه‌هایی جهت توجه به تحقیق و توسعه مورد توجه قرار گرفت. از جمله اینکه در این برنامه آمده است. «دستیابی به یک جامعه نوین از هر طریقی که باشد به هر حال مستلزم آنست که در زمینه پژوهش‌های علمی و فنی گام‌های برداشته شود». (دورنمای اقتصادی و اجتماعی ایران، مقدماتی ۷۱-۱۳۵۱، ص ۱۲۷). همچنین کاربرد صحیح منابع طبیعی، مواد اولیه، دستمزد و سرمایه هر کشور به پژوهش‌های خاص شرایط آن کشور نیاز دارد. تحول علم و فن، بعثت تحرک و پویائی آن چه بسا در سایه نوآوری‌های ده سال آینده، در مقایسه با دو دهه گذشته شگفت‌انگیزتر و چشم‌گیرتر باشد از اینرو تحقق یافتن هدف‌های صنعتی ۲۰ سال آینده بطور عمده مستلزم بکارگرفتن نتایج پژوهش‌های علمی و تحقیقاتی فنی در زمینه ترکیب منطقی عوامل تولید و بهره‌برداری مؤثر از آنهاست (همان، ص ۱۲۷).

«در برنامه دورنمای بیست سال آینده کشور (۷۱-۱۳۵۱) به بخش آموزش و آموزش عالی نیز توجه جدی مبذول گردید. جزئیات این برنامه بشرح ذیل عنوان شد:

در این برنامه هدف آموزش و پرورش عبارت بود از:

«تربیت افرادی آشنا به مفاهیم و ارزش‌های انسانی و برخوردار از روحیه‌ای فعال، متفکر و پذیرای مسئولیت از یکسو، و کمک به شکوفایی استعدادها و پرورش ذوق‌ها در جهت مصالح ملی از سوی دیگر». (همان، ص ۲۷۷).

با این وصف، اشاره به این نکته نیز شد که چون آموزش و پرورش کشور «در گذشته بیشتر در جهت جوابگویی به کمیت‌ها سوق داده می‌شد و به همین سبب روش‌های آموزشی بیشتر به انباشتن ذهن افراد از معلوماتی نسبتاً کهنه و بی‌مصرف متکی بود قالب‌های سنتی هرگونه پویایی را از این نظام سلب کرده بود». (همان ص ۲۷۷).

از این رو، برای رسیدن به هدف آموزش و پرورش (مطلوب) تعدادی سؤال مطرح شد که مقرر گردید در بیست سال آینده به آنها پاسخ داده شود. تعداد کثیری از این سؤالات مربوط به بخش آموزش و پرورش عمومی و فنی و حرفه‌ای بود از جمله آموزش پیش‌دبستانی، آموزش همگانی اجباری (۱۸-۶ سالگی) و آموزش‌های فنی و عالی. در بخش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به نکات زیر توجه داده شد.

- در ۲۰ سال آینده امکانات کافی برای تحصیل تمام وقت معادل ۲ میلیون نفر دانش‌آموز، و بین ۸۰۰ تا ۱۲۰۰ هزار نفر دانشجو فراهم آید. در این صورت تعداد دانشجویان ده برابر و تعداد دانش‌آموزان به ۶ تا ۷ برابر برسند.

- آموزش‌های بعد از دوره راهنمایی تحصیلی در آموزشگاه‌های مقدماتی، آموزشگاه‌های بهیاری، مراکز آموزش کشاورزی و دیگر واحدهای آموزشی موجود که در این سطح آموزش متوسط می‌دهند ارزیابی خواهد شد. - در ۲۰ سال آینده و یا حداقل در بخش مهمی از این دوره و تا زمانی که تحولات مطلوبی صورت نگیرد، مسئله «دیپلمه‌ها» یا فارغ‌التحصیلان نظام فعلی مطرح خواهد بود.

- انتخاب دانشجویان برای ورود به دانشگاه‌ها براساس انگیزه و هدف‌های حرفه‌ای خواهد بود. وظیفه دانشگاه‌ها در بیست سال آینده پذیرش همه افراد بالاتر از ۱۶ سال و طرح‌ریزی برنامه درسی براساس علایق دانشجویان و تهیه منابع تحقیق (کتاب، نشریات و مدارک علمی و مسایل آزمایشگاهی و کارگاهی، تماس با افراد ذیصلاح و غیره)، برای آنها می‌باشد.

- تربیت صاحب‌نظران و متخصصین در سطح بین‌المللی در زمینه‌های اقتصادی - سیاسی و فرهنگی، در زمینه آموزش زبان فارسی و زنده نگاهداشتن نقش ارتباطی آن بین ایران و دیگر کشورها با مناطق فارسی زبان ... در این دورنمای ۲۰ ساله توجه جدی نیز به مدیریت، نوآوری و تحقیقات صورت گرفت.

پیش‌بینی شد که در سال ۱۳۷۱ نظام آموزش کشور بطور تمام وقت از خدمات یک میلیون نفر برای آموزش حدود (۲۰ میلیون نفر بهره‌برداری خواهد کرد. بنابراین برای وقوع چنین رویدادی باید اقدامات زیر صورت گیرد: - عدم تمرکز در امور اجرایی از یکسو تا سر حد کوچکترین واحد تقسیمات کشوری که شورای حوزه عمرانی است و از سوی دیگر تا سطح واحد آموزشی،

- توأم با عدم تمرکز اجرایی، باید یک سیستم اطلاعاتی بسیار وسیع و برخوردار از توانایی برای هماهنگی ایجاد گردد.

- برای رهایی وزارت علوم و آموزش عالی از درگیری با مسائل روز آموزش عالی و تمرکز قوا بر امر تحقیقات و توسعه تکنولوژی، ایجاد تحولی در وظایف این واحد ضرورت دارد. پیش‌بینی می‌شود تحقیقات جای وسیعی را اشغال خواهد کرد در این میان سهم تحقیقاتی که کاربرد آنها در آموزش است چشم‌گیر خواهد بود.

- در آینده کالج‌ها و دانشگاه‌ها اساساً به صورت منابع یادگیری درخواهند آمد.

- دومین رکن اساسی دانشگاه‌ها در آینده پس از توسعه و تجهیز کتابخانه‌ها، اقامتگاه دانشجویان خواهد بود. اقامتگاه دانشجویان در آینده کارهای اجتماعی و زندگی روزمره را با کارهای آموزشی و حتی پژوهشی توأم خواهد کرد. این امکان به آنها داده خواهد شد تا با هر میزان ساعتی که بخواهند و متناسب با استعداد خود به مطالعه و تحقیق بپردازند.

- همبستگی و یکپارچگی دانشگاه‌ها با اجتماعات محلی که دانشگاه در آن فعالیت داشته باشد و ارایه خدمات لازم به اعضای همان اجتماع.

به این ترتیب، ملاحظه می‌شود که تا پیش از انقلاب اسلامی چه تعریفی از آموزش عالی وجود داشت و چگونه به نقش و کارکرد آن توجه می‌شد. آنچه از این مختصر برمی‌آید آنست که آموزش در کنار تحقیق و پژوهش دیده می‌شد. محیط‌های خوابگاهی و کتابخانه‌های دانشگاهی با این فلسفه مورد توجه قرار می‌گرفت که مکمل فعالیت‌های حرفه‌ای دانشجویان باشند. در این نظام نقش استاد یا مدرس نقش راهنما بود. در این نظام رسالت اصلی و کارکردهای دانشگاه با بازار و کار و نیازهای توسعه کشور تناسب داشت. در این نظام سهم و نقش تعداد دانشجویان به عنوان درصدی از کل دانش‌آموزان فارغ‌التحصیلان دوره متوسطه به حساب می‌آمدند. در این نظام سیاست توسعه آموزش عالی در جهت کشف استعدادهای تحصیلی و عدالت آموزشی بود. در این درونمای بیست ساله تلاش می‌شد تا از اقصی نقاط کشور افراد با استعداد بتوانند در صورت تلاش‌های خود از امکانات آموزش عالی بهره‌مند گردند. در چنین نظامی در حد فاصل میان دوره متوسطه و آموزش عالی تحصیلات کاردانی (تکنسین) برای صنایع و دانشسراهای عالی برای تامین نظام آموزش و پرورش مهیا شده بود.

وضعیت آموزش عالی کشور پس از پیروزی انقلاب اسلامی

در سال نخست پیروزی انقلاب اسلامی (۱۳۵۸)، دولت وقت اقدام به تهیه یک برنامه موقت برای اداره امور اقتصادی و اجتماعی کشور نمود. این برنامه حاوی اطلاعات مبسوط از وضع امور اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی کشور بود. هر یک از بخش‌ها و حوزه‌های مختلف مورد بررسی، نقد و ارزیابی شدند. این گزارش در واقع در حدود امکانات و مقدراتی تهیه شده بود که شرایط سیاسی، اجتماعی وقت کشور اجازه می‌داد. بنابراین، تلاش همه جانبه

صورت گرفت تا مجموعه‌ای از سیاست‌ها و جهت‌گیری‌های اقتصادی، اجتماعی کشور در سازگاری با اصول و بنیان‌های ملی و اسلامی انقلاب اسلامی تازه تأسیس در چارچوبی منطقی و برنامه‌ای عرضه شود.

در این گزارش به تفکیک همه بخش‌ها بررسی گردید و وضع گذشته و وضع موجود آنها توصیف و تحلیل شده‌اند. به علاوه این گزارش با نگاهی به آینده کشور تهیه شده و بیشتر حول نقد و عدم تحقق برنامه‌های پیشین بحث کرده است. با این همه، در بخش آموزش به نکاتی درباره وضعیت آموزش عالی در آن اوان می‌پردازد که در اینجا می‌توان به عنوان یک تحلیل رسمی از آن شرایط به آن استناد نمود. این گزارش مسائل و مشکلات آموزش عالی را بشرح زیر برمی‌شمارد:

- کثرت داوطلبان ورود به آموزش عالی و کمبود ظرفیت پذیرش دانشجو
- تجمع واحدهای اساسی آموزش عالی در تهران و چند شهر بزرگ و توزیع نامتعادل دانشجویان در رشته‌های مختلف
- عدم ارتباط رشته‌های تحصیلی در مؤسسات آموزشی با نیازهای ضروری کشور و اختلاف سطح معلومات بین فارغ‌التحصیلان رشته‌های مشابه
- ایجاد واحدهای کوچک آموزش عالی در شهرها بدون توجه به مسائل و مشکلات آموزش عالی از نظر نیازمندی‌های فضاهای آموزشی - وسایل و تجهیزات آموزشی و کادر آموزشی.
- برهم خوردن کلیه ضوابط و ناهماهنگی‌ها بین دانشگاه‌های مختلف به سبب تصمیمات هیأت‌های امناء و رقابت بین مؤسسات آموزشی برای بدست آوردن مزایای بیشتر حقوقی و رفاهی.
- مجانی کردن تحصیلات عالی و کمک‌های رفاهی به دانشجویان بدون در نظر گرفتن ضوابط و نیازهای فردی و خانوادگی و اجتماعی آنان
- عقد قرارداد بین دانشگاه‌ها با مؤسسات، کشورها و دانشگاه‌های خارجی برای همکاری‌های فنی و آموزشی یکطرفه و انجام مطالعات مشورتی و قبول طرح برای ایجاد شهرک‌های دانشگاهی با ظرفیت‌های زیاد و هزینه‌های سنگین و بدون بازده لازم و عدم هماهنگی با نیازهای اقتصادی و اجتماعی کشور (مانند طرح‌های دانشگاه پهلوی، دانشگاه آزاد، دانشگاه رضاشاه کبیر، دانشگاه گیلان و غیره).
- هرج و مرج در امر تصمیم‌گیری در مورد ایجاد فضاهای آموزشی - خرید تجهیزات - صرف بودجه و اعتبارات و عدم مسئولیت در امر تعمیرات و نگهداری مؤسسات.
- مسئله مدیریت دانشگاه‌ها و حفظ حدود و رويه آکادمیک، با توجه به اعمال برخی شیوه‌های نادرست و گرایش‌های کنونی که گفته می‌شد زیان‌آورند، بایستی آنها را جدی تلقی کرد. همچنین دانشکده‌ها و مراکز

تحقیقاتی و آموزشی که تربیت کادر رهبری و فکری را به عهده دارند در آینده باید از اهمیت ویژه برخوردار باشند.

- یک راه حل منطقی و اصولی برای نظام دانشگاهی در آینده آموزش عالی کشور حیاتی است از اینرو پیش از بررسی جامع و دقیق نسبت به سیاست و خطمشی آینده آموزش عالی، تغییرات شتابزده در آن زیان آور بوده و این مورد را در زمینه کلیه سطوح آموزشی می توان یادآور شد.

- برای گسترش متناسب آموزش عالی و تربیت کادر فکری و خلاق جامعه بررسی اساسی مسئله اعزام دانشجویان به خارج و جلب فارغ التحصیلان ایرانی مقیم خارج به کشور و حتی استخدام استادان خارجی (در صورت ضرورت) باید به صورت جدی مطرح و چاره جویی گردد.

- در حال حاضر که هیئت های امناء حذف گردیده اند برای تسهیلات مالی و معاملاتی دانشگاه ها باید چاره ای نو اندیشید و در این مورد با توجه به استقلال آکادمیک دانشگاه ها باید مدیریت دانشگاه ها و نقش دولت و دستگاه های سیاست گذار و برنامه ریز در دانشگاه ها مورد توجه واقع گردد (نظام اقتصادی - اجتماعی، سیاست ها و خطمشی ها، سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۵۸، صص ۲۰۸-۲۰۵)

در این برنامه بر پایه همین تحلیل سیاست ها و خطمشی های کلی زیر پیشنهاد گردید:

- تجدیدنظر در برنامه های آموزشی مراکز تربیت معلم در کلیه سطوح و ارتباط با برنامه های آموزشی هر سطح از آموزش و بررسی و تعیین نوع و شرایط معلمانی که برای تدریس در سطوح و انواع مختلف آموزش مورد نیاز خواهد بود.

- ایجاد کالج های منطقه ای در سراسر کشور برای تربیت معلمان و مربیان مورد نیاز مناطق مختلف کشور
- شناساندن بهتر مشاغل و مقتضیات شغلی به نوجوانان و جوانان از طریق جلب همکاری بخش خصوصی و دولتی و برقراری رابطه برای انجام بازدیدها و شناخت واقعی مؤسسات صنعتی - کشاورزی - بازرگانی و خدمات
- توسعه واحدهای آموزش عالی وابسته به دانشگاه ها در شهرستان ها به نحوی که به صورت پایه مجتمع آموزش عالی عمل کنند و احتیاجات نیروی انسانی آن مناطق را برآورده سازند و انتقال بعضی از رشته های غیر ضروری از مرکز به شهرستان ها.

- تقویت دوره های بالاتر از لیسانس به منظور تأمین قسمتی از کار آموزشی مورد نیاز و ... و دوره های فوق دیپلم و به منظور توسعه برنامه تحقیقاتی دانشگاه ها.

- تهیه و تدوین کتب و نشریات و مواد خواندنی و انتشار متون اصیل و معتبر ادبی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و دینی کشور و جهان و در دسترس نهادن آنها برای همه دانشجویان و محصلین.

- ارزشیابی مستمر برنامه‌های آموزشی و انجام اصلاحات ضروری در هدف، ساخت و محتوای برنامه‌های آموزشی و جمع‌آوری اطلاعات و آمار.

گزارش مزبور، اگر چه به صورت حساب‌شده و عقلانی شرایط و وضع موجود کشور را در آن سال‌های اول انقلاب با آن همه هیاهوها و عشق و نفرت‌ها، هیجانانگیز و احساسات انقلابی و در همان حال آرمانخواهی‌های فراوان مورد تجزیه و تحلیل قرار داد ولی در سال‌های بعد بویژه در سال‌های دهه ۷۰ به بعد وزن و بحر این گزارش بیشتر آشکار گردید زیرا، وقتی تب انقلاب فرو نشست و نوبت سازندگی و ساماندهی اوضاع کشور در شرایط آرام اقتصادی و اجتماعی و سیاسی فرارسید همگان متوجه شدند که برنامه‌ها و سیاست‌هایی که پیشتر برای بخش‌های مختلف کشور خاصه بخش آموزش و تحقیقات کشور تهیه و ارائه می‌گردید چندان بی‌راهه و دور از واقعیات نبوده‌اند.

به هر روی، کمتر از یک دهه نظام آموزش عالی و دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی در کشور بدون برنامه و سیاست مشخصی روندی را پیمود. در این سال‌ها هم و غم نظام آموزش عالی به عنوان سیاست‌گذار و دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی به عنوان نهادهای تولید دانش چندان هماهنگی‌های لازم را نداشتند زیرا نظام آموزش عالی بیشتر تابع مقررات و برنامه‌های کلان و سیاست‌گذاری‌های ملی بود در حالی که دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی تحت فشارهای داخلی و عوامل خارجی در کشاکش مسائل سیاسی و فرهنگی خاصی بودند. محور این جدال قدرت بر سر نحوه‌گزینش‌های دانشجویان و کادر آموزشی از یک طرف و محتوای دروس و رشته‌های مختلف بویژه علوم انسانی از سوی دیگر بود.

آنچه در این گیرودار مورد توجه نبود، وظایف و کارکردهای تحقیقاتی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی بود. اگرچه در درون برخی از دانشگاه‌ها از برخی استادان و پژوهشگران دعوت بعمل آمد تا به تحقیقات و پژوهش‌های خود بپردازند ولی این تحقیقات بیشتر به پشتوانه انتشارات دانشگاهی و انتشارات کتب درسی، حول متون درسی دور می‌زدند لذا، هنوز وضعیت به‌گونه‌ای سامان نیافته بود که رابطه دانشگاه با صنعت، و رابطه آموزش با تحقیقات در کشور رشد و گسترش پیدا کند. به موازات همین مشکلات تقاضاهای اجتماعی برای ورود به دانشگاه و آموزش عالی شدت می‌یافت بنابراین تحت تأثیر همین عوامل اکثر دانشگاه‌های بنام و معتبر از دغدغه تحقیق و پژوهش بازماندند. بودجه تحقیقات و نقش اعتبارات دولتی به این بخش بشدت رو به کاهش گذاشت و کسی هم نبود تا به این وضعیت سامان دهد. بلکه آنچه بیشتر اهمیت داشت و ضرورت پیدا کرده بود نخست حل مشکلات مربوط به دیپلمه‌ها و تقاضای بزرگ اجتماعی برای ورود به آموزش عالی بود که همین امر سبب چند اتفاق عمده شد یک آنکه دانشگاه آزاد اسلامی با رویه‌های خاص و صرفاً آموزشی تأسیس شد و حجم

عظیمی از داوطلبان را در اقصی نقاط کشور جلب نمود بطوریکه تعداد دانشجویان این دانشگاه بمراتب از تعداد دانشجویان آموزش عالی رسمی کشور فزونی یافت. براین اساس بخش‌های آموزش عالی در یک عکس‌العمل و البته طبق مضامین و مفاد برنامه اول توسعه اقتصادی و اجتماعی اقدام به سه حرکت نمود نخست تأسیس دانشگاه پیام نور، دوم تأسیس و راه‌اندازی دوره‌های شبانه و سوم صدور مجوز برای تأسیس دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی.

این اتفاقات و اقدامات اگرچه بدون آثار مثبت و سازنده نبودند ولی پیامد ناگوار آنها این بود که نظام آموزش عالی را از توجه به بخش مهم و حیاتی تحقیقات و نقش مؤثر دانشگاه‌ها در این خصوص مورد غفلت قرار داد.

مع الوصف با این توضیح نظام آموزش عالی کشور و تحقیقات دانشگاهی را از منظر برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پی‌می‌گیریم. برای آرایه این تصویر از آموزش عالی، هر پنج برنامه را از ابعاد مختلف با یکدیگر مقایسه می‌کنیم و نشان خواهیم داد که آهنگ روند طی شده آموزش عالی و تحقیقات در طول این چند دهه چگونه سپری شده و تفاوت و تشابهات آنها چگونه بوده است و بالاخره در پی پاسخ به چند سؤال عمده برخوردار خواهیم آمد از جمله اینکه آیا نظام آموزش عالی تا چه حد یا اندازه‌ای به اهداف خود رسیده است؟ آیا عملاً توسعه و تحول نظام آموزش عالی در ایران چه مسیری را طی می‌کند و مآلاً آیا روند آتیه آن چگونه پیش‌بینی یا برآورد می‌شود؟

برنامه اول توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و نظام آموزش عالی

هدف تعیین شده در این برنامه برای بخش آموزش و آموزش عالی عبارت بود از دستیابی به خودکفایی نیروی انسانی بخصوص در زمینه‌های تخصصی.

برای نیل به این هدف سازوکارها و خط‌مشی‌های خاصی در نظر گرفته شد که عبارت بودند از:

- ایجاد و گسترش مراکز آموزش عالی در مراکز شهری بخش‌های محروم یا شهرهای مجاور آنها.

- افزایش سهمیه برای بخش‌های محروم در پذیرش دانشگاه‌ها.

همچنین در این برنامه برای سیاست‌گذاری در این بخش مقرر شد تا دولت اقدام به ایجاد یک نهاد متمرکز و کارا با تسهیلات و اختیارات قانونی لازم برای تمرکززدایی امور سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی و تفویض آزادی عمل به واحدهای اجرایی نماید (تبصره ۲۴).

در این قانون نیز برای استفاده از کادر علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی در سراسر کشور مقرر گردید تا کلیه فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و همچنین کلیه فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی خارج از کشور که ارز دولتی استفاده کرده‌اند در برابر مدت آموزش براساس نیاز دولت به هر یک از تخصص‌ها در مناطق مورد نیاز متعهد به خدمت گردند مگر آنکه عدم نیاز به تخصص آنان توسط دولت اعلام شود (تبصره ۲۸).

این برنامه برای تشویق فارغ‌التحصیلان ایرانی خارج از کشور برای خدمت در مؤسسات آموزش عالی تدابیری را مقرر ساخت از جمله اینکه جهت بازگشت آنان از خارج که مایل به خدمت در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقات هستند، پس از تأیید صلاحیت آنان جهت عضویت در هیأت علمی تسهیلات لازم فراهم سازد. در ضمن در همین اقدام به دولت اجازه داده شد تا وسایل متعارف زندگی که آنان را که از خارج کشور وارد می‌کنند از حقوق و عوارض گمرکی معاف سازد. (تبصره ۴۴).

به علاوه، دولت مکلف شد تا تسهیلات لازم از قبیل زمین، ساختمان، وام و مصالح ساختمانی را برای آن عده از اعضاء هیأت علمی که فاقد مسکن بودند و متعهد به خدمت در دانشگاه‌های دولتی می‌شوند به گونه‌ای فراهم سازد که تا پایان برنامه پنجساله دارای مسکن شوند (تبصره ۴۵).

از طرف دیگر، در این برنامه به وزارت فرهنگ و آموزش عالی وقت به عنوان نهاد سیاست‌گذاری این بخش اجازه داده شد تا در طول برنامه از اعضاء علمی غیرایرانی خارج از کشور (با اولویت مسلمان بودن) صرفاً برای تدریس در دوره دکترا دعوت به کار نماید. (تبصره ۴۶).

برنامه اول توسعه برای تحقق هدف مذکور، یعنی تامین نیروی انسانی مورد نیاز در کشور به خصوص نیروی متخصص، به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی اجازه داد تا به منظور توسعه و تکمیل دوره‌های کارشناسی ارشد و دکترا با دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و مراکز تحقیقاتی کشورهای خارجی که با دولت جمهوری اسلامی روابط دوستانه دادند تفاهم نامه‌های علمی در زمینه مبادله استاد و دانشجو و تشکیل سمینارها و کنفرانس‌ها از طریق وزارت فرهنگ و آموزش عالی منعقد نماید. علاوه بر این، این مراکز و دانشگاه‌ها اجازه یافتند در طول اجرای برنامه دوره‌های شبانه و دوره‌های خاص تأسیس کنند و هزینه‌های سرانه شبانه را با تأیید وزارتخانه مزبور حسب مورد از داوطلبان به تحصیل وصول نمایند (تبصره‌های ۴۷ و ۴۸).

در این برنامه علاوه بر گسترش نظام آموزش عالی برای تحقق هدف مزبور چند هدف دیگر ملحوظ شد از جمله تدوین و اجرای نظام آموزش عالی و نیز ایجاد قطب‌های علمی و تخصصی در دانشگاه‌های مستعد و ارتقاء سطح علمی سایر مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی با گسترش آموزش عالی خاصه در سطح کارشناسی ارشد،

دکترای تخصصی با توجه کامل به ارتقاء کیفی آموزش و انطباق آن با اولویت‌های برنامه، حداکثر بهره‌برداری از ظرفیت‌های علمی، فنی، تخصصی و تحقیقاتی (کاربردی و بنیادی) کشور، تأسیس فرهنگستان‌ها، انتقال تکنولوژی و ارتقاء علمی و فنی کشور.

البته در این برنامه دولت موظف شد تا به موازات تأمین نیروی متخصص و دانش‌آموخته دانشگاهی و اشتغال آنها اقدام به تقلیل نیروی انسانی غیرمتخصص دستگاه‌ها نماید.

در برنامه اول توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی، علاوه بر توسعه نظام آموزش عالی و افزایش ظرفیت‌های پذیرش به شرحی که گذشت به نظام تحقیقاتی کشور توجه شد - از جمله تدوین نظام تحقیقات علمی در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به منظور گسترش توسعه برنامه‌های علمی و تحقیقاتی و در جهت هماهنگی برنامه‌ها و سازمان‌های مسئول تحقیقات در کشور و همچنین، ایجاد نظام آمار و انفورماتیک جهت فراهم آوردن اطلاعات آموزشی، پژوهشی، اقتصادی و اجتماعی به هنگام و قابل اعتماد جهت استفاده و بکارگیری آن در فرآیند تصمیم‌گیری، ایجاد مجموعه‌های عملکردی دانشگاهی و تحقیقاتی.

برنامه اول توسعه اقتصادی اجتماعی جز اینکه تکالیف و وظایفی برای توسعه و گسترش آموزش عالی و مراکز تحقیقاتی مقرر ساخت هدف‌های کمی متعددی نیز برای دانشگاه‌ها و مراکز عالی تعریف نمود از جمله اینکه مقرر شد تا «تعداد دانشجویان تا سطوح ۷۷۷ نفر دانشجوی کارشناسی به بالا درصد هزار نفر جمعیت افزایش یابد». همچنین تعداد کارکنان علمی، فنی و تخصصی از ۹/۶ درصد فعلی (سال ۱۳۶۸) به ۱۰/۷ درصد در سال ۱۳۷۲ افزایش یابد، نیروی انسانی متخصص مورد نیاز مناطق و نواحی محروم کشور از طریق اتخاذ سیاست‌های تشویقی و ایجاد انگیزه‌های مادی و معنوی لازم، فراهم شود و ضمن آموزش مدیران افراد واجد تجربه و صلاحیت علمی در پست‌های کلیدی به کار گمارده شوند.

نهایتاً باید افزود که این برنامه به ایجاد عدالت اجتماعی و خاصه عدالت آموزشی بی‌توجه نبود زیرا در ذیل صرف تلاش در جهت تأمین عدالت اجتماعی، توجه خاص به ارتقاء آموزش عالی مناطق محروم، جانبازان، رزمندگان و فرزندان خانواده‌های شهدا، مفقودین، اسراء نموده است.

این برنامه توجه جدی به سه بخش آموزش، تولید دانش و گسترش نظام آموزش عالی نمود و برای کاهش بار مالی این توسعه دانشگاه‌ها را مجاز ساخت تا متناسب با ظرفیت‌های آموزشی، دوره‌های شبانه و نوبت دوم ایجاد نمایند، به علاوه نظام آموزش عالی را مکلف ساخت تا دانشگاه پیام‌نور را، راه‌انداز کند، همین سیاست‌ها رفته رفته هم زمینه گسترش شدید نظام آموزش عالی در سراسر کشور را ایجاد نمود و هم رقابت پنهان و آشکاری را بین دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه پیام‌نور ایجاد نمود. نتیجه همه این سیاست‌ها و اقدامات دو وجه

داشت یک آنکه انتقال دانش یعنی آموزش را گسترده‌تر نمود و تعداد انبوه‌تری از داوطلبان را جذب آموزش عالی ساخت و به این طریق آموزش عالی توده‌ای‌تر شد ولی از طرف دیگر از توجه به کیفیت آموزش کاست و در نتیجه نیروهای کیفی برای تولید دانش یعنی پژوهش کاهش چشمگیری پیدا نمود. پیامد دیگری که این سیاست‌ها داشتند این بود که رویه برای بازاری شدن آموزش (Marketization) در کشور فراهم گردید.

برنامه اولی توسعه در سال ۱۳۷۲ به پایان رسید ولی به دلایل متعددی این برنامه یک سال تمدید شد و در واقع در سال ۱۳۷۳ نظام آموزش عالی مثل سایر بخش‌ها فعالیت‌های خود را در چارچوب برنامه اول ادامه داد. اتفاق دیگری که در همین سال رخ داد این بود که مدیریت نظام آموزش عالی و بسیاری از دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی دولتی تغییر کرد. همین تغییرات تا حدود زیادی تحول و دگرگونی در عرصه‌های آموزشی و پژوهشی را بی‌تاثیر نگذاشت.

در ادامه، محتوای برنامه دوم توسعه درخصوص آموزش عالی در ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد و تا حدودی که مستندات اجازه می‌دهند به تفاوت‌ها و تشابهات و دورنمای این نظام بیشتر اشاره می‌شود.

آموزش عالی در برنامه دوم توسعه

هدف برنامه دوم توسعه (۷۸-۱۳۷۴) مثل برنامه اول توسعه «تربیت نیروی انسانی مورد نیاز کشور» بود. در این برنامه برای دستیابی به این هدف سیاست‌ها و خط‌مشی‌هایی تعریف گردید که اهم آنها عبارت بودند از:

- گسترش آموزش‌های علمی، فنی، تخصصی (و نیز فرهنگی و اعتقادی) مورد نیاز کشور بویژه در سطوح کارشناسی ارشد و دکترا

- استفاده هرچه بیشتر از ظرفیت‌های مراکز علمی و پژوهشی کشور

- توجه لازم به علوم و فنون و تکنولوژی مورد نیاز

- بهبود شاخص‌های کمی و کیفی و افزایش درصد سهم اعتبارات آموزش عالی (بموازات افزایش همین

اعتبارات برای بخش‌های فنی و حرفه‌ای و آموزش و پرورش)

- تاکید بر فراهم نمودن زمینه‌های لازم و کافی برای رشد و تربیت نیروی انسانی مناطق مرحوم و روستایی

کشور

- حمایت از کادر آموزشی کشور در راستای افزایش کارایی و جذب متخصصین ایرانی خارج از کشور

- برقراری رابطه هر چه بیشتر مراکز علمی، تحقیقاتی کشور و مراکز تولیدی، صنعتی

- آشنا ساختن جوانان با علوم و فنون جدید توأم با تعهد نسبت به ارزش‌های اسلامی

- اصلاح سیستم جمع‌آوری و پردازش آمار و اطلاع‌رسانی به صورت متمرکز
علاوه بر این خط‌مشی‌ها، در حوزه تحقیقات کشور سازوکارهای اجرایی متعددی به عنوان ابزاری برای حل
مشکلات و توسعه کشور مطرح گردید که عبارت بودند از:

- افزایش درصد اعتبارات تحقیقاتی از تولید ناخالص ملی و بهبود شاخص‌های تحقیقاتی کشور
- ایجاد نظام تحقیقاتی جهت افزایش، ساماندهی و هماهنگی فعالیت‌های تحقیقاتی و ارزشیابی آنها
- تعیین اولویت‌های تحقیقاتی کشور و جهت‌دادن اعتبارات تحقیقاتی به سمت اولویت‌ها
- برقراری رابطه منسجم بین مراکز علمی و تحقیقاتی با مراکز اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
- حمایت مؤثر از تحقیقات در بخش‌های غیردولتی
- تقویت ارتباط بین تحقیقات، کاربرد و آموزش
- تقویت ارتباط مراکز تحقیقاتی کشور با مراکز بین‌المللی
- بکارگیری هر چه بیشتر دانشگاه‌ها در امر انتقال تکنولوژی
- گسترش و ایجاد امکانات برای آن دسته از علوم و تکنولوژی که با مزیت‌های نسبی اقتصاد کشور مرتبط
است.

- توسعه نرم‌افزاری تکنولوژی به منظور استفاده از تجهیزات و امکانات (سخت‌افزاری) موجود
- همراه نمودن انتقال تکنولوژی با خرید خدمات و تجهیزات از خارج از کشور
برنامه دوم توسعه در بخش آموزش عالی بر خلاف برنامه اول توسعه که برخی از هدف‌های کمی را مشخص
کرده بود، هیچ رقمی را اعلام نکرده بلکه تأکید بر جهت‌گیری‌ها و کلیات اقدامات و فعالیت‌های مورد نظر نمود.
نکته حائز اهمیت در این برنامه این بود که در بخش‌هایی از جمله جمعیت و تغییرات اجتماعی تأکید بر
مطالعات کاربردی نمود از جمله:

- کسب دانش و انجام مطالعات جهت استفاده و توسعه روش‌ها و تکنولوژی‌های جدید در امر پیشگیری از
بارداری

- انجام پژوهش‌های علمی جهت کسب اطلاع از میزان آگاهی، نگرش، عملکرد و مشکلات خانواده‌ها در
زمینه تنظیم خانواده

- مطالعه تغییرات میزان رشد جمعیت بر پایه اطلاعات جاری و مطالعات نمونه‌ای
- انجام تحقیقات کاربردی جهت یافتن راه‌ها و تکنولوژی مناسب برای افزایش آگاهی، نگرش و عملکرد
خانواده‌ها و رفع مشکلات آنها برای دسترسی به وسایل پیشگیری از حاملگی

- مطالعه و اعمال حمایت‌های قانونی لازم به منظور شناسایی و تقویت زمینه‌های شغلی که توجیه فنی - اقتصادی و با اهمیت فرهنگی داشته باشد.

این هدف‌ها و سیاست‌های کلی که به عنوان تکالیف دستگاه‌های اجرایی در تبصره‌های قانون برنامه دوم تبلور و تجسم پیدا نمود گویای دقیق‌تر جهت‌گیری‌ها و حرکت نظام جمهوری اسلامی ایران (در شرایط جدید) در حوزه آموزش عالی می‌باشد.

تدابیر برنامه دوم توسعه برای گسترش آموزش عالی و پژوهش

در واقع با خوانش مجدد این تکالیف، جایگاه آموزش عالی و تحقیقات در برنامه دوم بیشتر آشکار می‌شود. برنامه دوم توسعه نسبت به آموزش عالی و تحقیقات حساسیت زیادی نشان داد و نیاز نتایج حاصل از عملکرد برنامه اول و افت و خیزهای این بخش در دهه ۱۳۶۰ از یکسو و تحولات توسعه‌ای که در سراسر کشور در حال شروع مجدد بود از سوی دیگر، ضرورت این توجه را دو چندان ساخت. بنابراین، در چند تبصره وظایف و تکالیفی برای بخش آموزش عالی به زیور قانون درآمد تا طی برنامه ۵ ساله برنامه مورد توجه قرار گیرد و به اجرا گذاشته شود. یکی از این موارد تأکید بر گسترش آموزش از طریق راه‌اندازی دوره‌های جدید ولی با هزینه و شهریه‌های دانشجویی که می‌بایستی از خود داوطلبان دریافت می‌شد بود. این مورد دقیقاً به این صورت تصریح شد که «دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی می‌توانند در طول اجرای برنامه در رشته‌های مورد نیاز برای دوره‌های شبانه و دوره‌های خاص تأسیس و هزینه‌های سرانه شبانه را با تأیید وزارتخانه‌های بهداشت، درمان و آموزش پزشکی حسب مورد از داوطلبان وصول و وجوه حاصله را به خزانه‌داری کل واریز نمایند و معادل آن را از محل ردیفی که به همین منظور در بودجه سالانه منظور می‌گردد دریافت و صرف هزینه‌های مربوط به دانشگاه نمایند». (تبصره ۸۷).

همچنین برای توسعه آموزش و پژوهش تدبیر دیگری اندیشیده شد که عبارت از این بود که «به وزارتخانه‌های فرهنگ و آموزش عالی و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی اجازه داده می‌شود در طول اجرای برنامه از اعضاء هیأت علمی غیرایرانی خارج از کشور (با اولویت مسلمان بودن) صرفاً برای تدریس در دوره دکتری و همچنین تحقیق دعوت به کار نماید. و همچنین اجازه دهند که اعضاء هیأت علمی غیرایرانی فرصت‌های مطالعاتی خود را در کشور جمهوری اسلامی ایران سپری نمایند. به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی نیز اجازه داده می‌شود به منظور توسعه و تکمیل دوره‌های کارشناسی ارشد و دکترا با دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و مراکز تحقیقاتی کشورهای خارجی که با دولت جمهوری اسلامی ایران

روابط دوستانه دارند تفاهم‌نامه‌های علمی و پژوهشی در زمینه‌های مبادله استاد و دانشجو و تشکیل سمینارها و کنفرانس‌ها و تبادل پروژه‌های مشترک از طریق وزارتخانه مزبور منعقد نمایند». (تبصره ۹۰)

علاوه بر تصریح موارد یاد شده در تبصره مزبور، دولت وقت با دلواپسی و نگرانی‌های متعدد جدیدی نیز روبرو بود که می‌بایستی از طریق آموزش عالی درصدد کاهش این دلنگرانی‌ها برآید زیرا با توسعه آموزش عالی در کشور بدون توجه به بازار کار و اشتغال دانش‌آموختگان دانشگاهی رفته رفته کشور با حجم عظیمی از لشکر بیکاران این بخش روبرو بود در حالی که ظرفیت‌های اقتصادی و نیز مجموعه فعالیت‌ها در کشور چندان دانش‌بنیان نبودند که بتوانند این همه را جذب نمایند. از اینرو در تبصره دیگری به این موضوع اشاره می‌کند ولی نه برای جذب این نیروها بلکه برای نیازسنجی نیروی متخصص در جامعه. با این عبارت که به منظور برنامه‌ریزی و اتخاذ سیاست‌های مناسب تامین و تربیت نیروی انسانی و هماهنگی و تطبیق برنامه‌های اجرائی با نیازهای بازارکار و متعادل ساختن توزیع منابع انسانی بین بخش‌های مختلف کشور (با اولویت نیاز آموزش و پرورش) دولت موظف شد برنامه جامع تربیت نیروی انسانی در سطوح مختلف آموزش عالی را برای یک دوره ده ساله تهیه و سهم هر یک از مؤسسات آموزش عالی (دولتی و غیردولتی) را از سال اول برنامه معین نماید». (تبصره ۳۶)

اگرچه انجام این بررسی و سنجش تعداد نیروی متخصص مورد نیاز برای جامعه در دستور کار واقع شد و طی سال‌های برنامه تحقیقاتی صورت گرفت ولی نظام آموزش عالی و دانشگاه‌ها به راه خود ادامه دادند و ظاهراً نتایج این مطالعات اثری بر روند رو به گسترش دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی بویژه در مؤسسات غیردولتی (دانشگاه آزاد اسلامی) نداشت.

در همین برنامه توسعه وسیع پذیرش دانشجو در دانشگاه آزاد اسلامی و دانشگاه پیام‌نور، دانشگاه‌های دولتی نیز با نرخ به مراتب بالاتر از نرخ رشد اقتصادی در پذیرش دانشجو ادامه یافت. ضمن اینکه در دانشگاه‌های غیردولتی نه تنها از استادان و مدرسان دانشگاه‌های دولتی در ساعات متعددی استفاده می‌شد بلکه در بسیاری از واحدهای آموزشی خود از نیروهای غیرورزیده و کمتر متخصص استفاده می‌گردید. به همین خاطر دانشگاه‌های دولتی با کاهش تعداد استاد و کادر آموزشی در رشته‌های مختلف مواجه بود. از این رو دولت مکلف شد برای تامین هیأت علمی مورد نیاز آموزش عالی کشور در طول برنامه ارزش مورد نیاز جهت خرید تجهیزات لازم و تربیت حداقل هزار نفر عضو هیأت علمی در هر سال در داخل و اعزام به خارج در مقطع دکترا را از بودجه هر سال در وزارتخانه مربوط حسب مورد تأمین نماید. (تبصره ۹۱).

در عین حال «دانشگاه پیام‌نور در برنامه پنج‌ساله دوم توسعه، همچنان به صورت دانشگاه دولتی ابقاء و به روال سابق با دریافت شهریه از دانشجویان و کمک‌های مردمی، از بودجه عمومی دولت نیز استفاده می‌نماید».^۱ (تبصره ۹۳).

تا اینجا معلوم می‌گردد که طبق قانون برنامه دوم توسعه، دولت و به تبع نظام آموزش عالی اگر چه دغدغه بازار کار دانش‌آموختگان را تا حدودی داشت ولی در مواجهه با تقاضای اجتماعی روزافزون برای ورود به دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی ناگزیر به ایجاد ظرفیت‌های جدید و توسعه این بخش برآمد. در بالا، برابر قانون برنامه تصریح شد که دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی مکلف به راه‌اندازی دوره‌های شبانه یا خاص بودند بلکه آن‌ها را مجاز دانسته شدند که می‌توانند اقدام به چنین فعالیت‌هایی بکنند. تجربه نشان داد که نظام آموزش عالی و دانشگاه‌ها بدنال فرصت برای دریافت همین مجوز بودند در حالی که در جاهای متعددی که مکلف به فعالیت‌ها یا اقداماتی برای حل مشکلات مورد نظر بودند کمتر عملکرد مطلوبی داشته‌اند. برای اثبات این موارد بعداً مستندات ارایه خواهد شد در اینجا به یک نمونه از فعالیت‌های دیگر بخش آموزش عالی یعنی تحقیقات طبق همین قانون اشاره می‌شود که در این خصوص جنبه تکلیفی داشته است.

در سال‌های اجرایی برنامه اول و همین‌طور در یک سال پس از آن موجی ایجاد گردید که کشور شدیداً نیازمند شناخت مشکلات ناشناخته‌ها یا توضیح و تحلیل شرایط نوین کشور می‌باشد و این امر تنها از طریق ایجاد واحدهای تحقیقاتی جدید، استفاده از ظرفیت‌های موجود علمی و پژوهشی کشور و تشویق همین قابلیت‌ها در آینده می‌باشد. از اینرو برخلاف برنامه اول که هیچ اشاره‌ای به سهم تحقیقات کشور از تولید خالص ملی نشده بود در اینجا به این موضوع اشاره شد^۱ و باز از آنجا که اولویت نظام آموزش عالی کشور، توسعه انتقال دانش یعنی آموزش بود، مجلس نیز این بخش را مکلف ننمود بلکه چنین بیان داشت که «جهت دستیابی به هدف افزایش سهم هزینه‌های صرف شده در امر تحقیقات در تولید ناخالص داخلی به یک و نیم درصد (۱/۵٪) در سال ۱۳۷۸ (در پایان برنامه) و تأمین ۵۰٪ از کل این هزینه‌ها از محل درآمدهای عمومی، سازمان برنامه و بودجه مکلف است با هماهنگی شورای پژوهش‌های علمی کشور در هر سال سهم بخش تحقیقات هر یک از دستگاه‌های دولتی و تحت پوشش دولت از درآمدهای عمومی را تعیین و در ردیف مستقل و جداگانه منظور نماید (تبصره ۸۸).

^۱ در پیوست لایحه برنامه دوم توسعه چنین هدف‌گذاری شد که سهم هزینه‌های صرف شده در امر تحقیقات در تولید ناخالص داخلی به ۲ درصد در سال ۷۷ افزایش یابد (پیوست لایحه برنامه دوم توسعه، بخش تحقیقات، ص ۸-۱)

نکته جالب توجه در همین قانون تصریح این نکته است که دولت (سازمان برنامه) موظف به تأمین اعتبار برای این سهم شده و نحوه تأمین آن را نیز روشن ساخته است ولی در عمل گزارش عملکرد برنامه تحقق چنین امری را نشان نمی‌دهد (بعداً اشاره خواهد شد).

البته همین قانون مواردی همچون احداث، خرید و اجاره ساختمان‌های اداری و خرید تجهیزاتی که مرتبط با امر تحقیقات نبوده و نیز خرید خودروهای سواری از چنین ردیف‌هایی را ممنوع نمود و آن را به عنوان هزینه تحقیقاتی ندانست (همان).

لذا، به تبع همین توجه به امر تحقیقات و به منظور توسعه امور تحقیقاتی و استفاده بیشتر از خدمات اعضای هیأت علمی و پژوهشی به دولت اجازه داده شد تا برای اولین بار روش‌های تشویقی جدیدی ایجاد کند که شاید بر گسترش امر تحقیقات در کشور کمک نماید. از جمله موارد زیر بود:

الف) کلیه مزایا و تسهیلاتی را که طی برنامه دوم به اعضای هیأت علمی و پژوهشی دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی ... تعلق می‌گیرد به اعضای هیأت علمی و پژوهشی شاغل در مراکز زیر، به شرط این که به امر تحقیق و تدریس اشتغال داشته باشند، تسری دهد، از مثل: ۱- مؤسسات تحقیقاتی و آموزشی وابسته به وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و مؤسسات دولتی نظامی و انتظامی و بنیاد شهید انقلاب اسلامی که بر حسب قانون و با تأیید شورای گسترش وزارت فرهنگ و آموزش عالی یا ... ایجاد شده‌اند. ۲- ستادها و مراکز اداری که دارای پست سازمانی مصوب برای اعضای هیأت علمی می‌باشند و صلاحیت اعضای مذکور حسب مورد به تصویب هیأت‌های ممیزه مرکزی و وزارتخانه‌های فرهنگ و آموزش عالی و ... رسیده باشد. پست سازمانی مصوب برای اعضای هیأت علمی به طور مشترک به تصویب سازمان امور اداری و استخدامی، وزارتخانه‌های فرهنگ و آموزش عالی و ... حسب مورد خواهد رسید.

ب) کلیه دستگاه‌های اجرایی که از اعتبارات جاری و عمرانی مربوط به تحقیقات استفاده می‌کنند و همچنین شرکت‌های دولتی موضوع ماده ۴ قانون محاسبات عمومی کشور و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت که از اعتبارات مذکور استفاده می‌کنند موظفند ۱۵ درصد از اعتبارات مذکور را از طریق قراردادهای تحقیقاتی با دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی دولتی و غیردولتی، و همچنین اعضاء هیأت علمی این‌گونه مؤسسات با موافقت دانشگاه یا مؤسسه تحقیقاتی مربوط و مؤسسات پژوهشی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی و ... هزینه نمایند» (تبصره ۸۸).

ملاحظه می‌شود که نظام جمهوری اسلامی ایران به واسطه سیاست‌های کلان ابلاغی برنامه‌ها از سوی رهبری، تهیه لایحه قانونی توسط دولت و نیز مصوبه مجلس شورای اسلامی و تأیید شورای نگهبان، جهت‌گیری‌ها و اقدامات خود را در قالب برنامه‌های توسعه پنجساله به اجرا می‌گذارد.

اکنون که محتوا و مضامین بخش آموزش عالی در دو برنامه توسعه طی ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۸ تشریح شد ملاحظه گردید که برای رفع مسائل، مشکلات و نیازهای کشور، از این بخش چه انتظاری می‌رفته و چه وظایف و تکالیفی برای آن در نظر گرفته شده بود براین اساس در اینجا به ارزیابی عملکردها و نتایج دو برنامه اشاراتی هر چند کوتاه می‌شود.

ارزیابی نتایج و عملکردهای بخش آموزش عالی و تحقیقات در دو برنامه اول و دوم توسعه (۱۳۶۸-۷۸)

از بررسی و ارزیابی مسائل و مشکلات، نتایج و عملکردهای برنامه اول و دوم توسعه در بخش‌های آموزش عالی و تحقیقات طی دو برنامه اول و دوم توسعه (۱۳۶۸-۱۳۷۸) چنین برمی‌آید که نظام آموزش عالی در دو سطح آموزش و پژوهش طی دو برنامه مزبور نتایج و عملکردهایی داشته است. این عملکردها در بسیاری از موارد فراتر از قانون بوده‌اند.

ارزیابی عملکرد آموزش عالی و تحقیقات در برنامه اول توسعه

بخش آموزش عالی بطور کلی در سال ۶۸ و ماقبل آن به دو بخش دولتی و غیردولتی تقسیم شد. فعالیت‌های آموزشی این بخش حاوی ۵ برنامه آموزشی و دو برنامه غیرآموزشی می‌باشد. برنامه‌های آموزشی عبارتند از:

- برنامه‌های آموزش گروه پزشکی
- برنامه‌های آموزش گروه علوم پایه
- برنامه‌های آموزش گروه هنر
- برنامه‌های آموزش گروه علوم انسانی و اجتماعی
- برنامه‌های آموزش گروه فنی و مهندسی
- برنامه‌های آموزش گروه کشاورزی و دامپزشکی

هدف‌های کیفی در برنامه‌های آموزشی در گروه‌های مزبور علاوه بر موارد پیش گفته عبارتند از:

- توسعه و ارتقای علوم و معارف در کشور^۱

- توأم ساختن آموزش و پژوهش در کلیه سطوح عالی و تأمین نیازهای بنیادی پژوهش در کشور.

دست‌اندرکاران و برنامه‌ریزان این بخش در سال ۱۳۶۸ بر این باور بودند که نظام آموزش عالی در کشور دارای قابلیت‌ها و ظرفیت‌های مناسبی برای پرورش و توسعه موارد فوق بوده و بنابراین قادر است تا نیروی انسانی متخصص مورد نیاز کشور را تأمین نماید و به همین طریق به حل مشکلات بخش آموزش عالی بواسطه برخوردار بودن از بالاترین سطوح تخصصی در کلیه رشته‌های علمی بپردازد. اما در عین حال همین دست‌اندرکاران اقداماتی همانند توسعه بی‌رویه رشته‌ها و دانشکده‌های جدید، عدم تناسب تعداد دانشجویان با ظرفیت‌های فیزیکی و نیروی انسانی و توزیع نامتناسب منابع و امکانات بین فعالیت‌های آموزشی و غیرآموزشی را از جمله نقاط ضعف این بخش نام بردند.

در سال ۱۳۶۸ هر یک از گروه‌های آموزشی فوق‌الذکر در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی براساس ظرفیت‌هایی که داشتند دانشجو پذیرفتند. این وضعیت در سال ۱۳۶۸ بر حسب برخی از شاخص‌ها و متغیرهای کلیدی در جدول زیر قابل مشاهده است.

جدول (۱) وضع آموزش عالی بر حسب شاخص‌ها و متغیرهای کلیدی در سال ۱۳۶۸ (اعم از دولتی و غیردولتی)

گروه‌های آموزشی	تعداد دانشجو	تعداد پذیرفته‌شدگان	تعداد فارغ‌التحصیلان	نسبت دانشجو به استاد	نرخ بهره‌وری از ظرفیت فیزیکی
پزشکی	۴۹۶۴۰	۱۲۲۱۱	۵۹۷۰	۱۳	۲۱۱
علوم پایه	۴۱۵۰۰	۸۷۱۵	۵۶۰۰	۱۹	۱۳۵
هنر، علوم انسانی و اجتماعی	۷۶۳۲۰	۱۲۲۹۰	۱۰۹۹۰	۳۴	۱۷۴
فنی و مهندسی	۳۷۵۰۰	۸۲۴۵	۵۱۱۴	۲۳	۱۵۶
کشاورزی و دامپروری	۱۰۰۰۰	۲۳۴۳	۱۳۳۴	۱۳	۱۱۵
جمع	۲۱۴۹۶۰	۴۳۸۰۱	۲۹۰۰۸	۲۰	۱۶۴

مأخذ: پیوست قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۷۲-۱۳۶۸)

^۱ در لایحه دولت این عبارت به این صورت بود. «تعریف جنبه‌های فرهنگی دانشجویان و تعمیق معرفت دینی و ارزش اسلامی در آنان» (پیوست برنامه دوم توسعه، بخش آموزش عالی، ص ۱۷-۷).

درست یک سال قبل از شروع برنامه اول، در سال ۱۳۶۷ تعداد دانشجویان ۳۰۰ هزار و ۷۴۹ نفر بودند که از این تعداد ۲۱۰ هزار و ۷۴۹ نفر آنها دولتی، ۱۰ هزار و ۶۴۹ نفر (۳ درصد) نیمه حضوری و مابقی (۳۰ درصد) غیردولتی اشتغال به تحصیل داشته‌اند.

تعداد اساتید دانشگاهی در این سال (۱۳۶۷) معادل ۹۴۷۴ نفر بودند و شاخص تعداد دانشجو در یکصد هزار نفر جمعیت معادل ۵۷۰ نفر بود و شاخص نسبت دانشجو به استاد ۲۱ نفر گزارش شده است.

نکته شایان ذکر در سال ۱۳۶۷، اولین سال اجرای برنامه، این است که چون هیأت امناء دانشگاه‌ها در سال‌های پس از انقلاب منحل شدند، از اینرو یک هیأت سه نفره جانشین هیأت امناء مزبور تشکیل گردید که سه مصوبه مهمی را داشت که عبارتند از:

۱- تصویب افزایش ضریب حق‌التدریس برای اعضای هیأت علمی رسمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و سایر مدرسین حق‌التدریسی

۲- موافقت با ارتقاء مرتبه علمی اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور

۳- موافقت با چند تصویب‌نامه از جمله موضوع حق مأموریت و ترفیعات تشویقی کارمندانی که در جبهه‌های جنگ شرکت نموده‌اند.

به هر روی، عملکرد سال اول اجرای برنامه نشان داد که بخش آموزش و تحقیقات کشور با مشکلاتی از جمله محدود بودن عرضه نیروی انسانی متخصص دارای سطوح عالی تخصصی، اشتغال به تدریس بیش از اندازه هیأت علمی بدلیل توسعه بی‌رویه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی در بخش‌های دولتی و غیردولتی و همچنین نبود انگیزه‌های مادی و معنوی برای جذب و نگهداری نیروی انسانی متخصص موجود و جدید، مواجه بود.

از نتایج و عملکرد سال اول اجرای برنامه در این بخش (تحقیقات) بدلیل فقدان داده‌های موثق آماری گزارش دقیقی در دسترس نیست تنها اقلام کمی که می‌توان ذکر کرد عبارت است از تعداد محقق، اعتبارات تحقیقاتی و ... اند، مع‌الوصف، طبق گزارش‌های مختصر قابل دسترس، تعداد محققان به یک میلیون نفر جمعیت در سال ۱۳۶۷ معادل ۸۲ نفر بوده که برآورد شده بود در سال ۶۸ این رقم به ۱۱۹ نفر افزایش یابد. همچنین بودجه مصوب تحقیقات کشور در سال ۱۳۶۷ معادل ۴۷/۸ میلیارد ریال بوده که مقرر شده بود طبق اهداف برنامه این رقم به ۷۹/۲ میلیارد ریال بالغ گردد. البته در این سال بیشترین اعتبارات تحقیقاتی به بخش تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی و کمترین آن به گروه علوم انسانی و اجتماعی اختصاص داشته است. طبق همین گزارش‌ها نیروی انسانی فعال در فعالیت‌های پژوهشی مربوط به پروژه‌های تحقیقاتی دانشگاهی ۸۴۳۳ نفر بوده‌اند که ۵۱ درصد آنها را محقق و ۴۹ درصد بقیه را کمک محقق تشکیل می‌دادند. نسبت اعتبارات پرداختی

بخش تحقیقات کشور به بودجه عمومی دولت در سال ۶۸ معادل ۱/۲۳ درصد نکته حائز اهمیت این است که در سال ۱۳۶۷ نسبت اعتبارات تحقیقاتی به تولید ناخالص داخلی (GDP) معادل ۰/۱۸ درصد بود. و نسبت این اعتبارات (تحقیقاتی) به بودجه عمومی دولت در سال ۶۷ معادل ۰/۸۸ درصد ذکر شده است.

به این ترتیب، باید گفت که بخش تحقیقات در کشور، همه متعلق به آموزش عالی نیست و از اینرو اولاً تحقیقات در کشور به چند نوع قابل تقسیم است یکی تحقیقات بنیادی (پایه‌ای)، دوم تحقیقات توسعه‌ای، و سوم تحقیقات کاربردی در دانشگاه‌ها و تحقیقات مراکز تحقیقاتی قابل طبقه‌بندی می‌باشند.

همچنین، اهداف تحقیقاتی در کشور علاوه بر مواردی که پیشتر در چارچوب برنامه اول ذکر شد مواردی چون «رشد و ارتقاء زمینه‌های فرهنگی و سیاسی و اجتماعی» و «ایجاد زمینه‌های مساعد جهت فعالیت‌های پژوهشی در کلیه بخش‌های علمی، فنی و فرهنگی کشور» (گزارش اقتصادی سال ۶۸ ص ۵۶۲) ذکر شده است.

ثانیاً، کل فعالیت‌های پژوهشی در قالب چهار برنامه که عبارتند از برنامه تحقیقات دانشگاهی، برنامه تحقیقات صنعتی و زیربنایی، برنامه تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی و برنامه تحقیقات علوم انسانی و اجتماعی، قابل تفکیک بودند.

معالوصف، در پیوست برنامه اول هدف‌های بخش تحقیقات بشرح زیر عنوان شده است:

- تقویت و اشاعه روح بررسی و پژوهش و ابتکار در تمام زمینه‌های علمی و فنی و فرهنگی
- گسترش تحقیقات به منظور توسعه علوم و تلاش در پیشبرد دانش بشری
- رشد و توسعه دانش فنی (تکنولوژی) برای نیل به خود اتکایی و قطع وابستگی
- انطباق طرح‌های تحقیقاتی کاربردی با نیازهای اساسی کشور
- توجه به تحقیقات بنیادی به عنوان زیربنایی برای تحقیقات کاربردی و تکنولوژی آینده بشر
- توجه به تحقیقات در زمینه علوم انسانی، فرهنگی و هنری برای رشد و ارتقاء زمینه‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی جامعه

- بهبود شاخص‌های کیفی تحقیقاتی

در پیوست برنامه اول توسعه ضمن بیان هدف‌های فوق به مشکلات و تنگناهای بخش تحقیقات نیز پرداخته شده که در اینجا به اهم آنها اشاره می‌شود.

- فقدان یک نظام واحد و منسجم تحقیقاتی و مشخص نبودن اولویت‌های پژوهشی کشور به طور دقیق،
- عدم ارتباط دقیق سازمانی بین واحدهای مختلف تحقیقاتی، عدم امکان کنترل و نظارت کارآمد و عدم استفاده بهینه از امکانات و منابع تحقیقاتی موجود

- استفاده از منابع اعتبارات تحقیقاتی در فعالیتهای غیرتحقیقاتی
 - ناشناخته ماندن نتایج بسیاری از تحقیقات انجام شده
 - عدم استفاده کامل از نتایج تحقیقات در بخشهای تولیدی و اجرایی و عدم احساس نیاز به تحقیقات در این بخشها به خاطر وصول سریع و آسان مشابه آن از خارج از کشور
 - عدم آگاهی کافی پژوهندگان از مسائل و مشکلات اجرایی و عدم ارتباط سازمانی مشخص و کافی بین واحدهای پژوهشی و سایر دستگاههای اجرایی و آموزشی کشور
 - کمبود نیروی کار تحقیقاتی بالفعل در کشور
 - محدود بودن تعداد پژوهشگران با تجربه برای ارشاد و هدایت پژوهشگران کم تجربه
 - نبود برنامه جامع پژوهشی در دانشگاه و مؤسسات آموزش عالی
 - نبود معیار ارزیابی و سنجش آثار پژوهش علمی
- در همین گزارش همانطور که یاد شد سهم اعتبارات پژوهشی از تولید ناخالص داخلی (GDP) در سال ۱۳۶۷ معادل ۰/۲۱ درصد بوده است. که برآورد شده این رقم در پایان برنامه به ۰/۶ برسد. همچنین سهم اعتبارات پژوهشی از بودجه عمومی دولت معادل ۱/۱۶۷ درصد بوده و سهم هریک از گروههای پژوهشی از بودجه عمومی دولت به ترتیب زیر گزارش شده است:
- تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی ۰/۹۳ درصد
 - تحقیقات دانشگاهی و تحقیقات علوم انسانی و اجتماعی ۰/۱۵ درصد
- همچنین نیروی انسانی فعال در فعالیتهای پژوهشی ۸۴۳۳ نفر بوده که از این تعداد ۴۳۰۲ نفر (۵۱ درصد) محقق و ۴۱۳۱ نفر (۴۹ درصد) کمک محقق بودهاند.
- همین گزارش نیز توضیح می دهد که ۴۹/۴ درصد کل پروژهها در سال ۶۸ کاربردی و ۱۶/۴ درصد بنیادی و ۱۵/۴ درصد هم پروژههای توسعهای را تشکیل دادهاند.
- افزون بر مسائل پیش گفته این توضیح لازم است که در حوزه تحقیقات علوم انسانی و اجتماعی در سال ۱۳۶۸ اولاً، از کل اعتبارات تحقیقاتی کشور (که مبلغ آن در سال ۲ میلیارد و ۱۱۲ میلیون تومان بود) تنها ۳۷۵ میلیون تومان آن به تحقیقات علوم انسانی و اجتماعی اختصاص یافت. از این مبلغ ۵۷/۹ درصد بودجه جاری (بودجه هزینه‌ای) و ۴۲/۱ درصد بقیه بودجه عمرانی (تملک دارایی) بودند. ثانیاً این اعتبارات در حوزههای زیرمجموعه برنامه علوم انسانی و اجتماعی به شرح زیر توزیع گردید.

جدول ۲) درصد اعتبارات مالی بر حسب گروه‌های عمده آموزشی

اعتبارات (درصد)	زیر گروه علوم انسانی و اجتماعی
۱۶	آموزش و پرورش
۲	فرهنگ و هنر
۵۶	بهداشت و درمان
۵	تأمین اجتماعی و بهداشتی
۴	حفاظت محیط‌زیست
۱	امور فنی و حرفه‌ای
۱۶	سایر
۱۰۰	کل

نکته مهم بعدی راجع به توزیع پروژه‌های تحقیقاتی در دست اجرا حسب گروه‌های آموزشی در سال ۶۸ می‌باشد. جدول زیر این موارد را نشان می‌دهد.

جدول ۳) پروژه‌های تحقیقاتی در گروه‌های عمده آموزشی بر حسب تعداد و مراکز تحقیقاتی در سال

اول برنامه اول توسعه

عنوان	گروه‌های آموزشی	تعداد پروژه در دانشگاه‌ها	مراکز تحقیقاتی	کل
گروه آموزشی	پزشکی	۴۳۰	۱۶	۴۴۶
	علم پایه	۴۴۱	۴۶	۴۸۷
	هنر، علوم انسانی و اجتماعی	۲۷۵	۱۲	۲۸۷
	فنی و مهندسی	۴۱۷	۱۷۰	۵۸۷
	کشاورزی و دامپزشکی	۳۳۸	۶۶	۴۰۴
نوع پروژه	بنیادی	۳۳۱	۳۲	۳۶۳
	کاربردی	۸۲۶	۲۶۵	۱۰۹۱
	توسعه‌ای	۳۲۸	۱۳	۳۴۱
	نامشخص	۴۱۶	-	۴۱۶
تعداد پروژه		۱۹۰۱	۳۱۰	۲۲۱۱

مأخذ: گزارش اقتصادی سال ۱۳۶۸

تصویری از وضعیت آموزش عالی و تحقیقات در آستانه تدوین برنامه دوم توسعه

در آخرین سال برنامه اول توسعه، در بخش آموزش، تعداد کل دانشجویان (اعم از کارشناسی، ارشد و دکترای حرفه‌ای و تخصصی) نسبت به سال ۶۸ رشد چشمگیری در دو بخش دولتی و غیردولتی داشت. شرح این وضعیت را می‌توان در جداول زیر ملاحظه نمود.

جدول ۴) تعداد کل دانشجویان به تفکیک بخش‌ها در سال ۱۳۷۲

بخش	تعداد کل دانشجو	درصد
دولتی	۲۹۳۹۶۹	۳۸/۳
نیمه‌حضوری	۸۶۶۹۳	۱۱/۳
غیردولتی	۳۸۶۱۳۹	۵۰/۴
جمع	۷۶۷۰۷۱	۱۰۰

جدول ۵) تعداد دانشجویان بخش دولتی برحسب گروه‌های آموزشی (در سال ۱۳۷۲)

گروه‌های آموزشی	۱۳۶۸		۱۳۷۲	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد
پزشکی	۴۹۶۴۰	۲۳	۷۴۴۷۹	۲۵/۴
علوم پایه	۴۱۵۰۰	۱۹/۲	۴۷۷۵۵	۱۶/۲
هنر، علوم انسانی و اجتماعی	۷۶۳۲۰	۳۵/۵	۹۷۴۰۰	۳۳/۱
فنی و مهندسی	۳۷۵۰۰	۱۷/۴	۵۸۶۲۹	۱۹/۹
کشاورزی و دامپزشکی	۱۰/۰۰۰	۴/۹	۱۵۷۲۷	۵/۴
جمع	۲۱۴۹۶۰	۱۰۰	۲۹۳۹۹۰	۱۰۰

مأخذ: گزارش اقتصادی سال ۱۳۷۲

جدول مذکور نشان می‌دهد که بیشترین پذیرش دانشجو در گروه هنر، علوم انسانی و اجتماعی بوده گرچه همواره از سال ۱۳۶۸ تعداد پذیرش‌ها در این گروه نسبت به سایر گروه‌های آموزشی بیشتر بوده است با این حال

اگر چه از نظر تعداد پذیرش نسبت به سال ۶۸ کاهش یافته ولی سهم این گروه هم افزایش یافته و هم نسبت به سایر گروه‌های آموزشی بیشتر است.

در بخش تحقیقات، اگر چه فعالیت‌هایی توسعه پیدا کرد و شاخص‌ها نسبت به سال ۱۳۶۸ در پایان برنامه وضع بهتری پیدا کردند ولی نقاط ضعف در آن همچنان محسوس است که در ادامه به اهم آنها اشاره خواهیم کرد.

ارزیابی عملکرد این برنامه بدلیل عدم دسترسی به داده‌های جزئی و کمی بر حسب گروه‌های آموزشی چندان مقدور نیست زیرا در سال ۶۸ اعتبارات تحقیقاتی همانطور که قبلاً مورد ملاحظه قرار گرفت بر حسب گروه‌های آموزشی تعریف شده بود ولی در سال ۷۲ یعنی پایان برنامه اگر چه اعتبارات تحقیقاتی نیز بر حسب گروه‌های آموزشی توزیع و تعریف می‌شد ولی عناوین آنها تغییر کرده بود بنابراین مقایسه ابتدا و انتهای برنامه قدری با مشکلاتی مواجه می‌شود از این رو در جداول مجزا نمایش داده می‌شود و بر شاخص‌های کلی در این خصوص با یکدیگر مقایسه می‌گردند.

جدول ۶) نسبت اعتبارات تحقیقاتی دولتی نسبت به برخی از شاخص‌ها در سال ۱۳۷۱ و ۱۳۷۲

(به میلیون ریال)

نسبت اعتبارات تحقیقاتی به بودجه عمومی دولت		نسبت اعتبارات تحقیقاتی به تولید ناخالص داخلی		اعتبارات تحقیقاتی		عنوان
مصوب ۷۲	پرداختی ۷۱	مصوب ۷۲	پرداختی ۷۱	مصوب ۷۲	پرداختی ۷۱	
۰/۳۲	۰/۳۰	۰/۱۰	۰/۰۶	۸۱۴۹۷	۳۳۸۹۹	تحقیقات دانشگاهی
۰/۴۸	۰/۴۱	۰/۱۵	۰/۰۷	۱۲۳۲۰۵	۴۶۲۲۵	تحقیقات صنعتی و زیربنایی
۰/۶۲	۰/۶۱	۰/۱۹	۰/۱۱	۱۵۶۹۲۲	۶۷۵۹۴	تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی
۰/۲۰	۰/۲۳	۰/۰۷	۰/۰۴	۵۱۸۲۸	۲۵۰۵۴	تحقیقات علوم انسانی و اجتماعی
۱/۶۲	۱/۵۵	۰/۵۱	۰/۲۸	۴۱۳۴۵۲	۱۷۲۷۷۲	جمع

مأخذ: لایحه بودجه سال ۱۳۷۳ کل کشور

مقایسه اعتبارات تعیین شده در سال‌های اول و پنجم برنامه اول توسعه (۱۳۶۸ با ۱۳۷۲) نشان می‌دهد که هم سقف اعتبارات افزایش یافته و هم این اعتبارات به تولید ناخالص داخلی (GDP) در سال ۷۲ نسبت به سال ۶۸ افزایش یافت. با وجود این تغییرات، به دلایل مختلفی از جمله ساختار نظام آموزشی، ساختار اقتصادی و اجتماعی در کشور بخش تحقیقات همچنان دچار مشکلات و نقاط ضعف جدی بوده^۱ که در اینجا به اهم آنها اشاره می‌شود:

- نبود انگیزه‌های کافی و محیط علمی مستعد جهت فعالیت‌های پژوهشی
- کمبود نیروی کار تحقیقاتی کشور
- نبود توجه کافی به امر زیربنایی در نظام تحقیقاتی کشور
- نداشتن آگاهی کافی مراکز تحقیقاتی نسبت به نیازهای کشور
- نبود ارتباط مؤثر بین مراکز تحقیقاتی و دانشگاه‌ها با دستگاه‌های اجرایی و بخش غیردولتی
- عدم سرمایه‌گذاری کافی سازمان‌ها، بانک‌ها و صنایع در امر تحقیقات
- مشخص نبودن جایگاه مراکز تحقیقاتی غیردولتی در نظام تحقیقاتی کشور

اما، نکته قابل ذکر در مورد توزیع اعتبارات تحقیقاتی این است که این اعتبارات بر حسب رشته‌های علمی یا موضوعات خاص توزیع نمی‌شد بلکه حوزه‌های تحقیقاتی بر حسب دستگاه‌های اجرایی بود به عنوان مثال در حوزه تحقیقات علوم انسانی و اجتماعی، اعتبارات تحقیقاتی بین آموزش و پرورش عمومی، فرهنگ و هنر، بهداشت، درمان و تغذیه، تأمین اجتماعی و بهزیستی، حفاظت محیط‌زیست و آموزش فنی و حرفه‌ای توزیع می‌شد. (جدول ۲).

طبق گزارش ملی تحقیقات در سال ۱۳۷۳، تعداد کارکنان علمی و فنی کشور ۵۰۳۲۶ نفر بودند که ۱۱/۹ درصد آنها را کارکنان پشتیبان پژوهشی (۵۹۶۶ نفر) و ۸۱/۱ درصد بقیه را کارکنان پژوهشی (۴۴۳۶۰ نفر) تشکیل می‌دادند. طبق همین گزارش، علاوه بر پژوهشگران، کارشناسان و تکنسین‌های پژوهشی از جمله کارکنان پژوهشی تعریف می‌شدند که از این تعداد ۵۷/۳ درصد پژوهشگر، ۱۹/۹ کارشناس پژوهشی و ۲۲/۸ درصد به عنوان تکنسین پژوهشی قلمداد می‌شدند.

وضعیت نظام پژوهشی کشور را می‌توان جزء به جزء بر حسب موارد مذکور و نیز برخی دیگر از شاخص‌های عمده در جدول زیر در سال ۱۳۷۳ مشاهده نمود.

^۱ . سازمان برنامه و بودجه، گزارش اقتصادی، بخش آموزش عالی و تحقیقات، ص ۳۵۲، ۱۳۷۲.

جدول ۷) تصویری از نیروی انسانی بخش تحقیقات کشور با برخی از شاخص‌های عمده در سال ۱۳۷۳

ردیف	عنوان	تعدد
۱	تعداد پژوهشگر	۲۵۴۴۲
۲	تعداد پژوهشگران بدون احتساب دانشجویان ارشد و دکترا که در حال گذراندن رساله هستند	۱۱۳۹۲
۳	تعداد کارشناس پژوهشی	۸۸۱۴
۴	تعداد تکنسین‌های پژوهشی	۱۰۱۰۴
۵	تعداد کارکنان پژوهشی (موارد ۱+۳+۴)	۴۴۳۶۰
۶	تعداد کارکنان پشتیبانی پژوهشی	۵۹۶۶
۷	تعداد کارکنان علمی و فنی (موارد ۵+۶)	۵۰۳۲۶
۸	نسبت پژوهشگران به هر یک میلیون نفر جمعیت	۴۲۶
۹	نسبت پژوهشگران بدون احتساب دانشجویان کارشناسی ارشد و دکترا که در حال گذراندن رساله هستند، به هر یک میلیون نفر جمعیت	۱۹۱
۱۰	نسبت کارکنان پژوهشی به هر یک میلیون نفر جمعیت	۷۴۴
۱۱	نسبت کارکنان علمی و فنی به هر یک میلیون نفر جمعیت	۸۴۴

مأخذ: شورای پژوهش‌های علمی کشور - گزارش ملی تحقیقات در سال ۱۳۷۳

داده‌های مندرج در جدول فوق نشان دهنده وضعیت نظام پژوهشی کشور در سال بعد از پایان برنامه اول توسعه، ۱۳۷۳ است. در این سال کشور فاقد برنامه بود و مقرر شد که کلیه دستگاه‌های اجرایی و نیز سازمان برنامه و بودجه عملکرد برنامه اول توسعه را مورد ارزیابی قرار دهند و در همین سال با توجه به نتایج حاصل عملکردهای برنامه در بخش‌های مختلف و نیز تحلیل وضع موجود، برنامه دوم توسعه را برای سال‌های ۱۳۷۴ لغایت ۱۳۷۸ تهیه و تدوین نمایند.

بنابراین تصویر فوق و موارد دیگری که در صفحات بعد از بخش تحقیقات کشور منعکس می‌شود گویای وضع تحقیقاتی کشور می‌باشد. لذا، مقرر شد تا با توجه به مستندات و پیوست‌های برنامه دوم توسعه نیازها و امکانات مورد سنجش قرار گیرند، نقاط قوت و ضعف بخش احصاء و بر این اساس سیاست‌ها، برنامه‌ها و منابع معرفی شوند.

جدول ۸) تعداد پژوهشگران، کارشناسان و تکنسین‌ها به تفکیک گروه‌های تخصصی بر حسب

بخش‌های دولتی و غیردولتی در سال ۱۳۷۳

درصد	جمع کل			تکنسین			کارشناس			پژوهشگر			گروه‌های آموزشی
	جمع	غیر دولتی	دولتی	جمع	غیر دولتی	دولتی	جمع	غیر دولتی	دولتی	جمع	غیر دولتی	دولتی	
۲۶/۹	۱۱۹۵۴	۱۶۶۸	۱۰۲۸۶	۳۳۷۶	۴۱۸	۲۹۵۸	۲۹۴۴	۳۴۰	۲۶۰۴	۵۶۳۴	۹۱۰	۴۷۲۴	فنی و مهندسی
۱۴/۹	۶۶۱۵	۶۱۸	۵۹۹۷	۱۴۴۴	۹۲	۱۳۵۲	۱۱۸۰	۱۰۳	۱۰۷۷	۳۹۹۱	۴۲۳	۳۵۶۸	علوم پایه
۱۵/۷	۶۹۶۴	۲۷۷	۶۶۸۷	۱۷۹۰	۲۲	۱۷۶۸	۲۲۹۹	۳۴	۲۲۶۵	۲۸۷۵	۲۲۱	۲۶۵۴	کشاورزی
۱۶/۵	۷۳۲۵	۱۷۱۷	۵۶۰۸	۷۹۵	۴۱	۷۵۴	۱۱۵۴	۸۴	۱۰۷۰	۵۳۷۶	۱۵۹۲	۳۷۸۴	علوم انسانی
۰/۹۹	۴۴۱	۳۳	۴۰۸	۲۰۶	۲۰	۱۸۶	۷۰	۱۲	۵۸	۱۶۵	۱	۱۶۴	هنر
۲۴/۹	۱۱۰۶۱	۸۱۷	۱۰۲۴۴	۲۴۹۳	۹	۲۴۸۴	۱۱۶۷	۵۲	۱۱۱۵	۷۴۰۱	۷۵۶	۶۶۴۵	پزشکی
۱۰۰	۴۴۳۶۰	۵۱۳۰	۳۹۲۳۰	۱۰۱۰۴	۶۰۲	۹۵۰۲	۸۸۱۴	۶۲۵	۸۱۸۹	۲۵۴۴۲	۳۹۰۳	۲۱۵۳۹	جمع

مأخذ: شورای پژوهش‌های علمی کشور - گزارش ملی تحقیقات، ۱۳۷۳

این جدول نشان می‌دهد سهم پژوهشگران دولتی از کل پژوهشگران کشور معادل ۸۸/۴ درصد می‌باشد. از طرف دیگر، بالاترین رقم پژوهشگران به ترتیب در حوزه پزشکی، فنی و مهندسی و علوم انسانی و اجتماعی قرار دارند. به عبارت دیگر بالغ بر ۵۰ درصد پژوهشگران به دو حوزه پزشکی و فنی و مهندسی تعلق دارند.

جدول ۹) تعداد پروژه‌های در دست اجرا به حسب گروه‌های تخصصی در بخش‌های دولتی و غیردولتی

درصد	جمع	بخش غیردولتی		بخش دولتی		عنوان
		درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۲۶/۶	۳۵۹۴	۱۰	۳۵۸	۹۰	۳۲۳۶	فنی و مهندسی
۱۴/۸	۱۹۹۵	۲۰/۴	۴۰۶	۷۹/۶	۱۵۸۹	علوم پایه
۳۲/۱	۴۳۳۴	۱/۶	۷۰	۹۸/۴	۴۲۶۴	کشاورزی
۱۲/۱	۱۶۲۴	۱۷/۷	۲۸۸	۸۲/۳	۱۳۳۶	علوم انسانی
۰/۹۵	۱۲۸	۰/۰	-	۱۰۰	۱۲۸	هنر

عنوان	بخش دولتی		بخش غیردولتی		جمع	درصد
	تعداد	درصد	تعداد	درصد		
پزشکی	۱۴۱۷	۷۸	۳۹۹	۲۲	۱۸۱۶	۱۳/۵
جمع	۱۱۹۷۰	۸۸/۷	۱۵۲۱	۱۱/۳	۱۳۴۹۱	۱۰۰

مأخذ: شورای پژوهش‌های علمی کشور، گزارش ملی تحقیقات - سال ۱۳۷۳

علیرغم اینکه تعداد پژوهشگران به ترتیب در حوزه‌های پزشکی، فنی و مهندسی و علوم انسانی، کشاورزی و علوم پایه قرار دارند ولی تعداد پروژه‌های در حال اجرا در سال ۱۳۷۳، با تعداد پژوهشگران شاغل در حوزه‌های مزبور تطبیق ندارد. جدول ۹ نشان می‌دهد که بیشترین به کمترین پروژه‌ها به حوزه‌های کشاورزی (با ۳۲/۱ درصد)، فنی و مهندسی (با ۲۶/۶ درصد)، علوم پایه (با ۱۴/۸ درصد)، پزشکی (با ۱۳/۵ درصد)، علوم انسانی (با ۱۲/۱ درصد) و هنر (با ۰/۹۵ درصد) تعلق داشته‌اند.

جدول ۱۰) نوع پروژه‌های انجام شده در سال ۱۳۷۳

عنوان	تالیف	ترجمه	جمع (تألیف و ترجمه)	
			تعداد	درصد
فنی و مهندسی	۳۴۴	۴۶۲	۸۰۶	۴۳/۱
علوم پایه	۹۹	۸۴	۱۸۳	۹/۸
کشاورزی	۱۱۹	۸۰	۱۹۹	۱۰/۶
علوم انسانی	۲۰۶	۳۸۶	۵۹۲	۳۱/۷
هنر	۱	-	۱	۰/۱
پزشکی	۵۹	۳۰	۸۹	۴/۸
جمع	۸۲۸	۱۰۴۲	۱۸۷۰	۱۰۰/۰

مأخذ: شورای پژوهش‌های علمی کشور، گزارش ملی تحقیقات - سال ۱۳۷۳

همانطور که قبلاً ذکر شد، در سال ۱۳۷۳ کشور فاقد برنامه اجرایی بود بنابراین کلیه دستگاه‌های اجرایی از جمله آموزش عالی کشور طبق قانون بودجه سال ۱۳۷۳ عمل نمودند ضمن اینکه برنامه اول توسعه، مطابق روند گذشته برای سال ۱۳۷۳ ادامه یافت. حال با این تصویر از اقدامات انجام شده در دو حوزه آموزش عالی و

تحقیقات در طول برنامه اول توسعه، که جمع‌بندی کلی آن در سال ۱۳۷۳ ارایه شد به ترتیب به ارزیابی و نتایج حاصل از عملکرد برنامه دوم اشاره می‌شود.

ارزیابی عملکرد آموزش عالی و تحقیقات در برنامه دوم توسعه

بررسی و ارزیابی برنامه دوم توسعه (۷۸-۱۳۷۴) مثل برنامه اول توسعه در دو بخش آموزش عالی و تحقیقات منوط به تحلیل شرایط موجود در آستانه تهیه این برنامه است. این ارزیابی به دو صورت قابل بررسی است یکی آنکه می‌توان در هر یک از دو بخش مزبور، ارزیابی‌های سالانه انجام داد و دیگری می‌توان سال اول را با سال آخر برنامه مقایسه نمود و تحولات و تغییرات روی داده را مورد توصیف و تبیین قرار داد. در اینجا برای ارزیابی این دوره به هر دو روش عمل می‌کنیم زیرا به نظر می‌رسد تحولاتی که در دو بخش نظام آموزش عالی بوجود آمد صرفه‌نظر از برخی تغییرات، همچنان در سال‌های بعد ادامه یافت. از طرف دیگر، در ابتدای این دوره یعنی در سال ۱۳۷۴، در نظام برنامه‌ریزی یک اقدام مهم و میمونی روی داد مبنی بر اینکه اعتبارات نظام تحقیقاتی کشور براساس موضوعی تعریف و همه در فصل جداگانه‌ای تجمیع گردید. این فصل که در قانون بودجه سال ۷۴، فصل سیزدهم نام داشت در ۱۰ برنامه به شرح زیر درج گردید:

- برنامه تحقیقات اجتماعی
 - برنامه تحقیقات فرهنگی و آموزشی
 - برنامه تحقیقات دانشگاهی
 - برنامه تحقیقات مسکن و عمران شهری و روستایی
 - برنامه تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی
 - برنامه تحقیقات انرژی
 - برنامه تحقیقات حمل و نقل و ارتباطات
 - برنامه تحقیقات خدمات اقتصادی و بازرگانی
 - برنامه تحقیقات دفاعی و انتظامی
- در این برنامه بالاترین مرجع سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی نظام تحقیقاتی کشور «شورای پژوهش‌های علمی کشور» شناخته می‌شود.

سال ۱۳۷۴، به عنوان اولین برنامه دوم توسعه، بخش آموزش عالی با همان شتاب سال‌های برنامه اول، رشد کرد و در نتیجه تعداد دانشجویان کشور در بخش‌های مختلف از مرز یک میلیون نفر عبور کرد بطوریکه ۵۱/۶

درصد به بخش دولتی و ۴۸/۴ درصد به بخش غیردولتی تعلق داشتند با وجود آنکه حجم دانشجویان بخش دولتی نسبت به بخش غیردولتی بیشتر بود ولی رشد سالانه بخش غیردولتی با شتاب بیشتری رشد و گسترش یافت. طبق داده‌های موجود تعداد پذیرفته‌شدگان در سال ۱۳۷۴ در بخش غیردولتی معادل ۱۲۱ هزار و ۱۴۲ نفر بودند در حالی که رقم مشابه برای بخش دولتی ۱۰۶ هزار و ۱۸۵ نفر گزارش شده است.

بیشتر ملاحظه شد که در برنامه دوم توسعه یکی از تبصره‌های این قانون دولت را مکلف ساخته بود که در طول سال‌های اجرایی برنامه بایستی به بازار کار دانش‌آموختگان دانشگاهی توجه داشته باشد. بر همین اساس در مرحله اول نظام آموزش عالی می‌بایستی به سنجش نیاز بازار به تعداد نیروهای متخصص و سایر مسائل از این دست بپردازد، زیرا در طول برنامه اول و با ورود روزافزون انبوه دانش‌آموختگان دانشگاهی به جامعه، تدریجاً این مسئله یکی از معضلات مهم و مورد دغدغه سیاستگذاران گردید. بطوری که آمار فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در سال ۱۳۶۸ اعم از دولتی، پیام‌نور (نیمه‌حضوری) و غیردولتی معادل ۳۶۴ هزار و ۸۳۷ نفر بودند که در سال ۱۳۷۲ به رقم ۸۷۷ هزار و ۴۰۰ نفر بالغ گردیدند.

از تعداد فارغ‌التحصیلان، تنها تعداد محدودی که دارای تحصیلات تکمیلی بودند آنهم بیشتر فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها و مؤسسات دولتی با سهولت بیشتری می‌توانستند شاغل به کار شوند.

از سوی دیگر، از سال ۱۳۷۴ به بعد آرام آرام کل فارغ‌التحصیلان دولتی و غیردولتی نظم بهتری پیدا کرد و در نتیجه بیشتر در دسترس قرار گرفتند از این رو، بطور شفاف‌تر امکان دسترسی به تعداد فارغ‌التحصیلان میسر گردید.

داده‌های مندرج در جدول زیر یک نمونه از آمار فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در طول سال‌های برنامه دوم توسعه از سال ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۸ را نشان می‌دهند.

جدول ۱۱) تعداد فارغ التحصیلان دانشگاهی برحسب بخش‌های

دولتی و غیردولتی در طول برنامه دوم توسعه

جمع	فارغ التحصیلان					عنوان
	۱۳۷۸	۱۳۷۷	۱۳۷۶	۱۳۷۵	۱۳۷۴	
۴۴۶۲۷۴	۱۰۸۲۵۶	۹۱۶۴۸	۷۴۸۷۲	۸۱۸۶۱	۸۹۶۳۷	دولتی
۶۰۵۶۸	۱۵۰۰۰	۱۴۲۸۹	۹۶۲۷	۱۰۸۲۶	۱۰۸۲۶	نیمه حضوری
۲۹۶۹۲۲	۷۱۷۱۸	۶۰۵۹۱	۵۱۵۴۷	۶۵۳۶۵	۴۷۷۰۱	غیردولتی
۸۰۳۷۶۴	۱۲۳۲۵۶	۱۶۶۵۲۸	۱۳۶۰۴۶	۱۵۸۲۲۶	۱۴۸۱۶۴	جمع

مأخذ: سازمان برنامه و بودجه، گزارش‌های اقتصادی سال ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷ و ۷۸

تصویری که در جدول فوق درباره کل فارغ التحصیلان در بخش‌های مختلف طی برنامه دوم توسعه ارایه شده مؤید این است که در سطوح مختلف کاردانی، کارشناسی و تحصیلات تکمیلی، تعداد قابل توجهی از دانش‌آموختگان وارد بازار کار شده‌اند. تعدادی از این افراد در سطوح تحصیلات تکمیلی حرفه دانشگاهی و پژوهشی را پذیرفته و تعداد زیادی دیگر در محیط‌های مختلف شاغل بکار شدند در حالی که عده‌ای هم بویژه زنان مواجه با بیکاری شده‌اند. اما در بخش پژوهش و تحقیق، بخاطر عدم وجود داده‌ها و اطلاعات لازم و موثق درباره عملکرد آن در طول برنامه دوم توسعه، نمی‌توان به داده‌های محدود موجود اعتماد کرد. بنابراین برای تجزیه و تحلیل این وضع نیز به مستندات و پیوست‌های برنامه سوم توسعه که جمع‌بندی از این بخش نسبت به دو برنامه اول و دوم صورت گرفته اتکا می‌شود. اما پیش از آن به این نکته توجه داده می‌شود که گذشته از ضعف‌های جدی که در این بخش در طول دو برنامه مزبور وجود داشت نمی‌توان از این واقعیت ممتاز اجتناب کرد که در هر دو برنامه بویژه در برنامه دوم توسعه سعی شد تا به این بخش مثل سایر بخش‌ها اهمیت داده شود ولی چون رونق و توسعه بخش تحقیقات عموماً به زیرساخت‌های پژوهشی، به روحیه تحقیق و هم به عوامل تحقیق از یکسو، متقاضیان و حامیان پژوهش و منابع تأمین اعتبار و نیز تقاضای اجتماعی بطور کلی برای آنها از دیگر سو، بستگی دارد، باید به توسعه آن به صورت فرایندی نگریست. ناگزیر باید بجای ارزیابی عملکرد به تفکیک سال به سال این بخش به دوره برنامه توجه نمود.

به هر ترتیب، در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت پس از سپری شدن اجرای دو برنامه اول و دوم توسعه بخش پژوهش همچنان مواجه با عرضه محور بودن، خلاء مدیریت کلان و ستادی، فقدان نظام جامع و کارآمد برای ارزیابی و نظارت درونی و بیرونی بر فعالیت‌ها و منابع تحقیقاتی و فناوری، نبود یک نظام اطلاعات و بانک

اطلاعاتی موثق و قابل اعتماد، فقدان اطلاع‌رسانی علمی ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، پراکندگی موضوعات پژوهشی و عدم انسجام فعالیت‌های تحقیقاتی برای تولید دانش و فناوری ملی، اتکای بیش از حد منابع مالی این بخش به دولت، فقدان قطب‌های علمی و تحقیقاتی و مؤسسات نظریه‌پردازی راهبردی، نبود یک رویکرد جهت اولویت‌بندی نیازها و کشف تنگناهای پژوهشی، کمبود محقق کارآمد، بی‌توجهی به نقش و منزلت پژوهشگر و جایگاه آن در فرآیند توسعه و مدیریت اجرایی کشور، دانش‌بنیان نبودن صنایع و فعالیت‌ها در کشور در سطوح بنگاهی و کلان، عدم ارتباط نظام علمی و آکادمیک کشور با سطوح مشابه بین‌المللی، فعال نبودن شوراهای پژوهش و فناوری در مناطق، استفاده ناقص از ظرفیت‌های سخت‌افزار موجود و نامشخص بودن مزیت‌های نسبی کشور در علوم و فناوری، بوده است.

با وجود چنین ضعف‌هایی در بخش تحقیقات کشور طی دو برنامه اقداماتی صورت گرفت که می‌توانست به طرق مختلف ظرفیت‌های مناسب و مطلوبی در کشور فراهم آورد از جمله:

- وجود دانشگاه‌ها، مراکز تحقیقاتی در رشته‌های مختلف علمی
 - وجود برخی از علاقمندان و پژوهشگران برجسته در برخی از رشته‌های علمی
 - گسترش دوره‌های تحصیلات تکمیلی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و پژوهشی
 - وجود حمایت نسبی از پژوهش در میان مدیران عالی کشور
 - وجود نیروهای متخصص و پژوهشگر ایرانی در کشورهای جهان
 - وجود ظرفیت انجام پروژه‌های تحقیقاتی مشترک ملی و بین‌المللی
 - وجود تمایل به ایجاد ارتباط بین دانشگاه‌ها، مراکز تحقیقاتی و دستگاه‌های اجرایی کشور
- مع‌الوصف، با توجه به نقاط ضعف و قوت مذکور در بخش تحقیقات، سیاستگذاران چشم‌انداز آینده این بخش را در قالب چند سناریوی مختلف به شرح زیر عنوان کردند.

۱- ادامه بحران‌های اساسی بخش تحقیقات:

- ۱-۱- عدم گسترش فعالیت‌های پژوهشی در ارتباط با نیازهای توسعه کشور
 - ۱-۲- غیر مؤثر بودن منابع پژوهشی تخصیص یافته و کاهش بهره‌وری بخش
 - ۱-۳- تشدید جریان فرار مغزها و نخبگان از کشور
 - ۱-۴- گسترش فزاینده شکاف علمی و فناوری بین ایران و دیگر کشورهای توسعه یافته جهان
- ۲- ادامه روند موجود:

۱-۲- شاخص‌های اساسی بخش پژوهش مثل نسبت پژوهشگر به یک میلیون نفر، سهم بخش پژوهش به تولید ناخالص ملی، در عین حال که به صورت بطئی و کند رشد خواهد کرد همچنان می‌تواند دچار نوسان باشد.

۲-۲- غلبه نظام آموزشی بر نظام پژوهشی و بی‌میلی به پژوهش در میان برخی از دانش‌آموختگان تحصیلات تکمیلی.

نظام برنامه‌ریزی کشور با کمک نظام آموزش عالی همراه با مطالعات انجام شده درباره بخش مزبور در همان ایام به این جمع‌بندی رسید که به هر صورت بخش تحقیقات کشور بدون چالش نیست و در همین ارتباط برخی از چالش‌ها را به شرح زیر برشمرد تا به نحوی در برنامه سوم توسعه برای رفع آنها برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های لازم صورت بگیرد.

- نبود رویکرد از بالا به پایین و تقاضاگرا برای انجام پروژه‌های پژوهشی
- نبود زنجیره تحقیق - فناوری - توسعه در مدیریت و اجرای فعالیت‌های اقتصادی بدلیل روشن نبودن راهبردهای توسعه و فضای سیاستی نامناسب در برنامه توسعه کشور
- ناکارایی نظام تحقیقاتی موجود برای سازماندهی فعالیت‌های پژوهشی
- نارسایی‌های متعدد در نظام اطلاع‌رسانی از حیث تولید و مستندسازی اطلاعات و ایجاد شبکه‌های اطلاع‌رسانی

- نارسایی نظام آموزشی در زمینه ایجاد و اشاعه روح تحقیق و نوآوری
 - غیرمؤثر بودن منابع پژوهشی اختصاص یافته به پژوهش و کاهش بهره‌وری بخش
 - عدم گسترش فعالیت‌های پژوهشی در راستای نیازهای فوری و آتی توسعه کشور
 - از دست رفتن مزیت‌های اقتصادی متکی بر نفت و جایگزین نشدن مزیت‌های جدید به جای آن
 - گسترش فرآیند شکاف علمی و فناوری بین ایران و دیگر کشورهای توسعه یافته جهان
- ذکر این نکته مجدداً جالب توجه است که اعتبارات تحقیقاتی (دولتی) در سال ۱۳۶۸ به مبلغ ۵۹/۵ میلیارد ریال بود که این رقم در سال ۱۳۷۷ به ۱۲۳۷/۶ میلیارد ریال افزایش یافت. در فاصله دو برنامه اول و دوم نسبت اعتبارات تحقیقاتی به بودجه عمومی از ۱/۲۵ درصد در سال ۱۳۶۸ به ۱/۳۷ درصد در سال ۱۳۷۷ بالغ گردید. به علاوه نسبت اعتبارات تحقیقاتی به تولید ناخالص داخلی (GDP) از ۰/۲۱ درصد به ۰/۲۹ درصد افزایش یافت. تعداد پژوهشگر در یک میلیون نفر از ۳۲۷ نفر در سال ۷۲ به ۳۳۸ نفر در سال ۱۳۷۵ افزایش یافت.

تصویری از وضعیت آموزش عالی و تحقیقات در آنها تدوین برنامه سوم توسعه

در آستانه طراحی و تدوین برنامه سوم توسعه بخش آموزش عالی طبق شاخص‌ها و برخی متغیرهای کلیدی چنین توصیف شد که در فاصله دو برنامه کلیه شاخص‌های آموزشی از جمله تعداد پذیرش دانشجو، فضاهای آموزشی، نسبت دانشجو به استاد، نسبت اعتبارات بخش دولتی آموزش عالی به تولید ناخالص ملی ... تحول پیدا کردند و بنابراین در این نظام تحولات چشمگیری در برخی از شاخص‌ها و متغیرهای اساسی بوجود آمده که به پاره‌ای از آنها به شرح زیر می‌توان اشاره نمود:

- افزایش فرصت دسترسی افشار کم درآمد مناطق کمتر توسعه یافته یا توسعه نیافته و بویژه دسترسی زنان به آموزش عالی

- تحقق اهداف کمی نیروی دانش‌آموخته دانشگاهی در سطح کارشناسی،

- رشد و توسعه تحصیلات تکمیلی و افزایش صرفه‌جویی ارز حاصل از آن،

- توسعه آموزش غیردولتی و افزایش مشارکت عمومی،

- نقش پیشگام دانشگاه‌ها در اشاعه علم و فناوری در جامعه،

- تنوع در عرصه آموزش عالی، نیمه‌حضوری، شبانه، علمی و کاربردی، غیردولتی،

- افزایش ظرفیت‌های فیزیکی در آموزش عالی.

اما با وجود این، نایستی از برخی نقاط ضعفی که هنوز در این نظام وجود دارد و یا پیامدهای منفی این توسعه غفلت نمود. به همین خاطر برنامه‌ریزان و سیاستگذاران آموزش عالی در آن شرایط، افزون بر موارد پیش‌گفته در همین راستا به نکاتی اشاره کردند که خلاصه‌ای از آنها به شرح زیر است:

- توسعه نامتوازن آموزش عالی متأثر از فقدان برنامه و خط‌مشی‌های بلندمدت برای توسعه آموزش عالی،

- نبودن اختیارات، انعطاف‌پذیری و پویایی در نظام آموزش عالی و مؤسسات وابسته، برای پاسخگویی سریع

به نیازهای در حال تحول جامعه و رشد شتابان علم و فناوری،

- عدم انسجام، هماهنگی و ثبات در سیاست‌های کلان آموزش عالی متأثر از تعداد مراجع تصمیم‌گیری،

نواقص قانونی و اثرات نامطلوب آن بر دستگاه‌ها و واحدهای آموزش عالی

جدول ۱۲) تصویری از تحول شاخص‌های عمده و متغیرهای کلیدی در دو برنامه اول و دوم توسعه

عنوان	تعداد	درصد	تعداد	درصد
جمع پذیرش دولتی و غیردولتی	۱۳۶۸۰۹	۱۰۰	۳۱۷۸۱۴	۱۰۰
دولتی		۵۱/۵		۴۸/۹
غیردولتی		۴۸/۸		۵۱/۱
فارغ‌التحصیل (دولتی و غیردولتی)	۴۴۳۰۷	۱۰۰	۱۲۶۸۱۳	۱۰۰
دولتی		۸۲/۴		۵۹/۴
غیردولتی		۱۷/۶		۴۰/۶
هیأت علمی	۱۲۶۹۴	۱۰۰	۳۶۴۸۶	۱۰۰
دولتی	۱۱۱۷۹	۸۸/۱	۲۲۲۴۳	۶۱
غیردولتی (تمام وقت + نیمه‌وقت)	۱۵۱۵	۱۱/۹	۱۴۲۴۳	۳۹
فضاهای فیزیکی	۴۵۳۸۰۲۴	۱۰۰	۱۰۸۸۷۱۳۶	۱۰۰
دولتی	۴۳۵۹۹۹۲	۹۶	۷۴۳۷۹۱۲	۶۸/۴
غیردولتی (دانشگاه آزاد اسلامی)	۱۷۸۰۳۲	۴	۳۴۴۹۲۲۴	۳۱/۶
تعداد دانشجو	۴۳۱۰۸۷		۱۲۷۵۶۳۰	
تعداد دانشجو در یک صدهزار نفر	۷۹۶		۲۰۸۵	
نسبت دانشجو به استاد	۳۳/۹		۳۴/۹	
نسبت اعتبارات بخش دولتی به GNP	۰/۴۴		۰/۹۴	
نسبت کل هزینه‌های بخش آموزش عالی به GNP	۰/۵۲		۱/۲۶	
نسبت اعتبارات بخش دولتی به بودجه عمومی دولت	۲/۸		۲/۹	

مأخذ: پیوست شماره دو لایحه برنامه سوم توسعه، ۱۳۷۸

- فقدان نظام جامع و کارآمد ارزیابی و نظارت و نبودن سازوکارهای مؤثر در اصلاح روندها و بهبود کیفیت
- فقدان تنوع مالی، اتکای بیش از حد به منابع محدود و ناپایدار، نارسایی و متغیر بودن قوانین و نظامات مؤثر در تنوع بخشی منابع مالی دانشگاه‌ها

- تداوم برنامه‌ها و شیوه‌های سنتی آموزشی، تکیه بیش از حد به دروس نظری و انباشت محفوظات، کم‌توجهی به پرورش مهارت‌ها، کارآفرینی، خلاقیت و نوآوری دانشجویان و آماده نشدن آنها برای مواجهه با مسائل و نیازهای جامعه

- کمبود کادر هیأت علمی دانشگاه‌ها از نظر تعداد، ترکیب مراتب علمی و روزآمدی
- پایین بودن تولید دانش سازمان یافته و جایگاه علمی دانشگاه‌ها در سطح جهان، پایین بودن مراودات و همکاری‌های علمی با مؤسسات علمی بین‌المللی و نبودن سازوکارهای مناسب برای بهره‌گیری از دستاوردهای نوین علمی و فناوری جهانی

- ضعف ارتباط علمی حوزه و دانشگاه‌ها و تلاش مشترک در پاسخگویی به نیازهای جامعه
- ناکافی بودن پژوهش‌های مربوط به برنامه‌ریزی آموزشی کشور
- فقدان زیرساخت‌های اطلاع‌رسانی و فناوری‌های نوین در شیوه‌های آموزش
- ناسازگاری توسعه آموزش عالی در همه سطوح با ظرفیت‌های بازار کار و اشتغال دانش‌آموختگان

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

به این ترتیب یک دوره ده ساله از برنامه‌ریزی در بخش آموزش و تحقیقات در چارچوب دو برنامه توسعه کشور تنظیم و سپری شد. این برنامه‌ها با رویکرد خاص پس از جنگ عراق با ایران و در یک چارچوب نسبتاً لیبرالی اقتصادی و البته با ملاحظات متعددی نسبت به احکام و دستورات اسلامی و با توجه به سایر دیدگاه‌های ذینفوذ در کشور دنبال شد. نکته حائز اهمیت در این دوره ده ساله این بود که چند اتفاق عمده و بحران‌زا در فرآیند سیاستگذاری‌ها و اجرا نیز روی داد که تا حد محسوسی مسیر حرکت نظام آموزشی و تحقیقاتی کشور را دستخوش تغییر قرار داد. اول آنکه، از سال سوم اجرایی برنامه اول توسعه بگومگوها و انتقادات فراوانی از سوی برخی از جریان‌ها به اصطلاح چپ آن موقع و حتی مقامات عالی رتبه کشور نسبت به پیامدهای برنامه مطرح گردید. که سوگیری و انتقادات این عده مبتنی بر این بود که این برنامه سبب تشدید تضادهای طبقاتی و رشد بیشتری از بی‌عدالتی‌ها خواهد شد و نهایتاً کشور به توسعه همه جانبه نمی‌انجامد. دوم، جریان‌ها منتقدی بودند که از دل دانشگاه‌ها و از موضع اسلام‌خواهی برآمدند و اجرا نشدن دستورات و احکام اسلامی و همین‌طور با این توجیه که انقلاب اسلامی و همچنین انقلاب فرهنگی به منظور اسلامی کردن دانشگاه‌ها بوده است انتقادات تندى را از بیرون و از نهادهای تا حدی مرتبط و حتی بی‌ارتباط نسبت به برنامه سردادند. جریان اول تا حدود زیادی همدلانه با برنامه و دست‌اندرکاران بود ولی جریان دوم ظاهری همدلانه ولی ماهیتی متفاوت داشت.

منتقدین اخیر، با پشتوانه‌های جدی در صحنه‌های مختلف دست بالایی داشتند از جمله مجلس شورای اسلامی، ستاد انقلاب فرهنگی وقت و سایر نهادهای پر قدرت که رفته رفته بر جریان تصویب قوانین و مدیریت دانشگاه‌ها فائق آمدند. براین اساس تصویب و اجرای برنامه دوم توسعه اگرچه همسو با برنامه اول نوشته شد ولی هم از عبارات بکاررفته در مضامین برنامه و هم از رویکرد مجریان و مدیران وقت می‌توان دریافت که در این هشت سال دو دوره ریاست جمهوری مورد بحث یک فرآیند یکسان و همسو وجود نداشته است. در این دوره بودجه‌های عظیمی صرف اسلامی کردن دانشگاه‌ها شد، برخی از جریانات دانشجویی از موضع ضدلیبرالی سازماندهی شدند و برخی از مواد درسی و متون آموزشی مورد بحث و تجدیدنظر قرار گرفتند و در مجموع نطفه جریانی ضدغربی و اندیشه‌های علوم فلسفی و سیاسی و علوم انسانی و اجتماعی در دانشگاه‌ها بسته شد. وقوع این حوادث بر تنزل تحقیقات علمی در حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی بی‌تأثیر نبودند. اما علیرغم این وقایع همانطور که قبلاً ذکر شد یک اتفاق میمون و مطلوبی در نظام برنامه‌ریزی کشور رخ داد و آن افزوده شدن فصلی مستقل بنام تحقیقات در قانون بودجه سال ۱۳۷۴ به بعد (فصل سیزدهم) بود. این فصل حاوی چند نکته بود یک آنکه برنامه‌های تحقیقات را از ۴ یا ۵ برنامه به ۱۰ برنامه افزایش داد. دوم مقرر گردید برنامه‌های تحقیقاتی کشور در همه بخش‌ها و حوزه‌ها سازماندهی و تجمیع و قابل احصاء گردند. سوم مثل برنامه‌های آموزش عالی، برای بخش تحقیقات به منظور نظارت بر نحوه هزینه کرد اعتبارات مبادله موافقتنامه با دستگاه‌های اجرایی صورت بگیرد و متقابلاً همه دستگاه‌های اجرایی برنامه‌های تحقیقاتی خود را از برنامه‌های آموزشی سوا نماید. به عنوان مثال علاوه بر اینکه وزارت فرهنگ و آموزش عالی به این امر توجه نمود سایر دستگاه‌ها مثل وزارت کشاورزی، وزارت نیرو، وزارت پست و مخابرات و مابقی وزارتخانه‌ها به این امر اقدام نمودند. اما هم ساختار نظام برنامه‌ریزی کشور به این ترتیبات جدید عادت کافی نداشت و هم دستگاه‌های اجرایی در این خصوص تجربه لازم و کافی نداشتند. به عبارت دیگر، در نظام برنامه‌ریزی کشور، اگرچه در قوانین برنامه در دوره‌های مختلف اشارات و توجهات به رشد و گسترش تحقیقات در بخش‌های دولتی و غیردولتی می‌شد ولی هیچگاه فصل مشخصی به این برنامه اختصاص داده نشده بود^۱. بنابراین، در قوانین بودجه، برنامه‌های متعدد و پراکنده و فعالیت‌های متعددی در این خصوص تعریف می‌شدند ولی در ذیل یک فصل معین تعریف نمی‌شدند. همچنین مشکل جدی دیگر، تعریف تحقیق بود. هیچیک از دستگاه‌های اجرایی و حتی نظام برنامه‌ریزی کشور بر سر مفهوم تحقیق اتفاق نظر نداشته‌اند. به همین دلیل، معلوم نبوده که آیا منظور از تحقیقات شامل بررسی‌ها، اکتشافات و جمع‌آوری داده‌های آماری می‌شود یا خیر. عدم توافق بر سر این مسئله طی سال‌های متمادی مورد

^۱ . قوانین برنامه و بودجه عموماً بر حسب فصول، برنامه و فعالیت تعریف می‌شوند.

مناقشه بوده است در نتیجه همین عدم توافق و تفاهم سهم اعتبارات اختصاص یافته از کل بودجه عمومی دولت و تولید ناخالص داخلی را دستخوش تغییر و چالش قرار داده است.

به هر روی، جمع‌بندی وضع آموزش عالی و تحقیقات در کشور و بطور خاص در بخش آموزش عالی در آستانه تدوین برنامه سوم ارایه گردید و بیش و کم به اغلب این موارد اشاره گردید که با جزئیات در مطالب فوق به آنها پرداختیم. حال با این توصیف و تحلیل به دو دوره بعدی مدیریت کشور به ترتیب در چارچوب برنامه‌های سوم و چهارم توسعه می‌پردازیم و در نهایت نتایج اجرایی این در برنامه را ارایه خواهیم کرد.

آموزش عالی و تحقیقات در برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور

همانطور که توضیح داده شد، پس از اجرای دو برنامه اول و دوم توسعه نقاط قوت، ضعف و چالش‌های بخش‌های آموزش عالی و تحقیقات در کشور مورد بررسی و تبیین قرار گرفتند. بر پایه همین موارد چشم‌انداز و دورنمای این بخش‌ها با بیان چند نکته مورد توجه قرار گرفت که به تبع تلاش شد بر همین مبنا سیاست‌های کلی بخش‌ها، برنامه‌ها و سازوکارهای اجرایی آنها در قالب احکام برنامه مورد توجه قرار گیرند.

دورنمای بخش پژوهشی با دو پیش فرض مورد توجه قرار گرفت یکی بحران‌های اساسی این بخش و دیگری ادامه روند موجود شاخص‌ها (پیوست ۲ برنامه سوم توسعه، ۱۳۷۸، ص ۳۶۷).

با فرض ادامه بحران‌های اساسی چنین انتظار می‌رفت که اولاً، فعالیت‌های پژوهشی در راستای نیازهای فوری و آتی توسعه کشور گسترش پیدا نکنند. ثانیاً، منابع پژوهشی اختصاص یافته به پژوهش مؤثر واقع نشوند و بهره‌وری بخش کاهش یابد.

ثالثاً، جریان فرار مغزها و نخبگان از کشور تشدید گردد و رابعاً، مزیت‌های اقتصادی ناپایدار متکی بر نفت از دست بروند و مزیت‌های جدیدی بجای آنها نیز فراهم نگردند. (همان، ص ۳۶۸).

بر پایه فرض دوم یعنی ادامه روند موجود شاخص‌ها چنین برآورد گردید که «شاخص‌های اساسی بخش پژوهش و فناوری در ده سال آینده یعنی نسبت اعتبارات پژوهشی به تولید ناخالص ملی (GNP) و تعداد پژوهشگر در یک میلیون نفر به ترتیب به ۲/۱ درصد و ۲۷۸۴ نفر در سال ۱۴۰۰ هـ.ش (معادل ۲۰۲۱ میلادی) برسند. این در حالی است که در کشورهای توسعه یافته ارقام مشابه و متناظر ۲/۲ درصد و ۳۰۳۸ نفر در سال ۱۹۸۰ بودند که نشان دهنده شکاف عمیق و قابل توجه در حدود ۴۰ سال است، تازه با این شرط که سرعت رشد منابع پژوهش و فناوری در کشورهای پیشرفته در آینده تسریع نگردد.

به علاوه در بخش فناوری پیش‌بینی شد که چنانچه اولاً سطح فناوری در بخش‌های تولیدی و خدماتی کشور همچنان پایین بماند قدرت رقابت در بازارهای جهانی همچنان رو به کاهش خواهد گذاشت و سهم ایران در صادرات بازار جهانی تنزل می‌یابد. ثانیاً، وابستگی کشور به ارز همچنان افزایش یابد و چون بخش تولید و خدمات فاقد تحصیل ارز هستند وابستگی به ارز حاصل از نفت افزایش می‌یابد.

بر مبنای این تحلیل از وضع موجود و برآورد آینده، برنامه سوم توسعه مورد تصویب و اجرا قرار گرفت. در این برنامه هدف کلی نظام آموزش عالی «ایجاد انسجام اجرایی و سیاست‌گذاری علمی کشور» تعریف شد. بنابراین برای تحقق این هدف نام «وزارت فرهنگ و آموزش عالی» به «وزارت علوم، تحقیقات و فناوری» تغییر یافت و وظایف برنامه‌ریزی، حمایت و پشتیبانی، ارزیابی و نظارت، بررسی و تدوین سیاست‌ها و اولویت‌های راهبردی در حوزه‌های تحقیقات و فناوری (ماده ۹۹ قانون برنامه سوم توسعه) به این وزارتخانه افزوده گردید.

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری که به تبع این قانون تغییر ساختار پیدا کرد قانون اهداف، وظایف و تشکیلات آن در تاریخ ۱۳۷۹/۱/۱۷ به تصویب رسید^۱. در این قانون به منظور تحقق هدف‌های در نظر گرفته شده برای این دستگاه اجرایی چند وظیفه عمده از جمله انسجام بخشیدن به امور اجرایی، سیاست‌گذاری نظام علمی، تحقیقاتی و فناوری کشور تعیین شده است.

هدف‌های مورد نظر در این وزارتخانه عبارتند از: ۱- توسعه علوم، تحقیقات و فناوری و تقویت روحیه تحقیق و تتبع و ترویج فکر خلاق و ارتقای فرهنگ علم دوستی، ۲- اعتلای موقعیت آموزشی، علمی و فنی کشور، ۳- تأمین نیروی انسانی متخصص و توسعه منابع انسانی کشور، ۴- ارتقای سطح دانش و مهارت‌های فنی و توسعه و ترویج فرهنگ تفکر علمی در جامعه، ۵- حفظ و تحکیم آزادی علمی و استقلال دانشگاه‌ها، مراکز علمی و تحقیقاتی و نهایتاً، ۶- تعمیق و گسترش علوم، معارف، ارزش‌های انسانی و اسلامی و اعتلای جلوه‌های هنر و زیباشناسی و میراث علمی تمدن ایرانی و اسلامی (قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، مصوب ۱۳۸۳/۵/۱۸).

محتوی و مضامین برنامه سوم توسعه در بخش‌های آموزش عالی و تحقیقات

در برنامه سوم توسعه (۱۳۸۳-۱۳۷۹) مقرر گردید تا زمینه‌های مشارکت و سرمایه‌گذاری بخش غیردولتی و حمایت کمی و کیفی از فعالیت‌های پژوهشی و فناوری، بالاخص پژوهش‌ها و فناوری‌های کاربردی و توسعه‌ای، فراهم گردد (ماده ۱۰۰ قانون برنامه سوم). در این برنامه نیز به منظور کمک و حمایت از گسترش کمی و کیفی

^۱. تهیه لایحه و تصویب اولیه آن توسط وزارت فرهنگ و آموزش عالی در تاریخ مزبور بود.

فعالیت‌های مراکز پژوهشی بخش غیردولتی، دولت مکلف شد تا در قوانین و مقررات موضوعه، استفاده از تسهیلات مالی و بیمه‌های حمایتی را پیش‌بینی و به مورد اجرا گذارد (ماده ۱۰۱). این قانون برای اینکه نشان دهد توجه خاص و جدی برای توسعه و پیشرفت نظام پژوهشی و برنامه‌های پژوهشی در بخش‌های دولتی و غیردولتی دارد مقرر ساخته که چنانچه وزارتخانه‌ها و دیگر دستگاه‌های اجرایی، سفارش پژوهشی خود را به نهادها و مراکز تحقیقاتی و دانشگاهی ارایه دهند و حداقل ۴۰ درصد هزینه‌های مربوط را خود (کارفرما) تأمین و تعهد نمایند دولت اجازه دارد تا طبق لوایح بودجه سنواتی، اعتبارات لازمه را برای ادامه عملیات این گونه پروژه‌ها تأمین نماید. (بند الف ماده ۱۰۲).

در این برنامه، با توجه به چشم‌انداز پژوهشی در کشور و سهم این تحقیقات از بودجه عمومی دولت و نیز تولید ناخالص ملی مقرر می‌گردد تا سهم هزینه‌های صرف شده در امر تحقیقات از تولید ناخالص داخلی (GDP) در طول برنامه پنج‌ساله به طور یکنواخت افزایش یابد به طوری که هزینه‌های صرف شده در امر تحقیقات در پایان برنامه در بخش دولتی به یک درصد تولید ناخالص داخلی از اعتبارات عمومی دستگاه‌های اجرایی و در بخش غیردولتی به نیم درصد تولید ناخالص داخلی از منابع بخش خصوصی و شرکت‌های دولتی و بانک‌ها برسد. همچنین دولت موظف می‌شود از این مبالغ ۱۵ درصد را در ارتباط با پژوهش‌های بنیادی و پایه و پژوهش‌هایی که به جذب و تولید دانش فناوری منتهی می‌گردد، هزینه نماید (بند ب ماده ۱۰۲).

برای تحقق هدف فوق سازمان برنامه و بودجه مکلف شد تا با هماهنگی شورای پژوهش‌های علمی کشور در هر سال سهم بخش تحقیقات هر یک از دستگاه‌های اجرایی و شرکت‌های دولتی را تعیین و در ردیف بودجه‌ای مستقل و جداگانه منظور کند. (بند ج ماده ۱۰۲)

این برنامه علاوه بر این نکته به زیرساخت‌های توسعه تحقیقاتی در کشور و نیز به توسعه ارتباطی با جهان توجه داده است. برابر همین قانون برنامه‌هایی به شرح زیر در بند الف و ب ماده ۱۰۳ مورد توجه قرار گرفت:

- بهبود خدمات و ترویج استفاه از فناوری‌های جدید از طریق اول، ایجاد زیرساخت‌های ارتباطی و شاهره‌های اطلاعاتی لازم، دوم پهنای باند کافی و گسترش از طریق وزارت پست و تلگراف و تلفن، و سوم ایجاد تسهیلات لازم برای استفاده دانشجویان و اعضای هیئت علمی.

- تفکیک وظایف مجموعه‌های «تأمین‌کننده اطلاعات»، «تأمین‌کننده خدمات» و «تأمین‌کننده ارتباطات».

مضامین و جهت‌گیری‌های جدید وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

همانطور که گفته شد، در برنامه سوم، دو اقدام همزمان و در یک راستا صورت گرفت یکی تغییر ساختار نظام آموزشی، تحقیقاتی و علمی کشور و دوم وظایف و تکالیفی که قانون مزبور مقرر ساخت. در قانون تغییر ساختار و تشکیلات جدید نظام آموزش عالی کشور، علاوه بر موارد پیش‌گفته چند مأموریت اساسی در حوزه تحقیقات کشور به این وزارتخانه سپرده شده است:

۱- شناسایی مزیت‌های نسبی، قابلیت‌ها، استعدادها و نیازهای پژوهش و فناوری کشور. در واقع، در اینجا مأموریت واگذار شده، به این وزارتخانه عبارت‌اند از تغییر ساختار یافته آینده‌نگری و آینده‌پژوهشی و معرفی آن به واحدهای تولیدی، تحقیقاتی، دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی و تحقیقاتی جهت بهره‌برداری است.

۲- بررسی اولویت‌های راهبردی تحقیقات و فناوری با همکاری یا با پیشنهاد دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط و پیشنهاد به شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری

۳- حمایت از توسعه تحقیقات بنیادی و پژوهش‌های مرتبط با فناوری‌های نوین براساس اولویت‌ها.

۴- اتخاذ تدابیر لازم به منظور افزایش کارایی و اثربخشی تحقیقات کشور و توسعه تحقیقات کاربردی و با همکاری دستگاه‌های ذی‌ربط.

۵- اتخاذ تدابیر و تهیه پیشنهادهای لازم درخصوص انتقال فناوری و دانش فنی

۶- تمهید سازوکارهای لازم برای ایجاد همسویی میان فعالیت‌های آموزشی، تحقیقاتی و فناوری، تقویت ارتباط دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی با بخش‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور.

۷- اتخاذ راهکارهای مناسب برای کمک به توسعه پژوهش و فناوری در بخش‌های غیردولتی

۸- اتخاذ تدابیر و ارایه پیشنهادهای لازم جهت حفظ دانشمندان و محققان و تأمین امنیت شغلی آنان و استفاده بهینه از توانمندی‌های آنها.

بطور خلاصه، این وزارتخانه چند وظیفه عمده را پیدا کرد یک شناسایی زمینه‌ها و نیازهای پژوهشی و اولویت‌بندی آنها دوم، تهیه و تدارک امکانات و تسهیلات مالی، فنی و ابزاری پژوهش و سوم، توجه جدی به عواملان پژوهش. البته دو مأموریت جدی دیگر به این دستگاه اجرایی محول شد که عبارت بودند از تلاش در جهت دانش و فناوری به کشور و بومی‌سازی آن در داخل و دوم ارزیابی سالانه عملکرد نظام ملی علوم، تحقیقات و فناوری بطور جامع در زمینه پیشرفت‌ها، شناخت موانع و مشکلات.

بر این مبنا، معلوم می‌گردد که در دوره جدید مدیریت کشور، تا چه حد دغدغه علوم، تحقیقات و فناوری و توسعه آنها در دستور کار نظام برنامه‌ریزی و اجرایی کشور قرار گرفت. در ادامه خواهیم گفت که همین برنامه‌ها

و سیاست‌ها به این منظور تدارک دیده شدند تا نظام آموزش عالی کشور نیز در جهت تولید دانش و انتقال فناوری سوق پیدا کند.

این نکته مجدداً قابل یادآوری و تأکید است که با توجه به شرایط جدید کشور در سال‌های ۱۳۷۶ به بعد، که در همین شرایط برنامه سوم توسعه با رویکردهای جدید تدوین و تصویب گردید، به نظام آموزش عالی نیز در همین چارچوب مأموریت‌های جدید محول گردید.

بنابراین قانون وظایف، اهداف و تشکیلات نظام آموزش عالی کشور که به تبع قانون برنامه سوم توسعه تدوین و تصویب گردید در سه عرصه عمده مأموریت پیدا کرد: آموزش - فناوری و تحقیقات.

سیاست‌های آموزش عالی در بخش آموزش در برنامه سوم توسعه

در حوزه تحقیقات برابر قانون برنامه سوم توسعه و نیز مفاد قانون وظایف، اهداف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در فوق اشاراتی شد. مزید بر آن همین قوانین نیز اشارات جدی در حوزه آموزش دارند از جمله قانون برنامه سوم توسعه به منظور توسعه و گسترش نظام آموزشی به دستگاه‌های اجرایی دارای واحد آموزش عالی وابسته، اجازه می‌دهد تا برای ظرفیت مازاد بر نیاز خود، با اخذ مجوز از شورای گسترش آموزش عالی، در مقطع کاردانی دانشجوی پذیرش کنند و هزینه آن را از متقاضیان دریافت و به خزانه واریز نمایند... تا براساس مقررات مربوط به اجرای این دوره‌ها و ارتقای کیفیت واحد آموزشی اختصاص یابد (بند الف ماده ۱۵۲). همین قانون تصریح می‌نماید که «اجرای دوره‌های کارشناسی در رشته‌هایی که امکان برگزاری آن در دیگر دانشگاه‌ها میسر یا به صرفه و صلاح نباشد به صورت استثناء و با اخذ مجوز از شورای گسترش آموزش عالی بلامانع است. (همان).

در بند ب همین ماده از قانون برنامه سوم توسعه به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی اجازه داده می‌شود نسبت به برگزاری دوره شبانه و دوره‌های خاص اقدام کرده و هزینه‌های مربوط را با تأیید وزارتخانه‌های بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و علوم، تحقیقات و فناوری حسب مورد از داوطلبان اخذ و به خزانه واریز کنند (که طبق همین قانون وجوه واریزی در اختیار دستگاه‌های مربوط قرار می‌گیرد). البته همین ماده قانونی تأکید می‌کند که برگزاری دوره‌های خاص نباید منجر به صدور مدرک دانشگاهی گردد.

در ادامه توسعه آموزش در کشور، قانون مزبور تصریح می‌کند که هزینه‌های دانشگاه پیام‌نور از محل دریافت شهریه از دانشجویان، کمک‌های مردمی و اعتبارات بودجه عمومی تأمین گردد (بند د ماده ۱۵۲). مضافاً به دولت اجازه داده شد تا طرح‌های سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در زمینه ایجاد و توسعه واحدهای آموزش عالی، در

صورت انطباق با ضوابط و سیاست‌های آموزش عالی کشور، از محل بودجه عمومی، یارانه سود اعتبارات بانکی اعطا شود ... (بند ه ماده ۱۵۲).

نکته قابل توجه در اینجا این است که هر چند خصوصی‌سازی آموزش عالی از همان برنامه اول توسعه شروع شد، ولی رفته رفته در برنامه دوم و برنامه سوم توسعه علاوه بر خصوصی‌سازی آموزش عالی (با تعریفی که از خصوصی‌سازی در ایران شده است) جنبه کالایی شدن آن شدت گرفت. همچنین، زمینه‌های تجاری‌سازی آموزش عالی در داخل و در حد محدودی برای پذیرش دانشجوی خارجی آغاز گردید.

سیاست‌های تحقیقاتی در برنامه سوم توسعه

برنامه سوم توسعه در حوزه آموزش عالی به موارد مذکور اکتفا نمود و بیشتر تأکید آن بر بخش پژوهش و تحقیقاتی کشور بود. در اینجا برای تصریح بیشتر به سایر مواردی که در این قانون درباره تحقیقات و تا حدی رابطه آن با آموزش و اختیارات دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی پرداخته شده اشاره می‌شود.

در این قانون چند اختیار جدیدی به دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی می‌دهد که هم در گذشته سابقه کمتری داشته و هم می‌تواند زمینه‌ساز استقلال دانشگاه‌ها برای سال‌های بعد باشد اول آنکه، به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور و مراکز تحقیقاتی اجازه می‌دهد تا با رعایت مراتب به شرح زیر تشکیل شرکت‌های دولتی خدمات علمی - تحقیقاتی و فنی با مقررات خاص و تابع قانون مبادرت کنند:

- خدمات این شرکت‌ها صرفاً در محدوده تحقیقات و خدمات علمی و فنی است که شرکت‌ها و مؤسسات بخش غیردولتی و غیرعمومی قادر به انجام آنها نیستند و دانشگاه را از اهداف اصلی آموزشی و پژوهشی خود دور نمی‌کند.

- حداکثر ۴۰ درصد از سهامداران این شرکت‌ها اعضای هیأت علمی، کارشناسان پژوهشی، تکنسین‌ها و کارکنان همان دانشگاه، مؤسسه آموزش عالی و مرکز تحقیقاتی و پژوهشی بوده و سهامداران و شرکت مربوطه از محدودیت قانون منع مداخله وزراء و نمایندگان مجلسین، دولت و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری مصوب ۱۳۳۷/۱۰/۲۲ مستثنی هستند.

- نحوه هزینه اعتبارات جاری و اختصاصی برنامه تحقیقات و مراکز پژوهشی که تابع قانون مربوط به مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی در خصوص هیئت امناء دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی مصوب ۱۳۷۶/۴/۳ و قانون نحوه انجام امور مالی و معاملاتی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی مصوبه ۱۳۶۹/۱۰/۱۸ هستند، صرفاً تابع قوانین مذکور و آیین‌نامه‌های مربوط بوده و از شمول قوانین و مقررات

عمومی و مؤسسات دولتی - به استثنای ماده ۳۱ قانون محاسبات عمومی، مستثنی می‌باشد. درآمدهای حاصل از خدمات پژوهشی مراکز تحقیقاتی درآمد اختصاصی مراکز مذکور محسوب می‌گردند (بندهای الف تا ب ماده ۱۵۴). در واقع این مأموریت‌های جدید به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی هم در جهت سیاستگذاری نظام علمی و امور تحقیقات و هم در جهت استفاده از منابع دولتی و غیردولتی و مشارکت‌های مردمی حسب قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری بوده‌اند.

به این ترتیب، همه این مفاد قانونی درخصوص نظام آموزش عالی و تحقیقات در برنامه سوم توسعه هم وزارت متبوع را مکلف و مجاز به انجام سیاستگذاری و فعالیت در جهت توسعه آموزش عالی و امور تحقیقاتی نموده و هم دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی را. حال باید عملکرد این تکالیف را طی سال‌های برنامه مورد توجه قرار داد تا معلوم گردد آیا تا چه حدی این دستگاه‌های اجرایی در جهت اجرای تکالیف و مأموریت‌ها موفق بوده‌اند.

پیش از ارزیابی این برنامه لازم است اشاره شود که برخلاف بسیاری از کشورهای دیگر، نظام برنامه‌ریزی توسعه و حتی نظام برنامه‌ریزی آموزش عالی هیچ معیاری را برای دستگاه‌ها و مراکز آموزش عالی در جهت سقف میزان پذیرش دانشجو معین نکرده است. بلکه این اختیار را به عهده آنها گذاشته تا هر چقدر که توانایی جذب و پذیرش دارند اقدام کنند. این امر بویژه درخصوص دانشگاه آزاد اسلامی، پیام‌نور و دانشگاه‌های غیرانتفاعی و حتی شبانه صدق می‌کند. به همین خاطر، دانشگاه‌ها و مراکز ذی‌ربط به دلیل اینکه شهریه‌های آموزشی از دانشجویان دریافت می‌کنند تا حد امکان دانشجو پذیرش کرده‌اند. پیامد این موضوع چند اتفاق قابل توجهی است که کم‌کم دامن نظام آموزش عالی و دوم بخش‌های دیگر را گرفته است اول اینکه توسعه و گسترش آموزش عالی و بخصوص افزایش پذیرش‌ها خسارت‌های سنگینی بر کیفیت آموزش در ایران وارد کرده است. دوم آموزش عالی را تبدیل به کالا کرده که هر یک از نهادها و مؤسسات ذی‌ربط به آموزش و متقاضیان آن کالا را می‌فروشند بدون اینکه نظر و خواست مشتریان پرسیده شود. به عبارت دیگر، این آموزش در ایران، بگونه‌ای کالایی شده که متقاضیان به مثابه مشتری‌اند تا خریدار. زیرا خریدار قدرت و اختیار انتخاب دارد در حالی که این نظام هیچ اختیاری برای متقاضیان در این خصوص قایل نیست. سوم اینکه گسترش تا این حد، سبب هم بی‌کیفیت شدن استادان و هم دانشجویان شده است، زیرا استادان به دلایل فراوان کلاس‌های درسی و تعدد مؤسسات مختلف انگیزه و فرصتی برای تحقیق و پژوهش نخواهند داشت و بیشتر ساعات غیرموظف خود را صرف تدریس می‌کنند تا تحقیق. چهارم اینکه، برنامه توسعه باید دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی را موظف سازند تا متناسب با سقف رشد اقتصادی کشور اقدام به توسعه دانشگاه‌ها و پذیرش دانشجو کنند و آنها را وادار

سازند که به تحقیق‌های بنیادی و کاربردی بپردازند و ارتقاء رتبه‌های علمی آنها منوط به میزان تحقیقات و مقالات معتبر چاپ و انتشار یافته در مجلات و توسط ناشران معتبر گردد، نه براساس مقالات انتشار یافته توسط دانشجویان بدون دخل و نظارت آنها و صرفاً بنام آنها، میزان سابقه کار آموزشی و سابقه مدیریتی آنها و ... پنجم اینکه افزایش رشد بی‌رویه پذیرش دانشجو در کشور و توسعه مؤسسات مختلف آموزشی سبب شده که حجم عظیمی از دانش‌آموختگان اشتغال به کار پیدا نکنند که نتیجه این امر، روزمرگی‌ها، سرخوردگی‌ها، ناامیدی‌ها، تن در ندادن به مسئولیت‌های زندگی مستقل و یا خروج آنها از محیط‌های علمی و حتی مهاجرت آنها به کشورهای دیگر بوده‌اند.

بنابراین وقتی سیاست‌های خرد و کلان نظام آموزشی در عمل بیشتر معطوف به توسعه آموزش تا توسعه تحقیقات باشد، نتیجه این خواهد شد که علیرغم اینکه برنامه‌های توسعه تأکیدهای جدی بر توسعه و رونق انواع مختلف تحقیقات می‌نمایند ولی ساختار دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و همچنین مدیریت آنها بگونه‌ای رقم می‌خورد که عملاً به نادیده انگاشتن مفاد اصلی برنامه‌ها می‌انجامد و همه اعتبارات تخصیص یافته از منابع عمومی دولت و حتی درآمدهای اختصاصی صرف توسعه کمی آموزش می‌شود.

در اینجا برای توضیح و توصیف این وضع نخست برخی از شاخص‌های آموزش عالی و تحقیقات را مورد بررسی قرار داده و نشان می‌دهیم که این شاخص‌ها و متغیرهای کلیدی در این بخش طی برنامه چگونه عملکردی داشته‌اند و آیا با مضامین برنامه سازگار بوده‌اند یا خیر.

ارزیابی نتایج و عملکرد برنامه سوم توسعه در حوزه‌های آموزش و تحقیقات در نظام آموزش عالی

برنامه سوم توسعه در شرایطی تهیه گردید که تا حدود زیادی امید می‌رفت تحولاتی در سطح کلان توسعه کشور ایجاد گردد. بویژه این تغییرات و تحولات مورد انتظار در سطوح نظام آموزش عالی و تحقیقات و فناوری کشور وقوع یابد به همین خاطر محتوای برنامه سوم در بخش آموزش عالی در بسیاری از موارد متفاوت‌تر و با نگاهی گشاده‌تر تدوین شد. در واقع، این برنامه در عین حالی که قصد داشت از ظرفیت‌های موجود در بخش استفاده کند خواهان ایجاد ظرفیت‌های جدید برای پیشرفت سریع‌تر کشور و جبران خسارت‌های گذشته باشد. بنابراین، برای تحقق مفاد و مضامین برنامه در سطوح نظام آموزش عالی و دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی سیاست‌ها و برنامه‌هایی تدارک دیده شد که در ارزیابی و بررسی نتایج این برنامه در بخش مزبور به اجمال به

آنها اشاره خواهد شد. در این بررسی مثل بررسی و ارزیابی عملکرد دو برنامه اول و دوم، به ترتیب به دو حوزه آموزش و تحقیقات توجه داده می‌شود.

در این برنامه اشاره به چند نکته اساسی و مهم لازم می‌نماید اول آنکه آموزش عالی بسط و گسترش چشمگیری پیدا کرد که این گسترش ناشی از ضریب افزایش پذیرش دانشجو در بخش‌های غیردولتی و خصوصی‌سازی (تجاری‌سازی) آموزش عالی در بخش دولتی بود. در مورد اخیر گفتنی است که در بخش دولتی هم دوره‌های شبانه گسترش بیشتری پیدا کرد و هم دانشجویان غیرحضوری (پیام‌نور) و روزانه‌های با دریافت شهریه از دانشجویان در مقاطع مختلف بخصوص تحصیلات تکمیلی. دوم، مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی در بخش غیردولتی رو به گسترش نهادند و مبادرت به پذیرش دانشجو نمودند. سوم، اختیارات دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی دولتی در سطوح مالی، مدیریت و آموزش بیشتر شد. چهارم در این دوره تسهیلات بانکی بیشتری برای این بخش فراهم گردید.

بنابراین این تفاوت‌ها علاوه بر محتوای برنامه و نیز رویکرد مدیریتی نظام آموزش عالی به تبع فضای ایجاد شده در مدیریت کلان دولت جمهوری اسلامی ایران به وضوح احساس می‌شد.

مع‌الوصف، باتوجه به این نکات ابتدا تصویری از شاخص‌ها و متغیرهای کلیدی بخش برای سال‌های برنامه سوم (۸۲-۱۳۷۸) ارایه می‌شود. در این برنامه همانطور که در جدول شماره ۱۳ مشاهده می‌شود نظام آموزش عالی در دو بخش عمده دولتی و غیردولتی اقدام به پذیرش دانشجو در سطوح مختلف تحصیلی نموده است. در دو برنامه پیشین نیز بخش غیردولتی در قالب دانشگاه آزاد اسلامی فعال بود و سالانه تعداد انبوهی دانشجو در مقاطع مختلف بویژه در مقطع کارشناسی پذیرش می‌نمود. در برنامه سوم، مؤسسات غیرانتفاعی در نظام آموزش عالی مشارکت داده شدند و در سال اول برنامه در مجموع ۲۲ هزار و ۸۵ نفر دانشجو در سطوح کاردانی تا دکترای تخصصی پذیرش نمود که در سال پایان این برنامه رقم مزبور به بیش از دو برابر افزایش یافت.

به منظور اینکه وضعیت آموزش عالی در کشور در این دوره بهتر ترسیم گردد، عملکرد شاخص‌های کلیدی را در دو بخش دولتی و غیردولتی نشان می‌دهیم با این توضیح که بخش دولتی شامل سه زیربخش روزانه، شبانه و نیمه‌حضوری (پیام‌نور) و بخش غیردولتی شامل دانشگاه آزاد اسلامی و مؤسسات غیرانتفاعی می‌گردند. از بررسی داده‌های مندرج در این جدول چنین برمی‌آید که در سال ۱۳۷۹ از میان کل دانشجویان بخش دولتی ۴۱/۶ درصد روزانه، ۳۱/۶ درصد نیمه‌حضوری (پیام‌نور) ۱۰/۱ درصد شبانه و ۱۶/۷ درصد بقیه را دانشگاه‌های زیر نظر وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تشکیل می‌دادند.

جدول ۱۳) عملکرد شاخص های کلیدی آموزش عالی در بخش دولتی در برنامه سوم توسعه

برنامه سوم توسعه					سطوح تحصیلی	عنوان	
۱۳۸۳	۱۳۸۲	۱۳۸۱	۱۳۸۰	۱۳۷۹			
۱۹۴۰۰	۱۸۲۲۸	۱۱۲۴۹	۱۰۲۵۹	۱۰۶۹۸	کاردانی	وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (روزانه)	
۲۱۴۲۰۰	۲۰۹۴۶۹	۲۰۳۹۶۴	۱۹۵۶۸۴	۱۹۴۰۵۲	کارشناسی		
۳۴۷۰۰	۳۲۷۷۰	۳۳۲۷۴	۲۹۴۸۳	۲۶۵۴۹	کارشناسی ارشد		
۱۷۰۰	۱۶۸۶	۱۵۳۱	۱۵۲۳	۱۷۰۳	دکترای حرفه‌ای		
۸۲۷۸	۷۴۹۳	۷۲۴۲	۶۱۱۱	۵۲۲۲	دکترای تخصصی		
۲۷۸۲۷۸	۲۶۹۴۴۶	۲۵۷۲۶۰	۲۴۳۰۶۰	۲۳۸۲۲۴	جمع		
۸۰۹۲۲	۷۶۶۹۱	۶۲۵۱۰	۵۹۵۸۸	۵۷۹۳۰	کارشناسی	شبانه	دولتی
۵۰۰	۴۵۶	۵۸۲	۶۷۵	۷۶۵	کاردانی	نیمه حضوری (پیام‌نور)	
۲۸۴۰۰۰	۲۵۸۱۴۹	۲۰۳۳۴۱	۱۹۳۹۶۸	۱۸۰۳۰۷	کارشناسی		
۱۹۰۰	۵۹۶	۹۴	۲۴	-	کارشناسی ارشد		
۲۸۶۴۰۰	۲۵۹۲۰۱	۲۰۴۰۱۷	۱۹۴۶۶۷	۱۸۱۰۷۲	جمع		
۲۸۱۴۰	۲۷۰۳۹	۲۸۴۴۰	۲۱۰۱۸	۲۱۶۳۸	کاردانی	وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی	
۳۳۵۱۳	۳۴۳۹۰	۳۶۳۹۷	۲۹۱۲۷	۲۹۵۵۰	کارشناسی		
۳۰۳۰	۲۳۹۱	۲۶۰۲	۲۲۵۱	۱۹۱۴	کارشناسی ارشد		
۳۰۰۶۷	۲۸۸۱۴	۳۰۸۴۱	۳۲۴۸۳	۳۶۰۴۴	دکترای حرفه‌ای		
۷۳۵۰	۵۸۵۱	۵۷۵۰	۸۴۶۹	۶۷۵۱	دکترای تخصصی		
۱۰۲۱۰۰	۹۸۴۸۵	۱۰۴۰۳۰	۹۳۳۴۸	۹۵۸۹۷	جمع		
۷۴۷۷۰۰	۷۰۴۰۲۳	۶۲۷۸۱۷	۵۹۰۶۶۳	۵۷۳۱۲۳	جمع کل دانشجویان دولتی		
۳۳۱۶۹۴	۲۹۱۹۵۳	۲۳۱۴۷۴	۲۰۰۲۰۷	۱۹۲۱۱۴	کاردانی	دانشگاه آزاد اسلامی	غیردولتی
۷۲۰۵۱۹	۶۳۴۱۹۰	۶۳۳۳۱۱	۵۶۸۹۳۴	۶۰۳۲۶۲	کارشناسی		
۳۱۲۲۷	۲۷۴۸۶	۲۷۶۱۰	۲۴۹۷۴	۳۴۴۵۱	کارشناسی ارشد		
۱۳۷۴۶	۱۲۰۹۹	۱۰۶۶۰	۱۰۷۸۳	۱۱۶۳۵	دکترای حرفه‌ای		
۲۸۱۴	۲۴۷۸	۱۸۱۴	۱۷۴۱	۲۰۱۱	دکترای تخصصی		
۱۱۰۰۰۰۰	۹۶۸۲۰۶	۹۰۴۸۶۹	۸۰۶۶۳۹	۸۴۳۴۷۳	جمع		

برنامه سوم توسعه					سطوح تحصیلی	عنوان
۱۳۸۳	۱۳۸۲	۱۳۸۱	۱۳۸۰	۱۳۷۹		
۱۲۸۰۰	۱۰۸۰۷	۷۰۳۸	۵۰۶۹	۴۱۴۱	کاردانی	غیرانتفاعی
۲۵۴۰۰	۲۲۱۵۳	۱۹۶۶۱	۱۸۳۹۹	۱۵۷۷۵	کارشناسی	
۱۸۹۰	۱۸۰۵	۱۶۴۸	۱۶۰۴	۱۴۸۷	کارشناسی ارشد	
-	-	-	۷۵۷	۶۷۵	دکترای حرفه‌ای	
۱۷۰	۱۵۰	۱۱۶	۱۲۶	۱۰۷	دکترای تخصصی	
۴۰۲۶۰	۳۴۹۱۵	۲۸۴۶۳	۲۵۹۵۵	۲۲۱۸۵	جمع	
۱۱۴۰۲۶۰	۱۰۰۳۱۲۱	۹۳۳۳۳۲	۸۳۲۵۹۴	۸۶۵۶۵۸	جمع کل دانشجویان غیردولتی	
۱۸۸۷۹۶۰	۱۷۰۷۱۴۴	۱۵۶۱۱۴۹	۱۴۲۳۲۵۷	۱۴۳۸۷۸۱	جمع کل دانشجویان کشور	

مأخذ: گزارش اقتصادی سال ۱۳۸۳ و نظارت بر عملکرد برنامه سوم توسعه

در حالی که همین ارقام به طور متناظر در سال ۱۳۸۳ یعنی سال پایان برنامه به ترتیب به معادل ۳۷/۲ درصد، ۳۸/۳ درصد، ۱۰/۸ درصد و ۱۳/۷ درصد تغییر کردند. این داده‌ها در واقع گویای این هستند که نظام آموزش عالی از برنامه سوم توسعه با شتاب بیشتری به سمت دریافت هزینه‌های آموزشی (شهریه) از دانشجویان حرکت کرده است. به عبارت دیگر، در سال ۷۹ تنها از ۴۱/۷ درصد دانشجویان این بخش شهریه دریافت می‌شد در حالی که این رقم در سال ۸۳ به ۴۹/۱ درصد افزایش یافت. از طرف دیگر از کل دانشجویان کشور در سال ۱۳۷۹، تنها ۳۹/۸ درصد در بخش دولتی بودند در حالی که این رقم در سال ۱۳۸۳ به ۳۹/۶ درصد تغییر کرد. نکته دیگر در همین خصوص این است که در طی این دوره نقش و مشارکت بخش خصوصی در آموزش عالی افزایش چشمگیری پیدا کرد بطوری که طبق داده‌های مندرج در همین جدول از ۱/۵ درصد به ۲/۱ درصد افزایش یافت.

همچنین سهم دانشجویان ارشد در بخش دولتی از ۴/۵ درصد در سال ۷۹ به ۵/۳ درصد در سال ۸۳ افزایش یافت و برعکس سهم دانشجویان دکترا از ۸/۷ درصد در سال ۷۹ به ۶/۳ درصد در سال ۸۳ کاهش یافت. علت کاهش سهم دانشجویان دکترا در سال ۸۳ نسبت به سال ۷۹ به کاهش پذیرش دانشجویان دکترای حرفه‌ای در وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مربوط می‌گردد.

در بخش غیردولتی در این سال‌ها (طول برنامه سوم توسعه) تعداد دانشجویان کارشناسی ارشد از ۴/۲ درصد در سال ۷۹ به ۲/۹ درصد بالغ گردید. در حالی که سهم دانشجویان دکترا در این بخش از ۱/۷ درصد در سال ۷۹ به ۱/۵ درصد تقلیل پیدا کرد.

بطور کلی در طی ۵ سال برنامه سوم توسعه کل دانشجویان ارشد از ۴/۵ درصد به ۳/۹ درصد و از تعداد دانشجویان دکترا از ۴/۵ درصد به ۳/۴ درصد کاهش یافتند.

شاخص دیگری که در طول برنامه سوم توسعه در بخش آموزش عالی مورد توجه است، تعداد اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و نسبت دانشجو به استاد در بخش‌های مختلف دولتی و غیردولتی است. جدول ۱۴ تصویری از این وضعیت را در برنامه سوم توسعه نشان می‌دهد.

همانطور که در این جدول منعکس شده است کل اعضای هیئت علمی تمام وقت و غیرتمام وقت در دو بخش دولتی و غیردولتی در سال ۷۹ معادل ۴۷۹۵۶ نفر بودند که در سال ۱۳۸۳ به ۷۱۶۶۸ نفر افزایش یافتند. در حالی که کلیه اعضای هیئت‌های علمی تمام وقت در دو بخش دولتی و غیردولتی با رشد ۳۱/۶ درصد از ۳۰۱۱۰ نفر به ۳۹۶۱۷ نفر بالغ گردید.

نسبت دانشجو به استاد در طول برنامه در بخش دولتی به نسبت افزایش تعداد دانشجو، تعداد اعضای هیئت علمی افزایش یافت. به عبارت دیگر نسبت دانشجو به استاد در این بخش ثابت ماند. اما در بخش غیردولتی این نسبت کاهش یافت.

جدول ۱۴) برخی از شاخص‌های عمده و کلیدی آموزش عالی

در بخش‌های دولتی و غیردولتی در برنامه سوم توسعه

دوره رشد (درصد)	برنامه سوم		تعداد اعضای هیأت علمی و نسبت دانشجو به استاد	بخش
	۱۳۸۳	۱۳۷۹		
۵۳/۲	۲۲۲۰۰	۱۴۴۸۸	اعضای هیأت علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (حضور)	دولتی
۴۳/۶	۲۵۰۰	۱۷۴۱	نیمه‌حضور	
۱۰/۷	۱۰۵۱۷	۹۵۰۰	وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی	
۳۶/۹	۳۵۲۱۷	۲۵۷۲۹	جمع هیأت علمی دولتی	
۱۳/۸	۲۴۷۱۷	۲۱۷۲۰	کل هیأت علمی تمام وقت دولتی	
۶۴	۳۶۴۵۱	۲۲۲۲۷	کل هیأت علمی غیردولتی (دانشگاه آزاد اسلامی)	غیردولتی
۷۷/۶	۱۴۹۰۰	۸۳۹۰	تمام وقت هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی	
۳۱/۶	۳۹۶۱۷	۳۰۱۱۰	جمع کل اعضای هیأت علمی تمام وقت دولتی و غیردولتی	
۰	۲۰	۲۰	نسبت دانشجو به استاد	دولتی
	۸	۹	نسبت دانشجو به استاد	غیردولتی

مأخذ: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، گزارش اقتصادی سال ۱۳۸۳

شاخص دیگری که در این دوره از برنامه در بخش آموزش عالی می‌تواند مورد توجه باشد اعتبارات مالی این

دوره است. جدول ۱۵ این وضعیت را نشان می‌دهد.

جدول ۱۵) توزیع اعتبارات آموزش عالی در برنامه سوم توسعه (به میلیون ریال)

رشد دوره (درصد)	۱۳۸۳	۱۳۷۹	بخش
۱۲۶	۶۷۲۱۸۳۲	۲۹۷۳۲۶۱	اعتبارات هزینه‌ای
۲۱۸/۲	۲۲۷۱۰۶۰	۷۱۳۷۶۸	اعتبارات تملک دارایی
۴۰۴/۵	۲۵۰۱۴۲۷	۴۹۵۸۲۳	درآمد اختصاصی
۱۵۵۰/۵	۱۷۳۳۰۰۰	۱۰۵۰۰۰	تسهیلات بانکی

مأخذ: همان

بررسی عملکرد برنامه سوم در بخش آموزش عالی کشور تا آنجا که گزارش شده عموماً به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و نیز وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی معطوف می‌باشد در حالی که همانطور که ملاحظه شد بیش از نیمی از آموزش عالی به عهده دانشگاه آزاد اسلامی و در حد محدودی مؤسسات غیرانتفاعی است ولی هیچگونه گزارشی جز آمار یاد شده از آنها در دست نیست. به هر حال آنچه در ادامه به اجمال مورد اشاره قرار می‌گیرد عملکرد مواد قانونی برنامه سوم توسعه است که پیشتر محتویات آنها آمد. در این دوره، البته با تأخیر ساختار وزارت فرهنگ و آموزش عالی تغییر کرد و مقرر گردید که جهت‌گیری این وزارتخانه در جهت تحقق برنامه و قانون اهداف، وظایف و تشکیلات آن قرار گیرد. لهذا، در این دوره، علاوه بر اینکه طرح نیازسنجی نیروی انسانی متخصص اجرا شد برنامه جامع و راهبردی هر یک از دانشگاه‌ها نیز تهیه گردید. همچنین در جهت تنوع بخشیدن به توسعه آموزشی و نیز حرکت در جهت خصوصی کردن آموزش، وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری نیز به توسعه آموزش نیمه‌حضوری (پیام‌نور) پرداخت و مؤسسات غیردولتی - غیرانتفاعی، علمی - کاربردی، فنی و حرفه‌ای و تربیت معلم و پودمانی را گسترش داد. مضافاً، دوره‌های شبانه را نیز راه‌اندازی و توسعه بخشید.

بطور کلی، در این دوره با ایجاد نهادهای علمی و اجرایی جدید در حمایت از نهادهای موجود و مراکز آموزش عالی غیردولتی نظام آموزش عالی توسعه یافت، مدیریت مراکز آموزشی از طریق سازماندهی، نظارت و ارزیابی، و اعطای استقلال بر دانشگاه‌ها بهبودی نسبی پیدا کردند. همچنین، فرآیند توزیع دانش نیز از طریق برنامه‌های آموزشی و اجرایی رو به بهبود گذاشت و اقداماتی در جهت بهبود آموزش استعدادهای درخشان، خدمات آموزشی دانشجویان شاهد و ایثارگر و گزینش داوطلب کیفی و همچنین رفاه دانشجویان صورت گرفت. با همه این اقدامات بخش بزرگی از چالش‌های این نظام همچنان باقی‌ماند و در مقایسه با تحولات جهانی این چالش‌ها بیشتر گردید.

- افزایش شدید تقاضای اجتماعی برای ورود به دانشگاه، افزایش تمایل به خروج از کشور برای ادامه تحصیل، عدم انطباق رشته‌های تحصیلی با بازار کار، فقدان گسترش دانشگاه‌ها براساس آمایش سرزمین و برنامه‌های توسعه، فقدان نظام جامع و کارآمد برای ارزیابی و نظارت، تداوم برنامه‌ها و شیوه‌های سنتی آموزش در کشور و تکیه بیش از حد بر دروس نظری و انباشت محفوظات، کم‌توجهی به پرورش مهارت‌ها، خلاقیت و نوآوری، کمبود کادر هیأت علمی دانشگاه‌ها از نظر تعداد، ترکیب، مراتب علمی و روزآمد، نامناسب بودن ترکیب تخصصی نیروی انسانی در ساختارهای کار و اشتغال در کشور از دیگر مسائل و مشکلات این بخش گزارش شد.

از طرف دیگر، بررسی عملکرد نظام آموزش عالی در حوزه تحقیقات داستان دیگری است. در این حوزه، برنامه سوم توسعه بیشترین تأکید را برای توسعه آن در حوزه‌های مختلف داشت. در این برنامه برای اولین بار برای رونق پیدا کردن تحقیقات و پژوهش در عرصه‌های مختلف زمینه‌ها و امکانات تشویقی متعدد برای بخش‌های غیردولتی نیز فراهم گردید. همچنین در این برنامه علاوه بر تأکید بر انواع مختلف پژوهش‌های بنیادی، کاربردی و توسعه‌ای در دستگاه‌های اجرایی و بخش‌های مختلف، سیاست‌های اجرایی مختلف را برای زیرساخت‌های پژوهشی و فناوری مورد توجه قرار داد.

به هر روی، ارزیابی این وضعیت (پژوهش در طول برنامه سوم) بوسیله شاخص‌هایی که به عوامل و ستاده‌های آن مربوط می‌شود صورت می‌گیرد. از جمله این عوامل منابع مالی و انسانی هستند که شاخص‌های آنها به تولید ناخالص ملی (GDP) و نسبت به اعتبارات دولتی و غیردولتی سنجیده می‌شود. منظور از ستاده‌ها همان تولیدات و عملکردهای پژوهشی مثل تعداد کتب و مقالات علمی، اقدامات و ابتکاران ثبت شده و تعداد پروژه‌های اجرا شده و به کار گرفته شده هستند.

به این اساس برای ارایه تصویری از این شاخص‌ها جدول ۱۶ تنظیم شده که داده‌های مربوط را منعکس می‌سازد.

جدول ۱۶) عملکرد شاخص‌های کلیدی بخش پژوهش و فناوری

(به میلیارد ریال)

برنامه سوم توسعه					بخش
۱۳۸۳	۱۳۸۲	۱۳۸۱	۱۳۸۰	۱۳۷۹	
۰/۴۷	۰/۵	۰/۳۸	۰/۳۸	۰/۳۱	سهم اعتبارات تحقیقاتی از GDP از محل منابع عمومی (درصد)
۶۵۱۶	۵۵۱۵/۳	۳۵۰۹/۹	۲۵۱۵/۶	۱۷۷۹/۷	اعتبارات مصوب پژوهش و فناوری فصل
۶۵۱۶	۶۱۴۴/۹	۴۰۴۶/۸	۲۹۵۵/۹	۲۱۰۷/۳	اعتبارات پژوهش و فناوری داخل و خارج از فصل
۱/۳	۱/۳	۱/۳	۱/۵	۱/۴	سهم اعتبارات پژوهش و فناوری از بودجه عمومی دولت (درصد)
۱/۳	۱/۴	۱/۵	۱/۸	۱/۶	سهم اعتبارات پژوهش و فناوری (داخل و خارج فصل) از بودجه عمومی (درصد)

مأخذ: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، گزارش نظارت بر عملکرد برنامه سوم توسعه سال ۱۳۸۳

داده‌های فوق نشان می‌دهند که وضعیت پژوهش در دوره پنج‌ساله برنامه سوم توسعه چگونه بود. به عنوان مثال طبق هدف‌های تعیین شده در برنامه قرار بود در سال اول برنامه سهم اعتبارات پژوهشی به ۰/۵ درصد

برسد در حالی که عملکرد برنامه ۰/۳۱ درصد را نشان می‌دهد و همینطور در سال آخر برنامه می‌بایستی این سهم به یک درصد از بودجه عمومی دولت می‌رسید که عملاً به ۰/۴۷ درصد افزایش یافت.

شاخص مهم دیگری که در حوزه تحقیقات باید به آن توجه داشت تعداد محققان در یک میلیون نفر جمعیت است. عملکرد برنامه همانطور که در جدول ۱۷ نشان می‌دهد چندان در این خصوص تغییر محسوسی ایجاد نشده است.

جدول ۱۷) شاخص تعداد محقق در یک میلیون نفر جمعیت در برنامه سوم توسعه

عنوان	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۱	۱۳۸۳
تعداد جمعیت (میلیون نفر)	۶۱/۸	-	۶۳/۶	۶۵/۶	۶۷/۶
تعداد محقق (نفر)	۶۱۳۲۰	-	۹۴۰۲۴	۳۴۷۱۹	۲۳۴۱۰
تعداد محقق در یک میلیون نفر	۳۳۴	-	۳۹۲	۲۹۵	۳۴۶

مأخذ: نتایج آمارگیری مرکز آمار ایران در سال‌های ۷۷، ۷۹، ۸۱ و ۱۳۸۳

اگر چه این داده‌ها وضعیت پژوهش در برنامه سوم توسعه را مجسم می‌سازند اما برای تجزیه و تحلیل و فراز و نشیب‌هایی که تحقیقات در این دوره داشته است لازم است به عملکرد برنامه طبق مفاد قانونی آن توجه نماییم.

بطور خلاصه، در این دوره از برنامه چنین گزارش شده است:

- ۱- تصویب مصوبات قانونی در خصوص صندوق‌های پژوهش و فناوری غیردولتی، ولی از سوی بخش خصوصی استقبال نشد.
- ۲- انجام کارگروهی در فعالیتهای پژوهشی و فناوری که در عمل چندان ثمربخش نبوده است.
- ۳- حمایت از انجمن‌های علمی و تخصصی که چندان موفقیت‌آمیز نبوده است.
- ۴- افزایش تعداد محقق نسبت به یک میلیون نفر جمعیت از طریق توسعه تحصیلات تکمیلی در دانشگاه‌ها
- ۵- عدم نهادینه‌شدن پژوهش‌های بنیادی و پایه
- ۶- حمایت جدی از ایجاد پارک‌های تحقیقاتی و مراکز رشد که تا حدود زیادی رو به گسترش گذاشت.
- ۷- تأسیس مرکز پژوهش و توسعه فناوری‌ها
- ۸- حمایت از تحقیقات بخش خصوصی و تعاونی در زمینه ICT
- ۹- علیرغم تلاش‌های زیاد برای ایجاد زیرساخت‌های ارتباطی و شاهراه‌های اطلاعاتی در این دوره ولی به میزان مورد انتظار محقق نشد.

۱۰- عدم استقبال از مشارکت پژوهشگران دستگاه‌های اجرایی بدلیل مشکلات قانونی و یا سایر موارد. معالوف، هنوز در این دوره شاخص و معیار لازم و مشخص برای سنجش ثمربخشی راهکارهای اجرایی و فعالیت‌های مختلف دیگر در حوزه تحقیقات و فناوری وجود نداشت. در این دوره ضعف عمده‌ای در اجرایی کردن مفاد قانون برنامه در ساختار تشکیلاتی نظام تحقیقاتی کشور و حتی سایر دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط مشاهده می‌شد، مزیت‌های نسبی کشور در فناوری نامشخص بود، اقتصاد کشور دانش محور نبوده و به تبع جامعه نیز فاقد چنین دانایی بوده است. بدلیل فقدان قانون مالکیت فکری (معنوی) فعالیت پژوهشی و فناوری برای بخش خصوصی و پژوهشگران فاقد جذابیت بوده است. و هنوز سازوکارهای لازم برای تبدیل تحقیق و توسعه به نوآوری و تجاری کردن نتایج تحقیقات دچار محدودیت‌های بسیاری است (گزارش اقتصادی و نظارت بر عملکرد برنامه سوم توسعه، ۱۳۸۳: صص ۸۶-۱۳۸۰).

اگر چه در این دوره اراده و اشتیاق برای توسعه پژوهش بوجود آمد ولی در طول برنامه همیشه پژوهش و فناوری با کمبود اعتبار مواجه بود که خود باعث عدم تحقق اهداف پیش‌بینی شده در این زمینه گردید. بطوری که در سال‌های برنامه سوم در بالاترین میزان حدود ۵۰ درصد از اعتبارات مورد نظر تحقق یافت. همچنین فقدان یک نظام جامع آماری کارآمد در زمینه پژوهش و فناوری و در نتیجه عدم ارزیابی صحیح از دیگر نقاط ضعف این برنامه بود.

نگفته نماند که در این دوره، در حوزه فناوری شاخص‌های مربوط به ضریب نفوذ تلفن سیار و مصرف سرانه برق افزایش‌های قابل ملاحظه‌ای پیدا کرد که در واقع نشان دهنده میزان گسترش ارتباطات در جامعه به خصوص در مورد تلفن سیار و گسترش اشاعه فناوری بود.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در پایان، در یک جمع‌بندی کلی باید اشاره نمود که اگرچه نظام آموزش عالی قدم‌هایی برای تغییر ساختار اهداف، وظایف و تشکیلات اجرایی و اداری خود برداشت ولی لازم بود این وزارتخانه در زمینه استقلال دانشگاه‌ها و کوچک‌سازی ستاد وزارتخانه در حوزه آموزش و متقابلاً تقویت حوزه ستادی در زمینه‌های تحقیقات و فناوری اقدام کند. لذا برای جبران برخی از مشکلات این بخش این وزارتخانه بایستی در خصوص سیاستگذاری و راه‌اندازی دوره‌هایی نظیر مدیریت پژوهش، مدیریت توسعه فناوری، مدیریت توسعه علمی، جامعه‌شناسی علم و فناوری در سطوح تحصیلات تکمیلی در دانشگاه‌های معتبر اقدام نماید تا موارد به شرح زیر در سال‌های بعد مورد توجه و اقدام قرار گیرند:

- استقرار کامل نظام حفظ مالکیت فکری (معنوی) به منظور توسعه تحقیقات
- معافیت مالیاتی و کاهش تعرفه‌های گمرکی در خصوص فعالیت‌ها و تجهیزات آزمایشگاهی و وسایل و ابزارهای تحقیقاتی
- افزایش و تنوع بخشیدن به اعتبارات پژوهشی و تخصیص منابع کافی برای پژوهش
- اصلاح قوانین و کاهش موانع اداری برای انجام تحقیقات و استفاده کافی از پتانسیل‌های موجود
- گسترش شبکه‌های ملی اطلاع‌رسانی
- طراحی نظام جامع و کارآمد اطلاع‌رسانی علم و فناوری
- ایجاد تسهیلات مدرن جهت دسترسی به منابع و داده‌های آماری جهت استفاده پژوهشگران در کشور
- ایجاد امکانات و روش‌های کارآمد برای کشف استعدادها و علاقمندان به پژوهش در رشته‌های مختلف
- گسترش بازار محصولات دانش‌بنیان
- تعیین متولی واحد و کاردان در حوزه فناوری ارتباطات و اطلاعات و جایگاه‌های مشخص اداری و تشکیلاتی در دستگاه‌های اجرایی
- گسترش بستر مناسب زیرساخت‌های پژوهشی

آموزش عالی و تحقیقات در برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۸-۱۳۸۴)

در بررسی عملکرد برنامه سوم توسعه به نکات مختلفی اشاره شد که همگی دلالت بر اقدامات انجام شده در طول برنامه و در همان حال نقاط قوت و ضعف باقی مانده داشتند. در آستانه تدوین برنامه چهارم توسعه، در بخش آموزش عالی مثل سایر بخش‌ها در دو حوزه آموزش و تحقیقات از گذشته و وضع موجود بررسی‌هایی به عمل آمد که بطور خلاصه و فشرده به جمع‌بندی آن موارد اشاره می‌شود در این مختصر هم به چالش‌های آموزش عالی و هم به تهدیدها و فرصت‌های آن اشاره می‌شود. در مورد چالش‌ها به نکاتی اشاره می‌شود که عبارتند از:

- ۱- عدم انسجام، هماهنگی و ثبات در سیاست‌های کلان آموزش عالی (بدلیل وفور مراجع تصمیم‌گیری)
- ۲- افزایش وابستگی به خارج از کشور در صورت ادامه کندی سرعت تحولات علمی دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی در مقایسه با روند شتابان دنیای علم و فناوری
- ۳- فقدان طرح جامع توسعه آموزش عالی، توسعه نامتوازن آموزش عالی در استان‌های مختلف کشور

۴- فقدان خطامشی بلندمدت توسعه منابع انسانی و هرم مطلوب نیروی انسانی و موارد متعدد دیگر که در قسمت قبل در بررسی عملکرد برنامه سوم توسعه، به آنها اشاره شد. این گزارش نیز در مورد تهدیدها به انباشت شدید تقاضای اجتماعی آموزش عالی در تهران و وفور تقاضای کاذب برای خدمات آموزش عالی اشاره می‌کند که ناشی از عدم تعیین قیمت‌های صریح برای خدمات مزبور در بخش دولتی است. همچنین، به روند روبه رشد افزایش سهم زنان در تقاضای آموزش عالی که بدون توجه به آینده و پیامدهای آن، و به عدم کفایت نرخ پوشش سطوح عالی در شرایط کمبود شدید سطح افزایش اقتصاد کشور، و جوانی جمعیت می‌پردازد (مجموعه گزارش‌های همایش چشم‌اندازهای توسعه ایران ۱۵-۱۲ اسفند ۱۳۸۱).

اما این گزارش در حوزه تحقیقات به چند نکته اشاره می‌کند که عبارتند از بی‌توجهی یا عدم باور به پژوهش به عنوان یک اقدام جهت دستیابی به توسعه و کم‌توجهی به مطالعات کارشناسی و به کارگیری نتایج و یافته‌های پژوهشی در بخش‌های قانون‌گذاری، سیاست‌گذاری، اجرایی و تولیدی و نقش مهم دانشمندان و پژوهشگران در فرآیند توسعه مدیریت اجرایی کشور، عرضه محور بودن پژوهش، ناکارایی نظام موجود جهت مدیریت کلان فعالیت‌های پژوهشی، اتکاء بیش از حد منابع مالی بخش پژوهش به دولت و کافی دانستن سهم اعتبارات پژوهشی از بودجه عمومی کشور، وجود مقررات و محدودیت‌های اداری و مالی، فقدان انگیزه کافی در بخش‌های صنعتی و اقتصادی برای سرمایه‌گذاری در تحقیقات، عدم توجه به اعتبار و منزلت اجتماعی و مالی و رفاهی پژوهشگران، عدم توجه به پرورش روحیه پژوهشگری، خلاقیت و نوآوری، فقدان قوانین مناسب جهت حمایت از حقوق مالکیت فکری پژوهشگران، مخترعان و مبتکران و

توصیف و تحلیل شرایط آموزش عالی و پژوهش در آستانه تدوین برنامه چهارم توسعه

مع الوصف، در تهیه و تدوین برنامه چهارم توسعه چندین اقدام صورت گرفت تا برنامه چهارم در همه حوزه‌ها (بخشی و فرابخشی) و نیز در سطوح ملی و استانی مورد تجزیه و تحلیل و توجه قرار گیرد و با یک تحلیل واقع‌بینانه‌تر نسبت به گذشته، در چارچوب یک برنامه درازمدت، آن را طراحی و برنامه‌ریزی نمایند. ابتدا سمیناری برگزار گردید و از همه مراکز و صاحب‌نظران درخواست شد تا مقالات علمی خود را ارایه نمایند. اقدام دوم این بود که برای بخش‌های عمده و چالشی کشور که رویکردها و نظریات مختلفی نسبت به آنها وجود دارد درخواست نظر و گزارش‌های پژوهشی از محققان و اساتید دانشگاهی شد تا با یک جمع‌بندی از آنها سیاست‌های کلی آن بخش‌ها استخراج گردند و فرآیند توسعه بر مبنای صائب‌ترین و سنجیده‌ترین نظریه‌ها طراحی گردد. اقدام سوم نیز به همان شیوه سنتی برنامه‌ریزی عمل شد با این تفاوت که مثل برنامه سوم، تا حدودی نمایندگان

بخش خصوصی در برنامه‌ریزی مشارکت داده شدند. در بخش آموزش عالی در سه حوزه آموزش، پژوهش و فناوری دیدگاه‌ها دریافت و با توجه به موارد دریافتی فوق جمع‌بندی این بخش صورت گرفت که نهایتاً منتج به احکام برنامه گردید. پس بطور کلی برنامه چهارم توسعه، اولین گام میان مدت پنج‌ساله در چارچوب برنامه بلندمدت با عنوان چشم‌انداز ایران در افق ۱۴۰۴ هـ.ش تعریف گردید.

بنابراین، با توجه به یافته‌ها و دیدگاه‌های دریافت شده و نیز نتایج عملکردها و رویکردهای سه برنامه گذشته و با نگاهی به شرایط ملی و جهانی وضع موجود مورد تحلیل و تبیین قرار گرفت.

در این تحلیل گفته شد که در یک دهه گذشته به علت افزایش منابع مادی اعتباری و افزایش تحصیل‌کردگان دانشگاهی فعالیت‌های تحقیقاتی از حالت رکودی گذشته خارج و روند رو به بهبودی در کشور تجربه شده است. اعتبارات تخصیص یافته به این بخش از طریق دولت و سایر نهادهای وابسته به دولت نظیر شرکت‌های تعاونی، بانک‌ها و بخش خصوصی انجام شد طوری که متوسط رشد اعتبارات پژوهشی از منابع دولتی در دوره ۸۱-۱۳۷۰ سالانه به نسبت جاری ۳۳/۹ درصد بوده است. همچنین چنانچه اعتبارات پژوهشی نهادهای غیردولتی و شرکت‌های دولتی به مرجع اعتبارات پژوهش و توسعه افزوده گردد شاخص نسبت هزینه‌های تحقیق و توسعه به تولید ناخالص ملی به یک سوم متوسط شاخص جهانی افزایش می‌یابد که مبین شکاف معنادار جایگاه علم و فناوری میان ایران و جهان است.

همچنین تأکید شد که گسترش اطلاعات و ارتباطات یکی از عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی است. لذا از این نظر جمهوری اسلامی ایران مانند سایر کشورها از لحاظ دسترسی به فناوری اطلاعات و ارتباطات در یک دهه اخیر اقدام‌های مهمی انجام داده که مواردی از مهمترین آنها عبارتند از:

خدمات ارتباطی با رشد متوسط سالانه ۱۱/۶ درصد، افزایش میزان سرمایه‌گذاری در بخش ارتباطات، افزایش سهم سرمایه‌گذاری کشور در ارتباطات، افزایش سهم سرمایه‌گذاری در بخش ارتباطات در خصوص تجهیزات با متوسط رشد سالانه ۲۰ درصد، افزایش ضریب نفوذ تلفن همراه، دسترسی به کامپیوتر و اینترنت و افزایش تعداد تلویزیون.

اما در عین حال گفته شد که باید توجه داشت که فناوری که عمدتاً از دنیای علم در ارتباط با صنعت نشأت می‌گیرد، قطعاً چالش‌های فرهنگی را با خود به همراه می‌آورد. بنابراین کشورهای در حال توسعه می‌توانند در این خصوص در حفظ ارزش‌های فرهنگی از طریق ارتقاء سطح آموزش‌های اجتماعی جامعه عمل کنند. بعلاوه می‌توانند از فناوری‌های یاد شده در جهت تقویت بنیه فرهنگی و اشاعه فرهنگ خودی در جامعه استفاده کنند. فناوری جدید در واقع بر الگوی تولید جامعه تأثیر شگرف خواهد گذاشت و در نتیجه اقتصادهای در حال توسعه

باید فرصت‌های بالقوه اقتصادی خود را در ارتباط با استفاده از این نوآوری‌های علمی تعریف نمایند (مبانی نظری و مستندات برنامه چهارم توسعه (جلد اول، ص ۷۴).

در این گزارش‌های تحلیلی مزبور به مسائل و مشکلات موجود در کشور در حوزه تحقیقات نیز اشاره شده است از جمله به پایین بودن تقاضا برای ستاده‌های تحقیقاتی به شکل درون‌زا، عدم سازگاری میان تحقیقات و پژوهش با شرایط عمومی جامعه، پایین بودن سهم بخش خصوصی در تحقیقات، فقدان انگیزه در بخش‌های اقتصادی برای فعالیت‌های تحقیقاتی به دلیل نبود بازار مشخص و فقدان فضای رقابتی در عرصه تحقیقات کشور و پایین بودن سودآوری بنگاه‌ها، نارسایی در تولید و مستندسازی اطلاعات در سطح ملی و بین‌المللی و سایر مواردی که پیشتر به آنها اشاره شد.

همچنین در این گزارش‌ها به وجود انحصار دولتی، فقدان قوانین مشخص در حیطه وظایف تشکیلات سازمان موجود، نامتناسب بودن نرخ‌های تعرفه و کارایی پایین آنها و ناکارآمد بودن مدیریت فرکانس در بخش ارتباطات و پایین بودن نیروی کار متخصص در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات به عنوان سایر مسائل و مشکلات این حوزه از تحقیقات توجه می‌دهند.

براین اساس، با ذکر این مسائل و مشکلات دو چشم‌انداز را در پیش‌رو مطرح می‌سازد یکی ادامه وضع موجود و دیگری وضع مطلوب. در صورتی که وضع موجود ادامه یابد شکاف علمی بین ایران و دیگر کشورهای جهان گسترش می‌یابد، روند توسعه اقتصادی در نتیجه عدم استفاده از مزیت‌های علمی و تحقیقاتی کند می‌شود، کارایی و اثربخشی فعالیت‌های تحقیقاتی تنزل می‌یابد و مهاجرت نخبگان و نیروهای علمی کشور تشدید می‌گردد.

در مورد چشم‌انداز مطلوب اذعان به این نکته می‌شود که بایستی همگام با روند توسعه اقتصادی و اجتماعی، کارایی این فعالیت‌ها (تحقیق و توسعه) اشاعه و دستاوردهای تحقیقاتی افزایش یابد و از منابع در این بخش همراه با افزایش کارایی در عرصه عملی فعالیت‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی استفاده گردد. لذا در این زمینه، نرخ رشد مطلوب، نرخ رشد هزینه‌های توسعه و تحقیق در بخش دولتی ۲۵/۵ درصد و در بخش خصوصی باید با ۸ درصد باشد. نرخ رشد مطلوب با این فرض است که ساختارهای اقتصادی و اجتماعی، در کشور روند افزایش را با توجه به جهت‌گیری‌های علمی در جهان آینده تجربه نمایند. شاخص دیگر در این خصوص این است که نسبت تعداد محقق در یک میلیون نفر که در حال حاضر ۳۴۰ نفر می‌باشد باید در وضعیت مطلوب در افق ۱۳۹۴ به مرز ۱۵۰۰ نفر برسد (این پیش‌بینی با برآورد جمعیت ۷۷ میلیون نفر در سال ۱۳۹۴، باید تعداد محققان به ۱۲۰ هزار نفر برسند).

براین اساس سه شاخص عمده؛ هزینه پژوهش و توسعه به تولید ناخالص ملی، هزینه پژوهش و توسعه به GDP در بخش دولتی و نسبت پژوهش و توسعه به GDP در بخش خصوصی که برای سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۴ پیش‌بینی شدند در جدول ۱۸ منعکس می‌شوند.

جدول ۱۸) شاخص‌های عمده تحقیقات در سال ۱۳۸۱ و برآورد آنها برای سال‌های ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۴ (وضعیت مطلوب)

شاخص	۱۳۸۱	۱۳۸۵	۱۳۹۰	۱۳۹۴
هزینه پژوهش و توسعه به تولید ناخالص داخلی	۰/۸	۱/۲	۲	۳
هزینه پژوهش و توسعه به GDP در بخش دولتی	۰/۴۳	۰/۷۵	۱/۲۵	۲
نسبت پژوهش و توسعه به GDP در بخش خصوصی	۰/۳۷	۰/۵	۰/۷۵	۱

مأخذ: مبانی نظری و مستندات برنامه چهارم توسعه، ص ۴۹۰

بر پایه همین پیش‌بینی، در حوزه تحقیق و توسعه راهبردهای چندی برای دستیابی به هدف‌های مورد نظر مطرح گردید که اجمالاً عبارتند از:

- ۱- افزایش ظرفیت‌های کمی و کیفی پژوهش و مأموریت‌گرا کردن پژوهش
- ۲- فراهم آوردن شرایط به شرح زیر برای تبدیل دانشگاه‌های آموزشی به دانشگاه‌های پژوهشی و کارآفرینی و تغییر نقش آنها از انتقال دانش به ایجاد زمینه‌های ابداع، نوآوری و خلق صنعت و قابلیت انجام کار به صورت مستقل می‌باشد. اهداف اصلی دانشگاه‌های کشور نیز در آموزش، باید براساس نیازهای تخصصی بازار استوار گردد.

- فراهم آوردن زمینه‌های اجرای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در پژوهش
- حمایت از پژوهش‌های توسعه‌ای موفق در واحدهای تحقیق و توسعه صنایع در جهت کمک به افزایش نوآوری در محصولات صنعتی
- بیمه فرآیند فعالیت‌های پژوهشی سفارشی (دارای متقاضی) به طوری که خسارت‌های وارده به دستگاه‌های پژوهشی بویژه دستگاه‌های پژوهشی غیردولتی، ناشی از عدم انجام تعهدات مالی سفارش‌دهنده، به ویژه دولتی، جبران گردد.

- فراهم کردن زمینه‌های ایجاد دیده‌بان علمی و توسعه فرهنگ ارزیابی نتایج فعالیت‌های پژوهشی به کمک نهادهای مستقل علمی به ویژه نهادهای علمی غیردولتی مثل انجمن‌های علمی و بالاخره اصلاح قوانین و مقررات موجود و تنظیم و تصویب قوانین شفاف و مؤثر در امر تحقیقات شامل ضوابط ارتباط مالی بین بخش‌های دولتی و خصوصی.

۳- توسعه بخش فناوری به عنوان مکمل بخش پژوهش ارتباط دهنده آن با بخش تولید از طریق تشویق ایرانی‌هایی که موفق به ثبت جواز علمی Patent در مراجع بین‌المللی می‌شوند، تصویب و اجرای قانون مالکیت معنوی و فکری در کشور به منظور توسعه بازار تحقیقات و امکان انتقال حقوق مالکیت صاحبان افکار و محصولات نو به تولیدکنندگان و بهره‌برداران، حرفه‌ای کردن پژوهش، تضمین سرمایه‌گذاری بخش خصوصی توسط دولت برای یکبار، ایجاد نهادهای مالی ریسک‌پذیر برای سرمایه‌گذاری در فناوری حاصل از پژوهش‌های داخلی، حمایت مالیاتی از مراکز یا شرکت‌های توسعه فناوری، حمایت مالی از تحقیقات مربوط به تجاری‌کردن فناوری در پارک‌ها و مراکز رشد فناوری و مراکز تحقیق و توسعه، طراحی و اجرای نظام مهندسان محقق و بالاخره ایجاد گسترش صندوق‌های سرمایه‌گذاری جهت حمایت از طرح‌هایی که از نتیجه پژوهش به مرحله تولید می‌رسند.

۴- گسترش استفاده از فناوری ارتباطات و اطلاعات

۵- تعیین اولویت رشته‌ای تحقیقات در بخش دولتی، یعنی دولت باید در چند رشته پایه‌ای، اولویت‌های لازم را مشخص و سرمایه‌گذاری نماید.

همچنین راهبردهای پیشنهادی در خصوص فناوری اطلاعات و ارتباطات برای گزینه مطلوب ناظر بر اصلاحات ساختاری، کاهش هزینه ارتباطات و اطلاعات و بهبود کیفیت خدمت‌رسانی بود.

مستندات برنامه چهارم توسعه، در ادامه تبیین وضع موجود و چشم‌انداز آینده بخش تحقیقات و توسعه، به یک عامل حائز اهمیت دیگری تکیه می‌کند که عبارت است از جامعه دانش‌بنیان یا وضعیت دانایی در ایران. برای توصیف این وضع به شاخص‌های سطح کمی وضعیت دانایی در کشور در مقایسه با چند کشور منتخب اشاره می‌نماید. این شاخص‌ها (در جدول ۱۹) عبارتند از نرخ ترکیبی ثبت نام ناخالص در کلیه سطوح، نرخ باسوادی افراد بزرگسال، نسبت اعتبارات پژوهشی به تولید ناخالص داخلی، نسبت دانشمندان و مهندسان در یک میلیون نفر و نسبت بهره‌گیران از اینترنت در هزار نفر.

جدول ۱۹) شاخص‌های دانایی در ایران و چند کشور منتخب

شاخص	ایران	مالزی	کره جنوبی	هند	چین	استرالیا	ژاپن	فنلاند
نرخ ترکیبی ثبت‌نام ناخالص در کلیه سطوح (درصد)	۷۱	۶۶	۹۰	۵۶	۷۳	۱۱۶	۸۲	۱۰۳
نرخ باسوادی افراد بزرگسال (درصد)	۷۶	۸۷	۹۷/۶	۵۶/۵	۸۳/۵	۹۹	۹۹	۹۹
نسبت اعتبارات پژوهشی به تولید ناخالص ملی	۰/۸۷۶	۰/۲۴	۲/۸۲	۰/۷۳	۰/۷	۱/۸	۲/۸	۲/۸
نسبت تعداد دانشمندان و مهندسان در یک میلیون نفر (نفر)	۲۳۶	۹۳	۲۱۹۳	۱۴۹	۴۵۴	۲۳۵۷	۴۹۰۹	۲۷۹۹
نسبت بهره‌گیران از اینترنت در هزار نفر	۱۸	۲/۴	۴/۸	۰/۱	۰/۱	۱۲۶	۴۹	۲۰۰

مأخذ: گزارش توسعه انسانی ۲۰۰۱

محتوا و مضامین برنامه چهارم توسعه در بخش پژوهش و فناوری

براساس تحلیل و تبیین‌ها از وضع موجود و چشم‌اندازهای آینده، سیاست‌های کلی، اهداف و برنامه‌های اجرایی برای برنامه چهارم در بخش آموزش و تحقیقات منظور گردید. لذا بر این مبنای مفاد و مضامین قانون برنامه چهارم توسعه در بخش مزبور یادآور می‌شود. در این برنامه تلاش شد براساس شناخت از گذشته و حال و متناسب با ابزارها و امکانات بالفعل و بالقوه در بخش آموزش، تحقیقات و فناوری سیاست‌گذاری‌های لازم صورت پذیرد. از اینرو، به نقش دانش و فناوری و مهارت به عنوان اصلی‌ترین عوامل ایجاد ارزش افزوده در اقتصاد نوین تأکید شد و بنابراین برای نیل به این منظور اقدام‌های به شرح زیر را بیان می‌نماید (ماده ۴۳ قانون برنامه چهارم توسعه)

- نوسازی و بازسازی سیاست‌ها و راهبردهای پژوهشی، فناوری و آموزشی، به منظور توانایی پاسخگویی مراکز علمی، پژوهشی و آموزشی کشور به تقاضای اجتماعی و صنعتی و کارکردن در فضای رقابت‌آمیز عرصه جهانی (بند الف ماده ۴۳).

- تهیه برنامه‌های جامع علمی و فناوری کشور (به ویژه فناوری با سطوح عالی علوم و فناوری روز جهانی) در بخش‌های مختلف (بند ب ماده ۴۳)

- پیش‌بینی تمهیدات لازم به منظور بهره‌برداری حداکثر از ظرفیت‌های ملی و منطقه‌ای حوزه‌های فناوری اطلاعات، فناوری زیستی و ریزفناوری، زیست‌محیطی، هوافضا و هسته‌ای (بند ج ماده ۴۳).

- بازنگری در ساختار و نوسازی فرآیندهای تحقیقات و آموزش علوم انسانی و مطالعات اجتماعی و فرهنگی، به منظور توسعه کیفی و حرفه‌ای شدن پژوهش در حوزه مذکور و ایجاد توانایی نظریه‌پردازی در حوزه‌های اجتماعی در سطح جهانی و پاسخگویی به نیازهای تصمیم‌سازی در دستگاه‌های اجرایی کشور (بند د ماده ۴۳).
به علاوه، به منظور گسترش بازار محصولات دانایی محور و دانش‌بنیان، تجاری‌سازی دستاوردهای پژوهشی و نوآوری و گسترش نقش بخش خصوصی و تعاونی به اقدامات به شرح مندرج در زیر توجه داده شده است (ماده ۴۵).

آدرس	اقدام
بند الف	طراحی و استقرار کامل نظام جامع حقوق مالکیت معنوی، ملی و بین‌المللی و پیش‌بینی ساختارهای اجرایی لازم
بند ب	تأمین و پرداخت بخشی از هزینه‌های ثبت جواز امتیاز علمی Patent در سطح بین‌المللی و خرید جوازهای علمی امتیاز ثبت شده داخلی توسط تولیدکنندگان
بند ج	اتخاذ تدابیر لازم جهت بیمه قراردادهای پژوهشی، فنی و فعالیت‌های تولیدی و خدماتی که براساس دستاوردها و نتایج یافته‌های پژوهشی داخلی انجام می‌گیرد
بند د	حمایت از کلیه پژوهش‌های سفارشی (دارای متقاضی) از طریق پیش‌بینی اعتبار در بودجه سنواتی، مشروط به اینکه حداقل چهل درصد از هزینه‌های آن را، کارفرما تأمین و تعهد کرده باشد
بند هـ	توسعه ساختارها و زیربنای لازم، برای رشد فعالیت‌های دانایی محور در بخش دولتی و خصوصی به ویژه ایجاد و گسترش پارک‌ها و مراکز رشد علم و فناوری
بند و	اقدام برای اصلاح قوانین و مقررات و ایجاد تسهیلات لازم، جهت ارجاع کار و عقد قرارداد فعالیت‌های پژوهشی و فنی دولت با بخش خصوصی و تعاونی و حمایت از ورود بخش خصوصی و تعاونی به بازارهای بین‌المللی در قلمرو دانش و فناوری
بند ز	اتخاذ تدابیر و راهکارهای لازم، جهت حمایت مالی مستقیم از مراکز و شرکت‌های کوچک و متوسط بخش خصوصی و تعاونی برای انجام تحقیقات توسعه‌ای که منجر به ابداع، اختراع و ارتقای محصولات و روش‌ها می‌شود.
بند ح	کمک به تأسیس و توسعه صندوق‌های غیردولتی پژوهش و فناوری
بند ط	پیش‌بینی تمهیدات و سازوکارهای لازم به منظور ارزش‌گذاری و مبادله محصولات نامشهود دانایی محور

برنامه چهارم توسعه علاوه بر موارد فوق به منظور ایجاد و توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان و تقویت همکاری‌های بین‌المللی به دولت اجازه داد تا واحدهای پژوهشی و فناوری و مهندسی مستقر در پارک‌های علم و فناوری در جهت انجام مأموریت‌های محوله، از مزایای قانونی مناطق آزاد در خصوص روابط کار، معافیت‌های مالیاتی و عوارض، سرمایه‌گذاری خارجی و مبادلات بین‌المللی برخوردار گردند (ماده ۴۷).

در این قانون به برپاسازی نظام جامع پژوهش و فناوری توجه می‌دهد و دولت را به انجام اقدام‌های به شرح زیر موظف می‌سازد (ماده ۴۶).

بند الف	طراحی و پیاده‌سازی نظام ملی نوآوری براساس برنامه جامع توسعه فناوری و گسترش صنایع نوین
بند ب	ساماندهی نظام پژوهش و فناوری کشور از طریق تعیین اولویت‌ها، هدفمند کردن اعتبارات، اصلاح ساختاری واحدهای پژوهشی در قالب مأموریت‌های ذیل: تربیت نیروی انسانی روزآمد در فرآیند پژوهش و فناوری، توسعه مرزهای دانش، تبدیل ایده به محصولات و روش‌های جدید، تدوین دانش فنی و انجام تحقیقات صنعتی، انتقال و جذب فناوری، پژوهش به منظور افزایش توان رقابتی بخش‌های تولیدی و خدماتی کشور و انجام پژوهش‌های کاربردی درخصوص حل مشکلات کشور
بند ج	نوسازی شیوه‌های مدیریت بخش پژوهش، از جمله ایجاد شبکه‌های واحدهای پژوهش و فناوری همگن، به عنوان دستگاه‌های اجرایی، با مدیریت توزیع هدفدار و بهینه اعتبارات تحقیقاتی و نظارت و پایش فعالیت‌ها در زمینه‌های علمی مربوطه، با تکیه بر شاخص‌های جهانی
بند د	توسعه همکاری‌های مؤثر بین‌المللی در عرصه پژوهشی و فناوری، از طریق اصلاح و ساده‌سازی قوانین و مقررات مربوط
بند هـ	افزایش یکنواخت سرمایه‌گذاری دولت در امر پژوهش و فناوری به میزان حداقل دو درصد تولید ناخالص داخلی از محل اعتبارات عمومی دستگاه‌های اجرایی و یک درصد درآمد عملیاتی شرکت‌های دولتی، بانک‌ها (به استثنای سود سپرده‌های بانکی) و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت و بخش غیردولتی و سمت‌دهی سرمایه‌گذاری فوق در جهت پژوهش‌های مأموریت‌گرا و تقاضامحور

درخصوص ارتباط و پیوستگی میان سطوح آموزش و توسعه فناوری، کارآفرینی و تولید ثروت در کشور، در این قانون دولت موظف می‌شود اقدام‌هایی از جمله زمینه‌سازی و انجام حمایت‌های لازم، برای ایجاد شرکت‌های غیردولتی توسعه فناوری و شرکت‌های خدماتی مهندسی، با مأموریت تولید، انتقال و جذب فناوری (بند الف ماده

۴۸)، تدوین ضوابط و آرایه حمایت‌های لازم، در راستای تشویق طرف‌های خارجی قراردادهای بین‌المللی و سرمایه‌گذاری خارجی، برای انتقال بخشی از فعالیت‌های تحقیق و توسعه مربوط به داخل کشور و انجام آن با مشارکت شرکت‌های داخلی (بند ب ماده ۴۸) و اتخاذ تدابیر لازم، در جهت اصلاح نظام آموزش کشور و آزمون‌های ورودی دانشگاه‌ها، با توجه به سوابق تحصیلی در سنوات دوره متوسط و جلب مشارکت دانشگاه‌ها، به منظور ارتقای توانایی خلاقیت، نوآوری، خطرپذیری و کارآفرینی آموزش‌گیرندگان و ایجاد روحیه آموختن و پژوهش مستقل در میان نسل جوان (بند ج ماده ۴۸) را انجام دهد.

علاوه بر تکالیف مزبور دولت طبق این قانون موظف به زمینه‌سازی و تربیت نیروی انسانی متخصص و متعهد، دانش‌محور، خلاق و کارآفرین شده تا منطبق با نیازهای نهضت نرم‌افزاری، با هدف توسعه کمی و کیفی عمل کند. دولت می‌بایستی اقدامات به شرح زیر را در مأموریت‌ها و ساختار دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی برای پاسخگویی به نیازهای بخش‌های مختلف کشور انجام دهد.

آدرس	اقدام
بند الف	دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی دولتی و همچنین فرهنگستان‌های تخصصی ... و سایر مراجع قانونی ذی‌ربط صرفاً براساس آیین‌نامه‌ها و مقررات اداری، مالی، استخدامی و تشکیلاتی خاص ... بدون الزام به رعایت قانون محاسبات عمومی، قانون استخدام کشوری و سایر قوانین و مقررات عمومی اداری و مالی و استخدامی اداره خواهند شد ... اعتبارات هزینه‌ای از محل بودجه عمومی دولت براساس قیمت تمام شده به دستگاه‌های اجرایی یاد شده اختصاص می‌یابد ... سهم دولت در هزینه‌های آموزش عالی بخش دولتی، بر مبنای هزینه سرانه تعیین و نسبت آن به بودجه عمومی دولت براساس رشد پوشش جمعیت دانشجویی، در مقایسه با عدد مشابه در برنامه سوم توسعه افزایش می‌یابد.
بند ب	هرگونه اصلاح ساختار مالی، اداری، استخدامی و تشکیلاتی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی دولتی و همچنین فرهنگستان‌های تخصصی منحصراً مشمول مفاد این ماده می‌باشند.
بند ج	ارزیابی مستمر دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و مؤسسات پژوهشی دولتی و خصوصی توسط وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری، و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی با همکاری انجمن‌های علمی و مداخله براساس آن و سرمایه‌گذاری در علوم منتخب و تکیه بر ایجاد قطب‌های علمی، براساس مزیت‌های نسبی و نیازهای آنی کشور
بند د	بازنگری در رشته‌های دانشگاهی، بر مبنای نیازهای اجتماعی، بازار کار و تحولات اجتماعی، در راستای توسعه علوم میان رشته‌ای با تأکید بر علوم انسانی

ایجاد تولیت واحد در سیاستگذاری و مدیریت امور مربوط به استعداد های درخشان و نیز بهره‌برداری بهینه از امکانات مادی و معنوی موجود در این زمینه، دو وزارتخانه مزبور، مجازند از تأسیس باشگاه غیردولتی و صیانت از استعداد های درخشان کشور حمایت نمایند.	بند هـ
---	--------

محتوا و مضامین برنامه چهارم توسعه در حوزه آموزش عالی

قانون برنامه چهارم توسعه تکالیفی را علاوه بر در حوزه موارد مذکور آموزش برای دو وزارتخانه علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تعیین نمود که می‌بایستی در طول برنامه چهارم انجام دهند. شرح این تکالیف در جدول زیر منعکس شده است.

دستگاه مسئول	اقدام قانونی	هدف	آدرس
وزارتخانه های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی	<ul style="list-style-type: none"> - تنوع بخشیدن به شیوه های ارایه آموزش عالی، نسبت به برگزاری دوره های تحصیلی از قبیل شبانه، نوبت دوم، از راه دور (نیمه حضوری)، آموزش های مجازی، دوره های مشترک با دانشگاه های معتبر خارجی و دوره های خاص - هزینه های مربوط با تایید وزارتخانه های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی حسب مورد از داوطلبان اخذ و به حساب درآمد اختصاصی دانشگاه ها واریز می شود 	دسترسی به فرصت های برابر آموزش و پوشش جمعیت دانشجویی به سی درصد تا پایان برنامه	بند ب ماده ۵۰
دو وزارتخانه	تهیه برنامه ویژه	ارتقای توانمندی دانشگاه های مادر و مهم دولتی کشور در زمینه های آموزشی و پژوهشی در مقایسه با دانشگاه های معتبر بین المللی	بند ز ماده ۵۰
دو وزارتخانه	اعطای موافقت اصولی و فراهم نمودن سازوکار لازم	سرمایه گذاری بخش خصوصی و تعاونی در زمینه ایجاد و توسعه دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی	بند ط

دستگاه مسئول	اقدام قانونی	هدف	آدرس
دولت	انجام مطالعات و بررسی راهکارهای مناسب و اقدامات قانونی لازم	جلوگیری از خروج بی‌رویه سرمایه‌های انسانی، فکری، علمی و فنی کشور	بندی

در برنامه چهارم توسعه مزید بر کلیه موارد ذکر شده به موارد مهم دیگری توجه شده که اهم آنها به شرح زیر می‌باشند:

۱- به منظور «شکل‌دهی منظومه آماری و مکانی کشور» نسبت به تهیه برنامه ملی، مبتنی بر اصلاح و تقویت نهاد مدیریت اطلاعات آمار ملی کشور، استانداردها، ضوابط، تولید و ارایه آمارهای ثبتی، تقویت و ایجاد پایگاه‌های اطلاعات آماری و اطلاع‌رسانی، ارتقای فرهنگ آماری، چگونگی تعامل دستگاه‌ها، راهبری، هماهنگی‌های لازم را انجام و جهت اجرا و عملیاتی نمودن آن اقدام نمایند (ماده ۵۶).

۲- به منظور توسعه ارتباطات و فناوری اطلاعات، تحقق اقتصاد مبتنی بر دانایی و کسب جایگاه برتر منطقه چند اقدام به شرح زیر تکلیف شده است:

- به منظور برقراری تسهیلات لازم جهت دسترسی به ارتباطات گسترده با کیفیت و تمهید و گسترش فرصت‌های نوین خدمات و رشد برای آحاد جامعه و خانوارها، مؤسسات و شرکت‌ها، شبکه‌ای شدن قلمرو، برپایی و تقویت اقتصاد شبکه‌ای زمینه ارتقای ضریب نفوذ ارتباطات ثابت، سیار و اینترنت کشور، به ترتیب ۵۰ درصد، ۳۵ درصد و ۳۰ درصد، آحاد جمعیت کشور و همچنین ایجاد ارتباط پرضرفیت و چند رسانه‌ای حداقل در شهرهای بالای ۵۰ هزار نفر و افزایش ظرفیت پستی به ۲۰ مرسوله برای هر نفر را فراهم آورد (بند الف ماده ۵۷).

- تأمین و تضمین ارایه خدمات پایه ارتباطی و فناوری اطلاعات در سراسر کشور (بند ب ماده ۵۷).

- تهیه لایحه «قانون جامع ارتباطات» (بند ج ماده ۵۷).

ارزیابی عملکرد و نتایج بخش آموزش عالی و تحقیقات در برنامه چهارم توسعه (۸۸-۱۳۸۴)

همانطور که دیده شد برنامه چهارم توسعه برنامه‌ای بود که کاملاً ماهیت برنامه‌ای داشت و مقرر شده بود که در طول سال‌های برنامه در سه حوزه آموزش، تحقیقات و فناوری اقداماتی صورت بگیرد. این اقدامات عموماً جنبه زیربنایی داشتند و کمتر به اقدامات کمی تأکید کرده بود. جهت‌گیری کلی نظام آموزش عالی کشور پژوهش

محور تعریف گردید و بر همین اساس این بخش می‌بایستی فعالیت‌ها و اقدامات خود را در همین جهت سوق می‌داد.

سال‌های اجرای برنامه چهارم توسعه، مقارن بود با تغییر فضای سیاسی و اقتصادی کشور. به عبارت دیگر، عوامل اجرایی و تقریباً تمامی حاکمیت کشور در این دوره همسو شدند و نسبت به روند گذشته در همه حوزه‌ها پر گله و منتقد بودند و براین اساس، نسبت به ساختار برنامه‌ریزی، هدف‌ها و سیاست‌های تدوین و تصویب شده جهت‌گیری‌های دیگری را دنبال نمودند. بنابراین در همه سال‌های اجرایی برنامه فعالیت‌های رسمی صورت گرفته تقریباً هیچ ارتباطی با روح و تکالیف و مصوبات قانونی نداشت. و اگر در موارد بسیار معدودی استناد به برنامه‌ها یا قوانین می‌شد با انگیزه‌های دیگری تعبیر می‌گردید و در واقع منابع قانونی با دید حداقلی استفاده می‌شدند یا در بسیاری از موارد مغایر با آنها. برای اثبات این ادعا، گزارش اقتصادی سال ۱۳۸۸ و نظارت بر عملکرد پنج‌ساله برنامه چهارم توسعه می‌تواند بیانگر این واقعیت باشد.

پیش از ورود به ارزیابی عملکرد برنامه مزبور اشاره به این نکته بسیار حائز اهمیت است که علی‌رغم جهت‌گیری‌های برنامه چهارم که در فوق به جزئیات آن توجه داده شد، عملکرد نظام آموزش عالی بیشتر حول مسائل آموزشی، و تا حدی فناوری متمرکز شد. این جهت‌گیری تقریباً بدون ارتباط با روح و محتوای سیاست‌های کلی و جزئی برنامه چهارم بود.

اینک برای اینکه، تصویری از این جهت‌گیری عملی نظام آموزش عالی در سال‌های ۱۳۸۴ الی ۱۳۸۸ در حوزه آموزش عالی ارایه شود به داده‌های مندرج در جداول زیر توجه داده می‌شود.

جدول ۲۰) دانشجویان کل کشور در سال‌های برنامه چهارم توسعه (۸۸-۱۳۸۴)

در مقاطع تحصیلی در دو بخش دولتی و غیردولتی

مقطع	تعداد کل دانشجویان دولتی					تعداد کل دانشجویان غیردولتی				
	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸
کاردانی	۲۲۱۶۷۱	۱۷۱۰۱۹	۲۴۵۰۹۳	۲۶۲۴۲۵	۵۵۶۰۶۲	۴۴۴۷۹۷	۵۰۱۵۵۲	۵۲۱۷۲۱	۵۰۴۱۵۹	۴۷۸۱۷۸
کارشناسی	۷۶۲۶۴۴	۱۰۸۳۱۴۱	۱۵۵۲۵۰۲	۱۳۵۱۳۵۷	۱۳۳۳۶۶۷	۷۵۹۲۷۱	۸۲۲۸۵۴	۸۴۷۶۲۴	۹۶۳۴۰۵	۱۰۹۳۳۱۱
کارشناسی ارشد	۵۴۶۸۹	۷۱۴۱۴	۸۵۹۳۴	۹۸۷۸۵	۱۱۹۶۷۶	۳۷۶۶۱	۴۴۴۳۲	۵۷۰۸۴	۷۹۹۷۹	۱۱۳۵۴۷
دکترای حرفه‌ای	۲۹۶۸۹	۲۹۴۵۵	۳۳۱۲۹	۳۵۰۵۴	۳۷۷۷۵	۱۰۵۳۴	۱۱۵۹۵	۱۱۲۳۸	۱۲۶۷۱	۱۱۸۱۴
دکترای تخصصی	۱۵۹۹۲	۱۷۹۰۹	۲۲۸۰۲	۲۶۴۱۹	۲۹۹۷۵	۳۲۳۸	۴۰۵۱	۴۳۰۶	۵۰۲۸	۵۱۳۱
جمع	۱۰۸۴۶۸۵	۱۳۷۲۹۳۸	۱۹۳۸۴۷۰	۱۷۷۴۰۴۰	۲۰۷۷۱۵۵	۱۲۵۷۵۰۱	۱۳۸۴۴۸۴	۱۴۴۱۹۷۳	۱۵۶۵۲۴۲	۱۷۰۲۵۹۱

مأخذ: گزارش اقتصادی سال ۱۳۸۸ و نظارت بر عملکرد پنجساله برنامه چهارم توسعه

طبق داده‌های مندرج در جدول ۲۰ طی سال‌های برنامه رشد دانشجویان در بخش دولتی بطور متوسط معادل ۱۷/۶ درصد و در بخش غیردولتی معادل ۷/۸ درصد بوده است. همچنین در این دوره در بخش دولتی بیشترین رشد مربوط به مقطع کاردانی (با رشد ۲۵/۸ درصد) و در بخش غیردولتی مربوط به مقطع کارشناسی ارشد (با رشد ۳۱/۷ درصد) بوده است.

علاوه بر مجموعه داده‌های مندرج در جدول فوق تعداد کل دانشجویان را می‌توان بر حسب مقاطع تحصیلی اعم از دولتی و غیردولتی مورد توجه قرار داد. جدول زیر این موضوع را نشان می‌دهد.

جدول ۲۱) تعداد کل دانشجویان کشور در هر یک از سال‌های برنامه چهارم توسعه

مقطع	تعداد کل دانشجویان دولتی و غیردولتی				
	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸
کاردانی	۶۶۶۴۶۸	۶۷۲۵۷۱	۷۶۶۸۱۴	۷۶۶۵۸۴	۱۰۳۴۸۵۰
کارشناسی	۱۵۲۱۹۱۵	۱۹۰۵۹۹۵	۲۴۰۰۱۲۶	۲۳۱۴۷۶۲	۲۴۲۶۹۷۸
کارشناسی ارشد	۹۲۳۵۰	۱۱۵۸۴۶	۱۴۳۰۱۸	۱۷۸۷۶۴	۲۳۳۲۲۳

تعداد کل دانشجویان دولتی و غیردولتی					مقطع
۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴	
۴۹۵۸۹	۴۷۷۲۵	۴۳۳۶۷	۴۱۰۵۰	۴۰۲۲۳	دکترای حرفه‌ای
۳۵۱۰۶	۳۱۴۴۷	۲۷۱۰۸	۲۱۹۶۰	۱۹۲۳۰	دکترای تخصصی
۳۷۷۹۷۴۶	۳۳۳۹۲۸۲	۳۳۸۰۴۳۳	۲۷۵۷۴۲۲	۲۳۴۰۱۸۶	جمع

توزیع دانشجویان در این سال‌ها بر حسب زیر بخش‌های دولتی و غیردولتی می‌تواند تصویر بهتری از هویت دانشجویان از نظر محل تحصیل و اعتبار علمی آنها بدست دهد. برای این منظور به اجمال به این آمار اشاره‌ای می‌شود. در بخش دولتی چند نوع دانشگاه وجود دارد یکی شامل دانشگاه‌های زیرمجموعه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری که در این حوزه، چند نوع دانشگاه جود دارند که عبارتند از دانشگاه پیام نور و دانشگاه علمی - کاربردی. همچنین دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی وزارت علوم، به دو دسته تقسیم می‌شوند یک گروه روزانه و دیگری شبانه. و دیگری شامل دانشگاه‌های مربوط به وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و گروه بعدی شامل آموزش و پرورش و دانشگاه‌های وابسته به دستگاه‌های اجرایی هستند. حال با این توضیح همه این موارد در یک جدول برای توجه و مقایسه نمایش داده می‌شوند.

جدول ۲۲) تعداد دانشجویان روزانه و شبانه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

بر حسب سال‌های چهارم برنامه

دانشجویان در سال‌های برنامه چهارم توسعه					عنوان	
۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴	مقطع	دوره
۹۸۰۸	۱۱۸۳۹	۱۱۶۷۲	۱۲۷۱۶	۱۰۶۴۶	کاردانی	روزانه
۲۸۷۱۲۱	۲۶۵۹۴۷	۲۵۱۳۳۴	۲۳۸۳۹۹	۲۱۹۰۶۶	کارشناسی	
۶۷۲۰۴	۵۱۷۴۵	۴۶۱۵۶	۳۸۸۰۴	۳۳۸۶۷	کارشناسی ارشد	
۲۵۷۶	۲۲۷۹	۲۱۳۳	۱۵۵۹	۱۵۴۱	دکترای حرفه‌ای	
۱۶۴۳۷	۱۴۴۸۸	۱۲۷۶۸	۹۸۹۰	۹۴۲۹	دکترای تخصصی	
۳۸۳۱۴۶	۳۴۶۲۹۸	۳۲۴۰۶۳	۳۰۱۳۶۸	۲۷۴۵۴۹	جمع	
۴۹۷۳	۶۷۸۱	۶۹۶۵	۶۶۳۰	۶۲۳۹	کاردانی	شبانه
۱۰۵۸۲۷	۱۱۲۹۴۰	۱۱۶۰۹۰	۱۰۰۳۶۷	۹۷۵۴۰	کارشناسی	

دانشجویان در سال‌های برنامه چهارم توسعه					عنوان	
۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴	مقطع	دوره
۲۶۷۵۱	۲۵۵۶۴	۲۳۵۵۹	۲۱۸۸۰	۱۳۹۴۵	کارشناسی ارشد	
۱۰۴۴	۹۷۱	۸۷۵	۷۵۵	۶۰۱	دکترای حرفه‌ای	
۳۱۷	۲۴۵	۲۲۱	۲۲۷	۱۵۵	دکترای تخصصی	
۱۳۸۹۱۲	۱۴۶۵۰۱	۱۴۷۷۱۰	۱۲۹۸۵۹	۱۱۸۴۸۰	جمع	
۵۲۲۰۵۸	۴۹۲۷۹۹	۴۷۳۷۷۳	۴۳۱۲۲۷	۳۹۳۰۲۹	جمع کل	

مأخذ: همان

در مجموعه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری علاوه بر گروه‌های تحصیلی در دوره‌های روزانه و شبانه دو نوع دانشگاه دیگر به این وزارتخانه وابسته‌اند یکی دانشگاه پیام‌نور و دیگری دانشگاه علمی - کاربردی.

جدول ۲۳) تعداد دانشجویان دانشگاه‌های پیام‌نور و علمی - کاربردی

در سال‌های برنامه چهارم توسعه بر حسب مقاطع تحصیلی

دانشجویان سال‌های برنامه چهارم توسعه					عنوان	
۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴	مقطع	دوره
۵۵۵	۱۲۹۵	۲۳۵۷	۳۷۴	۲۱۸	کاردانی	پیام‌نور
۸۰۱۲۸۸	۸۵۴۵۱۱	۱۱۰۶۵۷۳	۶۷۹۰۲۷	۳۸۲۳۶۴	کارشناسی	
۱۵۶۵۱	۱۳۸۸۴	۱۰۳۸۶	۴۷۵۷	۱۳۴۰	کارشناسی ارشد	
-	-	-	-	-	دکترای حرفه‌ای	
۶۵۳	۴۴۱	۱۱۰	۱۱۳	-	دکترای تخصصی	
۸۱۸۱۴۷	۸۷۰۱۳۱	۱۱۱۹۴۲۶	۶۸۴۲۷۱	۳۸۳۹۳۲	جمع	علمی- کاربردی
۳۵۰۵۶۶	۹۱۶۸۷	۹۶۳۲۶	۲۱۵۲۰	۱۹۱۱۴	کاردانی	
۵۷۸۵۸	۴۶۰۳۲	۱۴۷۱۸	۱۴۸۰	۲۲۶۲	کارشناسی	
۴۰۸۴۲۴	۱۳۷۷۱۹	۱۱۱۰۴۴	۲۳۰۰۰	۲۱۳۷۶	جمع	

مأخذ: همان

طبق داده‌های مندرج در جدول مزبور (جداول ۲۲ و ۲۳) تعداد کل دانشجویان زیرمجموعه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری از ۷۹۸ هزار و ۳۲۷ نفر در سال ۱۳۸۴ به یک میلیون و ۷۴۸ هزار و ۶۲۹ نفر در سال ۱۳۸۸ افزایش یافت؛ به عبارت دیگر در این سال‌ها بطور متوسط سالانه ۱۹۰ هزار نفر (با متوسط رشد سالانه ۲۱/۷ درصد) به تعداد دانشجویان این وزارتخانه افزوده شد.

همچنین تعداد دانشجویان زیرمجموعه وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در سال‌های یاد شده، در دوره‌های روزانه و شبانه تحول پیدا کرد. تصویر این وضع را می‌توان بطور خلاصه در جدول زیر ملاحظه کرد.

جدول ۲۴) تعداد دانشجویان زیرمجموعه وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در دوره‌های روزانه و شبانه بر حسب سال‌های برنامه چهارم توسعه

دانشجویان در سال‌های برنامه چهارم توسعه					عنوان	
۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴	مقطع	دوره
۱۰۰۴۰	۱۶۴۹۰	۱۷۵۸۲	۱۵۳۸۱	۱۴۰۹۷	کاردانی	روزانه
۴۱۰۷۵	۳۴۵۷۳	۲۶۱۴۱	۲۳۰۱۰	۲۰۷۱۳	کارشناسی	
۵۸۰۲	۴۳۲۹	۲۶۶۹	۲۲۷۰	۲۱۷۹	کارشناسی ارشد	
۳۳۶۱۵	۳۱۲۲۳	۲۸۲۹۲	۲۵۷۶۱	۲۶۴۶۳	دکترای حرفه‌ای	
۱۲۴۲۹	۱۱۱۳۷	۹۶۳۷	۷۵۳۴	۶۲۸۳	دکترای تخصصی	
۱۰۲۹۶۱	۹۷۷۴۷	۸۴۳۲۱	۷۳۹۵۶	۶۹۷۳۵	جمع	
۱۷۱۶	۴۷۵۷	۷۶۶۲	۶۲۸۲	۶۱۴۹	کاردانی	شبانه
۷۲۶۶	۹۷۵۸	۹۷۷۷	۸۲۰۳	۷۴۲۸	کارشناسی	
-	-	-	-	۶۸	کارشناسی ارشد	
-	-	-	-	-	دکترای حرفه‌ای	
-	-	-	۱	۴	دکترای تخصصی	
۸۹۸۲	۱۷۴۳۹	۱۷۴۳۹	۱۴۴۸۶	۱۳۶۴۹	جمع	
۱۱۷۵۶	۲۱۲۴۷	۲۵۲۴۴	۲۱۶۶۳	۲۰۲۴۶	کاردانی	جمع کل
۴۸۳۴۱	۴۴۳۳۱	۳۵۹۱۸	۳۱۲۱۳	۲۸۱۴۱	کارشناسی	
۵۸۰۲	۴۳۲۹	۲۶۶۹	۲۲۷۰	۲۲۴۷	کارشناسی ارشد	
۳۳۶۱۵	۳۱۲۳۱	۲۸۲۹۲	۲۵۷۶۱	۲۶۴۶۳	دکترای حرفه‌ای	

دانشجویان در سال‌های برنامه چهارم توسعه					عنوان	
۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴	مقطع	دوره
۱۲۴۴۹	۱۱۱۳۲	۹۶۳۷	۷۵۳۵	۶۲۸۷	دکترای تخصصی	
۱۱۱۹۴۳	۱۱۲۲۷۰	۱۰۱۷۶۰	۸۸۴۴۲	۸۳۳۸۴	جمع کل	

مأخذ: همان

همانطور که داده‌های مندرج در جدول مزبور نشان می‌دهند تعداد دانشجویان این وزارتخانه در مقایسه با تعداد دانشجویان وزارت علوم، تحقیقات و فناوری طی سال‌های برنامه با رشد کمتری تحول پیدا کرد. حتی در دوره شبانه این دانشگاه با رشد متوسط منفی ۹/۹ درصد روبرو شد.

در دوره برنامه چهارم تعداد دیگری از دانشگاه‌ها که در بخش دولتی وابسته به دستگاه‌های اجرایی مثل آموزش و پرورش و دیگر دستگاه‌های اجرایی بودند اگرچه تحول پیدا کردند ولی رشد تعداد دانشجویان در این دانشگاه‌ها در مقایسه با دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی دو وزارتخانه علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی نه تنها کمتر شد بلکه رشد متوسط سالانه آنها در بخش آموزش و پرورش ۳/۱ درصد و در دانشگاه‌های وابسته به سایر دستگاه‌ها با رشد منفی ۷/۱ درصد روبرو بودند. تصویر این وضعیت را مشابه موارد فوق می‌توان در جدول ۲۵ مشاهده نمود.

جدول ۲۵) تعداد دانشجویان دانشگاه‌های وابسته به دستگاه‌های اجرایی برحسب

مقاطع تحصیلی در سال‌های برنامه چهارم برنامه

دانشجویان در سال‌های برنامه چهارم توسعه					عنوان	
۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴	مقطع	دوره
۱۷۶۶۳۲	۱۲۵۹۸۱	۹۸۶۷۸	۱۰۴۱۳۱	۱۶۱۵۷۰	کاردانی	وزارت
۱۴۸۳۴	۸۷۸۴	۸۰۰۱	۸۹۵۸	۸۶۰۳	کارشناسی	آموزش
۷۷۹	۲۱۰	۱۳۷	۱۱۸	۷۵	کارشناسی ارشد	و
۱۹۲۲۳۶	۱۳۴۹۷۵	۱۰۶۸۱۶	۱۱۳۲۰۸	۱۷۰۲۴۸	جمع	پرورش
۱۷۸۱	۳۵۹۵	۳۸۵۱	۳۹۸۵	۳۶۳۸	کاردانی	دانشگاه
۱۸۳۹۸	۱۸۸۱۲	۱۹۸۶۸	۲۳۶۹۷	۲۴۶۶۸	کارشناسی	های
۳۴۸۹	۳۰۵۳	۳۰۲۷	۳۵۸۵	۳۲۱۵	کارشناسی ارشد	وابسته

دانشجویان در سال‌های برنامه چهارم توسعه					عنوان	
۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴	مقطع	دوره
۵۴۰	۵۷۳	۸۳۹	۱۳۸۰	۱۰۸۴	دکترای حرفه‌ای	به سایر دستگاه ها
۱۳۹	۱۱۳	۶۶	۱۴۴	۱۲۱	دکترای تخصصی	
۲۴۳۴۷	۲۶۱۴۶	۳۷۶۵۱	۳۲۷۹۱	۳۲۷۲۶	جمع	
۱۷۸۴۰۴	۱۲۹۵۷۶	۱۰۲۵۲۹	۱۰۸۱۱۶	۱۶۵۲۰۸	کاردانی	جمع کل
۳۳۲۳۲	۲۷۵۹۶	۲۷۸۶۹	۳۲۶۵۵	۳۳۲۷۱	کارشناسی	
۴۳۶۸	۳۲۶۳	۳۱۶۴	۳۷۰۳	۳۲۹۰	کارشناسی ارشد	
۵۴۰	۵۷۳	۸۳۹	۱۳۸۰	۱۰۸۴	دکترای حرفه‌ای	
۱۳۹	۱۱۳	۶۶	۱۴۴	۱۲۱	دکترای تخصصی	
۲۱۶۵۸۳	۱۶۱۱۲۱	۱۳۴۴۶۷	۱۴۵۹۹۸	۲۰۲۹۷۴	جمع کل	

مأخذ: همان

در طول سال‌های برنامه چهارم توسعه، بخش غیردولتی همچنان در نظام آموزش عالی کشور نقش بسزایی داشته است. در این بخش اگر چه در مقایسه با بخش دولتی رشد متعادل‌تری (۷/۸ درصد) نشان می‌دهد ولی مراکز آموزش غیردولتی - غیرانتفاعی با رشد ۴۲/۵ درصد بطور متوسط مواجه بودند. برای توجه و مقایسه این دو بخش جدول ۲۶ به همین منظور تنظیم شده است.

جدول ۲۶) کل دانشجویان سراسر کشور در بخش‌های دولتی و غیردولتی

بر حسب سال‌های برنامه چهارم برنامه

تعداد دانشجویان در سال‌های برنامه چهارم توسعه					عنوان	
۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴	مقطع	نوع دانشگاه
۴۰۵۷۱۹	۴۳۴۲۸۳	۴۵۱۷۰۴	۴۵۳۴۴۶	۴۲۲۱۷۱	کاردانی	دانشگاه آزاد اسلامی
۹۳۲۰۴۵	۸۶۵۵۳۵	۷۸۳۱۵۸	۷۷۹۳۰۸	۷۲۸۳۱۸	کارشناسی	
۱۰۵۸۰۶	۷۴۷۵۹	۵۲۵۰۳	۴۱۴۶۴	۳۴۷۶۶	کارشناسی ارشد	
۱۱۸۱۴	۱۲۶۷۱	۱۱۲۳۸	۱۱۵۹۵	۱۰۵۳۴	دکترای حرفه‌ای	
۴۶۴۴	۴۶۲۶	۳۹۶۴	۳۸۲۴	۳۰۳۰	دکترای تخصصی	

تعداد دانشجویان در سال‌های برنامه چهارم توسعه					عنوان	
۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴	مقطع	نوع دانشگاه
۱۴۶۰۰۲۸	۱۳۹۱۸۷۴	۱۳۰۲۵۶۹	۱۲۸۹۶۳۷	۱۱۹۸۸۱۹	جمع	
۷۳۰۶۹	۶۹۸۷۶	۷۰۰۱۷	۴۸۱۰۶	۲۴۶۲۶	کاردانی	مراکز آموزش غیردولتی - غیرانتفاعی
۱۶۱۲۶۶	۹۷۸۷۰	۶۴۴۶۶	۴۳۵۴۶	۳۰۹۵۳	کارشناسی	
۷۷۴۱	۵۲۲۰	۴۵۸۱	۲۹۶۸	۲۸۹۵	کارشناسی ارشد	
۴۸۷	۴۰۲	۳۴۰	۲۲۷	۲۰۸	دکترای تخصصی	
۲۴۲۵۶۳	۱۷۳۳۶۸	۱۳۹۴۰۴	۹۴۸۴۷	۵۸۶۸۲	جمع	
۴۷۸۷۸۸	۵۰۴۱۵۹	۵۲۱۷۲۱	۵۰۱۵۵۲	۴۴۶۷۹۷	کاردانی	جمع کل غیردولتی
۱۰۹۳۳۱۱	۹۶۳۴۰۵	۸۴۷۶۲۴	۸۲۲۸۵۴	۷۵۹۲۷۱	کارشناسی	
۱۱۳۵۴۷	۷۹۹۷۹	۵۷۰۸۴	۴۴۴۳۲	۳۷۶۶۱	کارشناسی ارشد	
۱۱۸۱۴	۱۲۶۷۱	۱۱۲۳۸	۱۱۵۹۵	۱۰۵۳۴	دکترای حرفه‌ای	
۵۱۳۱	۵۰۲۸	۴۳۰۶	۴۰۵۱	۳۲۳۸	دکترای تخصصی	
۱۷۰۲۵۹۱	۱۵۶۵۲۴۲	۱۴۴۱۹۷۳	۱۳۸۴۴۸۴	۱۲۵۷۵۰۱	جمع کل	

مأخذ: همان

با مشاهده ارقام مندرج در جداول فوق می‌توان دریافت که در سال ۱۳۸۸ یعنی سال پایان برنامه در کل کشور تعداد دانشجویان دولتی و غیردولتی معادل ۳ میلیون و ۷۷۹ هزار و ۷۴۶ نفر (۳/۷۷۹/۷۴۶) بود. این درحالی است که رقم مشابه در سال ۱۳۸۴، سال اول برنامه معادل ۲ میلیون و ۳۴۲ هزار و ۱۸۶ نفر (۲/۳۴۲/۱۸۶) بود.

وضعیت شاخص‌های آموزش عالی در دو بخش دولتی و غیردولتی

در حوزه آموزش عالی، شاخص‌های متعددی مورد توجه قرار می‌گیرند که نشان‌دهنده وضعیت آموزش عالی در دوره برنامه چهارم توسعه می‌باشد عناوین این شاخص‌ها به همراه واحدهای متعارف در جدول زیر نمایش داده می‌شوند.

جدول ۲۷) برخی از شاخص‌های عمده در بخش آموزش عالی در سال‌های برنامه چهارم توسعه

شاخص	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸
پوشش آموزش عالی به گروه سنی (۱۸-۲۴) ساله	۱۹	۲۲	۲۷	۲۶	۳۱
تعداد دانشجویان در یکصد هزار نفر	۳۳۷۵	۳۹۱۱	۴۷۲۲	۴۶۰۸	۵۱۵۰
نسبت دانشجویان کاردانی به کل دانشجویان	۲۹	۲۴	۲۳	۲۳	۲۷/۴
نسبت دانشجویان کارشناسی به کل دانشجویان	۶۵	۶۹	۷۱	۶۹	۶۴/۲
نسبت دانشجویان تحصیلات تکمیلی به کل دانشجویان	۶/۵	۶/۵	۶/۳	۷/۷	۸/۴
نسبت دانشجو به هیأت علمی در کل کشور	۵۶	۶۳	۷۰	۴۶	۶۱
نسبت دانشجو به هیأت علمی به دانشگاه آزاد	۷۸	۷۹	۶۲	۶۲	۵۹
نسبت دانشجو به هیأت علمی به دانشگاه پیام‌نور	۱۵۳	۲۷۳	۴۴۷	۳۳۲	۲۵۰
نسبت به دانشجو - روزانه هیأت علمی (در وزارت علوم)	۱۹	۲۱	۲۰	۲۰	۲۲
سرانه فضای آموزشی در بخش دولتی (مترمربع)	۱۲	۱۱	۱۱	۸	۸
سرانه فضای کمک آموزشی در بخش دولتی (مترمربع)	۱۴	۱۴	۱۴	۱۰	۱۰

مأخذ: گزارش اقتصادی سال ۱۳۸۸، بخش آموزش عالی

جدول ۲۷، برخی از عمده‌ترین شاخص‌ها را در بخش آموزش عالی کشور در هر یک از سال‌های برنامه چهارم توسعه نشان می‌دهد. شاخص پوشش آموزش عالی نشان می‌دهد که از کل جمعیت (۱۸-۲۴) کشور در سال ۱۳۸۴، ۱۹ درصد تحت پوشش آموزش عالی بودند در حالی که در سال پایان برنامه یعنی سال ۱۳۸۸ این رقم به ۳۱ درصد رسید. اما آیا با این افزایش متناسباً نسبت دانشجو به استاد بهبود پیدا کرد. آنطور که ارقام مندرج در این جدول نمایش می‌دهند چنین اتفاقی روی نداده است. زیرا اطلاعات ذی‌ربط می‌توانند گویای این واقعیت باشند که با افزایش رشد تعداد دانشجو در سراسر کشور سبب افت کیفی نظام آموزش عالی شده است و این خلاف مفاد قانون برنامه چهارم توسعه می‌باشد.

همچنین در این جدول، نسبت دانشجو به هیأت علمی در دوره روزانه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در سال‌های ۸۴ تا ۸۸ به ترتیب ۱۹، ۲۱، ۲۰، ۲۰ و ۲۲ گزارش شده است در حالی که این ارقام با واقعیت تطبیق ندارند زیرا اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در

سراسر کشور در دوره‌های روزانه و شبانه یکی هستند و بنابراین این مخرج کسر مزبور باید با احتساب تعداد دانشجویان شبانه محاسبه گردد.

علاوه بر شاخص‌های کلیدی یاد شده در آموزش عالی توجه به عملکرد اعتبارات هزینه‌ای و تملک دارایی‌ها در این بخش حائز اهمیت می‌باشد.

جدول ۲۸) عملکرد اعتبارات هزینه‌ای و تملک دارایی‌ها در بخش آموزش عالی در دو وزارتخانه

(به میلیون ریال)

اعتبارات در طور سال‌های برنامه					عنوان برنامه	نوع اعتبار	
۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴			
	۱۵۶۷۴۰۷۱	۱۲۹۵۵۶۸۱	۱۳۰۸۲۲۳۳	۹۴۸۶۷۵۲	دانشگاه‌ها	بودجه	هزینه‌ای
	۲۶۴۱۱۱۰	۲۴۰۶۲۰۹	۱۸۲۵۰۱۹	۱۰۴۹۰۱۷۲	ردیف‌های مربوط به دو وزارتخانه علوم و بهداشت	عمومی	
	۶۳۲۰۹۵۱	۴۸۰۲۳۹۰	۳۵۹۳۵۶۰	۳۸۵۸۵۷۶	دانشگاه (هزینه‌ای)	منابع	
	۱۴۱۰۰۰۰	۱۵۶۹۹۹۶	۱۲۲۰۰۰۱	۱۰۳۲۰۰۰	ردیف وزارتخانه‌های (هزینه‌ای)	داخلی	
۴۲۹۶۵۹۲	۲۴۳۸۳۴۳	۱۷۴۳۶۴۳	۱۳۹۶۹۴۲	۱۱۷۰۲۰۲	برنامه فضاهای آموزشی و کمک آموزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری	بودجه	تملك
۸۱۶۱۶۶	۶۷۱۹۳۸	۴۷۲۲۷۱	۳۷۰۲۹۵	۲۹۷۹۹۶	برنامه فضاهای آموزشی و کمک آموزشی وزارت بهداشت، درمان	عمومی	دارایی

مأخذ: بودجه عمومی سال‌های مربوط

داده‌های مندرج در جدول فوق نشان می‌دهند که طی دو سه برنامه گذشته همه هزینه‌های آموزش عالی از محل بودجه عمومی دولت تأمین نشده است بلکه بخشی از این هزینه‌ها از محل منابع داخلی دریافت شده‌اند. که شامل شهریه‌های اخذ شده از دانشجویان پیام‌نور و شبانه و علمی - کاربردی است. با این حال طی ۵ سال برنامه چهارم توسعه سهم منابع داخلی این وزارتخانه از کل بودجه آنها معادل ۵۸ درصد در این دوره بوده است. در ضمن هزینه تملک دارایی‌های سرمایه‌ای هنوز تماماً از محل بودجه عمومی تأمین می‌گردد که رقم آن در کل ۵ سال برنامه معادل ۱۳۶۷۴۳۸۸ میلیون ریال (معادل یک هزار و سیصد و شصت و هفت میلیارد و چهارصد

و سی و نه میلیارد تومان) بود. این هزینه‌ها صرف توسعه فضاهای آموزشی و کمک آموزشی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی شده است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در کل باید افزود که به جز مواردی که درباره تعداد پذیرش‌ها و رشد و افزایش تعداد دانشجو و اعتبارات یاد شده ذکر شد اکثریت مواد قانونی این برنامه مغفول ماند و هیچ گزارشی که دلالت بر عملکرد جزء به جزء مواد قانونی باشد نشده است. در گزارش نظارت بر عملکرد برنامه برای سال‌های برنامه به موادی اشاره شده که تقریباً هیچ ربطی به مواد قانونی ندارند. و حتی از مفاد و مضامین مواد قانونی جهت‌گیری‌های کاملاً مغایر مستفاد شده است.

به هر روی، عملکرد این برنامه در بسیاری از موارد توفیق‌چندانی نداشته است از جمله ایجاد دانشگاه‌های خصوصی در مناطق آزاد تجاری - صنعتی و نوسازی و بازسازی سیاست‌ها و راهبردهای آموزشی، بازنگری در ساختار و نوسازی آموزش‌های علوم انسانی، ایجاد باشگاه غیردولتی برای تولید واحد در سیاست‌گذاری و مدیریت امور مربوط به استعدادهای درخشان و پرداخت یارانه سود اعتبارات بانکی در طرح‌های سرمایه‌گذاری بخش خصوصی آموزش عالی (گزارش اقتصادی سال ۱۳۸۸ و نظارت بر عملکرد پنجساله برنامه چهارم توسعه (جلد دوم، حوزه‌های بخشی (۱): ص ۲۵۰).

بیشتر اشاره شد که بیشتر مفاد برنامه چهارم در جهت توسعه پژوهش و فناوری کشور بود. این برنامه در موارد متعددی به نوسازی و بازسازی سیاست‌ها و راهبردهای پژوهشی، فناوری و آموزشی (ماده ۴۴)، طراحی و استقرار نظام جامع حقوق مالکیت، تأمین و پرداخت بخشی از هزینه‌های ثبت جواز امتیاز علمی Patent در سطح بین‌المللی (ماده ۴۵)، بیمه قراردادهای پژوهشی، حمایت از پژوهش‌های سفارشی (دارای متقاضی)، ارزش‌گذاری و مبادله محصولات نامشهود دانایی محور (ماده ۴۵)، سازماندهی نظام پژوهش و فناوری، تربیت نیروی انسانی روزآمد، توسعه مرزهای دانش، انجام پژوهش‌های کاربردی، ایجاد شبکه‌های واحدهای پژوهش و فناوری همگن و افزایش سرمایه‌گذاری در پژوهش و فناوری (ماده ۴۶) و همچنین ایجاد شرکت‌های غیردولتی توسعه فناوری و شرکت‌های خدماتی مهندسی، انتقال بخشی از فعالیت‌های تحقیق و توسعه مربوط به قراردادهای بین‌المللی به داخل کشور و ایجاد روحیه آموختن و پژوهش مستقل در نسل جوان (ماده ۴۸)، توجه داده است. در حالی که عملکرد این موارد به گونه‌ای گزارش شده که چندان با روح و جهت‌گیری این تکالیف سازگاری ندارد. به عنوان مثال در اجرای این بند قانونی که باید سیاست‌ها و راهبردهای پژوهشی، فناوری و آموزشی نوسازی و بازسازی

گردند به تصویب نهایی نقشه جامع علمی کشور در شورای عالی انقلاب فرهنگی اشاره شده است. یا در اجرای طراحی و استقرار نظام جامع حقوق، مالکیت معنوی، ایجاد چندین کانون جدید دانش و صنعت برای هماهنگی بین دانشگاه‌ها و صنعت و تهیه و تصویب منشور پویایی کانون‌های هماهنگی دانش و صنعت گزارش شده است. یا در خصوص بیمه قراردادهای پژوهشی و ... گفته شده که از توسعه زیرساخت در هفت مرکز رشد و فناوری منتخب وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی حمایت به عمل آمده است.

به این ترتیب، روح و جهت‌گیری مواد قانونی در حوزه پژوهش و فناوری، مورد توجه قرار نگرفت، اگر چه در این پنج سال اقدامات و فعالیت‌هایی صورت گرفته ولی تطبیق و سازگاری با آنچه در برنامه تکلیف شده بود ندارند (مراجعه شود به گزارش اقتصادی سال ۱۳۸۹ مشتمل بر گزارش نظارت بر عملکرد شش ساله برنامه چهارم توسعه: مهرماه ۱۳۹۱، صص ۳۳۲-۳۲۱).

در مورد عملکرد متغیرهای کلیدی تحقیقات در برنامه چهارم، گفتنی است که طبق اطلاعات ارایه شده در جدول ۲۹ می‌توان مطالبی را افزود که در پاسخ به تکلیف مقرر در این برنامه می‌باشد براین مبنا که برای بخش پژوهش و فناوری اعتبارات تحقیقاتی به ۳ درصد تولید ناخالص داخلی افزایش یابد که تأمین دو درصد آن از محل اعتبارات عمومی و یک درصد آن از محل درآمد عملیاتی شرکت‌های دولتی، بانک‌ها (به استثنای سود سپرده‌های بانکی) و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت و بخش دولتی صورت پذیرد.

جدول ۲۹) تصویری از عملکرد شاخص‌های کلیدی و اعتبارات پژوهشی در برنامه چهارم توسعه

(به میلیارد ریال)

اعتبارات در طول سال‌های برنامه					عنوان برنامه
۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴	
٪۹۷	۱/۳۷	٪۵۱	٪۵۶	٪۶۰	نسبت اعتبارات پژوهشی به تولید ناخالص داخلی (درصد)
٪۶۵	٪۵۳	٪۴۲	٪۴۸	٪۵	نسبت اعتبارات پژوهشی به تولید ناخالص داخلی از محل اعتبارات عمومی (درصد)
٪۳۲	٪۸۴	٪۰۹	٪۰۸	٪۱	نسبت اعتبارات عمومی پژوهشی به تولید ناخالص داخلی از محل درآمد عملیاتی شرکت‌های دولتی و بانک‌ها و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت (درصد)
۲۳۱۵۳	۱۷۹۲۳	۱۲۱۰۳	۱۰۷۸۳	۹۳۴۲	اعتبارات مصوب پژوهشی از محل بودجه عمومی دولت
۱۱۱۳۵	۱۰۱۷۷	۶۸۴۲	۶۷۳۲	۴۳۶۷	اعتبارات هزینه‌ای
۸۴۰۴	۱۰۱۷۷	۲۷۷۳	۲۵۴۲	۳۲۵۰	اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای

اعتبارات در طور سال‌های برنامه					عنوان برنامه
۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴	
۳۶۱۴	۳۱۸۹	۲۴۸۸	۱۵۰۹	۱۷۳۲	درآمدهای اختصاصی
۱۱۳۷۸	۲۸۳۵۴	۲۷۲۰	۱۸۴۹	۱۸۳۷	اعتبارات مصوب پژوهشی از محل شرکت‌های دولتی، بانک‌ها و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت
۳۴۵۳۱	۴۶۲۷۷	۱۴۸۲۳	۱۲۶۳۲	۱۱۱۸۶	جمع اعتبارات مصوب پژوهشی از محل بودجه کل کشور

مأخذ: قوانین بودجه سنواتی کل کشور

در یک جمع‌بندی کلی درباره بخش تحقیقات و فناوری در برنامه چهارم توسعه می‌توان گفت که با وجود نقاط قوت و مزیت‌های قابل توجهی که در سطوح مختلف جامعه تحصیل کرده و متفکر در کشور از جمله، ظرفیت‌های ملی در حوزه‌های انرژی، آب و کشاورزی، رشد آموزش عالی، ظرفیت‌های بالقوه پژوهش‌های فناوری، گسترش امکان ارتباطات بین‌المللی، وجود دارد هنوز نقاط ضعف جدی در کشور به چشم می‌خورد. اگرچه برخی از این مسائل و مشکلات از فقدان اولویت در انتخاب فعالیت‌ها و اقدامات در جامعه از یکسو و عدم شناخت کافی و وافی از نیازهای جامعه در سطوح مختلف از سوی دیگر است ولی می‌توان به صورت جزئی‌تر به مواردی دیگر به شرح زیر اشاره نمود:

- عدم تعادل بین فعالیت‌های پژوهشی در حوزه‌های بنیادی، کاربردی و توسعه‌ای
- عدم وجود سیستم مدیریت اطلاعات
- نبود فرهنگ مناسب بهره‌برداری از نوآوری و یافته‌های پژوهشی در سطوح و بخش‌های مختلف
- عدم تناسب لازم بین سرمایه‌گذاری‌های انجام شده جهت واردات فناوری با سرمایه‌گذاری برای آموزش بومی کردن آنها
- نبود سازوکارهای لازم در بخش‌ها، سازمان‌ها و بنگاه‌های اقتصادی برای تشخیص توانایی‌های پژوهشی و بهره‌برداری از آنها و نیز شناسایی پژوهشی و مدیریت آن
- روشن نبودن راهبردهای توسعه بخش از حیث جایگاه، میزان و نحوه مشارکت بخش خصوصی در سرمایه‌گذاری، مدیریت، نظارت و اجرای تحقیقات در حوزه‌های مختلف
- کمبود سرمایه‌گذاری خطرپذیر خصوصی برای تأمین منابع مالی فعالیت‌های نوآورانه (گزارش اقتصادی سال ۱۳۸۹).

آموزش عالی و تحقیقات در برنامه پنجم توسعه

برنامه پنجم توسعه در شرایطی تهیه و تدوین شد که کشور از هر جهت تفاوت‌های زیادی با سال‌های پیش از آن داشت. در این دوره دولت جدید با این انگیزه سرکار آمده بود که نسبت به همه امور اجرایی و اداری کشور متفاوت می‌اندیشید و سرناسازگاری با هنجارهای اداری داشت و از این رو تلاش می‌کرد تا نظم موجود را به چالش بکشد. تلقی این دولت نسبت به برخی از اصطلاحات از جمله برنامه‌ریزی، توسعه و شاخص‌های مختلف توسعه در حوزه‌های بخشی و فرابخشی نسبت به سلف خود بدگمان بود بنابراین در پیش گرفتن یک فرآیند برنامه‌ریزی طبق سنوات گذشته کاری بسیار دشوار و تردیدآمیز بود. در این دوره نظام برنامه‌ریزی کشور (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور) منحل و سلب اختیار شد و رفته رفته بخش‌های مهمی از وظایف آن به دیگر دستگاه‌ها واگذار گردید در نتیجه دولت ابتکار عمل توزیع بودجه و اعتبارات کشور و نیز تدوین برنامه را خود به عهده گرفت. کمتر از دو سال از دوره این دولت جدید نگذشته بود که می‌بایستی طبق روال معمول نظام تهیه و تدوین برنامه پنجم توسعه تعریف و سازوکار تدوین آن معین می‌شد که با توجه به اتفاقات مزبور، رییس دولت وقت بجای صدور دستور برای سازمان مذکور برای تهیه این نظام نامه به چندین نفر از افراد خاص حکم داد تا گروهی را به عنوان ستاد برنامه تشکیل دهند و به کار تهیه و تدوین برنامه بپردازند. در حالی که هیچیک از این افراد کمترین شناختی نسبت به ساختار و فرآیند برنامه‌ریزی توسعه برای کشور نداشتند و بعضاً فاقد تخصص خاصی در این زمینه بودند. شرایط کشور از لحاظ درآمدهای ارزی در بهترین شرایط بود و دولت با امکانات مالی خود از اجرای سال‌های باقی‌مانده برنامه چهارم طفره می‌رفت و نه تنها مبانی آن را زیر سؤال می‌برد بلکه اینگونه برنامه‌ها را کار عوامل بیگانه می‌دانست و نسبت به برنامه توسعه بدگمانی نشان می‌داد از اینرو هسته مرکزی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی را هدف گرفت و آن را منحل نمود و در نتیجه شیرازه برنامه‌ریزی بهم خورد. در داخل سازمان ساختار تشکیلاتی و اجرایی آن نیز بهم ریخته شد، اکثریت مدیران غیرهمسو را برکنار نمود و مدیریتی ناکارآمد، بی‌تجربه و تقریباً غیرکارشناس را بر کرسی مدیریت نشانید. در همان حال بخش اعظم بخش‌ها و اختیارات آن را منتزع و به دستگاه‌های دیگر واگذار نمود یا مستقل کرد به عنوان مثال، معاونت نیروی انسانی آن مجدداً بعنوان یک معاونت (مشابه اداره استخدامی سابق) در حوزه ریاست جمهوری تشکیل گردید، واحدهای استانی سازمان مدیریت از سازمان جدا و به استانداری‌ها واگذار گردید، مبادله موافقتنامه‌های بودجه‌ای با دستگاه‌ها را به خود دستگاه‌ها واگذار نمود و نظارت فنی، مالی و برنامه‌ای را از سازمان به حداقل رساند. در چنین شرایطی کلیه دستگاه‌ها علی‌الظاهر نفس راحتی کشیدند و از اینکه از زیر تفوق نظارت خارج شده‌اند مشعوف شدند این در حالی بود که در همین اوان دولت می‌بایستی اقدام به تهیه و تدارک برنامه پنجم توسعه

می نمود. چندین سال از بکاربردن اصطلاح توسعه امتناع ورزیدند و بجای آن از واژه تعالی یا پیشرفت استفاده نموده و کاربرد از آن را تقبیح کردند

در چنین وضعیتی در داخل سازمان همه دفاتر و امور که هر کدام به یک بخش حرفه‌ای و تخصصی اختصاص داشتند به هم ریخت و سازمان به سه معاونت برنامه ریزی، بودجه‌ریزی و نظارت تقلیل یافت و عملاً قادر نبود هیچ اقدام خاصی درخصوص برنامه پنجم به انجام برساند و حتی نسبت به اجرای برنامه چهارم توسعه اظهارنظر خاصی انجام دهد. گزارش‌های عملکرد بودجه سالیانه و نیز نظارت بر عملکرد دستگاه‌ها (گزارش اقتصادی سالانه) و گزارش‌های عملکرد برنامه عملاً متوقف گردید و به موازات آن دستگاه‌های اجرایی دیگر پاسخگو نبودند.

با وجود این، با تأکید رهبری بر تهیه برنامه و ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه از سوی ایشان عملاً ستاد برنامه در معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی (نام جدید سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور) تشکیل گردید در حالی که هیچیک از مسئولان و دست‌اندرکار این برنامه مستقیماً در برنامه‌های گذشته حضور نداشتند. بنابراین با توجه به اینکه ستاد تشکیل شده توسط ریاست جمهوری در خارج از نظام برنامه‌ریزی هیچ خروجی نداشت عملاً برنامه با یک سال تأخیر شروع به کار نمود.

نظام برنامه‌ریزی با عنوان جدید خود، فاقد گروه‌های حرفه‌ای و تخصصی بود از اینرو، در دفاتر امور تازه تشکیل شده به اتفاق کمیته‌های برنامه‌ریزی ایجاد کردند. با شروع فعالیت‌های این کمیته‌ها، علی‌القاعده می‌بایستی از دستگاه‌های ذی‌ربط خواسته می‌شد تا وضع موجود را با توجه به عملکرد و نتایج برنامه چهارم توسعه توصیف و تبیین کنند و بر این اساس اقدامات لازم در فرآیند برنامه‌ریزی صورت می‌گرفت. ولی بخاطر فقدان عملکرد از یکسو و افت قابلیت‌های کارشناسی در معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی از دیگر سو و تنزل قابلیت‌های کارشناسی در دستگاه‌ها عملاً سنت‌های گذشته تکرار نشد بلکه برای اینکه توجیهی برای شروع کار پیدا کنند مقرر شد تا دستگاه‌های اجرایی از جمله بخش‌های فرهنگ و آموزش برنامه عملیاتی ارائه نمایند. برنامه عملیاتی به این تعبیر بود که دستگاه‌های اجرایی مشکلات خود را فهرست کنند و سپس با اولویت‌بندی آنها، مسائل مهم و حیاتی خود را اعلام نمایند که در دستور کار برنامه قرار گیرند این نوع برنامه‌ها (Programmes) را به عنوان «بسته اجرایی» قلمداد کردند و در واقع مقرر شد تا هر یک از دستگاه‌ها بسته‌های اجرایی خود را به عنوان مستند برنامه ارائه نمایند.

با این توصیف، نظام‌نامه برنامه تهیه شد و مقرر گردید تا هر یک از دستگاه‌های اجرایی بسته‌های اجرایی خود را در بازه زمانی مشخص ارائه نمایند. از اینرو، برخی از دستگاه‌ها این بسته‌ها را ارائه و برخی یا از ارائه آن

سرباز زندند یا با تاخیر و ناقص ارایه کردند. در حوزه‌های فزاینده‌ی نیز مسؤلیت آن به عهده معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی قرار گرفت و به این ترتیب تهیه و تدوین برنامه شروع شد.

توصیف و تبیین وضع موجود حوزه‌های آموزش عالی و تحقیقات در آستانه تهیه برنامه پنجم توسعه

برای تهیه و تنظیم برنامه در حوزه‌های آموزش عالی و تحقیقات و فناوری و سایر بخش‌ها چند سند بالادستی مورد توجه قرار گرفت و عملاً این برنامه می‌بایستی در چارچوب آنها یا با توجه به آنها دیده شود. به‌علاوه، در شروع کار با عنایت به سندهای بالادستی بایستی سیاست‌های کلی، راهبردها، سیاست‌های اجرایی، بسته‌های اجرایی و اهداف و شاخص‌ها تهیه می‌شدند. چارچوب کلی برنامه، سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ بود. این سند در بخش آموزش به چهار موضوع کلی تأکید دارد که عبارتند از: برخورداری از دانش پیشرفته، توانا در تولید علم و فناوری، متکی بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی در تولید ملی، برخورداری از دانش پیشرفته، توانا در تولید علم و فناوری، متکی بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی در تولید ملی، دستیابی به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب‌غربی با تأکید بر جنبش نرم‌افزاری و تولید علم، رشد پر شتاب و مستمر اقتصادی، ارتقای نسبی سطح درآمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل، اصلاح نظام آموزشی کشور شامل آموزش و پرورش، آموزش فنی و حرفه‌ای، آموزش عالی و کارآمد کردن آن برای تأمین منابع انسانی مورد نیاز و تلاش در جهت تبیین و استحکام مبانی مردم‌سالاری دینی و نهادینه کردن آزادی‌های مشروع از طریق آموزش، آگاهی بخشی و قانونمند کردن آن.

با این توضیح سایر موارد که در فوق به آنها اشاره شد در جدول ۳۰ برای توجه و مقایسه بیشتر نمایش داده شده‌اند. البته در حوزه پژوهش علاوه بر موارد درج شده در جدول ۳۰ سعی شده تا سیاست‌های توسعه پژوهش مورد توجه قرار گیرند که مواردی از آنها عبارت بودند از اولویت در اعطای تسهیلات، حمایت‌ها و تشویق‌ها به فعالیت‌های پژوهشی مرتبط با سیاست‌های اتخاذ شده علمی و پژوهشی، تسهیل تشکیل شرکت‌ها و مراکز پژوهشی و استقرار نظام رتبه‌بندی و ارجاع کار به آنها، ایفای نقش واسط بین مراکز علمی - پژوهشی و بنگاه‌های اقتصادی توسط واحدهای تحقیق، توسعه و نوآوری، طبقه‌بندی دانشگاه‌های کشور بر مبنای چرخه دانشگاه‌های آموزش محور، پژوهش محور و کارآفرین با سیاست‌گذاری و مأموریت خاص و بازنگری در قوانین و مقررات این دانشگاه‌ها، تقویت و ایجاد قطب‌های علمی کشور براساس اولویت‌های ملی و با هدف ارتقای جایگاه تولیدات علمی کشور در جبهه‌های دانش جهانی، بسترسازی زمینه‌های حضور مراکز پژوهشی غیردولتی در

فعالیت‌های پژوهشی کشور و ایجاد و توسعه صندوق‌های ملی پژوهشی در جهت ساماندهی منابع و اعتبارات پژوهشی.

علاوه بر این سیاست‌ها راهبردهایی در همین‌زمینه و درباره توسعه فناوری تعریف شدند که مواردی از آنها عبارت بودند از: افزایش کارآفرینی‌های مبتنی بر فناوری و بهبود تجاری‌سازی فناوری، افزایش سهم بنگاه‌های تجاری در توسعه فناوری و نوآوری، بهبود زیرساخت‌های لازم برای توسعه فناوری و نوآوری در بنگاه‌های تجاری، افزایش صادرات محصولات و خدمات مبتنی بر فناوری، بهبود زیرساخت انتقال و انتشار دانش و فناوری، افزایش جریان دانش و فناوری در درون مرزهای ملی و در تعاملات بین‌المللی، بهبود عملکرد در حوزه مدیریت و سیاست‌گذاری فناوری و افزایش توان خلق فناوری.

جدول شماره ۳۰ منابع و اسناد برنامه آموزش عالی، تحقیقات و فناوری در برنامه پنجم توسعه

سیاست‌های اجرایی	راهبردها	بسته‌های اجرایی	سیاست‌های کلی ابلاغی	چشم‌اندازها
<p>- استقرار و بهبود نظام جامع تضمین کیفیت نظام آموزش</p> <p>- توسعه مدیریت آموزشی برای تربیت پژوهشگران و مدیران علمی مورد نیاز از طریق توسعه تحصیلات تکمیلی</p> <p>- توسعه ظرفیت گسترش تحصیلات تکمیلی با تأمین امکانات، تجهیزات، بهبود هرم هیأت علمی و تنوع بخشی رشته‌ها متناسب با نیاز جامعه</p> <p>- حفظ و تقویت استقلال دانشگاه‌ها و تمرکززدایی مبتنی بر شرایط منطقه‌ای</p> <p>- بسترسازی مشارکت و بهره‌گیری</p>	<p>- برقراری عدالت آموزشی، ایجاد فرصت‌های برابر و افزایش دسترسی همگانی به آموزش</p> <p>- ارتقاء سطح استانداردها، کیفیت و بهره‌وری نظام آموزشی</p> <p>- ارتقاء شأن، منزلت و کرامت مادی و معنوی اعضای هیأت علمی، مدرسان علمی - کاربردی و مربیان</p> <p>- تحول در محتوای آموزشی به منظور پاسخگویی به نیازهای جامعه و بازار کار</p> <p>- باز مهندس و بهبود نظام سیاست‌گذاری، مدیریت و نظارت برای توسعه علم و فناوری</p>	<p>- تحول نظام آموزشی در جهت رشد خلاقیت‌ها و تعقل و نوآوری همراه با تهذیب</p> <p>- ابتناء دانش‌ها بر جهان بینی اسلامی و تعمیق معرفت دینی در مؤسسات آموزشی</p> <p>- افزایش ورود دانش‌آموختگان دوره کارشناسی به دوره‌های تحصیلات تکمیلی به ۲۰ درصد</p> <p>- کاربردی و بومی کردن علم و فناوری و تجاری‌سازی محصولات آن با افزایش رابطه دانشگاه و صنعت</p> <p>- تحول و ارتقاء علوم انسانی و تولید اندیشه‌ها و متون اسلامی</p>	<p>- تحول در نظام آموزش عالی و پژوهش</p> <p>- افزایش ورود دانش‌آموختگان دوره کارشناسی به دوره تحصیلات تکمیلی به ۲۰ درصد</p> <p>- ارتباط مؤثر بین دانشگاه و مراکز پژوهشی با صنعت و بخش‌های مربوط به جامعه</p> <p>- دستیابی به جایگاه دوم علمی و فناوری در منطقه و تثبیت آن در برنامه پنجم</p> <p>- تحول و ارتقاء علوم انسانی با تقویت جایگاه و منزلت این علوم، جذب افراد مستعد و با انگیزه، اصلاح و بازننگری در متون و</p>	<p>- برخورداری از دانش پیشرفته، توانا در تولید علم و فن‌آوری، متکی بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی در تولید ملی،</p> <p>- دستیابی به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیایی جنوب غربی با تأکید بر جنبش نرم‌افزاری و تولید علم، رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی، ارتقای نسبی سطح درآمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل،</p> <p>- اصلاح نظام آموزشی کشور اعم از آموزش و پرورش، فنی و حرفه‌ای و آموزش عالی و کارآمد کردن آن برای تأمین منابع انسانی.</p>

سیاست‌های اجرایی	راهبردها	بسته‌های اجرایی	سیاست‌های کلی ابلاغی	چشم‌اندازها
<p>از ظرفیت‌های غیردولتی برای توسعه</p> <p>- توسعه آموزش‌های علمی و کاربردی ... براساس آمایش سرزمین و متناسب با نیازهای بومی و منطقه‌ای</p> <p>- تقویت ارتباط مراکز آموزشی با جامعه و صنعت و استفاده از فناوری‌های نوین در آموزش</p>	<p>- پویاسازی، اصلاح و تنوع بخشی نظام تأمین مالی علم و فناوری</p> <p>- تغییر بنیادین آموزش محوری در نظام آموزش عالی به آموزش، پژوهش و کارآفرینی</p> <p>- رقابت‌پذیری نظام پژوهش ملی</p> <p>- بازتعریف نقش دولت در انجام پژوهش‌های راهبردی و بنیادی</p> <p>- توسعه و تعالی حوزه علوم انسانی و اجتماعی براساس مبانی بینشی و ارزشی اسلام</p> <p>- ترویج و نشر یافته‌های اصیل علمی و فنی در عرصه‌های ملی و بین‌المللی</p>	<p>- توانمندسازی بخش غیردولتی برای مشارکت در تولید علم.</p>	<p>برنامه‌ها و روش‌های آموزشی، ارتقاء کمی و کیفی مراکز و فعالیت‌های پژوهشی و ترویج نظریه‌پردازی، نقد و آزاداندیشی</p> <p>- افزایش بودجه پژوهشی به ۳ درصد GDP</p> <p>- تکمیل و اجرای نقشه جامع علمی کشور</p>	<p>- تلاش در جهت تبیین و استحکام مبانی مردم سالاری دینی و نهادینه کردن آزاری‌های مشروع از طریق آموزش، آگاهی بخشی و قانونمند کردن آن.</p>

با وجود اسناد مزبور و سیاست‌های کلی ابلاغی، بسته‌های اجرایی در بخش آموزش عالی و تحقیقات و فناوری در برنامه پنجم توسعه بدون مطالعه و گزارش‌های پژوهشی جمع و جور شدند که می‌بایستی دال بر توصیف، تحلیل و تبیین وضع موجود باشند. به علاوه، محتوا و مضامین این برنامه در قالب مواد، بندها و اجزاء آن بدون پشتوانه مبانی نظری، تحلیلی و تبیینی بود و تنها مستندی که می‌توان به آن اتکا کرد مطالب کمی و کیفی مذکور در حواشی بسته اجرایی تهیه شده در گردش کاری کمیته‌های برنامه‌ریزی در حوزه‌های آموزش عالی و پژوهش و فناوری می‌باشد.

محتوا و مضامین بخش آموزش عالی (در حوزه‌های آموزش، پژوهش و فناوری) در برنامه پنجم توسعه

در بخش آموزش عالی در حوزه‌های آموزش، پژوهش و فناوری در برنامه پنجم مسائل و نکات بسیار گسترده‌ای مورد توجه قرار گرفته است. این موارد همانطور که در زیر به آنها اشاره می‌شود چنان گسترده و متنوع‌اند که به همه مسائل از جمله محتوای رشته‌های تحصیلی، نظام‌های آموزشی و انواع پژوهش‌ها و غیره اشاره شده است. در حالی که به نظر می‌رسد به چند قاعده مهم توجه نشده است یک آنکه قرار است برنامه حداکثر برای یک دوره پنج ساله باشد و علی‌القاعده باید به این بازه زمانی توجه داشت. دوم آنکه تکالیف و مأموریت‌ها بسیار مشخص، شفاف و تحقق‌پذیر باشند سوم کلیه این تکالیف جدید از زیرساخت‌های مشخص برخوردار باشند و در واقع اجرای آنها منوط به اجرای مسائل و احکام دیگر نباشد.

با این توضیح، قانون برنامه پنجم توسعه در بخش آموزش و آموزش عالی (علم و فناوری) شامل مواد ۱۵ الی ۲۳ می‌باشد. این قانون چند هدف عمده را برای آموزش، پژوهش و فناوری دنبال می‌کند که عبارتند از:

۱- تحول در آموزش عالی به ویژه در رشته‌های علوم انسانی، تحقق جنبش نرم‌افزاری، تعمیق مبانی اعتقادی، ارزش‌های اسلامی و اخلاق حرفه‌ای و نیز ارتقاء کیفی در حوزه دانش و تربیت اسلامی (ماده ۱۵). بر پایه این هدف دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط مکلف شده‌اند تا اقدامات و فعالیت‌های زیر را برای تحقق تحول در آموزش عالی در قلمروهای مذکور به انجام رسانند:

جدول ۳۱- اقدامات و سازوکارهای نیل به تحول بنیادین در آموزش عالی در برنامه پنجم توسعه

ماده ۱۵	تحول بنیادین در آموزش عالی
بند الف	بازنگری متون، محتوی و برنامه‌های آموزشی و درسی دانشگاهی مبتنی بر آموزه‌ها و ارزش‌های دینی و هویت اسلامی - ایرانی و انقلابی دوره‌های تحصیلات تکمیلی با بهره‌گیری از آخرین دستاوردهای دانش بشری، با اولویت نیاز بازار کار.
بند ب	تدوین و ارتقاء شاخص‌های کیفی به خصوص در رشته‌های علوم انسانی به ویژه در رشته‌های علوم قرآن و عترت و مطالعات میان رشته‌ای با بهره‌گیری از امکانات و توانمندی‌های حوزه‌های علمیه و تأمین آموزش‌های مورد نیاز متناسب با نقش دختران و پسران.
بند ج	نهادینه کردن تجارب علمی و عملی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس با انجام فعالیت‌های آموزشی، پژوهشی و نظریه‌پردازی در حوزه‌های مرتبط
بند د	همکاری با حوزه‌های علمیه و بهره‌مندی از ظرفیت‌های حوزه در عرصه‌های مختلف
بند هـ	گسترش کرسی‌های نظریه‌پردازی، نقد و آزاداندیشی، انجام مطالعات میان رشته‌ای، توسعه قطب‌های علمی و تولید علم بومی با تأکید بر علوم انسانی با همکاری شورای عالی حوزه علمیه و دفتر تبلیغات اسلامی و حوزه علمیه قم
بند و	استقرار نظام جامع نظارت و ارزشیابی و رتبه‌بندی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی براساس شاخص‌های مورد تأیید دو وزارتخانه علوم، تحقیقات و فناوری، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (منوط به عدم مغایرت با مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی با هدف ارتقاء کیفیت آموزشی و پژوهشی)

نکته قابل ذکر این است که در تبصره‌ای ذیل ماده ۱۵ قانون برنامه پنجم توسعه قید شده که هرگونه گسترش و توسعه رشته‌ها، گروه‌ها و مقاطع تحصیلی توسط دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی موکول به رعایت شاخص‌های ابلاغی از سوی وزارتخانه‌های ذی‌ربط مذکور می‌باشد. همچنین این دو وزارتخانه حسب مورد مجاز دانسته شده‌اند که عملیات اجرایی سنجش کیفیت و رتبه‌بندی را براساس نظام جامع نظارت و ارزیابی (مذکور در بند و) به مؤسسات مورد تأکید در بخش غیردولتی واگذار نمایند.

۲- دستیابی به جایگاه دوم علمی و فناوری در منطقه و تثبیت آن تا پایان برنامه پنجم

در این برنامه برای نیل به این هدف اقدامات متعددی در نظر گرفته شده است که همه آنها در جدول زیر منعکس می‌شوند.

جدول ۳۲- اقدامات و سازوکارهای اجرایی برای دستیابی به جایگاه دوم علمی و فناوری در منطقه بر حسب برنامه پنجم توسعه

ماده ۱۶	اقدام	سازوکارهای اجرایی
بند الف	بازنگری آیین‌نامه ارتقاء اعضای هیئت علمی	<ul style="list-style-type: none"> - توسعه و تقویت دوره‌های تحصیلات تکمیلی - افزایش فرصت‌های مطالعاتی اعضای هیئت علمی در داخل و خارج از کشور - ایجاد مراکز تحقیقاتی و فناوری پیشرفته علوم و فنون در کشور - تسهیل ارتباط دانشگاه‌ها با دستگاه‌های اجرایی از جمله صنعت
بند ب	ایجاد ظرفیت لازم برای افزایش درصد پذیرفته‌شدگان دوره‌های تحصیلات تکمیلی آموزش عالی، با ارتقاء کیفیت	
بند ج	برنامه‌ریزی و حمایت لازم برای تأمین هیئت علمی مورد نیاز دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی	<ul style="list-style-type: none"> - ارتقاء شاخص نسبت عضو هیئت علمی تمام وقت به دانشجو
بند د		<ul style="list-style-type: none"> - ایجاد، راه‌اندازی و تجهیز آزمایشگاه کاربردی در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی - ایجاد و راه‌اندازی شهرک‌های دانشگاهی، علمی، تحقیقاتی و فناوری - ایجاد و راه‌اندازی پارک‌های علم و فناوری و مراکز رشد
بند هـ	افزایش سهم تحقیق و توسعه از تولید ناخالص داخلی (۳ درصد در پایان برنامه)	<ul style="list-style-type: none"> - افزایش سهم پژوهش از تولید داخلی، سالانه به میزان نیم درصد
بند ۲ بند و	ایجاد بسترهای لازم با تأکید بر	<ul style="list-style-type: none"> - اصلاح هرم هیئت علمی تمام وقت دانشگاه‌ها و مؤسسات

ماده ۱۶	اقدام	سازوکارهای اجرایی
	شایسته‌سالاری	آموزش عالی از دولتی و غیردولتی
جزء ۳ بند و	توسعه علمی کشور و توانمندسازی اعضای هیئت علمی	راه‌اندازی دانشگاه‌های مشترک، برگزاری دوره‌های آموزشی مشترک، اجرای مشترک طرح‌های پژوهشی، تبادل استاد و دانشجو با کشورهای دیگر با تأکید بر کشورهای منطقه و جهان اسلام بویژه در زمینه‌های علوم انسانی، معارف دینی و علوم پیشرفته و اولویت‌دار ج.ا. براساس نقشه جامع علمی کشور
جزء ۴ بند و	ایجاد هماهنگی بین نهادها و سازمان‌های پژوهشی کشور	- سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و نظارت کلان وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری
جزء ۵ بند و	توسعه متوازن مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی دولتی و غیردولتی با توجه به نیازها و امکانات	- تدوین و اجرای طرح نیازسنجی آموزش عالی و پژوهشی در نخستین سال اجرای برنامه
جزء ۶ بند و	رصد ملی وضعیت علمی کشور در مقیاس ملی، منطقه‌ای بین‌المللی و تعیین میزان دستیابی به اهداف اسناد بالادستی (نظام فراگیر و پویایی آمار ثبتی)	- استقرار نظام یکپارچه پایش و ارزیابی علم و فناوری کشور تحت نظر شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری، با هماهنگی مرکز آمار ایران
جزء ۸ بند و	برنامه‌ریزی برای تحقق شاخص‌های اصلی علم و فناوری	- سهم درآمد حاصل از صادرات محصولات و خدمات مبتنی بر فناوری‌های پیشرفته و میانی - سرانه تولید ناخالص داخلی ناشی از علم و فناوری - تعداد ثبت اختراع - تعداد تولیدات علمی بین‌المللی - نسبت سرمایه‌گذاری خارجی در فعالیتهای علم و فناوری به هزینه‌های تحقیقات کشور - تعداد شرکت‌های دانش‌بنیان

۳- توسعه و انتشار فناوری و حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان

برنامه پنجم توسعه علاوه بر هدف‌های فوق‌الذکر در حوزه پژوهش و آموزش توجه جدی به توسعه و انتشار فناوری در کشور داشته است. این برنامه برای نیل به هدف مزبور اقدامات و سازوکارهایی را مورد توجه قرار داده است. که بطور خلاصه این سازوکارها شامل حمایت‌های مالی از پژوهش‌های تقاضا محور، از شرکت‌های کوچک و متوسط خصوصی و تعاونی، حمایت‌های قانونی از طرف‌های خارجی و قراردادهای بین‌المللی و سرمایه‌گذاری خارجی در این خصوص و حمایت‌های مالی از ایده و بازار فناوری و پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشجویی می‌شود. مفاد تفصیلی این موارد در جدول ۳۳ منعکس شده است.

جدول ۳۳- اقدامات و سازوکارهای اجرایی برای دستیابی به جایگاه دوم علمی و فناوری در منطقه

بر حسب برنامه پنجم توسعه

ماده ۱۷	اقدامات و سازوکارهای اجرایی
بند الف	حمایت مالی از پژوهش‌های تقاضامحور مشترک با دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، پژوهشی و فناوری و حوزه‌های علمیه در موارد ناظر به حل مشکلات موجود کشور - مشروط به این که حداقل ۵۰ درصد از هزینه‌های آن را کارفرمای غیردولتی تأمین و تعهد کرده باشد.
بند ب	- حمایت مالی و تسهیل شکل‌گیری و توسعه شرکت‌های کوچک و متوسط خصوصی و تعاونی که در زمینه تجاری‌سازی دانش و فناوری به ویژه تولید محصولات مبتنی بر فناوری‌های پیشرفته و صادرات خدمات فنی و مهندسی فعالیت می‌کنند.
بند ج	- حمایت قانونی لازم در راستای تشویق طرف‌های خارجی قراردادهای بین‌المللی، - حمایت قانونی لازم از سرمایه‌گذاری خارجی برای انتقال دانش، - حمایت قانونی لازم از بخشی از فعالیت‌های تحقیق و توسعه مربوط به داخل کشور و انجام آن با مشارکت‌های داخلی
بند د	حمایت مالی از ایجاد و توسعه بورس ایده و بازار فناوری به منظور استفاده از ظرفیت‌های علمی در جهت پاسخگویی به نیاز بخش‌های صنعت، کشاورزی و خدمات
بند هـ	حمایت مالی از پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشجویی در راستای ارتقاء بهره‌وری و حل مشکلات کشور
بند و	تأمین و پرداخت بخشی از هزینه ثبت و اختراعات، تولید دانش فنی و حمایت مالی از تولیدکنندگان برای خرید فنی و امتیازات اختراعات

در این زمینه علاوه بر سازوکارهای اجرایی جهت تحقق هدف مزبور در ذیل بند و به چند تبصره اشاره می‌کند که دلالت بر تکالیف دستگاه‌های اجرایی به منظور تسهیل و تحقق بند فوق می‌نمایند از جمله:

- دستگاه‌های اجرایی مکلف به در اختیار گذاشتن امکانات و تجهیزات پژوهشی و تحقیقاتی، آزمایشگاهی و کارگاه‌ها با نرخ ترجیحی به مؤسسات و شرکت‌های دانش‌بنیان مورد تأیید شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری در چارچوب مصوبه هیات وزیران هستند (تبصره ۱)

- به دستگاه‌های اجرایی اجازه داده شده تا برای توسعه و انتشار فناوری مالکیت فکری، دانش فنی و تجهیزاتی را که در چارچوب قرارداد با دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی و فناوری دولتی ایجاد و حاصل شده است به دانشگاه‌ها و مؤسسات یاد شده واگذار نمایند (تبصره ۲)

- سازمان ثبت اسناد و املاک کشور موظف شده تا صرفاً پس از ارایه گواهی ممیزی علمی اختراعات از سوی مراجع ذیصلاح نسبت به ثبت اختراعات اقدام نماید. (تبصره ۳)

و همچنین اعضای هیات علمی در صورت موافقت هیات امناء همان دانشگاه می‌توانند نسبت به تشکیل مؤسسات و شرکت‌های ۱۰۰ درصد خصوصی دانش‌بنیان اقدام و یا در این مؤسسات و شرکت‌ها مشارکت نمایند. این مؤسسات و شرکت‌ها برای انتقاد قرارداد پژوهشی مستقیم و غیرمستقیم با دستگاه‌های اجرایی، مشمول قانون منع مداخله کارکنان در معاملات دولتی و تغییرات بعدی آن نیستند (تبصره ۴)

۴- گسترش حمایت‌های هدفمند مادی و معنوی از نخبگان و نوآموزان علمی و فناوری

این برنامه گسترش حمایت‌های هدفمند مادی و معنوی از نخبگان اقدامات و سازوکارهای متعددی را معرفی می‌کند که به شرح جدول زیر (جدول ۳۴) هستند.

جدول ۳۴- اقدامات و سازوکارهای دستیابی به گسترش حمایت‌های هدفمند مادی و معنوی از نخبگان و نوآوران علمی و فناوری در برنامه پنجم توسعه

ماده ۱۸	اقدامات و سازوکارهای اجرایی
بند الف	ارتقاء منزلت اجتماعی از طریق فرهنگسازی
بند ب	تسهیل در ارتقاء تحصیلی و ورود به رشته‌های تحصیلی مورد علاقه در دوره‌های قبل و بعد از ورود به دانشگاه
بند ج	اعطاء حمایت‌های مالی و بورس تحصیلی از طریق وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و بنیاد ملی نخبگان

ماده ۱۸	اقدامات و سازوکارهای اجرایی
بند د	هدایت تحصیلی در زمینه‌ها و رشته‌های اولویت‌دار مورد نیاز کشور
بند هـ	برقراری بیمه تأمین اجتماعی و بیمه پایه سلامت فرد و خانواده وی
بند و	رفع دغدغه خطرپذیری مالی در انجام مراحل پژوهشی و امور نوآورانه
بند ز	حمایت از تجاری‌سازی دستاوردهای آنان
بند ح	تقویت ابعاد معنوی، بصیرت افزایی، خودباوری و تعلق ملی
بند ط	ایجاد و تقویت مراکز علمی، تحقیقاتی و فناوری توانمند در تراز بین‌المللی و با امکانات خاص در شاخه‌های مختلف علوم و فنون بنیادی و راهبردی با به کارگیری نخبگان و دانشمندان در جهت خلق دانش، ایده‌های نو و تبدیل علم به ثروت در طول برنامه
بندی	ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب برای نخبگان و استعدادها برتر متناسب با تخصص و توانمندی‌های آنها و اولویت‌های کشور با حمایت از سرمایه‌گذاری‌های خطرپذیر جهت تبدیل دانش فنی به محصول قابل ارایه به بازار کار

علاوه بر اقدامات مندرج در جدول ۳۴ در ارتباط با حمایت‌های هدفمند از نخبگان در ماده ۱۸ دو اقدام دیگر مورد توجه قرار گرفته که یکی از آنها توصیه به ایجاد سازوکارهای لازم برای مشارکت انجمن‌های علمی، نخبگان و دانشمندان کشور در همایش‌ها، کنفرانس‌ها و مجامع علمی و پژوهشی بین‌المللی و برتر جهان و همچنین بهره‌گیری از توانمندی‌های دانشمندان و نخبگان ایرانی در جهان و در عین حال فراهم کردن فرصت‌های مطالعاتی مناسب در داخل و خارج کشور است (بند ل ماده ۱۸) و دیگری تأمین و پرداخت بخشی از هزینه‌های ثبت جواز امتیاز علمی (Patent) در سطح ملی و بین‌المللی و ایجاد تمهیدات و تسهیلات لازم برای انتشار آثار مفید علمی آنان می‌باشد (بند و ماده ۱۸).

در برنامه پنجم توسعه علاوه بر اهداف و اقدامات فوق‌الذکر «بر ارتقای کیفی حوزه‌های دانش، مهارت و تربیت اسلامی» (ماده ۱۹) تأکید می‌کند و برای نیل به این هدف چند اقدام به شرح ذیل را عنوان می‌سازد:

- بسترسازی و ایجاد انگیزه لازم برای ورود دانش‌آموزان مستعد به رشته‌های علوم انسانی (جزء ۴ بند الف

ماده ۱۹)

- بکارگیری فناوری ارتباطات و اطلاعات در کلیه فرآیندها جهت تحقق عدالت آموزشی و تسهیل فرآیندهای

موجود و ارایه برنامه‌های آموزشی و دروس دوره‌های تحصیلی به صورت الکترونیکی (جزء ۱۴ بند الف ماده ۱۹)

البته این موارد بیشتر مرتبط با وظایف و مأموریت‌های بخش آموزش عالی هستند والا به اقدامات دیگری توجه شده که غالباً معطوف به حوزه وظایف آموزش و پرورش می‌باشند از جمله آنها تحول در برنامه‌های آموزشی و پرورشی و درسی، هدایت تحصیلی براساس علایق و ویژگی‌های دانش‌آموزان، اصلاح نظام ارزشیابی پیشرفت تحصیلی، استقرار نظام تضمین کیفیت جهت پایش، ارزشیابی، اصلاح و افزایش بهره‌وری، سنجش و ارتقاء صلاحیت‌های حرفه‌ای نیروی انسانی موجود، ارایه برنامه جامع آموزش قرآن و ... می‌باشند.

همچنین در ماده ۲۰ این قانون به «زمینه‌سازی برای تربیت نیروی انسانی متخصص و متعهد دانش محور، خلاق و کارآفرین، منطبق با نیازهای نهضت نرم‌افزاری با هدف توسعه کمی و کیفی» می‌پردازد و راه‌های مختلف انجام چنین امری را در چندین بند و جزء در ذیل همین ماده قانونی ذکر می‌نماید که خلاصه آنها به این شرح است:

- هزینه سرانه تربیت نیروی انسانی متخصص، هزینه‌های آموزشی، هزینه‌های خدمات پژوهشی، تحقیقاتی و فناوری بطور سالانه (جزء ۱ بند الف)

- حمایت مالی و تسهیل شرایط برای افزایش تعداد مجلات پژوهشی و ترویجی طوری که نسبت به سال پایانی برنامه چهارم توسعه حداقل به دو برابر افزایش یابد (جزء ۲ بند الف ماده ۲۰)

- حمایت مالی و پشتیبانی ویژه از ده دانشگاه برتر وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و ۵ دانشگاه وابسته به وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی که دارای عملکرد برجسته در راستای گسترش مرزهای دانش و فناوری هستند (جزء ۳ بند الف ماده ۲۰)

در برنامه پنجم توسعه مزید بر این اهداف، سازوکارها و اقدامات پیش‌بینی شده در بخش آموزش عالی (آموزش، پژوهش و فناوری) مذکور طی یک تبصره الحاقی ذیل بند ب ماده ۲۰، جهت‌گیری‌های اقتصادی نظام آموزش عالی کشور را مشخص می‌سازد. این جهت‌گیری‌ها به شرح زیر قابل مشاهده‌اند:

«اعتبارات اختصاص یافته از منابع عمومی دولت به این مراکز و مؤسسات کمک تلقی شده و بعد از پرداخت به این مراکز به هزینه قطعی منظور و براساس بودجه تفصیلی مصوب هیت امناء و با مسئولیت ایشان قابل هزینه است».

برابر این قانون و تبصره الحاقی فوق دولت مکلف شده تا اقداماتی را با هدف‌های زیر به انجام رساند:

- افزایش کارآیی مأموریت‌های اصلی دانشگاه‌ها در امور آموزش، پژوهش و فناوری (در هر سال حداقل ۲۰ درصد از امور خدمات رفاهی دانشجویان از نظر ساختاری از بدنه دانشگاه‌ها جدا و به بخش غیر دولتی واگذار گردد بند د تبصره ۳ ذیل بند پ ماده ۲۰ الحاقی)

- کاهش تصدی‌گری، جلوگیری از انجام امور موازی، تقویت نقش حاکمیتی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ایجاد وحدت رویه در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی، ارتقاء کمیت و کیفیت ارائه خدمات دانشجویی برای ایجاد مدیریت واحد ساماندهی امور مربوط، بهره‌گیری از مجموعه امکانات و توانمندی‌های حقوقی، پرسنلی و اعتبارات صندوق رفاه دانشجویان، فعالیت‌های امور ورزشی دانشجویان، اداره تربیت بدنی و معاونت دانشجویی.

- اعتبارات هزینه‌ای و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای از محل بودجه عمومی دولت به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی و فرهنگستان‌ها، براساس ردیف مستقل در بودجه سنواتی آنها در قالب اعتبارات ملی، اختصاص یابد. (بند و تبصره ۳ ذیل بند ب ماده ۲۰ الحاقی)

این قانون علاوه بر تکالیفی که برای وزارت علوم، تحقیقات و فناوری تعیین نمود دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی را مجاز دانسته :

- از ظرفیت مازاد بر سهمیه آموزش رایگان خود و یا ظرفیت‌های جدیدی که ایجاد می‌کنند، براساس قیمت تمام شده یا توافقی با بخش غیردولتی و با تأیید هیات امناء در مقاطع مختلف دانشجوی بپذیرد و منابع مالی دریافتی را حسب مورد پس از واریز به خزانه کل به حساب درآمدهای اختصاصی منظور کنند (همان - بند ح)

- بخشی از ظرفیت‌های آموزشی خود را از طریق پذیرش دانشجوی خارجی با دریافت شهریه تکمیل کنند. در موارد خاص به منظور ترویج ارزش‌های اسلامی و انقلابی پذیرش دانشجوی خارجی با تصویب هیات امناء بدون شهریه یا با تخفیف مجاز است (بند ط تبصره ۲ ذیل بند ب ماده ۲۰)

- حسب مورد به تشخیص دو وزارتخانه علوم و بهداشت با تصویب شورای گسترش وزارتخانه‌های مربوط، می‌توانند نسبت به تأسیس شعب در شهر محل استقرار خود یا دیگر شهرها و مناطق آزاد داخل کشور و نیز در خارج کشور به صورت خودگردان و با دریافت شهریه از داوطلبان اقدام کنند (همان، بند ی)

در برنامه پنجم توسعه نیز سیاست‌ها و جهت‌گیری‌هایی صورت گرفته که تقریباً در برنامه‌های پیشین کم سابقه یا بی‌سابقه بود این موارد در کادر زیر قابل ملاحظه است.

بند ک تبصره ۳ اصلاحی	- شهریه دانشجویان جانباز ۲۵ درصد و بالاتر و فرزندان آنان، فرزندان شاهد، آزادگان و فرزندان آنان دانشجویان تحت پوشش کمیته امام خمینی (ره) و سازمان بهزیستی از محل اعتبارات ردیف مستقل معاونت تأمین شود.
تبصره ۱ بند کپ	- پذیرش دانشجو در شعب دانشگاه‌های مذکور در داخل کشور خارج از آزمون سراسری انجام خواهد شد. ضوابط پذیرش دانشجو برای دوره کارشناسی توسط کارگروه موضوع ماده چهار

قانون پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور (۱۳۸۶/۸/۹) و برای دوره‌های تحصیلات تکمیلی با پیشنهاد دانشگاه‌ها و حسب مورد با تأیید یکی از وزارتخانه‌های علوم و بهداشت تعیین می‌شود.	
- میزان شهریه دریافتی از دانشجویان با توجه به نوع رشته و سطح خدمات آموزشی، کمک آموزشی و رفاهی ارائه شده، توسط هیات امناء دانشگاه تعیین و اعلام می‌شود.	همان، تبصره ۲
- حوزه‌های علمیه از تسهیلات، مزایا و امکاناتی که برای مرکز آموزشی و پژوهشی تعیین شده یا می‌شود برخوردار هستند.	همان، بند ۶ تبصره ۶

در نهایت برنامه پنجم توسعه در ماده ۲۳ حکمی را صادر کرده که بر مبنای آن «دانشکده‌ها و آموزشکده‌های فنی و حرفه‌ای وزارت آموزش و پرورش با کلیه امکانات، اموال منقول و غیرمنقول و نیروی انسانی و دارایی‌ها و تعهدات و مسئولیت‌ها از وزارت مذکور منتزع و به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ملحق گردند. این وزارتخانه مکلف شده تا در مقاطع کاردانی پیوسته و کارشناسی ناپیوسته به پذیرش دانشجو در این دانشکده‌ها و آموزشکده‌ها اقدام نماید».

همچنین مبنای انتزاع و انتقال این موارد منوط به این شده که در سال ۸۹-۱۳۸۸ فعال بوده یا دارای مجوز بوده باشند. (تبصره ذیل ماده ۲۳).

همانطور که متن قانون برنامه پنجم در خصوص تکالیف بخش آموزش عالی در حوزه‌های آموزش، پژوهش و فناوری نشان می‌دهد تکالیف و مأموریت‌های ذکر شده بسیار فراتر و یا حتی متفاوت از سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلی ابلاغی دیده شده و هستند. در این قانون و بخصوص در تبصره‌های الحاقی سال ۱۳۹۱، به هر چیزی در این بخش اشاره شده است بدون اینکه توجه شده باشد که چه عواملی و با چه ظرفیت‌های علمی و زیربنایی و با چه پشتوانه‌هایی بایستی این اقدامات انجام شوند.

مقایسه مندرجات جدول ۳۰ با مضامین و محتوای قانون برنامه در این خصوص این گواهی را می‌دهد که اولاً سیاست‌های اجرایی علی‌القاعده بایستی مبتنی بر سیاست‌های کلی و راهبردها باشند در حالی که سیاست‌های اجرایی عموماً معطوف به توسعه آموزش شده‌اند و در واقع، بدون توجه به سیاست‌های کلی و سند چشم‌انداز و حتی راهبردهای تعریف شده در این برنامه راه دیگری را پیموده‌اند، ثانیاً، آنچه در قانون مزبور درباره فعالیت‌های آموزش و تحقیقات برای پنج سال آمده از روح یک برنامه تحقق پذیر و اجرایی به دور است زیرا در این برنامه بیشتر یک مجموعه یا کشکولی از همه نیازها و عقب ماندگی‌های به بلندای یک تاریخ آمده است که عملاً نه تنها دستگاه اجرایی را گیج و متحیر می‌سازد بلکه یک تقسیم کار برای حوزه‌های مختلف مثلاً تفکیکی

میان آموزش، علم و پژوهش و فناوری ایجاد نشده است. به عبارت دیگر، در برنامه آنچه حائز اهمیت است و می‌تواند در اجرا کمک شایان توجهی برای مجریان فراهم سازد، اولویت‌بندی کارهاست در حالی که این برنامه فاقد هرگونه اولویت‌بندی است. ثالثاً، کدام دستگاه اجرایی در جمهوری اسلامی وجود دارد که در ظرف پنج سال می‌تواند هدف‌های متعددی از جمله تحول بنیادین در آموزش عالی را بوجود آورد که خود منوط به تحول در سایر بخش‌های کشور و در اندیشه‌های دست‌اندرکاران و در تعریف این تحول به صورت خرد و کلان است؟ آیا واقعاً تحول در نظام آموزش عالی با توجه به مواردی که در بندهای ذیل ماده ۱۵ این قانون آمده است رخ خواهد داد؟ به عنوان مثال چه کسی یا نهادی باید در فنون، محتوی و برنامه‌های آموزشی و درسی دانشگاهی بازنگری کند؟ با کدام معیارها؟ آیا صرفاً با ذکر آموزها و ارزش‌های دینی و هویت اسلامی - ایرانی و انقلابی شدنی است؟ این موارد خود بشدت در جامعه ایران مورد چالش هستند و در مقایسه با تحولاتی که در عرصه‌های علم، دانش، پژوهش و فناوری در سطح جهان رخ می‌دهند فاصله دارند. بنابراین، اگر قرار است نظام علمی و پژوهشی تحول پیدا کند که در قانون تشکیلات و وظایف وزارت علوم، تحقیقات و فناوری آمده است منظور از ذکر این موارد چیست؟ آیا همین تعارض‌ها و تناقض‌های فکری و رویکردی نیستند که سبب شدند معاونت دیگری با همین شرح وظایف در کنار وزارت علوم با عنوان "معاونت علم و فناوری" ایجاد گردد؟ شایان ذکر است که علیرغم تأکید این قانون و قوانین مشابه پیشین دایر بر حذف موازی‌کاری‌ها، در این دوره پنج‌ساله بشدت بر موازی‌کاری‌ها دامن زده شده است.

به هر روی، اگر چه این برنامه در فرآیند اجرا چالش‌های خاص خود را خواهد داشت و در عمل، به دلایل متعددی عملکردی را به نحو مطلوب نخواهد داشت ولی در برخی از بخش‌ها نه تنها عملکردهای جدی داشته بلکه فراتر از پیش‌بینی قانون رفته است به عنوان مثال، در توسعه واحدهای آموزش عالی، تجاری سازی آموزش و بطور کلی در همه مواردی که دستگاه‌های اجرایی فقط نیازمند دریافت صدور مجوز برای فعالیت‌های خاص بوده‌اند، بشدت گسترش یافته است. حال برای صحت و اثبات این موارد به عملکرد دو ساله این برنامه در حد گزارش‌های قابل دسترس اشاراتی می‌شود.

عملکرد دو ساله برنامه پنجم توسعه در بخش آموزش عالی

برنامه پنجم از سال ۱۳۹۰ آغاز شده است که برای دو سال ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ گزارش عملکرد آن در دسترس می‌باشد. این گزارش اختصاص به کلیه مواد مندرج در قانون برنامه پنجم دارد و سعی شده تا گزارش عملکرد همه بندها و اجزاء آن را ارایه نماید.

بنابراین، گزارش مزبور حول تکالیف و وظایفی است که قانون در طول برنامه پنجساله برای وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی تعیین نموده است.

گزارش عملکرد سال اول برنامه حاکی از تمهیدات و اقداماتی است که این وزارت برای اقدامات اجرایی برداشته است از جمله بازنگری در برنامه‌های درسی، بازنگری در محتوا و برنامه‌های آموزشی، تشکیل دبیرخانه‌های مختلف برای اجرایی کردن تکالیف مقرر در قانون از جمله تشکیل دبیرخانه تطبیق کتب و منابع درسی منتشر شده در حوزه علوم انسانی، تشکیل کمیته برنامه‌ریزی علوم و معارف ارزش‌های دفاع مقدس، برگزاری همایش و گردهمایی فرهنگی و جشنواره‌های ورزشی، تعامل با حوزه‌های علمیه در مباحث مرتبط به ویژه در حوزه‌های علوم انسانی، تدوین شاخص‌های جامع نظارت و ارزیابی و تضمین کیفیت گسترش و توسعه رشته‌ها، گروه‌ها و دوره‌های تحصیلی، بازنگری و تصویب آیین‌نامه پژوهانه اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، ابلاغ شیوه‌نامه فرصت مطالعاتی، بازنگری و ابلاغ جذب اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های علوم پزشکی، تصویب اختصاص امتیاز به نوآوری‌هایی که در جهت حل مشکلات و معضلات کشور باشد و یا منجر به تولید خدمت یا محصول جدیدی گردد (گزارش اقتصادی سال ۹۰، گزارش عملکرد ماده ۱۵ قانون برنامه پنجم توسعه). با وجود چنین تمهیداتی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به علل عدم تحقق واقعی تکالیف مقرر اشاره نموده است از جمله به کمبود نیروی انسانی کارآمد، عدم وجود شاخص‌های کمی در امور فرهنگی، و عدم وجود بانک اطلاعاتی مناسب در امور انضباطی و همچنین محدودیت‌های مالی و اعتباری در این خصوص، به علاوه به محدودیت اختیارات دانشگاه‌ها در زمینه ایجاد و تأسیس دوره‌های بین رشته‌ای، فراهم نبودن زمینه‌ها و شرایط مناسب و مطلوب برای اجتهاد علمی و ایده‌پردازی در علوم انسانی و نیز ناشناخته بودن ارزش و منزلت اجتماعی علوم انسانی در جامعه اشاره نموده است (درخصوص تحقق بند ه ماده ۱۵).

گزارش عملکرد «استقرار نظام جامع نظارت و ارزشیابی و رتبه‌بندی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی» حاکی از این است که اگر چه اقداماتی درخصوص تدوین شاخص‌های جامع نظارت و ارزیابی، برگزاری کارگاه‌های استانی، نظارت و ارزیابی و رتبه‌بندی آموزشی دانشگاه‌های علوم پزشکی و ... صورت گرفت ولی به علت کمبود آمار و اطلاعات و حساسیت مؤسسات نسبت به نظارت و ارزیابی، کیفی بودن بسیاری

از شاخص‌های ارزیابی فرهنگی دانشگاه‌ها، عدم دانش و مهارت کافی کارشناسان ارزیاب دانشگاه‌ها، عدم وجود تعریف واحد مشترکی از شاخص‌ها و برداشت‌های متفاوت از شاخص‌های کیفیت کمبود نیروی انسانی برای انجام بازدید و ارزیابی کل دانشگاه‌ها و کمبود منابع مالی مورد نیاز، تکالیف مقرر در تبصره ذیل ماده ۱۵ چندان محقق نشد.

عملکرد این برنامه درخصوص بند ب ماده ۱۶ دایر بر «ایجاد و ظرفیت لازم برای افزایش درصد پذیرفته‌شدگان دوره‌های تحصیلات تکمیلی به ۲۰ درصد»، نشان می‌دهد که اگر چه محل‌های جدید برای توسعه تحصیلات تکمیلی در دانشگاه‌ها توسط وزارت علوم، تحقیقات و فناوری تعیین و ایجاد شد ولی به علل محدودیت‌های مختلف از جمله تامین اعضای هیئت علمی، امکانات و تجهیزات، کمبود فضاهای آموزشی به خصوص فضاهای آموزشی، کارگاهی، عدم تمایل برخی از دانشگاه‌ها درخصوص افزایش ظرفیت به علت کمبود فضا و تجهیزات آموزشی و بودجه، تحقق مورد نظر ایجاد شد.

در مجموع گزارش عملکرد ماده ۱۶ به تفکیک بندها و تبصره‌ها حکایت از این می‌کند که بیش و کم تشریفات لازم و اقدامات مشابهی در چارچوب وظایف مندرج در نظام اداری صورت گرفته ولی به علل و دلایل مختلفی مثل طولانی بودن فرآیند استخدام اعضای هیئت علمی، تمرکز در استخدام هیئت علمی (گزارش عملکرد بند ج ماه ۱۶) و گسترش کمی آموزش عالی بدون توجه به زیرساخت‌ها، عدم تناسب تعداد دانشجویان با ظرفیت‌های فیزیکی و نیروی انسانی دانشگاه‌ها، تکالیف و مأموریت‌های مورد نظر انجام نشده است. علاوه بر اینها کم رغبتی اعضای هیئت علمی برای انجام فعالیت‌های پژوهشی و ارتقای علمی، حجم بالای پرونده‌های ارسالی جهت بررسی در هیئت ممیزی مرکزی، فقدان راهبرد مناسب برای گسترش ارتباطات علمی بین‌المللی، وجود تعداد مراجع تصمیم‌گیری، استقبال پایین مؤسسات خارجی از جمله علل عدم تحقق «اصلاح هرم هیئت علمی تمام وقت دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی اعم از دولتی و غیردولتی، و فراهم آوردن بسترهای لازم و با تأکید بر شایسته‌سالاری» در سال اول اجرای برنامه گزارش شده است (گزارش عملکرد سال اول اجرای برنامه پنجم توسعه).

گزارش عملکرد سال اول برنامه، درباره تکالیف و مأموریت‌های مقرر در ماده ۱۷ به تفکیک بندهای آن نیز حاکی از این است که هم مجوزهای لازم صادر شده و هم بورس‌های تحصیلی داخلی و خارجی اعطاء شد ولی برخی از اقدامات زیربنایی مورد نیاز و بی‌توجهی و عدم پیگیری دستگاه‌های اجرایی و همچنین سرعت پایین شبکه اینترنت و زمان بر بودن استفاده از موتورهای جستجو، فقدان برنامه‌های جامع و راهبردهای IT در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور، فقدان بکارگیری استانداردهای تکنولوژی مورد نیاز، روشن نبود

اهداف، سیاست‌ها و راهبردها در اکثریت قریب به اتفاق دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی در زمینه فناوری اطلاعات و نبود پایگاه‌های اطلاعاتی روزآمد در این دانشگاه‌ها و مراکز و فقدان نیروی انسانی متخصص و با تجربه در زمینه فناوری اطلاعات و مسئله تحریم‌های بین‌المللی به ویژه در عرصه علم و فناوری و نیز فقدان ارتباط مستمر با مراکز تحقیقاتی بین‌المللی و دیگر مراکز دانش‌بنیان جهانی و فقدان راهبرد مناسب برای ایجاد شعب دانشگاه‌های معتبر خارجی از دیگر دلایل و علل عدم تحقق وظایف قانونی در مواد ۲۰، ۲۴، ۲۵ و ۴۶ قانون برنامه پنجساله پنجم گزارش شده است.

عملکرد شاخص‌های کلیدی و متغیرهای عمده در حوزه‌های آموزش عالی در برنامه پنجم توسعه

عملکرد شاخص‌های کلیدی در حوزه آموزش عالی علی‌القاعده باید در مقایسه با شاخص‌های کمی پیش‌بینی شده در «بسته اجرایی» برای سال‌های برنامه پنجم گزارش شوند. این شاخص‌ها عبارتند از تعداد دانشجو، نسبت دانشجو به جمعیت گروه سنی ۱۸-۲۴ ساله. نسبت دانشجو به استاد (عضو هیئت علمی) و هزینه سرانه دانشجویی و ...

همانطور که پیشتر یادآوری شد، در موقع تهیه و تدوین برنامه پنجم، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری از جمله دستگاه‌های اجرایی بود که طبق مقررات و نظامنامه برنامه مزبور بسته اجرایی خود را ارائه نکرد از اینرو در گردش کار کمیته‌های ذی‌ربط برنامه پنجم مجموعه‌ای تهیه شد که برخی از شاخص‌های آموزش عالی برای پنجساله برنامه پیش‌بینی و تصویب شد. شاخص‌های فوق‌الذکر از جمله شاخص‌هایی بودند که در دستور کار قرار گرفتند. در اینجا همین شاخص‌ها برای دو سال ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ و در برخی از موارد سال ۸۹ به عنوان موضوعات کلیدی مورد توجه قرار می‌گیرند و سپس عملکرد این موارد که در جدول زیر منعکس شده است، عنوان می‌شوند.

جدول ۳۵- عملکرد شاخص های کمی کلیدی حوزه آموزش عالی در سال های اول و دوم برنامه پنجم

توسعه

۱۳۹۱		۱۳۹۰		۱۳۸۹	تعداد دانشجو	بخش
عملکرد	هدف	عملکرد	هدف*			
۴۳۹۵۳۸	-	۵۳۱۰۹۳	۹۰۳۷۷۲	۴۵۹۴۵۳	کاردانی	دولتی
۱۶۵۹۷۰۹	-	۱۶۲۶۵۰۴	۱۲۶۴۵۶۹	۱۴۸۴۷۸۴	کارشناسی	
۲۶۵۶۸۴	-	۲۳۴۷۹۶	۳۳۴۲۶۸	۱۸۲۶۱۲	تحصیلات تکمیلی	
۲۳۶۴۹۳۱	-	۲۳۹۲۳۹۳	۲۵۰۲۶۰۹	۲۲۱۶۹۳۹	جمع	
۴۸۱۷۷۷۳		۴۶۹۰۷۱	۷۹۸۲۲۸	۵۰۳۵۴۳	کاردانی	غیردولتی
۱۲۰۶۳۲۰		۱۲۷۲۶۱۶	۹۸۹۴۳۱	۱۱۹۶۰۳۳	کارشناسی	
۲۴۷۹۷۷		۲۱۷۵۶۱	۳۰۹۷۳۲	۱۴۷۵۹۲	تحصیلات تکمیلی	
۱۹۴۲۰۷۰		۱۹۵۹۲۴۸	۲۰۹۷۳۹۱	۱۸۴۷۱۶۸	جمع	
۹۲۷۳۱۱		۱۰۰۰۱۶۴	۱۷۰۲۰۰۰	۱۰۵۳۰۸۶	کاردانی	کل دانشجویان دولتی و غیردولتی
۲۸۶۶۰۲۹		۲۸۹۹۱۲۰	۲۲۵۴۰۰۰	۲۶۸۰۸۱۷	کارشناسی	
۵۱۳۶۶۱		۴۵۲۳۵۷	۶۴۴۰۰۰	۳۳۰۲۰۴	تحصیلات تکمیلی	
۴۳۰۷۰۰۱		۴۳۵۱۶۴۱	۴۶۰۰۰۰۰	۴۰۶۴۱۰۷	جمع	

* هدف براساس طرح آمایش آموزش عالی استخراج شده است.

داده های مندرج در جدول ۳۵ نشان می دهند که مقرر بوده که در سال اول برنامه کل دانشجویان کشور اعم از کاردانی، کارشناسی و تحصیلات تکمیلی در دوی بخش دولتی و غیردولتی به ۴ میلیون و ۶۰۰ هزار نفر برسند که در عمل این تعداد با کاهش ۵/۴ درصد روبرو شد. سیاست کلی براساس طرح آمایش آموزش عالی توسعه تحصیلات در مقطع کاردانی بود در حالی که در سال ۹۰ که مقرر بود بالغ بر ۹۰۰ هزار نفر در مقطع کاردانی دانشجو وجود نداشته باشد این تعداد به بالغ بر ۵۳۰ هزار نفر رسید. و همین تنزل برای سال ۹۱ نیز ادامه پیدا کرد. برعکس تعداد دانشجویان در مقطع کارشناسی برخلاف هدف تعیین شده در طرح آمایش، شدیداً افزایش یافت.

به این ترتیب، داده‌های مزبور نشان می‌دهند که اگر چه طی سال‌های تحصیلی ۹۰ و ۹۱ تعداد دانشجویان سراسر کشور تغییرات محسوسی پیدا نکرد ولی در دو مقطع کاردانی و تحصیلات تکمیلی تغییرات محسوب بوده و در عمل هدف‌های پیش‌بینی شد محقق نگردید.

در بخش غیردولتی، تعداد دانشجویان در همه مقاطع بجز در مقطع تحصیلات تکمیلی طی سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ تغییرات محسوسی نداشتند. بنابراین سهم دانشجویان دولتی از کل دانشجویان که در سال ۸۹ معادل ۵۴/۵ درصد بود در سال ۹۱ تقریباً در همان حدود به ۵۴/۹ درصد رسید.

بخش دیگری از عملکرد در آموزش عالی، در سال اول برنامه پنجم توسعه مربوط به سایر شاخص‌های کمی در حوزه آموزش عالی می‌باشد که در جدول زیر نمایش داده می‌شوند.

جدول ۳۶- عملکرد شاخص‌های کلیدی حوزه آموزش عالی در دو سال اول اجرای برنامه پنجم توسعه (۹۴-۱۳۹۰)

ردیف	شاخص کلیدی	واحد متعارف	۸۹	۱۳۹۰		۱۳۹۱	
				هدف*	عملکرد	هدف	عملکرد
۱	تعداد دانشجویان در یک صد هزار نفر جمعیت	نفر	۵۵۸۹	-	۵۸۶۱	-	۵/۷۴۴
۲	نسبت دانشجو به هیات علمی تمام دولتی	درصد	۶۰	-	۶۱	-	۶۲
۳	نسبت دانشجو به هیات علمی تمام وقت غیردولتی	درصد	۶۵	-	۶۶	-	۶۴
۴	هزینه سرانه دانشجویی کل دولتی	هزار ریال	۱۱۱۶۷۱	۱۸۲۷۰۵	۱۱۴۸۹۷	-	-
۵	سهم دانشجویان کاردانی دولتی از کل دانشجویان دولتی	درصد	۲۷/۸	۳۶/۱	۳۰/۱	-	۱۸/۶
۶	سهم دانشجویان کارشناسی دولتی از کل دانشجویان دولتی	درصد	۶۶/۹	۵۰/۵	۵۶/۶	-	۷۱/۲
۷	سهم دانشجویان تحصیلات تکمیلی دولتی از کل	درصد	۸/۲	۱۳/۴	۹/۸	-	۱۱/۲

ردیف	شاخص کلیدی	واحد متعارف	۸۹	۱۳۹۰		۱۳۹۱	
				هدف*	عملکرد	هدف	عملکرد
	دانشجویان دولتی						
۸	سهم دانشجویان دولتی از کل دانشجویان	درصد	۵۴/۵	۵۴/۴	۵۵	-	۵۴/۹
۹	سهم دانشجویان قراردانی غیردولتی از کل دانشجویان غیردولتی	درصد	۲۷/۳	۳۸	۲۳/۹	-	۲۵/۱
۱۰	سهم دانشجویان کارشناسی غیردولتی از کل دانشجویان غیردولتی	درصد	۶۴/۷	۴۷/۲	۶۴/۵	-	۶۲/۱
۱۱	سهم دانشجویان تحصیلات تکمیلی غیردولتی از کل دانشجویان غیردولتی	درصد	۸	۱۴/۸	۱۱/۱	-	۱۲/۸
۱۲	سهم دانشجویان غیردولتی از کل دانشجویان	درصد	۴۵/۵	۴۵/۶	۴۵	-	۴۵/۱
۱۳	نسبت دانشجویان به جمعیت ۱۸-۲۴ ساله	درصد	۳۴	۳۹	۳۹	-	۳۹
۱۴	سرانه فضاهای آموزشی	مترمربع	۸/۰۷	۱۱/۳۴	۸/۵۹	-	-

ماخذ: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری - موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی

این شاخص‌ها گویای این واقعیت‌اند که اولاً سهم دانشجویان بخش دولتی و غیردولتی از سال ۱۳۸۹ تا ۱۹۹۱ از کل دانشجویان کشور تقریباً ثابت مانده است (حدود ۵۵ درصد دولتی و ۴۵ درصد غیردولتی). ثانیاً، علیرغم اینکه انتظار می‌رفته بخش غیردولتی، در نظام آموزش عالی نقش بیشتری در تربیت نیروی انسانی بردارد و کارشناس داشته باشد رفته رفته سهم و نقش مشابهی در تولید نیروی انسانی با تحصیلات تکمیلی پیدا کرده است (قابل مقایسه است سهم دانشجویان تحصیلات تکمیلی دولتی از کل دانشجویان دولتی با مورد مشابه غیردولتی از کل دانشجویان غیردولتی) ثالثاً، با افزایش تعداد دانشجویان در سراسر کشور (در بخش دولتی و غیردولتی) بدون تأمین اساتید مورد نیاز سبب دور شدن از استانداردها در خصوص نسبت دانشجو به استاد

می‌گردد. همین امر حتی در تجربه کشور ایران مؤید این است که در برخی از دوره‌های برنامه‌ریزی نسبت دانشجویان به استاد ۱ به ۲۰ بوده است در حالی که این رقم در سال‌های ۹۰ و ۹۱ به نسبت یک استاد در مقابل ۶۱ و ۶۲ دانشجوی رسیده است.

عملکرد شاخص‌های کلیدی و متغیرهای عمده در حوزه پژوهش و فناوری در برنامه پنجم توسعه

بررسی و ارزیابی وضع تحقیقات و فناوری در طی دو سال اجرای برنامه پنجم توسعه به صورت مختلف امکان‌پذیر است اما به دلایل مختلف از جمله عدم وجود داده‌های موثق از بخش‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی و همچنین فقدان واحدهای تحقیق و توسعه در کشور ناگزیر به آمار منتشر شده از سوی برخی از نهادهای دولتی استناد می‌شود. این داده‌ها معمولاً براساس چند شاخص کلیدی و متغیر عمده قابل دسترسی‌اند که در اینجا به چند مورد عمده آنها توجه داده می‌شود.

جدول ۳۷- عملکرد حوزه پژوهش و فناوری بر حسب شاخص‌ها و متغیرهای کلیدی در برنامه پنجم توسعه (ارقام به میلیون ریال)

شاخص متغیر	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۰
- سهم بخش پژوهش از تولید ناخالص داخلی (درصد)	۰/۶۳	۰/۹۲	۰/۸۲
- سهم بخش پژوهش از بودجه عمومی دولت (درصد)	۱/۹۴	۲/۵۴	۲/۹۱
- اعتبارات مصوب پژوهشی از محل شرکت‌های دولتی، بانک‌ها و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت	۴۸۲۶۷۰۰	۶۲۵۸۸۲۶	-
- اعتبارات مصوب از محل بودجه عمومی	۲۲۰۹۷۵۸۶	۴۳۱۲۸۷۱۷	-
- اعتبارات از محل درآمدهای اختصاصی	۴۲۹۹۲۹۹	۶۲۱۲۵۱۶	-
- کل اعتبارات مصوب پژوهشی از محل بودجه کل کشور	۲۶۹۲۴۲۸۶	۴۹۳۸۷۵۴۳	-

جدول ۳۷ نشان می‌دهد که در دو سال نخست اجرای برنامه پنجم توسعه علیرغم اینکه بایستی سهم بخش پژوهش تا پایان برنامه در سال ۱۹۹۴ به رقم ۳ درصد برسد، در دو سال اول هنوز به یک درصد هم نرسیده

است، همچنین سهم هریک از بخش‌ها از حجم اعتبارات مصوب پژوهش در کشور طبق برنامه با ترکیب ۱۷/۹ درصد در سال ۸۹ از محل شرکت‌های دولتی، بانک‌ها و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت و ۸۲ درصد از محل بودجه عمومی، باید تأمین شود، مؤید این نکته است که بخش پژوهش هنوز نوپاست و توان تولید و درآمدزایی لازم را ندارد. صرفنظر از اینکه آیا این مبالغ واقعاً در حوزه پژوهش و فناوری صرف می‌شود یا خیر جای سؤال است زیرا شواهد و قراین حاکی از این است که همین تعداد قلیل در جاهای دیگر هزینه می‌شوند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این مطالعه، تلاش شد تا سیر تحول برنامه‌ریزی در نظام آموزش عالی ایران در دو حوزه آموزش و تحقیقات از منظر برنامه‌های توسعه در نیم قرن گذشته بررسی و نشان داده شود. عموماً این برنامه‌ها با مطالعات مقدماتی و با توصیف و تحلیلی از شرایط موجود در کشور و بخش مورد نظر آغاز شده‌اند. مطالعات وضع موجود، اولاً معمولاً درصد پیشرفت و میزان موفقیت یا عدم موفقیت برنامه قبلی را طبق مفاد برنامه ذیربط نشان می‌دهد. ثانیاً، موانع و عوامل پیش روی برنامه قبلی را شناسایی می‌کند ثالثاً، مسائل جدیدی را که در حین اجرا در برنامه قبلی بروز کرده یا دیده نشده کشف و شناسایی می‌کند. رابعاً، مسائل جدید بخش شناخته و معرفی می‌شوند.

در این مطالعه، در بررسی هر مرحله سعی بر آن بود که نگاهی به شرایط پیش از تدوین هر برنامه بشود و مسائل و مشکلات و نیازهایی که بر پایه آنها برنامه ریزی و تدوین صورت گرفته معرفی گردند و در همان حال مفاد و جزئیات هر برنامه و نتایج و عملکرد آنها به تفکیک در دو حوزه آموزش و پژوهش استخراج و مورد توجه قرار گیرند.

بطور خلاصه در طول سالهای گذشته نظام آموزش عالی کشور و دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی در بسیاری از دوره‌ها از تعارضات و مشکلات گاه جدی و گاه پر چالش رنج می‌برده‌اند با این حال یک روند تدریجی و بطئی را در جهت توسعه آموزش عالی پیموده‌اند.

در این مطالعه اگر چه به صراحت به این نکات اشاره نشد ولی سایه چنین مسائلی را در هر دوره از برنامه‌ریزی نظام آموزش عالی و خاصه تحقیقات مشاهده کرده‌ایم. در دوره نخست برنامه‌ریزی برای آموزش عالی در دو حوزه آموزش و پژوهش در برنامه‌های عمرانی چهارم و پنجم پیش از انقلاب اسلامی تا پس از خروج از یک دهه بحران انقلاب در برنامه‌های اول تا پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پس از انقلاب اسلامی، جای جای این هفت برنامه ملی توسعه نکات بسیار ارزنده و آموزنده به چشم می‌خورند که بخوبی می‌توان طیف‌های گسترده و نگرش‌های گاه متفاوت توسعه‌ای را در کشور مشاهده نمود. بطور خلاصه در برنامه عمرانی چهارم چند هدف دنبال می‌شد: یکم، «بهبود کیفیت آموزش عالی» دوم، «تقویت شورای تجهیز و هماهنگی نیروی انسانی» سوم، «ایجاد شرایط مناسب کار برای امور علمی و تحقیقاتی»، و بالاخره چهارم، «تمرکززدایی از نظام آموزش عالی در کشور». در این برنامه متولیان و دست‌اندرکاران وقت مترصد دگرگون ساختن شکل جامعه ایرانی و تبدیل آن به یک جامعه مرفه، متفکر، قوی و یکپارچه بودند. به همین منظور شرط ظهور چنین جامعه‌ای را پدیدار شدن یک قشر نسبتاً بزرگ طبقه متوسط در ایران می‌دانستند. و برای تکوین و شکل‌گیری

چنین طبقه‌ای توصیه‌هایی می‌کردند هر چند زیرساخت‌های توسعه نیافتگی و بافت فرهنگی و اجتماعی کشور بگونه‌ای نبودند که فرصت لازم و سریع برای ظهور چنین طبقه‌ای را فراهم سازند.

در برنامه عمرانی پنجم توجه به این هدف معطوف بود که «نظام آموزشی کشور بایستی در جهت تأمین نیازهای آینده توسعه ملی» انجام وظیفه نماید. و برای دستیابی به این هدف لازم است مفاد آموزشی مرتباً مورد تجدیدنظر و نوآوری لازم قرار گیرد و بموازات افزایش کمی دانشجویان کیفیت آموزشی نیز ارتقاء یابد. به علاوه در این برنامه توجه به دستیابی به یک جامعه نوین داده شد تا زمینه برای پژوهش‌های علمی و فنی فراهم گردد. همچنین، برای تحقق چنین جامعه‌ای تأکید شد که بایستی مدیریت، نوآوری و تحقیقات در آینده ایران مورد توجه قرار گیرد. در برنامه عمرانی پنجم با چنین دورنمایی برای آینده کشور، علاوه بر تأکید بر عدم تمرکز در امور اجرایی تأکید بر ایجاد یک نظام اطلاعاتی بسیار وسیع و برخوردار از توانایی برای هماهنگی صورت گرفت. و برای این منظور به چند تحول اساسی در نظام آموزش عالی اشاره گردید.

- تحول در وظایف نظام آموزش عالی
 - افزایش سهم تحقیقات در این بخش و کاربرد آن در آموزش کشور
 - تأکید بر دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی به عنوان منابع یادگیری
 - توسعه و تجهیز کتابخانه‌ها، خوابگاه‌های دانشجویی، افزایش آزمایشگاه‌های علمی و تحقیقاتی
 - ارائه خدمات به اعضای دانشگاه‌ها و افزایش همبستگی و یکپارچگی دانشگاه‌ها
 - ایجاد تناسب بین رسالت اصلی و کارکردهای دانشگاه با بازار و کار و نیازهای توسعه کشور
- بر پایه چنین سیاست‌هایی، سیاست توسعه آموزش عالی در جهت کشف استعدادها و تحصیلی و عدالت آموزشی تعریف گردید.

اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی، و با عبور از بحران‌ها و کشاکش مسائل داخلی و بیرونی دانشگاه‌ها و نظام آموزش عالی در کشور، برای اولین بار نخستین برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تهیه و تدوین شد و برای نظام آموزش عالی و تحقیقات جایگاه ویژه‌ای تعریف گردید. اما پیش از این برنامه و درست در همان اوایل پیروزی انقلاب اسلامی، دست‌اندرکاران نظام آموزش عالی (در سال ۱۳۵۸) به سفارش نخست وزیر وقت گزارش مبسوطی از گذشته، حال و آینده این نظام و قابلیت‌های آن درخصوص سازندگی کشور ارائه کردند که نکات حائز اهمیت آن عبارت بودند از:

- عدم ارتباط رشته‌های تحصیلی در مؤسسات آموزشی با نیازهای ضروری کشور
- کثرت داوطلبان ورود به آموزش عالی

- برهم خوردن کلیه ضوابط و ناهماهنگی‌ها بین دانشگاه‌های مختلف به سبب تصمیمات هیات‌های امناء
 - مجانی بودن تحصیلات عالی و کمک‌های رفاهی به دانشجویان بدون ضوابط و نیازهای فردی و خانوادگی و اجتماعی آنها
 - مشکلات مدیریتی دانشگاه‌ها و حفظ حدود ورود به آکادمیک
- این گزارش براساس این جمع‌بندی تأکید نمود که بایستی برای اصلاح این نظام آموزشی از هرگونه تغییرات شتابزده پرهیز کرد و به تدوین یک سیاست آموزشی دقیق و خط‌مشی‌های اساسی در خور جامعه پس از انقلاب مبادرت ورزید. در همان حال باید نسبت به مسائل زیر چاره‌جویی نمود:
- گسترش متناسب آموزش عالی و تربیت کادر مورد نیاز فکری و خلاق جامعه
 - چاره‌اندیشی نسبت به انحلال هیات‌های امناء دانشگاه‌ها، جهت تسهیلات مالی و معاملاتی دانشگاه‌ها
 - تجدید نظر در برنامه‌های آموزشی مراکز تربیت معلم
 - اقدام نسبت به واحدهای آموزش عالی بر حسب نیازهای هر منطقه به نحوی که به صورت پایه مجتمع آموزش عالی توسعه نیابند
 - تقویت دوره‌های بالاتر از لیسانس برای تأمین قسمتی از کادر آموزشی مورد نیاز و نیز توسعه برنامه تحقیقات دانشگاه‌ها
 - تهیه و تدوین کتب و نشریات و مواد خواندنی و انتشار متون اصیل و معتبر ادبی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و دینی
 - ارزشیابی مستمر نسبت به برنامه‌های آموزشی و انجام اصلاحات ضروری هدف، ساخت و محتوای برنامه‌های آموزشی و جمع‌آوری اطلاعات و آمار
- از زمان ارایه این گزارش تا تدوین برنامه اول توسعه اتفاقات تلخ و شیرینی در نظام آموزش عالی ایران افتاد که جای طرح و یادآوری آنها در این جا نیست ولی همین تقریباً یک دهه خدشه بسیار عظیمی بر بنیان آموزش و تحقیقات کشور وارد ساخت از جمله، تحقیقات در عرصه‌های علوم انسانی و اجتماعی، زیست محیطی و میان رشته‌ای چندان مورد توجه قرار نگرفتند، و اگر تحقیقات مختصری صورت می‌گرفت در موارد خاص نظامی یا بعضاً صنعتی و کشاورزی بود که نتایج آنها در دسترس نیستند. بنابراین به تبع، مؤسسات و واحدهای تحقیقاتی در این حوزه‌ها شکل نیافتند.
- در برنامه اول توسعه در بخش آموزش عالی هدف «دستیابی به خودکفایی در زمینه‌های تخصصی» اعلام شد و برای نیل به این هدف چند سازوکار و خط‌مشی تعریف گردید از جمله:

- ایجاد گسترش مراکز آموزش عالی
 - افزایش سهمیه برای بخش‌های محروم در پذیرش دانشگاه‌ها
 - توجه به فارغ‌التحصیلات خارج از کشور و دعوت‌ها از آنان برای کار در استان‌ها
 - ایجاد تفاهم‌نامه‌های علمی در زمینه مبادله استاد و دانشجو با کشورهای خارجی بخصوص کشورهای که روابط دوستانه با ایران دارند در زمینه‌های تشکیل سمینارها و کنفرانس‌ها برای توسعه و تکمیل دوره‌های کارشناسی ارشد و دکترا
 - ایجاد قطب‌های علمی و تخصصی در دانشگاه‌های مستعد و ارتقاء سطح علمی سایر دانشگاه‌ها
 - توجه کامل به ارتقاء کیفی و آموزش و انطباق آن با اولویت‌های برنامه
 - استفاده حداکثری از ظرفیت‌های علمی، فنی، تخصصی و تحقیقاتی (کاربردی و بنیادی)
 - تأسیس فرهنگستان‌ها
 - انتقال تکنولوژی و ارتقاء علمی و فنی کشور
- در این برنامه ضمن توجه به اهداف و خط‌مشی‌های فوق توجه جدی نیز به گسترش آموزش عالی شده و به راه‌اندازی دوره‌های شبانه و نوبت دوم و پیام‌نور توجه داده شد.
- در این دوره اگرچه از بخش تحقیقات در کشور غفلت نشد ولی با توجه به توسعه کمی آموزش عالی تدریجاً بخش تحقیقات در سایه قرار گرفت.
- در برنامه دوم توسعه هدف آموزش عالی «تربیت نیروی انسانی مورد نیاز کشور» اعلام شد. و برای نیل به این هدف خط‌مشی‌های زیر مورد توجه قرار گرفت:
- گسترش آموزش‌های علمی، فنی، تخصصی و نیز فرهنگی و اعتقادی
 - توجه لازم به علوم و فنون و تکنولوژی مورد نیاز
 - بهبود شاخص‌های کمی و کیفی و افزایش درصد سهم اعتبارات آموزش عالی
 - توجه و تأکید بر رشد و تربیت نیروی انسانی مناطق محروم و روستایی
 - حمایت از کادر آموزشی کشور و جذب متخصصین ایرانی خارج از کشور
 - برقراری رابطه بیشتر بین مراکز علمی، تحقیقاتی کشور و مراکز تولیدی - صنعتی
 - آشنا ساختن جوانان با علوم و فنون جدید توأم با تعهد نسبت به ارزش‌های اسلامی
 - اصلاح نظام جمع‌آوری آمار و اطلاعات و اطلاع‌رسانی به صورت متمرکز
 - افزایش درصد اعتبارات تحقیقاتی از تولید ناخالص داخلی و بهبود شاخص‌های تحقیقاتی کشور

- دعوت از اعضای هیات علمی غیرایرانی از خارج
 - ایجاد نظام تحقیقاتی
 - تبیین اولویت‌های تحقیقاتی کشور و جهت دادن اعتبارات تحقیقاتی به سمت اولویت‌ها
 - برقراری رابطه منسجم بین مراکز علمی و تحقیقاتی با مراکز اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
 - حمایت مؤثر از تحقیقات در بخش‌های غیردولتی
 - تقویت ارتباط مراکز تحقیقاتی کشور با مراکز بین‌المللی
 - بکارگیری هر چه بیشتر دانشگاه‌ها در امر انتقال تکنولوژی
 - توسعه نرم‌افزاری تکنولوژی
- علاوه بر این سازوکارها و خط‌مشی‌ها توصیه وسیعی صورت گرفت که تحقیقات مختلف اجتماعی، اقتصادی و بویژه جمعیتی برای اجرای سیاست‌های کنترل جمعیت خانواده صورت بگیرد.
- در برنامه اول و بعداً در برنامه دوم ضعف نظام آموزش عالی توسعه بی‌رویه رشته‌ها و دانشکده‌های جدید، عدم تناسب تعداد دانشجویان با ظرفیت‌های فیزیکی و نیروی انسانی و توزیع نامتناسب منابع و امکانات بین فعالیت‌های آموزشی و غیرآموزشی دانسته شده است. برخی از شاخص‌های عمده در حوزه‌های آموزش عالی و پژوهش در ابتدای برنامه اول به شرح زیر بود:
- در سال ۶۷ تعداد اساتید دانشگاهی معادل ۹۴۷۴ نفر ،
 - شاخص تعداد دانشجو یک صد هزار نفر جمعیت معادل ۵۷۰ نفر،
 - شاخص نسبت دانشجو به استاد معادل ۲۱ نفر ،
 - تعداد محقق در یک میلیون نفر جمعیت معادل ۸۲ نفر ،
 - بودجه تحقیقات در سال ۶۷ معادل ۴۷/۸ میلیارد ریال
 - نیروهای محقق در بخش تحقیقات دانشگاهی معادل ۸۴۳۳ نفر (با ۵۱ درصد محقق و ۴۹ درصد کمک محقق)
 - نسبت اعتبارات پژوهشی به بودجه عمومی در سال ۶۸ ۱/۲۳ درصد (در سال ۶۷ این رقم ۰/۸۸ درصد بود)
 - نسبت تحقیقات به تولید ناخالص ملی GDP، ۰/۱۸ درصد ذکر شده است.
- اهداف تحقیقاتی در کشور در برنامه اول عبارت بودند از:
- رشد و ارتقاء زمینه‌های فرهنگی و سیاسی و اجتماعی

- ایجاد زمینه‌های مساعد جهت فعالیت‌های پژوهشی در کلیه بخش‌های علمی، فنی و فرهنگی
- در این برنامه فعالیت‌های پژوهشی در چهار برنامه تعریف می‌شدند که عبارت بودند از:
 - برنامه تحقیقات دانشگاهی
 - برنامه تحقیقات صنعتی و زیربنایی
 - برنامه تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی
 - برنامه تحقیقات کشاورزی، علوم فنی و اجتماعی
- مشکلات بخش تحقیقاتی کشور در برنامه اول توسعه عبارت بودند از:
 - فقدان یک نظام واحد و منسجم تحقیقاتی و مشخص نبودن اولویت‌های پژوهشی
 - عدم ارتباط دقیق سازمانی بین واحدهای مختلف تحقیقاتی
 - عدم امکان کنترل و نظارت کارآمد
 - عدم استفاده بهینه از امکانات و منابع تحقیقاتی موجود
 - عدم استفاده کامل از نتایج تحقیقات در بخش‌های تولیدی
 - عدم احساس نیاز به تحقیقات در این بخش‌ها
 - عدم آگاهی کافی پژوهندگان از مسائل و مشکلات اجرایی
 - کمبود نیروی کار تحقیقاتی بالفعل در کشور
 - نبود برنامه جامع پژوهشی در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی
 - نبود معیار ارزیابی و سنجش آثار پژوهش علمی
- در این برنامه برآورد شد که سهم تحقیقات از تولید ناخالص ملی به ۰/۶ درصد برسد.
- ارزیابی برنامه اول توسعه نشان داد که نقاط ضعف بخش تحقیقات کشور عبارتند از:
 - نبود انگیزه‌های کافی و محیط علمی مستعد جهت فعالیت‌های پژوهشی
 - کمبود نیروی کار تحقیقاتی کشور
 - نبود توجه کافی به امر زیربنایی در نظام تحقیقاتی کشور
 - نداشتن آگاهی کافی مراکز تحقیقاتی نسبت به نیازهای کشور
 - نبود ارتباط مؤثر بین مراکز تحقیقاتی و دانشگاه‌ها با دستگاه‌های اجرایی و بخش غیردولتی
 - عدم سرمایه‌گذاری کافی سازمان‌ها، بانک‌ها و صنایع در امر تحقیقات
 - مشخص نبودن جایگاه مراکز تحقیقاتی غیردولتی در نظام تحقیقاتی کشور

هر چند در این دو برنامه اقدامات متعددی از جمله موارد زیر صورت گرفت:

- وجود دانشگاه‌ها، مراکز تحقیقاتی در رشته‌های مختلف علمی
- وجود برخی از علاقمندان و پژوهشگران برجسته در برخی از رشته‌های علمی
- گسترش دوره‌های تحصیلات تکمیلی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و پژوهشی
- وجود حمایت نسبی از پژوهش در میان مدیران عالی کشور
- وجود نیروهای متخصص و پژوهشگر ایرانی در کشورهای جهان
- وجود ظرفیت انجام پروژه‌های تحقیقاتی مشترک ملی و بین‌المللی
- وجود تمایل به ایجاد ارتباط بین دانشگاه‌ها، مراکز تحقیقاتی و دستگاه‌های اجرایی کشور

ولی در آستانه تهیه و تدوین برنامه سوم توسعه در یک جمع‌بندی کلی بخش پژوهش همچنان مواجه با مسائل زیر بود:

- عرضه محور بودن
- خلاء مدیریت کلان و ستادی
- فقدان نظام جامع و کارآمد برای ارزیابی و نظارت درونی و بیرونی بر فعالیت‌ها و منابع تحقیقاتی و فناوری
- نبود یک نظام اطلاعات و بانک اطلاعاتی موثق و قابل اعتماد
- فقدان اطلاع‌رسانی علمی ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی
- پراکندگی موضوعات پژوهشی
- عدم فعالیت‌های تحقیقاتی برای تولید دانش و فناوری ملی
- اتکای بیش از حد منابع مالی این بخش به دولت
- فقدان قطب‌های علمی و تحقیقاتی و مؤسسات نظریه‌پردازی راهبردی
- نبود یک رویکرد جهت اولویت‌بندی نیازها و کشف تنگناهای پژوهشی
- کمبود محقق کارآمد
- بی‌توجهی به نقش و منزلت پژوهشگر و جایگاه آن در فرآیند توسعه و مدیریت اجرایی کشور با سطوح مشابه بین‌المللی
- فعال نبودن شوراهای پژوهش و فناوری در مناطق

- استفاده ناقص از ظرفیت‌های سخت‌افزار موجود

- نامشخص بودن مزیت‌های نسبی کشور در علوم و فناوری

در جمع‌بندی دو برنامه اول و دوم توسعه بویژه در حوزه تحقیقات علاوه بر ضعف‌ها و نارسایی‌های پژوهش در کشور، این بخش با چالش‌های متعددی نیز دست و پنجه نرم می‌کرد که لازم بود برای تدوین برنامه سوم توسعه به آنها توجه جدی شود. بنابراین، برنامه سوم توسعه می‌بایستی در حوزه پژوهش با نگاهی به این چالش‌ها تهیه و تدوین شود. این چالش‌ها عبارت بودند از:

۱- نبود تقاضا برای انجام پروژه‌های پژوهشی

۲- فقدان زنجیره تحقیق - فناوری - توسعه در مدیریت و اجرای فعالیت‌های اقتصادی بدلیل روشن نبودن

راهبردهای توسعه و فضای سیاسی نامناسب در برنامه توسعه کشور

۳- ناکارایی نظام تحقیقاتی موجود برای سازماندهی فعالیت‌های پژوهشی

۴- نارسایی‌های متعدد در نظام اطلاع‌رسانی

۵- نارسایی نظام آموزشی در زمینه ایجاد و اشاعه روح تحقیق و نوآوری

۶- گسترش فرآیند شکاف علمی و فناوری بین ایران و دیگر کشورهای توسعه یافته جهانی

اما در برنامه‌های اول و دوم، با فعالیت‌ها و اقداماتی که در دو حوزه آموزش و پژوهش صورت گرفت در مجموع تحولاتی روی داد از جمله: فرصت‌هایی برای دسترسی اقشار کم درآمد در مناطق کمتر توسعه و همچنین برای زنان فراهم شد، اهداف کمی نیروی دانش‌آموخته دانشگاهی در سطح کارشناسی تحقق یافت. رشد و توسعه تحصیلات تکمیلی و افزایش صرفه‌جویی در ارز حاصل شد، توسعه آموزش غیردولتی و مشارکت عمومی افزایش یافت، ظرفیت‌های فیزیکی در آموزش عالی بالا رفت. ولی در عین حال به خاطر فقدان برنامه و خط‌مشی‌های بلندمدت برای گسترش آموزش عالی، توسعه نامتوازن ایجاد شده بود هنوز در این نظام و مؤسسات وابسته آن اختیارات کافی، انعطاف‌پذیری و پویایی لازم و مطلوب برای پاسخ به نیازها وجود نداشت و در همان حال عدم انسجام، هماهنگی و ثبات در سیاست‌های کلان آموزش عالی که متأثر از تعداد مراجع تصمیم‌گیری، نواقص قانونی و اثرات نامطلوب آن بر مؤسسات و واحدهای آموزش عالی هستند به چشم می‌خورد. به علاوه، یک نظام جامع و کارآمد ارزیابی و نظارت برای اصلاح روندها و بهبود کیفیت وجود نداشت، بیش و کم تحقیقات وابسته به بودجه دولتی بود و تنوع منابع ایجاد نشده بود. گفته شد که نظام آموزش عالی کشور تکیه بیش از حد بر دروس نظری و انباشت محفوظات دارد و به پرورش مهارت‌ها، کارآفرینی، خلاقیت و نوآوری بی‌توجه است. در کادر علمی و اعضای هیات‌های علمی دانشگاه‌ها از نظر تعداد، ترکیب، مراتب علمی و

روزآمدی کمبود وجود دارد، تولید دانش در کشور در مقایسه با سایر کشورهای در سطح جهان پایین است و یک ناسازگاری جدی میان توسعه آموزش عالی با ظرفیت‌های بازار کار و اشتغال وجود دارد.

به این ترتیب، برنامه سوم توسعه بر پایه دو فرض عمده در حوزه آموزش و تحقیقات تدوین شد یکی آنکه چنانچه سطح فناوری در بخش‌های تولیدی و خدماتی کشور همچنان پایین بماند قدرت رقابت در بازارهای جهانی همچنان رو به کاهش خواهد گذاشت و سهم ایران در صادرات بازار جهانی تنزل می‌یابد ثانیاً، وابستگی کشور به ارز همچنان افزایش می‌یابد. بر این مبنای هدف کلی برنامه در بخش آموزش عالی «ایجاد انسجام اجرایی و سیاست‌گذاری علمی کشور» قلمداد شد. لذا برای تحقق این هدف هم تشکیلات و وظایف وزارتخانه ذی‌ربط تغییر اساسی پیدا کرد و هم نام آن به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، تغییر یافت.

در این برنامه با توجه به هدف کلی یاد شده مقرر شد زمینه‌های مشارکت و سرمایه‌گذاری بخش غیردولتی و حمایت کمی و کیفی از فعالیت‌های پژوهشی و فناوری (بویژه کاربردی و توسعه‌ای) فراهم شود، برای تشویق بخش غیردولتی برای سرمایه‌گذاری در پژوهش، سیاست‌گذاری‌هایی شد.

در زیرساخت‌های تحقیقاتی کشور و نیز به توسعه ارتباطی با جهان توجه شد، بین مجموعه‌های "تأمین کننده اطلاعات"، «تأمین کننده خدمات» و «تأمین کننده ارتباطات» تفکیک ایجاد شد و در عین حال دو اقدام صورت گرفت یکی در جهت تغییر ساختار نظام آموزشی، تحقیقاتی و علمی کشور و دیگری درج وظایف و تکالیفی برای دستگاه‌های ذی‌ربط آموزش و تحقیق در برنامه.

اگر چه در دو برنامه قبلی اقداماتی در جهت خصوصی‌سازی آموزش عالی صورت گرفته بود ولی در این برنامه شدت بیشتری پیدا کرد و زمینه‌های تجاری‌سازی آموزش عالی در داخل و در حد محدودی برای پذیرش دانشجوی خارجی آغاز شد.

در قانون برنامه سوم توسعه، چند اختیار جدید به دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی سپرده شد از جمله به این دانشگاه‌ها و مراکز اجازه داده شد تا با رعایت قانون شرکت‌هایی تأسیس کنند که صرفاً در محدوده تحقیقات و خدمات علمی و فنی اقدام نمایند.

در نتیجه در این دوره به تبع مقررات و تکالیف قانونی چند اتفاق عمده رخ داد:

- آموزش عالی در بخش‌های دولتی و غیردولتی گسترش چشمگیری پیدا کرد
- مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی در بخش غیردولتی گسترش یافتند
- اختیارات دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی دولتی در سطوح مالی، مدیریت و آموزش بیشتر شد
- تسهیلات بانکی بیشتری برای این بخش فراهم گردید.

کلیه شاخص‌های آموزش عالی اعم از تعداد دانشجو، نسبت دانشجو به استاد، فضاهای آموزشی، تعداد اعضای هیات‌های علمی تمام وقت، نسبت بودجه تحقیقات و فناوری به بودجه عمومی دولت و درآمدهای اختصاصی و همچنین سهم تحقیقات از تولید ناخالص ملی بهبود پیدا کردند.

با وجود همه این تغییر و تحولات و بهبودهای نسبی، در یک جمع‌بندی کلی از برنامه سوم توسعه در حوزه‌های آموزش عالی و پژوهش، مشکلات متعدد و فراوانی همچنان ادامه داشت. این مشکلات بطور خلاصه عبارت بودند از:

- عدم استقبال بخش خصوصی از صندوق‌های پژوهش و فناوری غیردولتی
 - عدم تحقق کار گروهی در فعالیتهای پژوهشی و فناوری
 - عدم حمایت از انجمن‌های علمی و تخصصی
 - عدم نهادینه شدن پژوهش‌های بنیادی
 - عدم استقبال از مشارکت پژوهشگران دستگاه‌های اجرایی به دلیل مشکلات قانونی و غیره.
- برنامه چهارم توسعه که با یک سری جمع‌بندی‌ها و نظرخواهی‌های متعدد از شرایط موجود و نیز عملکرد برنامه‌های پیشین آغاز شد و تلاش شد تا بر پایه جمع‌بندی‌های بعمل آمده از پژوهش‌ها و دیدگاه‌های متخصصین هدف‌ها تعیین شوند تا بر پایه این نتایج سیاست‌گذاری‌ها و خط‌مشی‌های اجرایی تدوین گردند. بنابراین بخش آموزش عالی و تحقیقات با توجه به چالش‌های به شرح زیر مورد توجه قرار گرفت:
- عدم انسجام، هماهنگی و ثبات در سیاست‌های کلان آموزش عالی
 - افزایش وابستگی به خارج از کشور در صورت ادامه سرعت کند و بطئی تحولات علمی دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی در مقایسه با روند پرشتاب دنیای علم و فناوری
 - فقدان طرح جامع توسعه آموزش عالی و توسعه نامتوازن در استان‌های مختلف کشور
 - فقدان خط‌مشی بلندمدت توسعه منابع انسانی و هرم مطلوب نیروی انسانی
- علاوه بر توجه به چالش‌های فوق، مشکلات بخش پژوهشی کشور در یک جمع‌بندی مشابه دیگر ارایه گردید و این مشکلات و مسایل در برنامه سوم توسعه به شرح زیر عنوان گردید:
- بی‌توجهی به پژوهش به عنوان یک اقدام جهت دستیابی به توسعه
 - بی‌توجهی به مطالعات کارشناسی و بکارگیری نتایج و یافته‌های پژوهشی در بخش‌های مختلف
 - بی‌توجهی به نقش دانشمندان و پژوهشگران در فرآیند توسعه مدیریت اجرایی کشور
 - عرضه محور بودن پژوهش

- ناکارآمدی نظام موجود جهت مدیریت کلان فعالیت‌های پژوهشی
 - اتکاء بیش از حد منابع پژوهش به دولت و بودجه عمومی
 - وجود مقررات و محدودیت‌های اداری و مالی
 - فقدان انگیزه کافی در بخش‌های صنعتی و اقتصادی برای سرمایه‌گذاری در تحقیقات
 - عدم توجه به اعتبارات و منزلت اجتماعی و مالی و رفاهی پژوهشگران
 - عدم توجه به پرورش روحیه پژوهشگران، خلاقیت و نوآوری
 - فقدان قوانین مناسب جهت حمایت از حقوق مالکیت فکری پژوهشگران، مخترعان و مبتکران و ...
- براین اساس، این برنامه با توجه به دو ملاحظه زیر در حوزه آموزش عالی و تحقیقات تهیه و تدوین شد:
- یکی به علت افزایش منابع مادی اعتباری و افزایش تحصیل‌کردگان دانشگاهی فعالیت‌های تحقیقاتی از حالت رکود گذشته خارج و روند رو به بهبودی را طی می‌کند.
- دوم گسترش اطلاعات و ارتباطات که یکی از عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی بوده و در سال‌های اخیر در کشور مورد توجه قرار گرفته است اما باید به چالش‌های فرهنگی آن توجه شود و از طریق حفظ ارزش‌های فرهنگ بومی و ارتقاء سطح ارزش‌های اجتماعی جامعه اقدام نمود.
- با توجه به این ملاحظات دو چشم‌انداز کلی برای آینده نظام آموزش عالی در کشور ترسیم شد که عبارت بودند از ادامه وضع موجود و دیگری وضع مطلوب. این گزارش می‌افزاید در صورت ادامه وضع موجود، شکاف علمی بین ایران و دیگر کشورهای جهان گسترش می‌یابد، روند توسعه اقتصادی در نتیجه عدم استفاده از مزیت‌های علمی و تحقیقاتی کند می‌شود، کارایی و اثربخشی فعالیت‌های تحقیقاتی تقلیل پیدا می‌کند و مهاجرت نخبگان و نیروهای علمی کشور تشدید می‌گردد. اما در صورتی که خواهان وضع مطلوب هستیم باید همگام با روند توسعه اقتصادی و اجتماعی، کارایی این فعالیت‌ها (تحقیق و توسعه) اشاعه و دستاوردهای تحقیقاتی افزایش یابد و از منابع این بخش همراه با افزایش کارایی در عرصه عملی فعالیت‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی استفاده شود. در این صورت نرخ رشد هزینه‌های تحقیق و توسعه باید در بخش دولتی به ۲۵/۵ درصد و در بخش خصوصی به ۸ درصد بالغ گردند. نسبت تعداد محقق در یک میلیون نفر که در حال حاضر ۳۴۰ نفر است در سال ۱۳۹۴ به مرز ۱۵۰۰ نفر برسد. بر این مبنا سه شاخص عمده هزینه تحقیق و توسعه به تولید ناخالص ملی، هزینه تحقیق و توسعه به بودجه عمومی دولت و بخش خصوصی به ترتیب به ۳ درصد، ۲ درصد و یک درصد برسد.
- بر پایه همین فروض، راهبردهای به شرح زیر مطرح شدند:

- ۱- افزایش ظرفیت‌های کمی و کیفی پژوهش و مأموریت‌گرا کردن پژوهش
 - ۲- فراهم ساختن شرایط لازم برای تبدیل دانشگاه‌های آموزشی به دانشگاه‌های پژوهشی و کارآفرینی و تغییر نقش آنها از انتقال دانش به ایجاد زمینه‌های ابداع، نوآوری و خلق صنعت و قابلیت انجام کار به صورت مستقل.
 - ۳- توسعه بخش فناوری به عنوان مکمل بخش پژوهش و ارتباط دهنده آن با بخش تولید
 - ۴- گسترش استفاده از فناوری ارتباطات و اطلاعات
 - ۵- تعیین اولویت رشته‌ای تحقیقات در بخش دولتی
- به این ترتیب، راهبردها و سیاست‌های مذکور در این برنامه تبدیل به تکالیف و سازوکارهای اجرایی در قالب برنامه شدند که به طور خلاصه عبارت بودند از: (۱) طراحی و استقرار کامل نظام جامع حقوق مالکیت معنوی، تأمین و پرداخت بخشی از هزینه‌های ثبت جواز امتیاز علمی، بیمه قراردادهای پژوهشی، حمایت از پژوهش‌های سفارشی، توسعه ساختارها و زیربنای لازم برای رشد فعالیت‌های دانایی محور، اصلاح قوانین و مقررات، حمایت مالی مستقیم از مراکز و شرکت‌های کوچک و متوسط بخش خصوصی و تعاونی، کمک به دانایی و توسعه صندوق‌های غیردولتی پژوهش و فناوری.
- (۲) ساماندهی نظام پژوهش و فناوری کشور، تربیت نیروی انسانی روزآمد در فرآیند پژوهش فناوری، نوسازی شیوه‌های مدیریت بخش پژوهش، توسعه و همکاری بین‌المللی در عرصه پژوهش و فناوری، افزایش یکنواخت سرمایه‌گذاری دولت در امر پژوهش و فناوری
- (۳) ارزیابی مستمر دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و مؤسسات پژوهشی دولتی و خصوصی، بازنگری در رشته‌های دانشگاهی و ایجاد تولید واحد در سیاست‌گذاری و مدیریت امور مربوط به استعدادها درخشان.
- این برنامه علاوه بر تکالیف مقرر مزبور به دسترسی به فرصت‌های برابر آموزش، ارتقای توانمندی دانشگاه‌های مادر، سرمایه‌گذاری بخش‌های خصوصی و تعاونی برای ایجاد و توسعه دانشگاه‌ها و جلوگیری از خروج بی‌رویه سرمایه‌های انسانی، فکری و علمی و فنی کشور در مواد قانونی برنامه چهارم توسعه تاکید نموده است.
- در این برنامه در مرحله اجرا اگرچه با چالش‌هایی روبرو شد و حوزه آموزش عالی رشد و گسترش چشمگیری پیدا کرد ولی در بخش پژوهش و فناوری گزارش عملکرد چندانی منتشر نشد.

سیاست‌های راهبردی برای برنامه ششم توسعه

- هرگونه تحول یا توسعه در نظام آموزش عالی منوط به تغییر، اصلاح و تحول در نظام آموزش و پرورش است. زیرا تا زیربنای این آموزش در آموزش و پرورش تحول پیدا نکند و اصلاح نشود نمی‌توان یک آموزش عالی برجسته تخصصی و حرفه‌ای داشت که بتواند به نحو مطلوب تولید علم کند. نظام آموزش و پرورش ایران از ابتدا برای دانستن و یادگیری فنون و کاردانی در امور مختلف زندگی طراحی نشده است بلکه سیاست‌گذاران و کادر آموزشی این نظام در سطح مدرسه، تمامی هم و غم خود را معطوف به آماده‌سازی این افراد برای ادامه تحصیل در بخش آموزش عالی کرده بودند. بنابراین، متون و برنامه‌های درسی حول همین چشم‌انداز طراحی و ارایه می‌شود. هنوز آموزش و پرورش نخواستنه یا نتوانسته بخشی از دانش‌آموزان دوره متوسطه را برای کاردانی و کسب مهارت‌های زندگی آماده کند. در بسیاری از کشورها، در حوزه آموزش و پرورش دانش‌آموزان دوره متوسطه تمامی مهارت‌های اداری، نحو مکاتبات، کاریابی، راهنمایی و رانندگی و سایر مهارت‌ها را فرا می‌گیرند و گواهینامه‌های مربوط را دریافت می‌کنند. در عین حال، از دانش‌آموزانی که علاقه به یادگیری علمی و استعداد بیشتر تحصیلی دارند برای ورود به کالج‌ها و دانشگاه‌ها آمادگی‌های لازم را پیدا می‌کنند. بنابراین، اگر تحول مزبور روی دهد، آموزش عالی دیگر چنین سرمایه‌گذاری یا سیاست‌گذاری نمی‌کند که هر ساله شاخص پوشش آموزشی در گروه سنی ۱۸-۲۴ ساله در سطح آموزش عالی افزایش یابد. به عبارت دیگر این افتخار نیست که یک نظام آموزش عالی بتواند ۱۰۰ درصد افراد دارای دیپلم متوسطه را جذب کند.

- بی‌تردید دانشگاه و بطور کلی آموزش عالی نقش مؤثری در تولید ایده‌های نو دارد، درآمد افراد را افزایش می‌دهد و در عین حال کمک به رشد درآمد ملی می‌کند. دانش تولید شده توسط دانشگاه نیروی محرکه رشد اقتصادی و توسعه است کما اینکه در دوران کشاورزی زمین و در دوران صنعتی ماشین از جمله منابع ثروت بودند. در شرایطی که دانش نقش شایان توجه در رشد و توسعه ملی پیدا کرده منبع اصلی همین دانش عامل تعلق و علاقه و منبع سرمایه جامعه است. در چنین جامعه‌ای آموزش عالی منبع اصلی دانش، تولید و توزیع آن محسوب می‌گردد. از طرف دیگر رشد اقتصادی معمولاً بستگی به ظرفیت تولید کالاهای دانش‌بنیان دارد و آینده اقتصادهای دانایی محور به ظرفیت آنها در تولید دانش بواسطه «تحقیق و توسعه» و نه به کالاهای دانش‌بنیان دارد از اینرو، اقتصادهای دانش‌بنیان ارزش بیشتری را به دانش، اولویت‌بندی و توزیع آن می‌دهند. براین اساس می‌توان گفت دانشگاه و آموزش عالی منبع اصلی تأمین سرمایه انسانی مورد نیاز جامعه برای تولید دانش است. در نتیجه وقتی چنین کارکردهایی در آموزش عالی وجود دارد، سایر بخش‌های اقتصادی و اجتماعی باید آمادگی استفاده از این سرمایه‌های انسانی را داشته باشند در حالی که در شرایط کنونی، ساختار بخش‌های تولیدی،

تجاری و خدماتی کشور دانش‌بنیان نیستند و بنابراین آمادگی استفاده از این سرمایه‌های علمی را ندارند. از این رو باید بخشی از سرمایه‌گذاری‌ها در کشور معطوف به صنایع و سایر بخش‌ها شوند تا بتوانند از دانش‌های مدرن و فناوری‌های نو استفاده بهینه کنند و وقتی چنین اتفاقی روی دهد رفته رفته واحدهای تحقیق و توسعه در صنایع و فعالیت‌های مختلف کشور موضوعیت پیدا می‌کنند و بنابر این آنها دیگر نمی‌توانند بدون تحقیق و پژوهش در عرصه‌های مختلف فعالیت خود کالا و خدمات برای بازار تولید نمایند.

- چنانچه اقدامی به سیاست‌گذاری در بخش‌های مختلف کشور به شرح فوق ایجاد نگردد، داشتن دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی در سطح نسبتاً تراز جهانی، موجب فرار سرمایه‌های ملی از کشور خواهد شد کما اینکه شاهد چنین فرار سرمایه‌های ملی بوده‌ایم. بنابراین میزان توقع و رشد و توسعه آموزش عالی باید با شرایط توسعه یافتگی کشور سازگاری داشته باشد. از این رو، یکی از راه‌حل مطلوب برای آموزش عالی، توقف توسعه کمی آموزش عالی و در همان حال، تفکیک دانشگاه‌ها به دانشگاه‌های تولید دانش (تحقیقاتی)، دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی انتقال دانش و دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی حرفه‌ای و فنی می‌باشد. براین مبنا به گونه‌ای باید سیاست‌گذاری گردد که اولاً، در بخش دولتی، هیچیک از دانشگاه‌ها (بجز دانشگاه‌های برجسته و آنها در سطح روزانه) دانشگاه‌های پیام‌نور، شبانه، علمی - کاربردی و پردیس‌های آزاد حق پذیرش دانشجو برای تحصیلات تکمیلی نداشته باشند. ثانیاً، دانشگاه‌های آزاد، رشد کمی خود را محدود و کنترل نمایند و در سطوح تحصیلات تکمیلی، به آن دسته از واحدهای خود اجازه پذیرش در سطوح تحصیلات تکمیلی بویژه دکترا بدهند که کاملاً با استانداردهای دانشگاه‌های برجسته کشور از لحاظ آزمایشگاه، فناوری‌های نو، و بطور کلی از زیرساخت‌های دیجیتال، و فضاهای استاندارد آموزشی، نسبت دانشجو به استاد و غیره، بهره‌مند باشند. چنین سیاستی باید برای یک دوره پنج‌ساله در برنامه ششم به صورت مقدماتی و پایه انجام پذیرد.

- در همه دنیا برای پژوهش محور کردن دانشگاه‌ها و آموزش عالی، امکانات، فضاها و منابع مختلف برای پژوهشگران ایجاد می‌کنند. یکی از این امکانات و فضاها عبارتست از خوابگاه‌های دانشجویی مجهز به کتابخانه‌های فیزیکی و دیجیتالی، اینترنت، نشریات علمی روز و سایر امکانات. عموماً دانشگاه‌هایی که فاقد چنین امکاناتی باشند، دانشگاه‌ها و مراکز صرفاً حرفه‌ای و آموزشی هستند که دانشجویان ذی‌ربط صرفاً برای کسب دانش و مهارت در دپارتمان‌های ذی‌ربط شرکت می‌کنند. در حالی که در دانشگاه‌های بزرگ، برجسته و پژوهش محور، دانشجویان در اوقات غیرحضور در کتابخانه‌ها و آزمایشگاه‌ها و کارگاه‌های ذی‌ربط حضور می‌یابند و خود به جستجوی دانش می‌پردازد. بنابراین، در برنامه توسعه آینده باید به این مهم توجه جدی داشت و منابع و سیاست‌های کلی آموزش، تحقیق و فناوری را به همین موضوع معطوف ساخت.

- از سوی دیگر نظام اداری کشور باید طوری تغییر سیاست دهد یا سیاست‌های استعدادی یا شاخص‌ها و معیارهای ارتقاء کارکنان خود را اصلاح نماید که برخورداری از مدرک تحصیلی به منزله افزایش حقوق و مزایا تلقی نگردد. جامعه و اقتصادی می‌تواند دانش‌بنیان باشد که فعالیت‌های اداری و بوروکراتیک آن دانش‌بنیان باشند. وجود افراد یا کارکنان با ماهیت غیرعلمی سطح فعالیت‌ها را بشدت تنزل می‌دهند و از طرف دیگر، سازمان‌های اداری کشور کاملاً خصلت و روحیه کارمندمداری بخود می‌گیرند، کما اینکه هم اکنون با چنین پدیده‌ای روبرو هستیم. بنابراین سیستم اداری و بوروکراتیک علاوه بر واحدهای صف، در ستادهای آن بایستی چشم‌انداز و امید برای افراد واقعاً تحصیل کرده فراهم شود تا آنها بتوانند پس از جذب به کار شایسته اولاً در حیطه تخصصی خود اشتغال بکار یابند، ثانیاً، رضایت شغلی پیدا کنند و ثالثاً نسبت به سازمان متبوع خود کسب اعتماد نمایند.

- یکی از راه‌های کیفیت بخشیدن به آموزش عالی در کشور و در عین حال تأمین مالی برای واحدهای آموزش عالی پذیرش دانشجویان خارجی است. سیاست‌گذاری برای این حوزه از آموزش عالی چند نتیجه شایان توجهی خواهد داشت. یک آنکه بر مبادلات فرهنگی و مناسبات اجتماعی در محیط‌های دانشگاهی افزوده می‌گردد که خود سبب ارتقاء فرهنگی برای دانشجویان بومی از یک طرف و انتقال فرهنگی ایران برای دانشجویان خارجی از طرف دیگر می‌شود. دوم، دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی میزبان بجای مصرف‌کننده مداری مشتری مدار می‌شوند. سوم، برنامه‌های درسی و متون آموزشی علمی‌تر و کاربردی‌تر می‌گردند زیرا باید پاسخگوی نیازهای دانشجویان یا خریداران جدی‌تر باشند. چهارم اینکه استادان و اعضای علمی دانشگاه‌های میزبان سطح علمی خود را از نظر کیفیت آموزشی، دانش و زبان ارتقاء خواهند داد. زیرا، هم در یک رقابت علمی قرار خواهند گرفت و هم مجبور می‌شوند در تراز بالاتر انتقال دانش بدهند و همچنین دانشجویان داخلی در رقابت با هم‌تایان و هم‌کلاسی‌های خارجی خود وادار به تلاش بیشتر در کسب دانش بیشتر و کیفی‌تر خواهند شد.

- هر چند وضع قوانین جدید یا اصلاح آنها به معنای حل مشکلات در بخش آموزش و پژوهش نیست اما اصلاح یا وضع قوانین و مقررات جدید یا حتی حذف برخی از موانع قانونی در این خصوص می‌تواند ترتیبات جدیدی را برای ایجاد تحول فراهم سازند. از جمله این قوانین می‌توان به اصلاح قانون هیات‌های امناء دانشگاه‌ها اشاره نمود. تجربه چند دهه گذشته نشان داده که ترکیب اعضای هیات امناء دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی بیشتر معطوف به رتق و فتق تأمین و توزیع منابع مالی، ضوابط استعدادی و وضع برخی مقررات برای واحدهای ذیربط بوده است. در حالی که اگر این قوانین بگونه‌ای اصلاح شوند که پشتیبان نهاد علم و

پژوهش باشند، و صیانت از علم و متولیان آن نمایند، در برابر فشارهای بیرونی ایستادگی کرده و شرایط لازم جهت ارتقاء دانش و پژوهش را فراهم خواهند ساخت و در مجموع مدافع استقلال و آزادی دانشگاه خواهند شد.

- برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی کشور باید بگونه‌ای هدف‌گذاری شوند و سیاست‌های اساسی توسعه ملی را تعریف نمایند که بتوانند از خدمات و پتانسیل‌های آموزش عالی به صورت بهینه استفاده کنند. دانشگاه‌ها نباید مستقیماً با استفاده صرف از منابع مالی دولت‌ها اداره شوند زیرا در این صورت مجبورند به مثابه یک واحد یا سازمان اداری دولت یا حکومت عمل نمایند. براین اساس، برنامه‌های توسعه نباید مستقیم یا غیرمستقیم دانشگاه‌ها را مکلف کنند بلکه سیاست‌های برنامه باید به صورتی تعریف شوند که مؤسسات و دانشگاه‌ها بر حسب اختیارات و ظرفیت‌های خود بتوانند کمک‌های لازم را به آنها ارائه نمایند. در واقع نهاد آموزش عالی جزایر مستقل در یک نظام کلان ملی با اختیارات و آزادی‌های آکادمیک خود هستند. در حالی که دانشگاه‌های فعلی و بطور کلی نهاد آموزش عالی اختیارات لازم را ندارند ولی از آنها وظایفی خواسته می‌شود.

- علوم انسانی و اجتماعی در جامعه ایران چه از نظر آموزش و چه از نظر پژوهش نیازمند توصیف و تبیین مجدد است. این علوم از منطق، فلسفه و روش‌شناسی خاص خود برخوردار اند و در جامعه مثل هر کجای دیگری مثل سایر علوم همچون علوم طبیعی و محض دارای وظایف و کارکردهایی هستند.

این علوم در طی یک قرن اخیر توانسته جایگاه خود را در نظام آموزش عالی و نیز صحنه‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی تعریف کند و نقش‌های متعددی در جهت توصیف و شناخت مسائل، و نیز قضایا و مشکلات ایفا نماید. بنابراین، برای آنکه علوم انسانی و اجتماعی بازساخته گردند باید از وجوه مختلف مورد بررسی قرار گیرند. اول آنکه این علوم بایستی در مقایسه با علوم طبیعی و سایر علوم دیگر مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرند و گفته شود چگونه این علوم همچون سایر رشته‌ها در ساختار آموزش عالی مورد توجه قرار گرفت و برای خود جایگاهی پیدا کرد؟ دوم، نقش این علوم در جامعه ایران، در منطقه و جهان چیست و چه نقش‌هایی را می‌تواند ایفا کند. آیا بدون این علوم پیشرفت و توسعه امکان‌پذیر است؟ سوم، آیا جامعه‌ای که برای خود دورنمایی و منظری دارد و خواهان پیشرفت در جامعه و در جهان است می‌تواند بدون این علوم به هدف‌های خود دست یابد. چهارم، آیا سایر علوم کفایت حل همه مشکلات در جامعه و افراد را دارند؟ و آیا سایر علوم می‌توانند مشکلات افراد، گروه‌ها و جامعه انسانی را حل کنند، بشناسند و یا مورد توجه قرار دهند؟ آیا جامعه امروز بشر، که در همه سطوح با مخاطرات، رنج‌ها و کشمکش‌های مختلف روبروست می‌تواند بدون استفاده از علوم انسانی و اجتماعی جان بدر برد؟

به این ترتیب، علوم انسانی و اجتماعی بایستی اولاً، مورد توجه جدی قرار گیرند، و تصویری از وضع کنونی آنها در کل نظام آموزشی کشور ارائه گردد ثانیاً، این علوم صرفاً در چارچوب نظام آموزش عالی دیده و خلاصه نشوند بلکه در یک فرآیند کلی، وضعیت آنها در سطوح مختلف آموزش (از دوره تحصیلات متوسطه) کشور مورد بررسی قرار گیرند و در نهایت دامنه، تنوع، کارکرد و شرایط آنها در آموزش عالی به تصویر کشیده گردد. همچنین باید نیازهای کنونی جامعه مورد بررسی قرار گیرد، و توصیف و تحلیلی از وضع این علوم ارائه گردد و به عنوان مثال آیا وضع کنونی این گروه از علوم کفایت و ظرفیت پاسخگویی به مسائل روز را دارند؟ قابلیت‌های آنها چیست؟ مشکلات آنها کدامند؟ و مهم‌تر آنکه چه انتظاری از این علوم می‌رود و اساساً شناخت ما از این علوم چقدر است؟ آیا در تحلیل نهایی مشکل ما با این علوم از نظر محتوایی یا روش‌شناختی یا هستی‌شناختی است؟

- یکی از وظایف عهده آموزش عالی معطوف به پژوهش می‌باشد زیرا در سطح آموزش دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی قادراند با سهولت بیشتر از طریق ایجاد سیاست‌هایی شهریه‌هایی از دانشجویان دریافت نمایند و بدین وسیله راحت‌تر و سریع می‌توانند اقدامات اقتصادی کردن خود را به منصفه ظهور برسانند، و درهای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی را به روی همه اقشار مستعد و علاقمند برای ورود آزاد سازند در حالی که در سطح پژوهش این امکان کمتر وجود دارد و مهیا ساختن آنها مستلزم اقدامات بیشتر و توجه بخش‌های مختلف یک کشور به آن می‌باشد. زیرا، انجام پژوهش، به ویژه در گروه علوم انسانی و اجتماعی، نیازمند سیاست‌ها، برنامه‌ها و پشتوانه‌های مالی مستقیم و غیرمستقیم دولت‌هاست. به عبارت دیگر انجام هرگونه پژوهش نیازمند منابع مالی و حامیان مالی است و باید برای انجام آنها تقاضا وجود داشته باشد. سایر علوم مثل مهندسی، علوم طبیعی و ... راحت‌تر و سریع‌تر می‌توانند با بخش‌های مختلف مثل صنعت، اقتصاد و تجارت برای خود تقاضا ایجاد نمایند.

بنابراین نقش دولت‌ها در کمک و اعتلای علوم انسانی و اجتماعی در دو سطح کلی است یکی ایجاد زیرساخت‌های آموزشی و پژوهشی در آموزش عالی و دیگری تأمین مالی آنها برای انجام پژوهش می‌باشد. البته هرچه یک کشور پیشرفته‌تر و صنعتی‌تر باشد، بخش‌های مختلف بیشتری نیازمند نتایج تحقیقات علوم انسانی و اجتماعی خواهند بود.

اکنون، در همه جوامع، کثرت و تنوع کالاها به شدت افزایش یافته است (داخلی و خارجی) و در نتیجه یک رقابت شدید در میان ارائه‌کنندگان آنها وجود دارد. لذا، طبیعتاً آن منابعی که محصولاتی تولید می‌کنند یا خدماتی را ارائه می‌نمایند در یک بازار رقابتی قرار دارند و باید آنها را متناسب با سلیقه‌ها و انتخاب مردم سازگار سازند، و

مردم نیز بدلیل تنوع کالاها و خدمات و نیز آگاهی بیشتر از بازار قدرت انتخاب بیشتری پیدا نموده‌اند. براین اساس ، ارایه کنندگان کالاها و خدمات برای شناخت بازار نیازمند تحقیق و مشاوره‌های تخصصی هستند. همین تغییرات کنونی در بازار میل به تحقیق و نتایج تحقیقات علوم انسانی و اجتماعی را دو چندان ساخته است.

منابع و مأخذ:

- ۱- یمینی دوزی سرخابی محمد، دانشگاه مجازی.
- ۲- جواد دلانتي، دانش در چالش، علی بختیاری نژاد، مقدمه، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۳.
- ۳- سازمان برنامه، برنامه چهار عمرانی (۵۰-۱۳۴۶) - بخش آموزش.
- ۴- سازمان برنامه، ارزیابی از برنامه چهارم و دورنمای بیست ساله بخش آموزش و پرورش: ۱۳۵۳.
- ۵- سازمان برنامه، نظام اقتصادی، اجتماعی، سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها، ۱۳۸۵.
- ۶- سازمان برنامه، قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۷۲-۱۳۶۸).
- ۷- پیوست قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۷۲-۱۳۶۸).
- ۸- گزارش عملکرد برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۷۲-۱۳۶۸).
- ۹- سازمان برنامه و بودجه، گزارش‌های اقتصادی بخش آموزش عالی و تحقیقاتی از سال ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۳.
- ۱۰- ریاست جمهوری، شورای پژوهش‌های علمی کشور - گزارش ملی تحقیقات در سال ۱۳۷۳.
- ۱۱- سازمان برنامه و بودجه، گزارش‌های اقتصادی سال‌های ۷۴ الی ۷۹، بخش‌های آموزش عالی و تحقیقات.
- ۱۲- سازمان برنامه و بودجه، قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۷۸-۱۳۷۴).
- ۱۳- قانون تشکیلات و وظایف وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- ۱۴- مستندات برنامه دوم و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.
- ۱۵- سازمان برنامه و بودجه، مستندات لایحه برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.
- ۱۶- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، گزارش‌های اقتصادی ۱۳۷۹ الی ۱۳۸۷.
- ۱۷- مرکز آمار ایران، نتایج آمارگیری اشتغال و بیکاری در سال‌های ۷۷، ۷۹، ۸۱ و ۱۳۸۳.
- ۱۸- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، مبانی نظری و مستندات برنامه چهارم توسعه.
- ۱۹- سازمان همکاری‌های اقتصادی و اجتماعی ملل متحد، گزارش توسعه انسانی ۲۰۰۱.
- ۲۰- گزارش عملکرد برنامه سوم توسعه.
- ۲۱- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، مبانی نظری لایحه برنامه چهارم توسعه.
- ۲۲- قوانین بودجه سنواتی سال‌های ۱۳۶۸ الی ۱۳۹۲.
- ۲۳- وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.